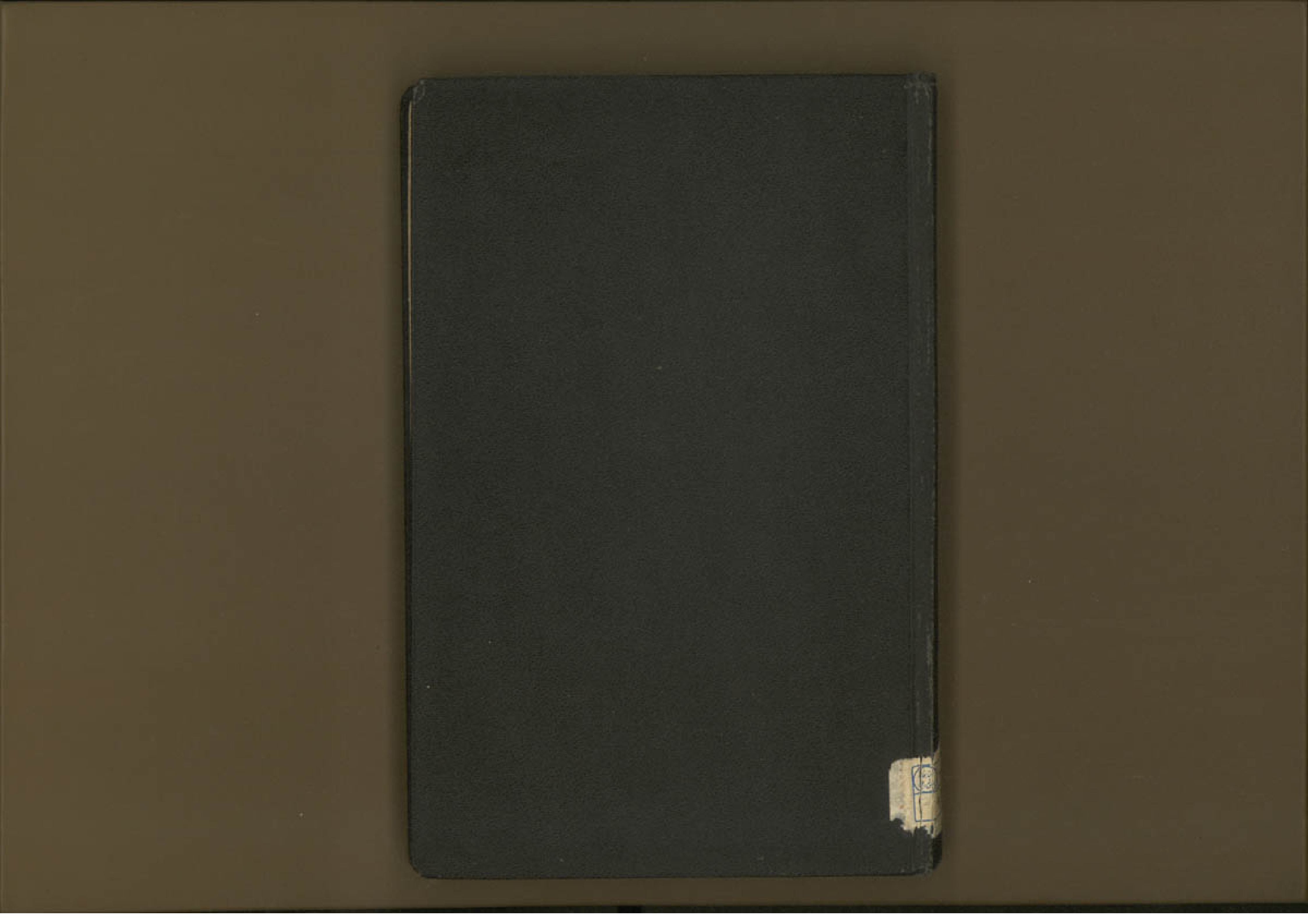
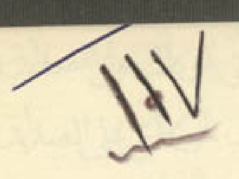
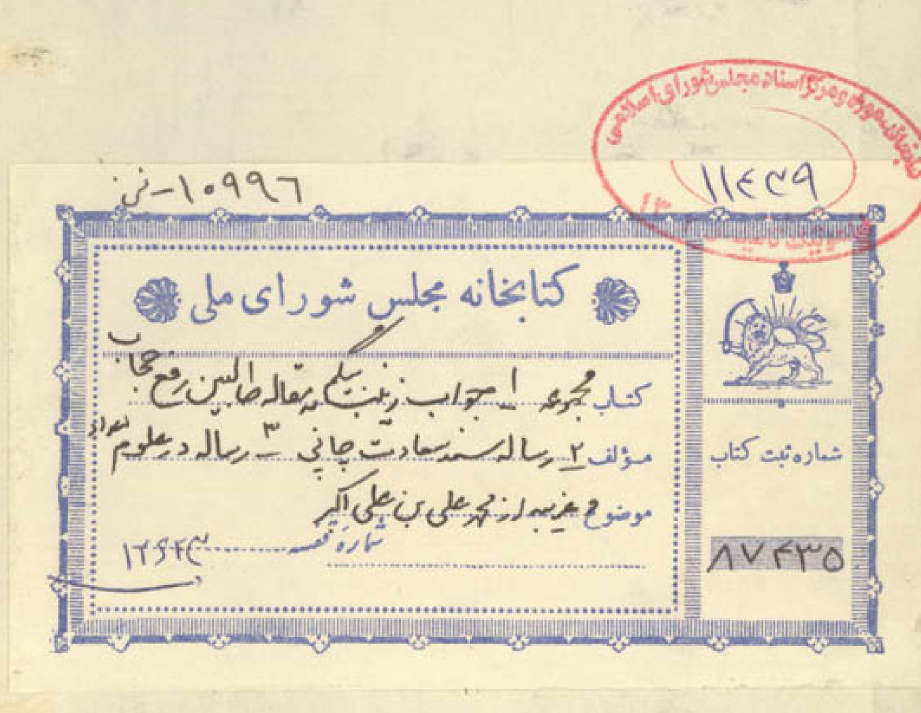














انكحت وزوجت موكلتي موكلك على الصداق — انكحت موكلتي موكلك على الصداق

انكحت وزوجت موكلك موكلتي على الصداق — انكحت موكلك موكلتي على الصداق

انكحت وزوجت موكلتي لموكلك على الصداق — انكحت موكلتي لموكلك على الصداق

انكحت وزوجت موكلك لموكلتي على الصداق — انكحت موكلك لموكلتي على الصداق

انكحت وزوجت موكلتي من موكلك على الصداق — انكحت موكلتي من موكلك على الصداق

انكحت وزوجت موكلك من موكلتي على الصداق — انكحت موكلك من موكلتي على الصداق

زوجت موكلتي موكلك على الصداق

انكحت وزوجت المراة المعلومة للرجل المعلوم على الصداق المعين — زوجت موكلك موكلتي على الصداق

زوجت موكلتي لموكلك على الصداق

زوجت موكلك لموكلتي على الصداق

انكحت وزوجت الرجل المعلوم للمراة المعلومة على الصداق — زوجت موكلتي من موكلك على الصداق

زوجت موكلك من موكلتي على الصداق

انكحتها وزوجتها اياه على الصداق — زوجت موكلتي بموكلك على الصداق

زوجت موكلك بموكلتي على الصداق

انكحت المرئة المعلومة للمرء الحاضر على المعلوم

على المعلوم / في الكاتبين / على الناظر / على المهر المعين الموصوف / على الصداق المعين المذكور / على الصداق المعين الموصوف

نكاح دائمی و زوجیه همیشگی دادم موکل خودرا — من وصل کردم موکل خودرا بموکل شما بصداق مبلغ معین

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه
محمد واله الطيبين الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم ومخالفيهم
وغاصبي حقوقهم اجمعين الى يوم الدين اما بعد
فقد قال الله تبارك وتعالى فى محكم كتابه الكريم ومبرم خطابه
العظيم وانكحوا الايامى منكم والصالحين من عبادكم وامائكم
ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم وقال
رسول الله صلى الله عليه واله تناكحوا تناسلوا تكثروا فانى
اباهى بكم الامم يوم القيمة ولو بالسقط وقال رسول الله صلى
الله عليه واله النكاح سنتى فمن رغب عن سنتى فليس منى
پس بمقتضى كتاب الله وسنه رسول الله صلعم

خرد معقول بكيتى نكند ميل دو چيز تا همه وقت وجودش بسلامت باشد
زن نكيرد اگرش دختر قيصر باشد
وام نستاند اگر وعده قيامت باشد

قتى بن ساعدة ايادى بالضم حكيمى بود بليغ در عرب
وششصد سال زندگانى نمود منه الحديث
يرحم الله قسا انى لارجو يوم القيمة ان يبعث
امة وحده

حبيب را ابو محمد موسى ج
ذكر النسب از بوستان گيست



الحمد لله ممسانا ومصبحنا بالخير صبحنا ربي ومسانا
رب الحنيفة لم تنفد خزائنها مملوة طبق الآفاق سلطانا
الا نبي لنا منا فيخبرنا ما بعد غايتنا من راس محيانا
وبينما نقتني الاولاد افنانا
وقد علمنا لو ان العلم ينفعنا
ان سوف يلحق اخرانا باولانا
يا رب لا تجعلني كافرا ابدا واجعل سريرة قلبي الدهر ايمانا

طالعى كز مطلع بيچون دمد
نور حسنش دمبدم افزون دمد
مطلق است ار حق ودر قيد نيست
كار يزدان كار عمرو وزيد نيست

دارم گنهى كه پشت ايمان شكند
با نازبيان بت پرستان شكند
باركنهم اگر بميزان سنجند
ترسم كه بروز حشر ميزان شكند

ابر باران بار دخورشيد نور
انچه در فطرت بود يابد ظهور

اللهم بارك لهما وطيب نسلهما ووسع
رزقهما واختم عواقب امورانهما وامور اتنا
بالخير والسعادت بمحمد واله الطاهرين

ابيات سلمان

قیس بن عاصم المنقری با وفد بنی تمیم

بر رسول خدا ص در آمد و بر حسب فرمان عمل کرده بحضرت شتافت و عرض کرد یا رسول الله ما را موعظتی فرمای

قالَ یا قیس اِنَّ مَعَ العزِّ ذُلّاً وَاِنَّ مَعَ الحیوةِ موتاً وَاِنَّ مَعَ الدُّنیا آخِرَةً وَاِنَّ لِکُلِّ شَیءٍ حَسیباً وَعَلی کُلِّ شَیءٍ رَقیباً وَاِنَّ لِکُلِّ حَسَنَةٍ ثَواباً وَلِکُلِّ سَیِّئَةٍ عِقاباً وَاِنَّ لِکُلِّ اَجَلٍ کِتاباً وَاِنَّهُ یا قیس لا بُدَّ لَکَ مِن قَرینٍ یُدفَنُ مَعَکَ وَهُوَ حَیٌّ وَتُدفَنُ مَعَهُ وَاَنتَ مَیِّتٌ فَاِن کانَ کَریماً اَکرَمَکَ وَاِن کانَ لَئیماً اَسلَمَکَ لا یُحشَرُ اِلّا مَعَکَ وَلا تُحشَرُ اِلّا مَعَهُ وَلا تُسئَلُ اِلّا عَنهُ وَلا تُبعَثُ اِلّا مَعَهُ فَلا تَجعَلهُ اِلّا صالِحاً فَاِنَّهُ اِن کانَ صالِحاً لَم تَأنَس اِلّا بِهِ وَاِن کانَ فاحِشاً لا تَستَوحِشُ اِلّا مِنهُ وَهُوَ عَمَلُکَ

ای قیس عزت با ذلت هم آغوش و زندگانی با مرگ هم دوش میرود تا از این دنیا عقبی در آید و هر چیز را معرض حساب گذارند و نیکوئیها را پاداش و کردار بد را زشت مکافات فرماید ای قیس ناچار قرینی با تو در خاک سپارند او زنده باشد و تو مرده باشی اگر او نیکو باشد ترا نیک بدارد و اگر نه بدست عقاب و نکال سپارد محشور نشوی الا با او و انگیخته نگردی الا با او و از تو پرسش نکنند جز از او همانا آن قرین اعمال تو باشد از اجز صالح مخواه چه اگر صالح است انس دیگر تو را خواهد داشت و اگر نه تمام وحشت و دهشت از او بینی چون بدینجا رسید قیس عرض کرد یا رسول الله این سخن منظوم شود تا افتخار باشد از میان صحابه مردی که صلصال نام داشت برخاست و اجازت یافته این شعر را انشاء کرد

انشاء صلصال فرمایش حضرت رسول صلوات الله علیه
قیس بن عاصم

تَخَیَّر قَریناً مِن فِعالِکَ اِنَّما
قَرینُ الفَتی فِی القَبرِ ما کانَ یَفعَلُ

فَلا بُدَّ لِلاِنسانِ مِن اَن یُعِدَّهُ
لِیَومٍ یُنادَی المَرءُ فیهِ فَیُقبِلُ

فَاِن کُنتَ مَشغولاً بِشَیءٍ فَلا تَکُن
بِغَیرِ الَّذی یَرضی بِهِ اللهُ تُشغَلُ

فَما یَصحَبُ الاِنسانَ مِن بَعدِ بَعثِهِ
وَمِن قَبلِهِ اِلّا الَّذی کانَ یَعمَلُ

اَلا اِنَّما الاِنسانُ ضَیفٌ لِاَهلِهِ
یُقیمُ قَلیلاً عِندَهُم ثُمَّ یَرحَلُ



هو

جوابیه زینبیه کم

از مقاله ضاله طالبین رفع حجاب

بسیار قابل توجه است

وجاهت رجعت وانفجعت
مجعجعت

نمره ابراهیم شکیبی قلم مطبع سعادت شیراز

هو الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدای تبارک و تعالی پس از بیان پاره از احکام نسوان در سوره نساء
فرموده — یرید الله لیبین لکم و یهدیکم سنن الذین
من قبلکم و یتوب علیکم والله علیم حکیم والله یرید
ان یتوب علیکم و یرید الذین یتبعون الشهوات ان
تمیلوا میلا عظیما — از بدو خلقت آدم تا انقراض امم
پیوسته دو دسته از نوع بشر در منازعه با یکدیگر بوده و خواهند
بود و هر زمانی بمقتضای صلاح وقت دائم غلبه با یکی از آن دو
است یکدسته الهی دین پرور که نوع بشر را بسوی صلاح و نجات
دنیا و آخرت سوق میدهند و تعبیر از این دسته بانبیا و رسل
و اوصیاء و حجج و علماء حقه ربانیه مینمایند دسته دیگر طبیعی شهوت

شهوت پرست که مبدا و معادی را معتقد نباشند و بشر را
حیوانی دانند مثل سایر حیوانات عجم ولذا این نژاد بسوی
شهوت رانی و خدا ازائی مرکشانند و چون زمانی نتوانند
مقاومت با دسته اول نمایند در صورت ادیان باطله مختلفه
در آمده و از راه دیانت در ریشه احکام دینی بر میکشند بتاریخ
انبیاء کاذبه و خلفای جور و زنادقه و علماء سوء مضیعه
رجوع شود تا حقیقت امر کشف گردد و از این رو امروز که دوره
ترقی معارف است و شعشعه انوار اسلام عالم را روشن
کرده خورده خورده فلسفه احکامش با افکار غیر معتقدین
ظاهر میشود طبیعی شهوت پرست مشوش گشته دست
و پا میزنند و چون فاقد سیف و سنان است بشمشیر زبان
و نیزه قلم حدیث و تضییع اسلام و اهانه احکامش کرده و هر گونه
نسبتهای سوء بقائدین او و مروجینش میدهد برای پیشرفت

مقاصد خویش و بعضی پستی روزنه‌های ان نیت و کشودن
درهای حیوانیت) از انجمله در میدان رفع حجاب از زنان
مسلمانان افتاده جولان میزند تا مانند طبیعیهای بلاد کفره
خودسرانه و بلا مانع بملاذ شهویه خود نائل کردند لهذا این
مجهوله را که حسب التکلیف پیروی احکام دینی خود میکنم و تازگی
کتاب عصم العفائف که تازه تالیف یکی از مروجین اسلام
و خدام شرع عالیمقام است مطالعه نموده‌ام لازم افتاد که
شرح نزاع کنونی بین این دو فریق را علی ما هو تحقیق عندهما داده‌ام
تا ازاحه شبهه از جاهل بمقاصد طرفین کرده باشد والدعا لی

بسم الله الرحمن الرحیم

الهی گوید — در زمان جاهلیت مردان و زنان درعی میپوشیدند
که گلوها پشت پا را ستر میکرد و دامنه‌اش بخاک می‌الوده چنانچه
در کتب لغت و تاریخ و حدیث سماعه و غیره است و چون

و چون رسول الله نهی فرموده از بلندی لباس ام السلمه عرض کرد
زنها چه کنند فرموده بقدر یک شبر از مردان بلندتر کنند عرض
کرد اِذَنْ تَنْکَشِفَ اَقْدَامُهُنَّ در این هنگام پشت
پاها را نیز کشف شود فرموده — اِذَنْ یُرْخِیْنَ ذِرَاعاً —
در این صورت باندازه دو شبر فرو افکنده بلند نمایند تا پشت
پاها پوشیده گردد و آستین درع کفها را نیز میپوشانید که برای
معامله مجبور بودند کف را از آستین بیرون اورند چنانچه در
حدائق است — و خماری میپوشیدند که سر را ستر نموده ولی
چون از پس گوش فرو میافکندند صورت و گلو و جیب که
شکاف پیراهن است و خطی از سینه نمایان است مستور
نبوده چنانچه در کتاب مستطاب کافی از حضرت باقر است
و مردم خودسرانه نگاه بهمسران خویش و بیگانه میکردند
و مفاسدی از این ناشی شد بقسمی که ذوات الاعلام علیهما

برافراشتند و گاهی رسماً زنی دو شوهر اختیار میکرد و
گاهی زنان خود را معاوضه میکردند و سرانز داده با میگرفتند
دعاقبت کار حلیت وطربر اضی طرفین شد و دو دچون
اسلام فی الجمله قوت گرفت جمیع این مفاسد کاسد شد و
ایات غض ابصار ضرب خمار و تحریم اظهار زینت یعنی
همه بدن زن (به تفسیر اهل بیت عصمت) از سر تا قدم
نازل شد ـ قَالَ اللهُ تَعَالَى قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ
أَبْصَارِهِمْ[1] الخ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ
أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ
زِينَتَهُنَّ الخ[2] ـ در اثر این امر شریف پیغمبر جلیل فرمود
نظر زنا دیدگان است و فرمود هر کس یک نظر حرام بسوی زنی کند
خدا پر مرکند دیدگانش را از آتش باز فرمود هر کس چشمان
خود را از حرام آگنده سازد خدای تعالی میخ های آتشین در دیدگان

۱- [illegible]
۲- آیه ۳۱ از سوره النور

دیدگان او فرو برد در روز قیامت پس آنها را از آتش
سوزنده آگنده فرماید سپس امر میشود که او را در دوزخ
ببرند ایضاً فرمود سخت باشد غضب خدا بر هر زنیکه چشم
خود را بسوی نامحرم دوزد و همانا اگر چنین کاری از او
سر زد خداوند تعالی حبط میفرماید هر عملی را که بجا آورده
است چنانچه در کتب معتبره باسانید صحیحه وارد شده
پس زنان مسلمین گوش و منخر و سینه و مواضع زینه
و ساعد و ساق از سر تا قدم به خمار و درع پوشیدند
و نگاه نامحرمان از آن ماه رویان کوتاه شد پس پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله و سلم امر فرمود تا زنان برای خود ترتیب جلابیب
(چادرها) و ازرها دادند چنانچه در حدیث جناب طبرسی است
قَالَ رَسُولُ اللهِ ص للزوج ماتحت الدرع والابن
والاخ مافوق الدرع ولغیر ذی محرم اربعة اثواب

درع و خمار و جلباب و ازار — فرمود برای شوهر حلال
است آنچه در زیر درع است همه بدن او و برای پسر و برادر
یعنی محارم حلال است آنچه بالای درع است و برای نامحرم
چهار جامه لازم است درع تا بدن را بپوشد و خمار تا سر و گردن
و زینت سینه را ستر کند و جلباب و ازار تا لباس زیرین
را مستور دارد و جلباب چادر زن است که از سر تا کمر یا تا پشت
پا را بپوشد و ازار جامه ایست که از کمر تا قدم را ستر کند که امروز
زنان ایران شلوار آن را بسته چاقچور آن نامند چون کم کم با
حجاب عادت شد آیه مبارکه ادناء جلباب که وجوب حجاب
رو را ثابت میکند نازل شد — قال الله تعالی یا ایها النبی
قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین
علیهن من جلابیبهن — ترجمه ای پیغمبر بگو بهم خوابگان
خود و دختران خود و زنان گروندگان باسلام که فرو اندازند

پاره از چادرهای خویش بر روهای خود زیرا که اگر مراد ستر وجه
نباشد العیاذ بالله این آیه لغو خواهد بود چه ادناء جلباب فرع
بر لبس آنست و جمیع مفسرین که از آنجمله فیض در صافی و اصفی
و طبرسی در مجمع البیان و طریحی در مجمع البحرین و ارباب
تفاسیر مفاتیح الغیب و بیضاوی و روح البیان و غرائب
القرآن و مدارک التنزیل و لباب التنزیل و کشاف
و ابو السعود و جلالین و غیرهم همه تصریح کرده اند که
معنی آیه — یغطین بها وجوههن وقت خروجهن
للحاجت میباشد یعنی باید بپوشند روهای خود را بچادرهای
خود در وقت بیرون شدن از خانه برای ترویج حوائج
خویش و ابو عبیده و سدی و ابن عباس که در علوم بخصوص
تفسیر از تلامیذ حضرت امیر است طریقه ادنی گرفتن
را هم گفته اند که تمام روی را بپوشند با مقنعه و جلباب

بجز یک چشم برای ضرورت دیدن در صورت عدم برقع

ونقاب ائمهٔ لغت گفته اند اِذا أدنت الثوب عن وجه المرئة

یقال لها ادنی ثوبك علی وجهك یعنی هر وقت لباس از روی

زن پس شود گفته میشود از برای او این کلمه را که معنیش پوشیدن

رو را است بکشاف وغرائب القرآن وغیرهما رجوع شود

پس معلوم شد که این آیه در انجام ایجاب رو گرفتن زنان

مسلمین است و چون آیه کریمهٔ حجاب نازل شد و زنان رسول

الله با آن عفت کامله و امومت مؤمنین حکم شد که در

حجاب شوند در وقت بودن در خانه از هر خویش و بیگانه

بامر پیغمبر جمیع زنان مسلمین که نسبت بایشان حجاب

اولی بود در حجاب شدند — قال الله تعالی واذا سألتموهن

متاعاً فاسئلوهن من وراء حجاب — هرگاه سؤال

میکنند از آن زنها متاعی را پس سؤال نمائید از پشت پرده

پرده انضافا در وقتیکه سؤال از زن از عقب پرده واجب

باشد خرامیدنش در کوچه و بازار و خیابان های لاله زارها

روی گشاده جایز آید بالجمله از بعد نزول آیه حجاب زنان

تحت احتجاب در رفتند حتی از محارم کار دشوار افتاده

شکایت را بدربار رسول کرد کار بردند آیه نازل شد ولا

جناح علیهن فی آبائهن ولا ابنائهن الخ پس حجاب

برای محارم مرفوع و برای اجانب موضوع شد و از این پس

تأکیدات رسول اقدس در امر حجاب زیاد شد حتی آنکه ام

السلمه گوید بعد از مأمور شدن زنان بحجاب من و میمونه

در خدمتش بودیم که ابن ام مکتوم اعمی وارد شد ما را فرمود

احتجبا در حجاب شوید عرض کردیم مگر نه کور است که ما را نمی

بیند فرمود افعمیاوان انتما الستما تبصرانه ای آیا شما

هم کورانید آیا نه این است که شما میبینید او را د مکارم

الاخلاق ۲ ونیز بعایشه وحفصه فرمود در وقت ورود کور
مذکور در یوم دیگر قوما فادخلا البیت برخیزید وداخل
حجره شوید انها همان را عرض کردند وحضرت همانرا جواب
فرمود کتاب مستطاب کافی ۲ واز این روی حضرت امیر
المومنین در نهج البلاغه که مسلم بین فریقین است که از دو
لب مبارک ان حضرت خارج شده فرموده واکفف علیهن
من ابصارهن بحجابک ایاهن فان شدة الحجاب
ابقی علیهن - یعنی بازدار زنان را از نگاه بانیدن ایشان
بمردان به سبب حجاب در اوردن ایشانرا که همانا
بتحقیق سختی حجاب پاینده تر دارد بر ایشان هر چیز را و
حذف متعلق مفید عموم است یعنی جمیع اخلاق واداب
وصفات وحالات نسوان در سایه حجاب پاینده تر ماند
ودر تحفه ذکر ۲ بعلی ات روایست شود سختی حجاب

حجاب واز این روی حضرت صدیقه طاهره علیها سلام الله فر
موده بهترین واجبات بر زن اینست که ایشانرا مردان نه بینند
ونه ایشان مردانرا بنگرند وایضا ازان خاتون دو جهان مشهور
ودر کتب شیعه وسنی مسطور است که از عبد الله ابن ام مکتوم
در وقت تشریف بحضور باهر النور رسول الله ص در پرده
وحجاب شدند تا خارج نگردیدن مخدره از پرده بیرون
نیامد رسول خدا بر سبیل امتحان فرمود که عبد الله کور
است ترا نمی بیند عرض کرد اگر او مرا نمی بیند من ویرا خواهم
دید رسول الله صلی الله علیه واله فرمود - الحمد لله
الذی رانی فی اهل بیتی ما سرنی - سپاس خدایرا
که نمایاند مرا در اهل بیت من آنچه را که خورسند ساخت
مرا - ودر منهج الصادقین منقول ودر جواهر
الکلام سوره ان ... وقریب بان در دعائم

الاسلام نیز روایت شده است و ایضا از این جهت بوده
که ائمه اظهار زنان با کرامت خود را در پشت پرده و
حجاب برای استماع مصائب حضرت سید الشهداء ع
مرتب شدند بکتب اخبار و تواریخ و حکایت و عمل و
ابی هارون مکفوف رجوع شود و از این روی حضرت صدیقه
علیها سلام الله گاهی که بخانه پدر بزرگوارش میرفت با قرب
جوار برقع بر روی میزد «علل الشرایع انتجلبت بجلبابها
وتبرقعت ببرقعها وارادت النبی ص» - پس خود را
در چادر پیچیده و روی را ببرقع مستور فرموده و آغاز تشرف
خدمت پیغمبر ص نموده و حضرت ام کلثوم با آن صغر سن
در فوت حضرت فاطمه برقع بر روی میزند و بمسجد رفته
خطاب برسول الله میکند «مصباح الانوار» وخرجت
ام کلثوم وعلیها برقعة وتجر ذیلها متجللة برداء

بیرون آمد ام کلثوم از خانه و بر روی آنحضرت برقعه
بود و دامن پیراهن عربی را بر خاک میکشید و خود را
در ردای جلالت و چادر عصمت در آورده بود -
و تقریر سنه امام برای فعل است - و از این روی
در وقت ورود حضرت فاطمه ع بمسجد در لیله
هشتم از فوت رسول الله برای سوگواری چراغهای
مسجد را خاموش کردند که اگر از شدت مصیبت بیخود
شوند یا از احتجاب غفلت ورزند ظلمت شب حجاب
روی زنان شود - «بحار الانوار و اطفیت المصا
بیح لئلا یتبین صفحات النساء» و خاموش شد چراغها
برای آنکه آشکار نگردد بر مردم صفحات رخسار زنان
و از این روایات او کربلا هر کس که برقع او بغارت رفته
در سایه حجاب اسلامی خود مستور بوده «لهوف»

وخطبت ام كلثوم من وراء كِلَّتِها[1] – خطبه خواند ام
كلثوم از پشت پرده وحجاب خود – و در حديث سهل
ابن ساعد است – فاقبلت جارية وعلى وجهها
برقع خز ادكن – هركس نقابش ربوده شد حفظ روی را
با آستين وكف ميفرمود مانند سكينه خاتون چنانچه در روايت
سهل ابن سعيد است گفت زنی را ديدم كه – تستر وجهها
بكفيها اذلم تكن عندها خرقة تستر وجهها
می پوشيد روی خود را بدو كف خويش برای آنكه او را پارچه
نبود كه روی خود را بان ستر كند – الی غير ذلك از امثال
كه ضيق مجال مانع از ذكر آنها است – و نيز پس از نزول
آيه جلباب وحجاب بود كه حوا او عطا رو بدون برقع نخانه
رسول الله نرفت در مستدرك الوسائل، فلما اصبح الصباح
نصبت وتبرقعت ببرقعها واخذت على راسها ردائها

[1] پشه خانه و پرده تنگ و باريك و طرف پشم سرخ كه بر هودج گذارند جمع آن كلل بالكسر

ردائها واردت النبی – پس چون صبح شد برخاست و برقع
بر روی زده وعبای خويش را بر سر انداخت وقصد خانه رسول
الله نمود – و از اين رو حضرت موسى الكاظم ع در جواب مكاتبه جناب
صفار كه صدوق ميفرمايد كه آن توقيع بخط رفيع آن حضرت نزد
من است كه سؤال از شهادت بر زن در حالتيكه در پس پرده
است ميكند مرقوم ميفرمايد تتنقبت وتظهر للشهود نقاب بزند
وبرای شهود ظاهر گردد با آنكه كشف روی ونظر از موقع شهادت
از مستثنيات در شريعت است و از اين روی حضرت صادق
عليه السلام در حق زنان مُحرِمه كه احرامشان در كشف روی
است فرموده – انّ المحرمة تسدل الثوب على وجهها
من اعلاها الى النحر – يعنى زن احرام دار بايد بيندازد چادر
خود را بر روی خويش از بالا تا گودی گلو و در حديث ديگر فر
موده كه زن احرام دار احرامش در كشف روی او است و آن

مرّ بها رجل استترت منه بثوبها ــ یعنی این وقتی است که
مردی نه بیند روی او را و اگر مردی بروی بگذرد خود را از او
بپوشد یعنی به خود تا برو روی ننگرد ــ اما چون احرامش در کشف
روی است بایستی طوری باشد که جامه مانند نقاب بر افتاب
روی نیفتد و روی همچون افتاب منظره هر شیخ و شاب نگردد
چنانچه از حضرت باقر ع احادیث معتبره دستور رسیده ــ باز
هم اعاده مطلع کنم خدای تعالی دست بردار نشد باز برای
تاکید احتجاب ایه قرار در بیوت نازل فرموده تا زنان از خانه
خارج نشوند مگر در موقع ضروره و واجبه انهم مشروط بعدم
برج بزینت و بنهایت تستر فرموده قال الله تعالی ــ وقرن
فی بیوتکن ولا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی ــ در
خانه خودتان قرار گیرید و ظاهر نشوید مانند ظاهر شدن زنان
جاهلیت نخستین که با روی گشاده و بزینت اراسته ظاهر می

می شدند در اثر این ایه مبارکه حضرت رسول برای انکه بدانند
که مخصوص زوجات انحضرت نیست امر فرموده مردانرا که
قوامیت بر زنان دارند بحکم ایه الرجال قوامون علی النساء
که انهارا در خانه مستور دارند ــ حضرت صادق ع از
حضرت باقر ع در جعفریات حدیث فرماید ــ قال رسول
الله ص ان النساء عورة فاحبسوهن فی البیوت
واستعینوا علیهن بالعری ــ زنان عورت اند پس
حبس کنید ایشان را در خانه ها و برای جوشید برهنگی ایشان
انها به پا نیدها که کن یه از شدت احتجاب است و در کافی
و علل الشرایع و بحار الانوار و غیرها باسانید معتبره
از حضرت صادق روایت کنند که فرموده همت النساء
فی الرجال فاحبسوا نسائکم ــ یا معشر الرجال همت زنان
در مردها است پس نگاهدارید زنان خود را ای گروه مردان

و از این قبیل کلمات از شارع مقدس اسلام متواتر رسیده من در هر
قسمت یک کلمه متعرض شدم و این جمله زنان مسلمین را در حجاب
کرد که از صدر اسلام تاکنون یکی زن روی کسی دیده نشد مگر اهل
بوادی که از صدر اسلام تاکنون در کلیه احکام شریعت
حتی عقاید تقصیر به قصور دارند و گرنه انها هم مامور با
حجاب اند چنانچه از روایات کافی و علل و من لا یحضره الفقیه
مستفاد میشود

طبیعی گوید

ای اقایان اگر میخواهید حرف بد نشنوید و بشما تهمت
نزنیم دست از این کهنه پرستی ها بردارید وجدان ما زیر بار
این حرفها نمیرود شنا دو بیجال است که بزرگ ما بما تعلیم
داده است که دیگر گوش باین حرفها ندهیم این چه انصافی
است که ما از پری پیکران دنیا محروم باشیم که الذ مشتهیات
نفسانیه و مفرح روح و قوای حیوانیه است و با این قد دلا

دلارا و روی زیبا در کوچه و بازار در پیش چشم ما بخرامند
باین کلمات دست بردار نخواهیم ارباب دانش گفته اند —
ثلثة یذهبن عن قلب الحزن   الماء والخضراء والوجه الحسن
ماء و خضراء برای حیوانات عجم و وجه حسن برای حیوان
ناطق که اشرف انسان است میباشد محیط ایران اولاد
پدران ما اجازه نمی دهد که رسماً انکار این ایات قرانیه و
احادیث صحیحه را نمائیم اگرچه در پرده منکر باشیم اولا احترام
می کنیم ثانیا ملاحظه مینمائیم و اگر تعصب که دیدیم ناچاریم عقیده
خود را بروز داده جدا انکار کنیم و بقوه قهریه هم که باشد
مقاصد خود را در منظر ظهور و بروز گذاریم و انجا امروز که
ازادی مثل سیل بسوی افراد بشر روی اورده است شما دست
از جان ما ایرانی ها برنمیدارید کلاه خانی که طبیعت برای التذاذ
ما افریده در کیسه و توبره و چادر چاقچور میکنید

الهی گوید

انکار و اقرار شما ضرر و نفعی برای اسلام ندارد – وللبیت

رب یحمیه گر جمله کاینات کافر گردند بر دامن کبریاش ننشیند گرد

احکام اسلام جواهر نفیسه بود که مجانا بدست نوع بشر افتاد

هر کس برداشت مفتخر و غنی شد و خود را نجات داد و هر کس وا

گذاشت مفتقر و محروم شد خود را در هلاکت انداخت اینک

شیخ محمد تقی نام اصفهانی که در جریده حبل المتین شماره (۲۰)

از سال سی پنج بی حرمت قدس آقایان ربانیین اصفهان

نسبتهای لایق بخود میدهد چه کردکی اعتناء بسخنش نمود

فایده که برد این بود که مردم تجسس کرده او را شناختند که کیست

و معاشش از چه راه و دلسوختگی او از چه نقطه است طبیعی گوید

آقایان اگر راست گویند جواب حق او را بدهند الهی

گوید ابن ادم پس از تجسس دانسته شد که او مردی است

لاابالی که فکل و کروات بعبارة اخری صلیب گردنش

کردنش از همه فرنگی تر و آبها و ستین و شلوارش از همه

تنگ تر و صورتش عاشقین خود تراشی از همه نرم تر

کرده گاهی فکل و گاه بعمامه طی بقبه تجارت خود را غایتش

میدهد از یکی از بستگان خویش استفسار حالاتش

کردم گفت ابن ادم گاه منکر نجاست مسکرات گاه منکر حرمت

انها است با برادر فعالیتش بید از رفقایش سئوال نمود چنین آدم

کی قابلست که طرف مجادله کسی شود طبیعی گوید

بزرگان گفته اند انظر الی ما قال ولا تنظر الی من قال

الهی گوید ما قال او هم لایق جواب نیست زیرا مغالطه

کردن و دزدی در ترجمه حدیث نمودن و نفهمیدن احکام

اسلام و قیاس مع الفارق کردن و فحش بمردم دادن

که قابلیت جواب ندارد و جوابش بی اعتنائی است

طبیعی – جواب ندارید والا می گفتید الهی –

این مسئله در اسلام ابدهٔ بدیهیات است و بدیهی چون
در میدان قیل و قال جولان کرد نظری خواهد شد پس واجب
آن است که جواب این امور را بی اهمیت نمائیم بلکه کفر هم
میدانند که حجاب از خصایص اسلام است طبیعی
طفره از جواب تردید الهی این محجوبه که زنی از مسلمانان
هستم جواب میگویم اگرچه میدانم که مقصود شما نتیجه گرفتن
از قال و قال در مطلب ولی چون گمان کردی طفره است
ناچار عرض کنم امید که از عهده جواب هرج و مرج شرع بیخبر[1]
و طبیعت و احیا کننده طریقه بابک و مزدک بر آیم بعون
الله تعالی   جواب از مقاله شیخ محمد تقی اصفهانی
که تعبیر از نامش بنعمه به اصفهانی مینمائیم اگرچه در تعیین
وطن مالوف خود هم خلاف واقع گفته زیرا که از توابع
اصفهان است نه خود شهر اصفهان   اصفهانی اول

[1] بیخبر عبارت است از طبیعت و طریقه بیخبر همان طریقه دهریه است

اول عنوان خود را نقیبه شهیر نوع حجاب مایل نیست نموده
محجوبه ایرانی مخصوصا هر کس طهران و مشهد رفته
دانسته که با فندوانی الثعا رچه کس بوده و افعالش چه
چیز و عقیده اش چگونه و آنکه خود را از طایفه ضاله
مضله میدانسته ولی با اینهم دروغ گفته بلکه مروج شرع
بیخبر و طبیعت بوده که از مردن مسلمانان خنکدل و برای
فوتش عبارتی خوش شکل سروده اند قصائدی که در شرب خمر
و لواط و زنا و سایر فسق و فجور خود گفته و قائل بحلیت آنها
شده معروف است   اصفهانی گوید   آنچه اصغر از آیات
و احادیث و عقل اطلاع حاصل کردم منکارم   محجوبه
از جواب این ضعیفه ناچیز ظاهر خواهد شد که بر کار هیچ اطلاع
پیدا نکرده اید بلکه خدعه کردید یا وارونه فهمیدید
اصفهانی گوید در تفسیر ملا فتح الله رحمة الله علیه

وقتیکه ایه حجاب را بقول آقایان تفسیر میکنند عقاید مفسرین را
مختلف مینویسند بعضی میگویند واجب است و بعضی میگویند
واجب نیست مجبوره — اولاً آن مرحوم حجاب را بقول ائمه
اطهار تفسیر میکنند نه بقول آقایان — ثانیاً در ذیل تفسیر
غض ابصار اقوال سه نفر از مفسرین را گفته نه در تفسیر ایه
حجاب و خودش استثناء وجه و کفین را در صلوه دانسته نه
در احکام نظر و مفسرین در وجوب حجاب متفقند نه مختلف ثالثاً
سرکار چرا آخر کلام شرا که از کنز العرفان در تفسیر الا ما ظهر
منها آورده نقل ننموده که میفرماید مراد بزینت ظاهر ثیاب است
فقط و این اصح است در نزد من بجهت اطباق فقها برانکه
همه بدن زن عورت است مگر بر زوج و محارم تا انکه فرماید اما
باقی اقوال در زینت ظاهره که آن وجه و کفان یا کحل یا خضاب
یا خاتم است و انکه مسامحه و جواز نظر برای حاجت است بکشف

بکشف آن این خبر ضعیف است و بحد تحقیق نرسیده است
پس اگر ضرورت واقع شود بکشف آن و حرج لازم اید دلیل
همان است نه ایه و کنز العرفان از فاضل مقداد قدس
سره و از کتب معتبره موثقه است در تفسیر ایات احکام
قران رابعاً آیه حجاب فاسئلوهن من وراء حجاب است
و ملا فتح الله در انجا میفرماید — مرویست که چون ایه
حجاب فرود امد همه زنان پرده فرو گذاشتند آباء و
ابناء و اقارب ایشان گفتند یا رسول الله چون حکم شد
که زنان پرده نشین شوند ما را نیز با ایشان از پس حجاب
گفت و شنود باید کرد ایه امد که و لا جناح هیچ گناه نیست
علیهن بر زنان فی آبائهن در نمودن روی به پدران
خود و لا ابنائهن و نه به پسران خویش الخ و شلانرا
حرفا بحرف کاشفی در تفسیر خود مواهب علیه فرموده

خامساً چرا از تفسیر ملا فتح الله نیاوردی آیه جلابیب را که در
تفسیر آن مینکارد یدنین نزدیک کردانند و فرو کذارند
علیهن بر رو و پهلوهای خود من جلابیبهن چادرهای خود
را یعنی وجوه و ابدان خود را بدان بپوشند و نظیر است
تفسیر کاشفی پس سرکار که از آیات و این تفاسیر هیچ اطلاعی
پیدا نکرده اید و نیز معلوم شد که آیه حجاب غیر از آیه نظر است
و آیه جلباب غیر از هر دو است اما آیه حجاب حکم فرماید که چون نامحرم
وارد خانه شود زن بتوسط پرده خود را مستور دارد آیه جلباب
حکم فرماید که چون از خانه خارج شود بتوسط جلباب لباس زینت
خود را و بتوسط ادنا جلباب روی خود را مستور دارد و این هر دو
تکلیف زن است و غض بصر تکلیف هر دو تن است چنانچه در صدر
اسلام تا حال عمل جمیع مسلمین بران است - آقای عزیز احدی
از علماء و مفسرین در دو حکم اول اختلافی ندارند آیت الله بزرگ

بزرگ علامه حلی قدس سره در تذکره میفرماید باتفاق جمیع مسلمین است
بر منع خروج زنان روکشاده چنانچه متفقند که نظر شهوت و ریبه و
خوف افتادن حرام است مطلقا بهر کس باشد سوا از زوج و زوجه چیزی
که اختلاف دارند آن است که نظر خالی از ما ذکر مطلقا حرام است
یا مطلقا جایز یا نظر اول جایز و نظر ثانی و ثالث فصاعدا که در حکم است
اما نظر اول حرام است و در این مسئله مثل سایر مسائل خلافیه مقلد
باید عمل بفتوای مجتهدی اعلم کند اصفهانی گوید ولا یبدین
زینتهن الا ما ظهر منها مقصود مواضع زینت است والا نگاه
بر زینت که حرام نیست پس مقصود بودن صورت و دست و پا که غیر از
این سه محرم محل زینتی نیست کشف باشد عیب ندارد محصول این عبارت
اگر از تفسیر ملا فتح الله نقل میکنی دروغ و خیانت در نقل کردی زیرا
که این عبارت در آن نیست بلی از مجمع البیان که مراد از آیه آنکه ظاهر
نکنند مواضع زینت را از برای غیر محرم و هر که در حکم آن است چون اطفال

ممیز وغیران و مراد نفس زینت نیست زیرا که رویت زینت حرام
نیست چه این مطلب مسلم و واضح است هرگاه رویت زینت حرام بود در بازارها
و دکاکین نباید اسباب زینت جهة فروش بگذارند بلکه مراد مواضع زینت
است و عبارت دیس مقصود الخ) را ندارد — نگارنده گوید از ایه چنین
ظاهر است که زینت زن مانند حلی و لباسهای رنگین که برای شهوت
شوهران میپوشند مادامیکه پوشیده اند حرام است کشف ان بنابحکم
جمعی از مجتهدین تصریح بان فرموده اند پس مواضع انها بطریق
اولویت که از دلیل محوی نامتد حرام است چنانچه باجماع و
اخبار متواتره هم ثابت شده است پس بنا قول سرکار که غیر از
این سه محل که صورت و دست و پا باشد محل زینت نیست واجب
اید پوشیدن انها نه انکه عیب ندارد — و اگر این عبارت از خود
سرکار است معلوم میشود که در حال بیخودی انشا فرموده اید
زیرا که بمقتضای عبارت پیش بایستی بگوئی کشف این مواضع عیب

عیب دارد و شما بعکس گفته اید خوب بود توضیح میدادید که این
پس یکدام پیش میخورد دیگر نکته شما را ملتفت کنم تا بدانی که
از ایات وارده فهمیدی گفتید کشف پا عیب ندارد تو هم
انکه از زینت ظاهره است با انکه خلخال که زینت پاها است خدای
تعالی انرا از زینتهای باطنه شمرده است قال الله تعالی
وَلا یضربن بارجلهن لِیُعلَمَ ما یُخفینَ مِن زِینَتِهِنّ پس
معلوم شد که پا و خلخال ان از زینت خفیه و صدایش هم باید
مستور شود اصفهانی گوید
دلیل دیگر را کشف وجه و دست و پا در نماز قرار داده است
محجوبه — اولا دست و پا نیست کف ان و قدمان است کف
معلوم است و اما قدم پشت پاها است از زیر قوزک ثانیا انهم
مسئله خلافیه است و مشهور از مجتهدین در قدم بلکه کف بر وجوب
ستر انها هستند در صلواة و اما صورت هم رئیس طائفه شیعه

واحیا کننده شریعت سید مرتضی که از جانب حضرت امیر ملقب بعلم
الهدی کردید و فضایلش محتاج به بیان نیست و در کتاب جمل
و سید ابو المکارم ابن زهره که از فحول مجتهدین و از رؤساء
مذهب امامیه است در کتاب غنیه و ایضا علم الهدی در کتاب
عقود رحمة الله علیهم ستر انرا واجب میدانند مگر موضع سجود و
چنین ظاهر میشود که جواز کشف این مواضع در نماز برای رفع عسر
و حرج و سهولت رکوع و سجود و قیام است والا واجب میشد پس
در این مسئله هم مقلد باید رجوع بحی اعلم یا احتیاط کند ثالثا ستر این
مواضع در نماز واجب نباشد چه ربط دارد بجواز کشف در نزد نامحرم
مگر فقها فرموده اند در حضور نامحرم باید ستر نمود مگر این مواضع
را بلکه کشف ماسوای عورتین در نزد زنان ... جایز و در نماز
حرام و موجب بطلان نماز است ولو در حضور زنان باشد یا ابدا
کسی نباشد اجماعا و از این جهة قیاس در مذهب شیعه باطل است

باطل است اجماعا اصفهانی کوید
دلیل دیگر را حدیث جواهر الکلام از حضرت صادق
و جابر قرار داده مهجوره
اولا کفتیم حکم حجاب غیر از نظر است چنانچه حجاب
بدن بر مرد واجب نیست و نگاه کردن زن بسوی
او حرام است اجماعا ثانیا این یک حدیث یا دو
حدیث است که تو استفاده کردی از انها که حجاب
روی نبوده و اما احادیثی که صراحت دارد در
حجاب روی لا تحصی و احادیث حرمت نظر هم
لا تعد است که بعضی انها در مقدمه ذکر شد ای
بیچاره رسول الله نظر را زنا نام گذارده در جامع الاخبار
لِكُلِّ عُضْوٍ مِنْ اِبْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزِّنَا فَالْعَيْنُ زِنَاهُ
النَّظَرُ الخ — از برای هر عضوی از اعضای بنی آدم

بهره است از زنا پس چشم زنایش نگاه کردن است واگر

جواهر الکلام را دیده بودی هر اینه این دو حدیث

شریف معتبر را که از کافی اورده بلحاظت میگذشت

که حضرت باقر ع و حضرت صادق ع نظر را حکم زنا داده اند

فرموده‌اند - مَا مِنْ اَحَدٍ اِلَّا وَهُوَ يُصِيبُ حَظًّا مِنَ الزِّنَا

فَزِنَا الْعَيْنَيْنِ النَّظَرُ وَزِنَا الْفَمِ الْقُبْلَةُ الخ - احدی

نیست مگر انکه نصیبی از زنا دارد و در خطای زنا

خواهد افتاد پس زنای دید کان نگاه کردن و زنای

دهان بوسیدن است و حضرت امیر المومنین در کلمات

خود در نهج و غرر و غیرهما گاه انرا دیدبان زنا و گاه

دام شیطان و گاه دام هلاکت و فتنه و تیر زهر الود

ابلیس خوانده و گاهی در اشعار خود انرا خیانت

نام برده فرموده د دیوان

لَا يَأْمَنَنَّ عَلَى النِّسَاءِ اَخٌ اَخًا مَا فِي الرِّجَالِ عَلَى النِّسَاءِ اَمِينٌ

كُلُّ الرِّجَالِ وَاِنْ تَعَفَّفَ جُهْدُهُ لَابُدَّ اَنْ بِنَظْرَةٍ سَيَخُونُ

وثالثا این دو حدیث دلالت ندارد زیرا که مراد نظر

اول است اگر حمل بر نظر قهری نکنیم کما اینکه بسیاری

از مجتهدین کرده اند و این بجهة خبری ست که

از خود حضرت صادق ع و حضرت رسول صلی الله

علیه واله و حضرت امیر المومنین علیه السلام روایت

شده که فرمودند النظرة الاولی لک والثانی علیک

والثالثه فیها الهلاک یعنی نگاه اول تراست

و دوم بر علیه تو و حرام است و سوم در ان هلاکت

است که تفسیر شده است دوم به معصیت صغیره

و سوم به کبیره و محال است که حضرت صادق

تناقض در احکام دین بفرمایند و جمیع کثیری

لا یأمنن الخ[1]

نباید امین بداند البته البته

بر زنان هیچ برادری برادر را

زیرا که نیست در مردان امینی

بر زنان و هر یک از مردان

اگر چه کوشش و جد و جهد کنند

در عفت خود ناچار بیک نگاه

بسوی زنان خیانت خواهد نمود

از مجتهدین نظر اول را هم دانند وخبر را منزل بر
نظر قهری که بنا کهانی افتد نمایند وحدیث جواهر
را بواسطه ضعف از چند جهة عمل نکنند در روایت
مذکوره راجبین ترجیح فرمایند نگاه اول که بنا
کهانی افتد تر است ونگاه دوباره که اول عمدی
است حرام وسوم باد در ان هلاکت است خود
جابر ابن عبد الله کوید — سئلت رسول الله عن
نظر الفجاءة فامرنی ان اصرف بصری — پرسیدم
از رسول خدا از نگاه ناکهانی که بنامحرم افتد پس
حضرت امر فرمود مرا که بر کردانم چشم خود را که نظر
عمدی نشود را بعا سر کار در ترجمه حدیث خلاف
واقع مرتکب شده اید در دست ترجمه ید است
که از سر انکشتان است تا زیر بغل وهر قسمت از ان

از ان اسمی دارد — انامل — اصابع — کف — زند —
ذراع — مرفق — عضد — ویا رجل است از سر انکشتان
است تا بیخ ران وهر قسمت از ان اسمی دارد اصابع
— کعب عقب که این جمله را قدم کویند مفصل ساق
رکبه فخذ پس باید حدیث الوجه والیدین والرجلان
باشد وچنین حدیثی در هیچ کتاب از کتب اسلامیه
نه شیعه نه سنی دیده نشده وهیچ کافری نکفته
که جایز است نظر بسوی دست زنان از دم تا زیر بغل و
پای زنان مردم تا بیخ ران واین حیله در ترجمه است
برای پیشرفت مقصود بیخبریها یعنی کشف نمودن زنان
را بلباس فرم جدید که پس از رفع چادر مستور نیست
الا عورتین خامسا حدیث اول که از جواهر اورده ی
ودر ترجمه خدعه کرده ی روایت مروک ابن عبید

است واو از بعض نقل کرده ونام بعض را نبرده است شاید
بعض مجهول هم عقیده اصفهانی خان بوده است در
ارتکاب حجاب اگرچه پس از نزول ایه حجاب یک مسلمان
اینکار را نکرده است ولی حدیث مرسل است ومحل اعتنائی
نیست ولذا صاحب جواهر چون خاسته احتراما از او طرد
نکند حمل بر نظر ناگهانی کرده وفتوای برخلاف مضمونش
یعنی حرمت نظر داده است سادساً شرط عمل به حدیث
چند چیز است اول صحت سند که جمیع افراد سلسله
اش اسم برند وشیعه اثنی عشریه عدل ضابط باشد
یا معمول به در نزد اصحاب باشد دوم صحت متن سوم
صراحه دلاله چهارم وجود در کتب معتبره پنجم عدم اعراض
اصحاب ششم عدم حدیث معارض دیگر که با وی
معارضت کند واین حدیث هم مرسل است وهم

وهم دلالتش تمام نیست وهم معارض قوی دارد
ودر خصوص قدمین اعراض اصحاب هم ثابت شده
است واز این جهت حدیث جابر اضعف از ان
است زیرا که جابر نامی روایت کند از امام که او ر
وایت کند از جابر ابن عبد الله وجابر اول مشترک است
بین ثقه وغیر ثقه ثانیا دو نفر مجهول المذهب در سلسله
سندش هستند - احمد بن ابی عبد الله - وعبید بن
معاویه - ویک نفر خلاف مذهب در ان است وان
عمرو بن شمر است که چه لبا بواسطه عداوت مذهبی
با حضرت فاطمه کبری خواسته از راه تعریف بزهد
فاطمه علیها السلام را تضییع کند والا بقول صاحب جواهر
فاطمه که از ابن مکتوم اعمی در حجاب مستور میشود
که جمیع کتب معتبره با حادیث صحیحه نقل کرده اند چگونه

در حضور جابر میاید بقسمی که او بدقت وعمد نظر بسوی
او کند و تمیز زردی و سرخی روی او دهد ولذا صاحب
جواهر گوید یقین داریم که چنین امری واقع نشده
است بلی اگر بخواهیم احتراما تکذیب حدیث نکنیم میگوئیم
قبل از نزول آیه حجاب بوده چنانچه صاحب عصم الغفا
فرموده یا نظر ناگهانی که اتفاقا می افتد بر زن چنانچه
صاحب جواهر فرموده ثالثا این خبر با این ضعف معارض
است با حدیث صحیح عالی جعفریات که شیخ حر عاملی
در ترجمه اش فرموده الجعفریات هی الف حدیث باسناد
عظیم الشان و حدیث صحیح مقدم است خصوص صحیح
عالی که قلیل الواسطه است بلکه با این دو حدیث
را مینگاریم تا سیه روی شود هر که در او غش باشد
و خود مسلمین تمیز میان صحیح و سقیم و صادق و کاذب

و کاذب بدهند اگرچه تمیز مذکور مبتنی بر تمیز میان
مقدماتی است که شان فقیه است لا غیر ولی حال
این دو حدیث طوری است که عوام هم تمیز میدهند
اما روایت جابر — بسم الله الرحمن الرحیم عمرو بن شمر خلاف
مذهب از جابر مشکوک الثقه از حضرت باقر روایت کند
از جابر ابن عبد الله انصاری که گفت با رسول الله وارد
خانه فاطمه شدم و اذا وجه فاطمه اصفر کانه بطن
جراده ناگاه رویش زرد مانند شکم ملخ بود رسول
خدا سبب پرسید عرض کرد از گرسنگی است حضرت
دعا کرد فوالله لنظرت الی الدم یتحدر من قصاصها حتی
عاد وجهها احمر فما جاعت بعد ذلک الیوم پس بخدا
سوگند هر آینه نگاه کردم بسوی خون که فرو میریخت
از منتهای رویدن نگاه موی سر فاطمه علیها السلام

تا رویش سرخ شد پس بعد از آنروز گرسنه نشد اینک

روایت جابر تمام شد اما حدیث جعفریات بسم الله الر

حمن الرحیم حضرت امام جعفر صادق از پدرش حضرت

باقر علیهما السلام روایت کند که فرمود — انَّ فاطمه

بنت رسول الله ص استاذن علیها اعمی فحجبته فقال

النبی لم حجبته فقال یا رسول الله ان لم یکن یرانی

فانا اراه وهو یشم الریح فقال النبی اشهد انک بضعة

منی — همانا کوری از فاطمه استیذان کرد که داخل

شود حضرت پرده انداخت برای او و در حجاب شد

پیغمبر ص فرمود چرا چنین کردی عرض کرد ای پیغمبر ص

خدا اگر او نتواند مرا به بیند من که می بینم او را و او

بوی خوش را استشمام می کند پیغمبر فرمود گواهی

مید هم که تو پاره از من هستی — عصم العفایف گوید

گوید سؤال از فاطمه برای آزمایش فقه فاطمه است تا

حمد خدای را در باره دختر خویش بجا آورد یا برای دا

نسته شدن مسئله است بر آن کور و سایر مردم

علی کل حال این مطهوره مسلمانان را خطاب میکنم

آیا حدیثی که عمر بن شمر که برخلاف مذهب شیعه

بوده از حضرت باقر ع روایت میکند صدق و صحیح میدانید

و در صورت معارضه ترجیح مید هید یا حدیثی که حضرت

صادق از حضرت باقر روایت کند هر دو نتوان صدق

دانست مگر آنکه حمل بر تقیه در صدور یا نظر قهری شود

والا حضرت باقر ع تناقض گفته و مردم را نسبت بحکم خدا

در ضلالت انداخته این کفر است و اگر بگوییم حضرت

صادق دروغ بسته بحضرت باقر این هم کفر است

و نمی گویید پس ناچار میگویید عمر بن شمر دروغ بسته

کفته بر حضرت باقر نه امام جعفر صادق که در نزد دشمنا
نهم معروف بصادق بود خواهید کفت عبا را تنش هم کوا
هی میدهد مکر ذره بینی داشت که خون بدن فا
طمه را دید که جوشید تا بر رود وید و بر وی را کلکون
ساخت کمان میکنم شوهر هیچوقت باین دقت نکاه بصورت
زن خود کند اینجا معلوم شد که سرکار از احادیث
هم هیچ اطلاعی پیدا نکرده اید — اصفهانی
علاوه تا قول انونایر قوانین علم اصول بعض امرها واجب
نیستند مکر ادله دیکر ضمیمه شود — مهجوره
سبحان الله کویا میخواهی از عناد با دین خدا غض
بصر را که رسول الله و ائمه اطهار و جمیع فقهای اسلام
از شیعه و سنی حکم بوجوبش داده اند از وجوب
خارج کنی تا مقتضی سخن شما این باشد که نکاه بسوی

بسوی بدن زن تا چه رسد از روی و حلال کوی خدا
قادر است که دینش را از تحریف غالیین و انتحال متخلین
حفظ و از روی کفار داخلی و خارجی دفع فرماید چنانچه
وعده فرموده آقای اصفهانی سبب اکر ندانسته بدان
که علاوه بر آنکه اکر چنین هم بود این امر برای وجوب است
قوانین اصول شیعه میکوید که امر حقیقت در وجوب است
و برای غیر آن ضمیمه قرینه میخواهد نه بعکس که سرکار
میکوئی از بچه طلبه ها بپرس یا کتاب معالم و قوانین نکا
کن اصفهانی — اکر حجاب واجب بود علما متفق
بودند و صحبت میکردند اختصاصی بشهری نمیدادند
و شرع بر آن مجازاتی معین میکرد مهجوره — وجوب حجاب
از مسلمات دین اسلام است و علمای اعلام بر آن
متفقند چنانچه از علامه شنیدی و از کلمات ایشان

اشکار است چنانچه در کتب فقهیه بجواز سال مسلم متعرضند
که هرگاه شخصی زنیرا عقد کند وصداقش را تعلیم سوره
قرار دهد سپس قبل از دخول او را طلاق گوید اینجا مجتهدین
دو قسمت شدند مشهور از ایشان برآنند که باید نصف اجرت
تعلیم را از زوج بزوجه رد کند زیرا که پس از طلاق تعلیم ممکن
نیست شهید ثانی در شرح لمعه فرموده — لانه وان امکن
تعلیم نصفها عقلا الا انه ممتنع شرعا لانها صارت
اجنبیه — یعنی علت انتقال بسوی اجرت اینست که آن
چه ممکن است تعلیم نصف سوره عقلاً اما آنکه ممتنع
و محال است شرعاً زیرا که این زن اجنبیه گردیده
است بعضی رفته اند بسوی آنکه تعلیم نصف
نصف مذکور را از پشت پرده باید بدهد
اجرت کفایت نمی کند چنانچه شهید اول در لمعه فرموده

وَقیل یُعلّمها النصف من وراء حجاب وهو
قریب) — یعنی گفته شده است که تعلیم کند او را
نصف سوره که مهر زن او است از پشت پرده واین
فتوی قریب است بقواعد فقهیه صاحب عظم المعانف
فرموده سرش این است که در اینجا دو محذور است یکی
رویت اجنبیه وآن بحجاب رفع شود دوم سماع صوت
او چون مفسده ندارد مثل حجاب واداء دین هم واجب است
وانتقال بسوی اجرت هم دلیلی ندارد پس مورد از موارد اضطراریه
است چنانچه شهید ثانی در شرح آن فرموده زیرا که حرمت سماع
صوت اجنبیه مشروط است بحالت اختیار و در اینجا ضرورت
است پس معلوم شد که علماء در وجوب حجاب متفقند وایضا
سخن علماء اعلام در جمیع ادوار ثابت است یعنی که اگر
یک زن روگشاده ببینند نهی از منکر می کنند وکشف بیادر

از باب لزوم حرج است بجهة آنکه اینان در کلیه احکام شریعت حتی
نماز و روزه و عقاید تقصیر و قصور دارند و نهی احدی نمی شنوند و
مدرک آن احادیث معتبره است در کافی — و من لا یحضره الفقیه
و علل الشرایع — و مجازات نداشتن اگر مقصود مجازات معینه است
که آنرا حد گویند بسیاری از معاصی کبیره ندارد مانند کذب تهمت
افترا رشوه ترک صلوة که آنرا کفر شمارند در اخبار ربوا که خدا
میفرماید در قرآن که اگر ترک نمی کنید اعلان جنگ با خدا و رسول بدهید
گناهی چنین بزرگ مجازات معینه ندارد و اگر مقصود مجازات مطلقه
است که آنرا تعزیر نامند اخبار حدود و تعزیرات فرماید — ان الله
جعل لکل شیء حدا و جعل علی کل من تعدی حدا من
حدود الله حدا — اگر خدا حجت زمان را ظاهر سازد عمل باین
حدیث شریف و اجرای این حدود و تعزیرات خواهد شد انشاء
الله تعالی   اصفهانی — ربع زنهای ایران حجاب ندارند

ندارند   مجهول — دروغ فاحش و خلاف حس است بجز
اهل بلاد یک زن بی حجاب نیست حتی زنهای طبیعیهای طالبین
رفع حجاب که بحمد الله از رعب شریعت مقدسه جرأت نمیکنند
بی روبنده و نقاب بیرون آیند آخر دروغ گفتن حدی دارد
سیره قطعیه مسلمین از امروز تا نزول آیه حجاب بر احتجاب
نسوان ثابت شده است و از احکام برجسته دین اسلام
است که حتی کفار هم دانسته اند و از جمله ایرادات کشیشهای
فرنگی بر حضرت محمد بن عبد الله حکم حجاب است که بهمین خیالات
فاسده شهویه سرکار رعایا و دیگران برخلاف مذاق خود دانسته
ایراد کرده اند بکتاب انیس الاعلام رجوع کن — اصفهانی
از این پس شروع به بیحیائی و فحش و تهمت نموده اند —
مجهول — البته منع کنند از عمل حرام باید فحش و تهمت را
بروی خود بخوانند چگونه شوکیرا که از راهی اعانه یا تفریج

کرده است جلوگیر باشند از سوز دل مرفهان باطل نگوید چنین این
است که همه سرکار و بستگان نیت را می شناسیم و اعمال انها را میدانیم
لاف در غریبی گفته اند سبحان الرحمن نمیکردم قلم این طور ازاد
باشد اگر کریمه انّ الذین یحبون ان تشیعَ الفاحشه الخ —
جلوگیر نمیکرد انچه را میدانستم مینگاشتم بماند برابر عقاب اخروی
که الهی معتقدات و مکافات دهر که طبیعی قائل است —

اصفهانی — بواسطه حجاب غالب خوانان ترک ازدواج کرده اند
الخ مهجوره اولاً این کلام تاکنون حقیقت پیدا نکرده است ثانیاً
اغلب نسوان شوهر دارند سرکار میخواهند چشم چرانی زن و دختران
مردم را به تماشا بدهید ثالثه انکه جوانی میخواهد زنی عقد کند باید او
را ببیند پس باید جمیع زنان رو گشاده شوند تا لکن نظر تمیز زشت
و زیبا را دهد لاغیر و اهمیت اخلاق بیشتر از ان است و ان
بکشف وجه و نظر تمیز داده نشود بایستی همان بدعت فرنگانرا

فرنگانرا اعمال بفرمایند که قبل از عقد در خلوات و جلوات در
حال مستی و هوشیاری باهم باشند که اسباب ابستنی هم شده
است بحرام و اخلاق پسندیده نشده چنانچه حدیث در
رفع حجاب و تمسک باین دلیل مقدمه همان است لا و
فقکم الله — رابعاً انکه فلاز ترس این محذور
برای شریعتی است که طلاق و تعدد ازواج و انکحه مختلفه
دران نباشد خامساً این امر مجوز نمی شود که حجاب بر
داشته شود و ثالثاً بعد از انکه شارع مقدس استثنا کرده
برای متزوج نظر بسوی وجه و کفین و موضع دست برنجن
حتی ترقیق ثیاب را برای او چنانچه مفاد بعض اخبار است و
اختصاص بیک نظر هم ندارد چنانچه توهم شده بلکه تکرارش هم جایز
است حضرت رسول صلی الله علیه و اله برای مغیره فرمود
در وقت خواستگاری کردنش زنی را انظر الی وجهها

وکفیها — حضرت صادق فرموده لا بأس ان ینظر الی وَ
جهها وَمَعاصِمها اذا اراد ان یتزوجها — حتی عرض
کردن بدون چادر کوچه هم در نزد او تجویز فرموده مگر انکه امام
علیه السلام حیفرماید انی اکرهه تا این مقدار مکروه است ودر این
استثناء دلالتی است بر وجوب پوشیدن روی از غیر محرم و
وانکه زنان از بدو اسلام مستترة الوجوه بوده اند والا استثناء بی
محل بود واما عمل نکردن حکم شریف تقصیر صاحب شریعت نیست و
موجب اضمحلال حکم دیگری نباید بشود واگر ارکار واشال شما قصدی
غیر از این ندارید ایراد کنید که چرا باین حکم شریف عمل نمی کنید نه انکه حرام
خدا را حلال کنید بهوای نفس — اصفهانی — حجاب باعث
بدعملی وامراض مسریه است ومثال باهل دهات وایلات زده که
در انها نیست این دلیل عقلی اوست — مهجوره — چرا مثال
باهالی اروپا نمیزنی که بواسطه عدم حجاب زنان در امر ایل خود ازاد

ازاد شده اند بقسمی که از متاب لا بدی بکارت را که امر حسی
است منکرند چنانچه معروف ومشهور است بلکه کارشان بجائی
کشیده که بودن نطفه از صلب شخص امر اعتباری دانسته اند
ورضای طرفین را کافی دانند ولو شوهر دار باشند وحمایت
دولت از غیر صورت تراضی است چنانچه در تحفة العالم مینگارد
وهرکه رفته دانسته است وباین سبب امراض مسریه در ان
بلاد شیوع دارد بقسمی که برای ذکر غلافی ساخته اند که در
موقع مجامعت بپوشند تا مرض سرایت نکند ونبودن امراض
مسریه در ایلات ودهات بجهة ان است که معاشرت با سرکار
وفرنگی مآبهای دیگر که بسبب معاشرت با فرنگان وزنان ایشان
غالبا مبتلا به سفلیس هستند دور افتاده اند چرا چهل سال قبل در تمام
ایران دو نفر سفلیسی پیدا نمی شد وامراض جلدیه نهایت قلت داشت
اصفهانی — بمصداق الانسان حریصٌ علی ما منع

همیشه زنهار دو بیت را تعقیب می کنند — مجموعه — نزول آیه
غض ابصار را سبب این شد که جوانی از انصار را نظر بسوی زن
رو گشاده افتاده در تعقیب او شتافت تا رویش بدیوار آفت
و خون جاری شد در حال جبرئیل نازل شد و حکم وجوب پوشانیدن
نظر از نامحرم آورد سپس رسول الله حدیث در منع از نظر و کشف
نسوان فرمود چنانچه در کافی از حضرت باقر علیه السلام منقول
است ثانیاً لازمه حرف سرکاران است که منع از زنا و لواط و دزدی
و خیانت و جمیع محرمات هم نکنند زیرا که بمصداق الانسان
حریص علی ما منع — بیشتر شایع میشود این هم ظاهراً دلیل
عقلی شما باشد بسیار شبیه است دلیل شما با دلیل اروپائیها در
کشف حجاب بدن و عورتین مرد و زن که در جریده استخر شماره
۳۲ از ۱۳۴۴ هجری درج کرده بود اخیراً عده زیادی از
اروپائیها راه حسن تربیت اخلاق را این طور یافته اند که محصلین

محصلین و محصلات همه برهنه حتی بی ساتر عورت و بدون
هیچگونه مانع باهم جوشش کنند و دلیل آورده اند که پسرها و دختر
که همه چیز یکدیگر را می بینند با هم انس میگیرند دیگر از روی
شهوة بهم نگاه نخواهند کرد و باین سبب فسق و فجور در عالم
کم میشود — و جواب سرکار و اینان همان است که مدیر محترم
استخر داده — خدا احدا قادر است که نوع بشر را از این
جنون نجات دهد — اصفهانی — دلیل دیگر آنکه گویند
وقتیکه چشم دید دل میخواهد و نقض به لیره کرده که چشم می
بیند و نمی توانند بر بیاید از جلوگیری صاحبش با دولت —
مجموعه — اولاً کسی این را دلیل وجوب حجاب قرار نداده —
حجاب بحکم آیات قرآنیه و احادیث رسول الله و ائمه اطهار
از اقوال و افعال و تقریرات آن ابرار و سیره قطعیه مسلمین
و اجماع ایشان بر منع خروج زن سافرة الوجه و روگشاده

ثابت است صاحب جواهر فرموده بی حجابی و نظر بسوی اجنبیه از منکرات

دین اسلام شمرده میشود اینها ادله فقه است که جمیع احکام بیکی

از اینها ثابت شده چه چاره از همه وان دلیل عامیانه است که جواب

از سخن عامیانه است ثانیا بر فرض تسلیم که دلیل باشد رسول الله ص

امیر المومنین ائمه اطهار فرموده اند از ان جمله العین رائد الفتن

چشم دیده بان فتنه است العیون مصائد الشیطان چشم ها دامهای

شیطان است ایاکم والنظرة فانها تزرع فی قلب صاحبها

الشهوة وکفی بها لصاحبها فتنة — بپرهیزید از نگاه بنامحرم

زیرا که زرع می کند در دل نگاه کنند تخم شهوة وخواهش را وهمان

بس است برای هلاکت او النظر سهم من سهام ابلیس

مسموم — نگاه کردن بنامحرم خدنگ زهر آلودیست از خدنگهای شیطان الی غیر ذلک از احادیث معتبره که در کتب اربعه

و نهج البلاغه وسایر کتب شیعه روایت شده وبحد تواتر رسیده

رسیده است پس افتار عزیز شما ایراد وانکار بر خدا ورسول وائمه

اطهار دارید وجواب انست که طرف سخن ماکسانی هستند که

معتقد بقران خدا وسنت رسول الله نباشند طبیعی شهوت

پرست که مصداق این بیت است — زبندگان طبیعت

مجو مسلمانی — که این سیاه دلان کافرند در همه کیش

اصفهانی — قول میدهم اگر زنهای شهری رو باز

شوند خجالت می کشند از روی نحس نجس خود دیگر این نوع

عشوه در بازار با محضر افاضل نمایند — مهجوره — صحت قول

سرکار معلوم شد انجمن طالبین رفع حجاب که زن و مرد مخلوط

بیکدیگر جلسه داشتند افعال ان را همه فهمیدند بقسمی

که نظمیه مجبور بتفرقه انها شد زنانیکه در بازار عشوه میکنند

بنیاب و بین الله بابینک وبین الوجدان والطبیعه هر چه

را معتقدی ایا غیر زنان بیچیزی و طالبین رفع حجاب

هستند که امروزه بیست سال است که در اثر صدای آزادی پیدا شده
اند چرا قبلا از این نبودند — اصفهانی — یقینا لیره که بهزاران درد
میخورد بیشتر دوست میدارید در بازار هم می بینید که درب دکانهای
صرافی گذارده چرا بر نمیدارید و عاشق غلط شوید همان قوه
دولت که از بودن لیره جلوگیر است از زنا هم جلوگیر است —
یعنی قوه دولت این هم دلیل عقل او است مسجوره — اولا
قیاس مع الفارق کردی که اول عوام زدی محبت لیره نوعی
است و محبت نر ماده را بالعکس نوع دیگر است و در دوم معاضد
بشهوت و تخیلات شهویه و غرور جوانی و مشتهیات نفسانیه
است بخلاف اول ولذا لیره را در راه آن صرف می کنند
الاغ ، بکثرت عشق او بسبزه و جو بمجرد آنکه بوی ماده بمشامش
رسید از آنها باز مانده و افسار کنده بسوی آن میدود خوب مردم را
احمق فرض کرده اید این مثال تراشیها حیلکی که احکام رسول الله

رسول الله را تحریف کنی هیهات — ثانیا بر فرض تسلیم عشق
هر چیزی در بودنش بحسب حیثیات اوست عشق لیره است
که مملکتهای اسلامی بآن فروخته شد — عشق لیره است
که عرضهای بر باد داده و میدهد — عشق لیره است که هر چه عرض
خارجیها است رواج میگیرد — عشق لیره است که سرکار صفحات
روزنامه مقدس حبل المتین را باین حرفها اشغال کرده اید
و با یکدیگر را خواب می شناسیم چرا آن قوه بازدارنده از حرص
لیره که فرمودی بازدارنده است از زنا و مخنثهای سرکار را باز نمیدارد
بعلاوه شرعیه ضرور که محتاج بمنافیه شوید تغییر حکم خدا و رسول
برای چیست اگر برای جلوگیری از فساد شهوی است که نتیجه
بعکس خواهد داد اگر سرکار نفهمی مردم می فهمند و اگر برای استقلالات
مملکتی است نکته سنجان عقلای فهمند که این هم مغالطه و امر
بعکس خواهد بود — اگر دلتان برای دین و دنیای مردم میسوزد

چرا تعقیب در رفع مسکرات از مملکت نمی کنید مانند امریکا با آنکه مفاسد
دینیه واخلاقیه وبدنیه مسکرات لایتناهی است — واگر دلتان برای وطن
میسوزد چرا تعقیب در منع از لباس تجمل وخرازیهای بی نفع بلکه
مضر نمی کنید که هستی مردم را بباد داده وایران را اسیر خارجه کرده این
اقمشه وچای ودخانیست که نبودنش موجب اختلال باشد عمده
در نجات مملکت استخراج معادن مکنونه ایران وقطع احتیاج
بخارجه است که همه ساکت اند — بالجمله معلوم شد که سرکار از عقل
هم چیزی نفهمیدی زیرا که دلیل عقل احکام مستقله انست مثل قبح
ظلم وحسن عدل نه قیاس ابلیس اساس ونه استحسان رسل وتشبیه مهمل
اصفهانی — پس از این کلام بعضی جسارت با قایان عظام
وتمسخرهای خورستان عموما وامضاء خادم خدام شرع
کرده مهجوره — اما جسارت باید خواستنی اجر خودش بدهد
اما تمسخر خدای تعالی در سوره هود آیه چهلم از لسان نوح علیه

السلام جوابش داده در وقتی که طبیعی ها تمسخر کردند بمؤمنین
قال ان تسخروا منا فانا نسخر منکم کما تسخرون فسوف
تعلمون — واما امضاء دروغ است زیرا که فکل وکروات
اوخدمتی نسبت بساحت قدس خدام شرع محمدی نکرده است مگر آنکه
مقصودش شرع مزدک وبابک خرمی وبعباره اخری شرع طبیعت
نیچر ناتور باشد که در این صورت صدق است این مهجوره در خاتمه
عرض میکنم چون معلوم است این آوازها که تلمه باحکام اسلام
میزنند از حلقوم چه کس بیرون میاید که بتوسط جعبه های نقل الصوت
خود میرسانید بر همه واجب میدانم که اقتدا بعلمای حقه وحجج اسلام
اعتاب مقدسه وایران که علما تنها محصور است بنمایید که ابدا
در صدد جواب این مزخرفات تاکنون بر نیامدند ومهجوره هم
بی طاب شده که این جوابیه را در جواب آوردم وهر کس زیاده بر
این بیان وبرهان خواهد بکتاب عصم العقائد رجوع کند

ولی بجهت ختام حسن تبرک باین کلام معجز نظام حضرت امیر المومنین
علیه السلام جسته و برادران دینی خود عرضه میدارم که اگر کشف نسوان
جایز و در سالف ازمان معمول بود هر اینه جد امجدم از انسیت
به تجدد و حدوث ندادی و در شمار مفاسد آخر الزمان که اقد
ازمنه و جاهلیت ثانیه است بنیاوردی در کتاب عصم العقائق
از جناب اصبغ بن نباته از حضرت امیر المومنین روایت نموده
که آنحضرت فرمود — یظهر فی آخر الزمان و اقتراب
الساعه و هو شر الازمنه نسوة کاشفات عاریات
متبرجات من الدین خارجات فی الفتن داخلات
مائلات الی الشهوات مسرعات الی اللذات مستحلات
المحرمات فی جهنم خالدات — ترجمه هویدا گردد در
آخر الزمان و نزدیک ساعت ظهور حضرت صاحب الزمان
مافسو رخلاق و مردمان و آن بدترین همه زمانها است زنانی

زمانی که بی حجاب و روگشاده باشند و در میدان جنگ
و کارزار بر آیند و خود را آرایش داده فاحش شوند و از دین
پیغمبران خود بیرون روند و در فتنه ها و گمراهی در آمده
مداخله کنند و بسوی شهوات میل و رغبت نمایند و بسوی
لذات و خوشیها بشتابند و محرمات الهیه را حلال دا
نسته مرتکب شوند و مانند روگشودن بنا محرم و آمیزش
با او و قیادت و سحق و زنا و رقص و غنا و شرب خمور
و فجورها) و آنان در نیران جهنم سوخته و در عذاب
و شکنجه همیشه پاینده باشند — والسلام خیر ختام
حررته العلویه المحجوبه زینب بیگم فی یوم المباهله ۱۳۳۵
حین الصبح این رساله کاتب این حقیره فقط بدینکه در
جواب اشعار ایرج میرزا و امثاله گفته اند بدستم آمد
گفتم چه بهتر که ختم کلام را در این مقام بقصیده فریده

فصاحت نظام زبده ارباب علم و عرفان و قدوه اهل دانش
و ایقان افصح البلغا و الفصحا آقای قدسی قدس سره
القدوسی عنایت نمود فقیر هم دران ثواب شریک باشم

حساب خویش نگهدار از خطا و ثواب
که آدمی عمل او بود بروز حساب

هر آنچه از بد و نیک است در زمانه تو را
تو را معاینه آید عذاب یا که ثواب

نخست بنگر از آغاز کار انجامت
خرد کدام بود پاس مبدء است و مآب

بعقل هست ترا افتخار و عقل مکش
بدست یاری دیو و مکن اساس خراب

مست مخدر اعصاب و مفسد خون است
حکیم خواند بحکم خرد شراب شراب

چو بیحیا کند آن باده و حیا دین است
نتیجه میدهد آن کفر بیحیا و حجاب

مگوی راز خود از بهر کس که راز تو است
وگرنه راز نباشد بدان تو راز و بیاب

زنان ما همه سرای و راز مردانند
بدل نهفته غم اسرار زن نهان بنقاب

بدیده عقده ز مرغول و چشم مست کشند
کسان که زهره کشانند از فلک به شتاب

مگر چو مردم چشمش پری دها داری
وگرنه چشم بپوشش چو مردم اندر خواب

عشیقه تو بود زن نه عشوه ساز جهان
جهان صفت همه حاشیه برده چون لبلاب

خروس مغز سر ماکیان بمنقارش

مرغول
بروزن مقبول
بمعنی پیچ و تاب موی
پیچیده است

گیاه معروف است

برون کشد که بجفت دیگر شود همتاب

تو راوی است و هما[2] یون شود همائی را

تو رامی است والرته[3] می چو وعد و رباب[4]

دریغ غیرت و افسوس فطرت مردان

ز ناپسند کم از زانیه است در هر باب

کسیکه قدح حیا و حجاب پیش تو کرد

بگوش او زمن امسته کو حیا و حجاب

خدا چو غض ابصار کم بفرموده است

بلاد دار تو خاتون ز دیده اتراب[5]

برای دیده نامحرم این خطاب بود

بغیر چشم تو محرم نباشدش در باب

بچشم چشمک و دو چشم باز و دیده باز

تو اعمی که نشنید نظاره چون بی تاب

[2] دو عاشق و معشوقند

[3] عاشق می الت

[4] وعد و رباب دو عاشق و معشوقند

[5] یعنی زنان نو محرم عزاد و دختران و شیره و هماان

چو با حجاب چنین است بی حجاب بخواه

که در گشاده نزاید ابلیس انس و شراب

حمام جفت خود از غیر خود نگهدارد

حمام باش و بهمت درانه شرد و آب

کسیکه این سخنان قد سیابه پسندد

کلو بخنجر کیوان و از مجره طناب

خاتمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله والصلوه والسلام علی رسول الله و آله
الاکرمین اوصیائه و خلفائه امناء الله — در این
عهد فیروز که بروز احتشام ایران بفر فرخی شاهنشاه
اعلیحضرت همایون رضا پادشاه پهلوی الت حمدالله نعمت
امان و امنیت مرتوق چنانچه شکر مواهبت را فریضه

ومنت بتمام همت بیشمارد واتفاق بلا نفاق را از تمامت
انسانیت متحتم میداند

همانا در این مقام بیان اصول اخلاق شود بهتر و برای فهم سخن
نزدیکتر اگرچند از اختصاص خارج فصلی که ارباب دانش را
سودمند خواهد بود — کامل بود از چهار صفت بس ناچار —
با هشت صفت نباید خو بود دچار — حکمت بود و شجاعت
وعفت وعدل — این چار بود بهر صفتی ضد چهار —
حکمت جودت ذهن است و طرف دارد یکی بله و یکی سفه بله
نرسیدن بحد اعتدال و سفه گذشتن از حد اعتدال یکی طرف تفریط
ویکی طرف افراط وگفته میشود از طرف افراط یعنی سفه جربزه
ناممدوح است زیرا مراد سوء ذهن است که فکر در مقام خود نه
ایستد وبیا از حق تجاوز کند کما قال الله تعالی فی محکم کتابه الحکیم ومن

ومن یرغب عن ملة ابراهیم الا من سفه نفسه —
دیگر عفت و دو طرف خمول و شره است هویداست چنانکه
شره ناممدوح انگیختن شره نیز ناممدوح — یغضوا ابصارکم
ولیغضضن من ابصارهن برای نگاهداری حد اعتدال
است ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن آیه مبارکه خوب
استشهاد برای این باب میتوان کرد تا عفت که کمال
انسانیت است محفوظ بماند وگفت را اهل شهوت خارجشان
از حدود انسانیت را نمی توان مقابل حکم عقل سلیم و آیات
کتاب حکیم بداری حاجت وکلا ما اگر دانستی داریم جز براه عقل
ودین وحیا که عفت وسلامت انسانی است بسیار یم حیا
وحجاب وفار و شیمه[1] آدمی است ومروت ومردمی در هر
مقام قیام بحد همان مقام است چهارم از اصول اخلاق
عدل است وعدل با هر یک شریک است وخود بنفسه شخص

[1] خوی آدمی را گویند

تخیص وخوی علیحده شمرده شده زیرا که دو طرف دارد ظلم و
انظلام بیداد نکردن بیداد نکشیدن ستمگری در و ستمگر
بدانکه خلل هر یک ازاین چهار قوه مؤثر در دیگر است یعنی
نداشتن اعتدال و بر صراط مستقیم راه دار نبودن کما قال الله
تعالی اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت
علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین - وقوا
هر یک ازاین اخلاق در حدود انسانیت و حظوظ سلیمه
ازفته وفساد جیب است چنانچه دراین قسمت از اشعار
اشعار شده دریاب — آواز غیب بگوشم والهام سروشم میگوید
ودل حقیقت نیوشم تصدیق میکند که بغیر از قیام دیگر هیچ عنوا
یعنی قیام بمردی وغیرت زناشوئی وهمین نام تمام است در وظیفه
هر یک بحکم الرجال قوامون علی النساءِ مرد و زن را نباید
گذاشت که از فطرت مفطوره بگریزد که بحکم اولیه عقول سلیمه از

از تاخت تاز گریز جفت عاطل باده دیده بارچو از اغیار ننهد که بدیلا
های لبالب سرشار شهوات مدهوش نه که با جنره فرو ریزد الا فای
ادبار که ضد اقبال است در صفحه وجید قتبالی موثر قتل قتالی شود
چنانکه هم بحکم دیدار در هم طبقه زاید بر هزار موجود انکار نتوان
کرد و هر یک ازاین عبارات باب وفصلی است که در دفتر خاطر
اهل دانش نوه فهمش حاضر است

گریز
گریز بیج عیار بزرگ

زینب کبری در خطبه مشهوره بر یزید مسلم صورت طبیعی سیرت
طعن میزند بانکه روهای دختران رسول الله گشودی وپرده
اختجالشان دریدی أَمِنَ الْعَدْلِ یابْنَ الطلقاء تخد
یرك حرائرك وامائك وسوقك بنات رسول الله
سبایا قد هتكت ستورهنّ وابديت وجوههن لح

وحسنه الوقوع في زمان ‏‏ ‏‏ دولة سلطان عظيم الشان

بر جليل قاهر مقتدر ‏‏ ‏‏ عدل بر وفي بالعطا شهر

مزين به سرير السلطنة ‏‏ ‏‏ وحيد الآفاق فريد الأزمنة

مشيد مؤيد مسدد ‏‏ ‏‏ عن والد فوالد فوالد

أعظم أعلى ملك خاقان ‏‏ ‏‏ غوث السلاطين من الأقران

على محبيه سحاب نافع ‏‏ ‏‏ على أعاديه حسام قاطع

على الموافقين بحر وغمر ‏‏ ‏‏ على المنافقين نار وشرر

صمصامه القطاع للأعناق ‏‏ ‏‏ من أهل بغي وذوي النفاق

علائم الدين به مرتفعة ‏‏ ‏‏ قوائم الكفر به منقلعة

في اليوم كالشمس على ضحيها ‏‏ ‏‏ في الليل كالبدر إذا تليها

ذا ناصر الدين شاه قاجا ‏‏ ‏‏ على جميع الخلق ظل الباري



معمر المساجد المندرسة ... وزائر المشاهد المقدسة

فإنه زار بكثرة الشرف ... طوسا وكاظمين كربلا نجف

وساح من همته الفرانسه ... سياحة العبرة لا المؤانسه

صنف للحالات في المعابر ... رسائلا بأحسن العبائر

للعلماء مفضل ومكرم ... للفقراء محسن ومنعم

يختار ذرية آل أحمد ... لوصلهم من حبه محمد

الميرزا زين العابدين الحسني ... مع الحسيني الخلخال السني

امام جمعة سليل العلما ... ونخبة من علماء كرما

مروج الشريعة الغراء ... مؤيد للملة البيضاء

تبارك الله الذي قد ظللا ... بالشمس تظليلا فجل وعلا

من عدله صدر وعدل قد وضع ... على البلاد ولنعم ما صنع

فلو رأى نوشيروان العادل ... الطافه لقال لا أعادل

لو حضر الطائي في عطائه ... صار غريقا في ندى سخائه

قد صار ذا الكتاب مقبولا له ... الحجى بنشره صنيع الدوله

والعلماء الكرما الأطياب ... أفتوا بأن ذاك مستطاب

قد كل عن مديحه الأفواه ... والسن تمدح من سواه

فكيف يدعو مدحه لساني ... وإنني الأخرس في البيان

والأحسن الشروع في الدعاء ... له لدى الصباح والمساء

لا زال ظل الله ذا الجلال ... ولم يزل أعداه في ضلال

يا ربي اللهم خلد ملكه ... واجر في بحر الدوام فلكه

ثم البلاد وابقه ما ان نعى ... غروب مغرب وشرق مشرق

أدم بقاء ملكه العلي ... الى ظهور القائم المهدي

وإنني لقائل آمينا ... موافقا للناس أجمعينا



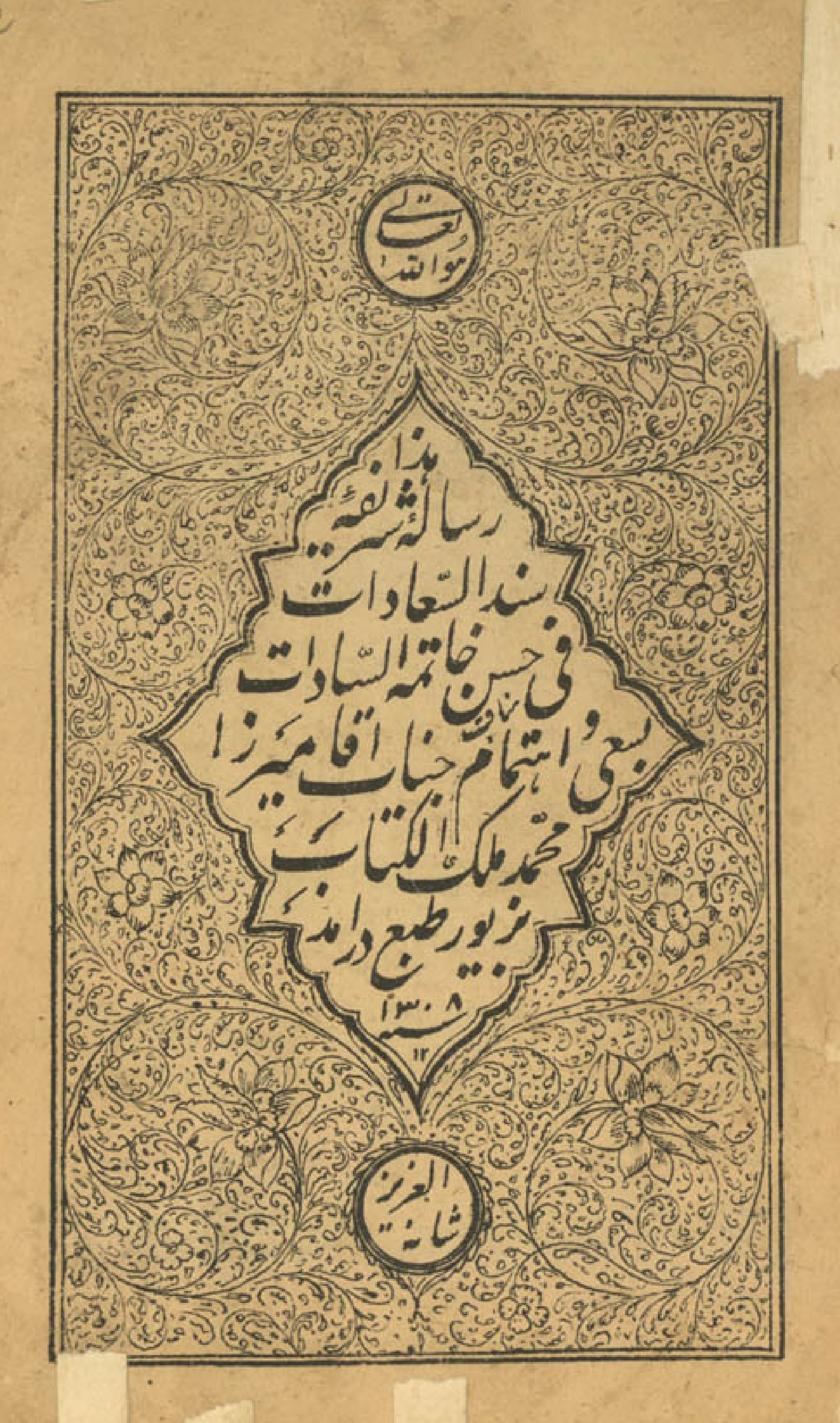
ای باوفاتو رفتی و قلبم کباب شد
دیدار اخیری و قیامت قیام شد

اما تو عم نه چنین بود از بقا
مرکم به پیش چشم چه قلبم خراب شد

وقتی که امدم بمنزل که شما
اما چه منزلی که دل من کباب شد

در اسامی علماء و فضلاء و فقهای افضل علمای انها پنج نفرند

۱	۲	۳	۴	۵
بی بی شاه زینب	کلثوم ننه	خاله جان آقا	باجی یاسمن	دده بزم آرا







الحمد لله الذی ارسل الینا حبیبه وخیرته التارک فینا الثقلین
کتاب الله وعترته صلوٰة الله وسلامه علیه وعلی آله الفائزین
واصحابه الهادین کالنجوم الثاقبة بحسن العاقبة اما بعد
این تالیفی است لطیف وانموذجی است شریف مسمی به

❁ سند السعادات فی حسن خاتمة السادات ❁

باعث تالیفش اینکه اکثر مردم ایمان سادات را مثل ایمان سایر
مردم میدانند ومحتمل الطرفین ودائر بین الامرین میشناسند حالانکه
رب العزت تعالی شانه سادات را بنابر تعظیم وتکریم جناب
رسالتمآب که اصل این شجرهٔ طیبه وافق این کواکب دریه است
بمزید عنایت نواخته وبمزید حسن خاتمه ازسایر دودمانها ممتاز

ساخته

ساخته لهذا احقر فقیر غلام علی المتخلص بآزاد الحسینی نسباً والواسطی
اصلاً والبلگرامی وطناً دلایل این مطلب والا رحی از کتب ثقات
برچید وجواهر آبدار ارمغان برآورده در مسلک تحریر کشید
تا ارباب عیون صحیحه وقلوب سلیمه حسن ظنی بحسن خاتمه سادات
بهم رسانند وبمیامن اعتقاد صافی واخلاص وافی سعادت
حسن خاتمه دریابند والله یقول الحق وهو یهدی السبیل هو حسبی
ونعم الوکیل صاحب صواعق محرقه مینویسد که قرطبی در تفسیر آیهٔ
ولسوف یعطیک ربک فترضی گفته که عن ابن عباس رض انه قال
رضا محمد صلعم ان لا یدخل احد من اهل بیته النار یعنی رضای خاطر شریف
آنحضرت که از آیهٔ کریمه مفهوم میشود این است که داخل نشود هیچ یکی
از اهلبیت او در دوزخ و قرطبی گفت سدی نیز در تفسیر این آیه
چنین گفته وروایت میکند طبرانی بسندی که رجال آن ثقات اند
که آنحضرت فاطمه را فرمود ان الله غیر معذبک ولا احد من
ولدک بدرستیکه خدا غیر عذاب کننده است ترا و نه هیچ
یکی از فرزندان ترا وروایت میکند ابو القاسم بن بشران در امالی
خود از عمران بن حصین که آنحضرت فرمود سالت ربی ان لا یدخل احد
من اهلبیتی النار فاعطانی سؤال کردم من از پروردگار خود که داخل نشود

هیچ یکی از اهلبیت من در دوزخ را پس عطا فرمود مرا قرطبی نقل میکند
از سدی در تفسیر آیه ان الله لغفور شکور غفور لآل محمد شکور لحبهم
تا اینجا از صواعق محرقه از مواضع متعدده منقول شده و نیز صاحب
صواعق گوید در شرح آیه تطهیر حاصل مضمونش اینکه رجس عبارت
از اثم است یا شک در انچه ایمان ان واجب است و انما افاده
حصر میکند اراده حقتعالی را در اذهاب رجس از اهلبیت و تطهیر
ایشان از اخلاق و احوال مذمومه و در بعضی طرق تحریم اهلبیت بر
نار آمده و این است فائده تطهیر و غایت آن و حکمت در ختم
آیه بلفظ تطهیر مبالغه است در وصول اهلبیت باعلی مراتب
طهارت و تنوین لفظ تطهیر برای تعظیم و تکثیر است و مفید اینکه
آن تطهیر از جنس متعارف نیست و قاضی شهاب الدین
ملک العلما در مناقب السادات بابی مستقل عقد کرده در بیان
انکه هیچ یکی از اولاد رسول ص بکفر نمیرد و ایمان سادات چون
ایمان عشره مبشره است در انجا میگوید که حکم این است که در
نزع ایمان از ایشان زائل نشود کذا فی التمهید و فی دستور الحقایق
لفخر الدین الهانسوی لایجوز زوال الایمان فی حالة النزع من الانبیاء
والعشرة المبشرة و اولاد رسولنا و ازواجه و اهل بدر و حدیبیه

و امثالهم بالشهادة والبشارة عن رسولنا و شیخ محیی الدین بن عربی در
باب اهلبیت و نهم از فتوحات می آرد خلاصه کلام انکه قال الله
تعالی انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا
الرجس هو کلما یشینهم فان الرجس هو القذر کاه القراء یعنی رجس در اصل
بمعنی پلیدی و مراد اینجا چیزی که عیب دار سازد ایشانرا و این آیه دلالت
میکند بر اینکه حقتعالی شریک گردانید اهلبیت را با رسول خدا در قول
خود لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر و کدام وسخ و قذر
زیاده تر از ذنوب باشد پس حق تعالی پاک گردانید نبی خود را بمغفرت
از انچه گناه است بنسبت بما که اگر بالفرض واقع شود از انحضرت هر آینه
گناه باشد در صورت نه در معنی و داخل اند اولاد فاطمه ع کلهم و کسی که
ملحق است بایشان مثل سلمان فارسی تا روز قیامت در حکم این آیه
یعنی غفران و مطهر اند باختصاص و عنایت ربانی که بنسبت بحال
ایشان باشد از برای تشریف رسول ص و ظاهر نمیشود این شرف
اهلبیت مگر در دار آخرت که ایشان محشور میشوند در حال که مغفور اند
اما در دنیا اگر کاری موجب حد سر زند اقامت کرده میشود حد با
تحقیق مغفرت مثل ماعز و امثال او و جائز نیست ذم ایشان
و سزاوار است هر مومن و مسلم را که تصدیق کند الله تعالی را

در قول و لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا اعتقاد
کند در جمیع آنچه صادر شود از اولاد فاطمه ع که حقتعالی عفو کرده و سزاوار
نیست که مذمت کند و نسبت عار نماید آنانی را که گواهی داد
حقتعالی بتطهیر و ذهاب رجس ایشان نه از راه عملی کرده باشند یا نکوئی
که پیش آورده باشند بلکه بسبق عنایت و اختصاص ذلک فضل الله
یوتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم و بداند ذم کننده که آن
مذمت عاید میشود بذات خودش و اگر ظلم کردند اهلبیت شخصی را
آن ظلم است در صورت نه در نفس الامر اگرچه حکم کند ظاهر شرع بلکه
ظلم اینها بر ما فی نفس الامر مثل جریان مقادیر است بر عبد در مال و نفس
او بغرق یا حرق یا غیر آن و جائز نیست ذم بر قضا و قدر الهی بلکه
لایق این است که مقابل کرده شود این امور برضا و تسلیم و اگر تنزل
کنی ازین رتبه پس بصبر و اگر بلند شوی ازین رتبه پس بشکر و اما ادای
حقوق مشروعه پس رسول ص قرض میگرفت از یهود و چون مطالبه
میکردند حقوق خود را ادا میفرمود بطریق احسن حسب الامکان و اگر زیاده
گوئی میکرد یهودی میفرمود دعوه ان لصاحب الحق مقالا بگذارید
بدرستیکه صاحب حق را سخنهاست و گفت آنحضرت اگر دختر من
بالفرض دزدی کند هر آینه میبرم دست او را لکن ما مخیریم اگر خواهیم

مواخذه کنیم و اگر خواهیم ترک کنیم و ترک افضل است عموما فکیف در
اهلبیت رض و چون گذشتیم از طلب حقوق و عفو کردیم حاصل میشود
عوض آن ما را نعمت عظمی و نهایت زلفی چرا که نبی ص طلب نکرد از ما
بامر الهی مگر مودت قربی و کسیکه قبول نکرد سوال نبی ص را با وجود قدرت
بکدام رو ملاقات میکند آنحضرت را فردای قیامت و امید میدارد
شفاعت او را حالانکه روا نکرد حاجت او را یعنی مودت قربی را
عموما فکیف محبت اهلبیت که اینها اخص القرابت اند تا اینجا منقول
از باب محبت و نهم فتوحات است و شیخ محیی الدین بن عربی در جای
دیگر میفرماید و ما توجه علیهم من الحدود و التعزیرات فاید بنا فیه ید الله و نحن
فیه معهم کالعبد مع ابن سیده یعنی حدود و تعزیراتی که متوجه باهلبیت
میشود پس دست ما در اجراء حدود نایب دست خداست و درین
معامله ما با ایشان معامله بنده است با صاحبزاده بحکم صاحب خود
و قاضی شهاب الدین ملک العلما در مناقب السادات از تشریح
فخر الدین رازی نقل میکند بعبارت عربی مضمونش اینکه اتفاق کرده اند
براینکه شرف علوی زائل نمیشود بنکراد فسق و اصرار عصیان زیرا که شرف
علوی از برای شرف رسول است شرف غیر علوی زائل میشود و
با کتساب نواهی چون برادران یوسف علیه السلام بمصر رفتند

و بر یوسف در آمدند و او را نشناختند حضرت یوسف ایشان را
شناخت در آنوقت حقتعالی فرمود و اوحینا الیه لتنبئنهم بامرهم هذا
وهم لا یشعرون یعنی وحی فرستادیم ما بسوی یوسف هر آینه آگاه کنی
برادران را بسلوکی که با تو کردند در حالیکه ترا نمی شناسند یوسف
مطابق امر الهی برادرانرا آگاه ساخت و گفت هل علمتم ما فعلتم بیوسف
واخیه اذ انتم جاهلون مقصد آنکه وحی فرستاد حقتعالی یوسف را
که اعلام کنی برادرانرا با وجود تکرار جنایات مثل قصد کشتن یوسف
و فروختن خود و دروغ بستن که یوسف را گرگ خورد و نافرمانی کردن
پدر را تعزیر دیگر نفرمود پس معلوم شد که تعزیر ایشان همین اعلام است و
بس و ابو عبد الله جرجانی گفت که علوی چون عادت کند فسق را پس
پادشاه را باید که قاضی مقرر سازد در قبیلهٔ علویان و قاضی علوی
باشد که امر کند بکشیدن علوی پس حبس کند و نزند چرا که ایشان با هم
یک قبیله اند و جائز نیست قاضی را جز اعلام و اعلام عبارت از این است
که گوید کردی تو چنین و چنان و در تیسیر ضیاء الدین شامی و جز آن میگوید
علوی را تعزیر بزنجیر و حبس و ضرب جائز نیست زیرا که شرف او اصلی است
و ما بالذات لا یزول و ما بالعرض یزول اشراف هر چند جنایات
کنند چون قطع نسب ایشان نشود شرف زائل نگردد و علیه الائمه

تا اینجا حاصل کلام مناقب السادات است و بعضی از اهل تحقیق گفته اند
بعبارت عربی ترجمه اش اینکه سزاوار است چشم پوشی از انتقاد اهلبیت
و در اینجا فاسقی باشد از جهه بدعتی یا غیر آن میباید که افعال او مبغوض باشد
نه ذات او چرا که ذات او بضعة الرسول است اگرچه وسائط در میان
باشد و ابتداء اخراج نمیکند از فرزندی بلکه فرزند همان فرزند است
در همه حال خواه عاق باشد خواه فاجر و در آیهٔ کریمه و کان ابوهما صالحا
گفته اند که در میان یتیمین و آب صالح هفت یا نه واسطه بود و از اینجاست
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود حفظوا فینا ما حفظ الله
العبد الصالح فی الیتیمین یعنی نگاه دارید پاس خاطر جد ما را در حق ما
مثل نگاه داشتن خدا تعالی پاس خاطر صالح را در حق یتیمین عزیزی گوید

سادات نور دیدهٔ اعیان عالم اند — از حرمت محمد و از عترت علی
فردا طعام معدهٔ دوزخ شود کسی — کامروز از محبتشان نیست ممتلی
گر زلتی از ایشان صادر شود رواست — نتوان شکست حرمتشان از جاهلی
از بهر آنکه سید کونین گفته است — الصالحون لله و الطالحون لی

و شیخ ابن حجر در صواعق محرقه احادیثی که دلالت دارد بر نفع نسب
آنحضرت می آرد و بعد از آن میگوید که منافی نیست این احادیثی که
در آن آنحضرت اهلبیت خود را بترس الهی و تقوی ترغیب فرمود

وشیخ ابن حجر مکی ازان احادیث نقل میکند جزئی از حدیث طویل این است
یا فاطمه بنت محمد یا صفیه بنت عبد المطلب یا بنی عبد المطلب لا
املک لکم من الله شیئا لکم رحم سابلها ببلالها یعنی ای فلان و فلان مالک
نیستم برای نفع شما از خدایتعالی هیچ چیز را جز اینکه شما را قرابتی است با من
بجا می آرم صله قرابت را و جزئی در حدیث اینکه لا اغنی عنکم من الله شیئا
آنحضرت خطاب به بنی هاشم میکند و میفرماید فائده نمیدهم شما را از خدا
هیچ و وجه عدم منافات بطریقی که محب طبری و دیگر علماء گفته اند این است
که آنحضرت مالک نیست که چیزی از نفع و ضرر بکسی رساند بی امر الهی ولکن
خدایتعالی مالک است نفع اقارب بلکه جمیع امت او را بشفاعت عامه
و خاصه پس آنحضرت مالک نیست مگر چیزی را که مالک گردانید او را
مولی تعالی شانه چنانچه ارشاد کرد بقول خود غیر ان لکم رحما سابلها ببلالها
و همچنین معنی لا اغنی عنکم من الله شیئا یعنی فائده نمی توانم رسانید
شما را بی اذن خدایتعالی بمجرد نفس خود بی شفاعتی و مغفرتی که حقتعالی کرامت
کرده است مرا آنحضرت مخاطب ساخت اقارب خود را اولا
بنا بر رعایت مقام تخویف و ترغیب بر عمل که ایشان بتقوی و ترس
الهی اولی باشند از باقی امت و ثانیا ایما فرمود بحق رحم و نفع انتساب
تا ایشان را نوعی از اطمینان حاصل شود و بعضی گفته اند که احادیث

تخویف

تخویف و عدم انتساب آنحضرت قومی از امت بی حساب داخل بهشت میشوند
و قومی دیگر را درجات و مراتب بلند میشود و قومی از دوزخ بیرون می آیند
انتهی کلام الشیخ ابن حجر در حدیثی که بالا مذکور شد ابلها صیغه متکلم است
و بلال بالکسر بلل بفتحتین و عرب اطلاق میکنند بلل را که تری است بر صلت
و یبس را که خشکی است بر قطع بر سبیل استعاره بواسطه آنکه بعضی اشیاء با
هم اتصال می یابند بطراوت انفصال می یابد بیبوست کذا فی النهایة
لابن اثیر و شیخ محیی الدین بن عربی گفت اما قول حقتعالی من یات
منکن بفاحشة مبینة یضاعف لها العذاب ضعفین پس این تعلیق
حکمت بفعلی که امهات المؤمنین ازان منزه اند و لازم نمی آید از وعید
مطلق نفوذ آن لا سیما وقتیکه دلیل بر خلاف آن موجود باشد این است
آنچه در باب بشارت سادات عالی درجات وفقهم الله بالخیر بنظر
جامع اوراق رسید ولکن بر ارباب فطانت و ذکا این هم هویدا است
که هر چند نفع قرابت و شفاعت آنحضرت عاصیان اهلبیت را ثابت
و مقرر است اما شک نیست که صدور منهیات از سادات خلاف
مرضی آنحضرت است و چون سادات مباشر حرکات ناپسندیده شوند
خاطر اشرف را چقدر گران میرسیده باشد که اولاد من خلاف طریقه
من اختیار کرده اند و خود را دستور العمل ضلال و اضلال امت من ساخته

و در حقیقت ساداتی که برخلاف جد بزرگوار راه میروند و در السنه
طریق عقوق و نافرمانی سر میکنند آنحضرت را در جناب عزت تعالی
شانه خجالت میدهند معاذ الله منها و باز فردای قیامت از آنجناب
چشم شفاعت همینی از عالم انصاف بمراحل بعید است خوب گفت کسی
فرزند نبی که نیست بر راه نبی   چون آیه منسوخ کلام الله است
گرفتم که آنحضرت با وجود ملال خاطر اقدس برعایت صله رحم لب بشفاعت
کشایند این کس را در خوان و اقران چه آبروست زیرا که بیشک عنایت
و التفات آنحضرت بصلحای اهلبیت دیگر خواهد بود و بعصات اینها
دیگر میل اول طبیعی و میل ثانی قسری طایفه اولی بر صدر بهشت خرامان
روند طائفه اخری سر بگریبان خجلت فرو برده از در آیند سزاوار باب
غیرت بهشتی که باین سوائی دست دهد بتر از دوزخ است عرفی گوید
کسی کز لذت طاعت بود محروم من خامم   که بگذارند در جنت ولی با داغ حرمانش
پس سادات را باید که در شکر طهارت طینت و بشارت مغفرت
طریقه جد اشرف خود اختیار کنند و بر اتیان بامورات و اجتناب
منهیات قدم افشرند و امت را براه مستقیم شرع هدایت نمایند
که منطوق الولد الحر یقتدی بابائه الغر اینها احق و اقدم باتباع طریقه
نبوت و تعدیل قسطاس شریعت و نشاید که باعتماد شرافت نسب

از راه روند و در تیه معاصی و مناهی سرگردان شوند که حق سبحانه میفرماید
ان اکرمکم عند الله اتقاکم و طبرانی روایت میکند که حضرت فرمود
ان اهل بیتی هؤلاء یرون انهم اولی الناس بی و لیس کذلک ان اولیائی
منکم المتقون من کانوا و حیث کانوا یعنی اهلبیت من گمان دارند که
اینها احق باشند بمن و حالانکه چنین نیست بتحقیق اولیاء من از شما
پرهیزکارانند هر کس که باشد و هر جا که باشد و ثبوت پیوسته که
حضرت در نماز آنقدر بایستاد که اقدام مبارک آماسید حضرت را
گفتند اتکلف هذا و قد غفر لک ما تقدم من ذنبک و ما تاخر یعنی
رنج میکشی این همه و حالانکه بخشیده شده است گناهان متقدم و
متاخر تو حضرت جواب داد افلا اکون عبدا شکورا آیا نباشم من بنده
شکرگذار و میر عبد الواحد بلگرامی قدس سره السامی جد اعلای مادر کتاب
سنابل میگوید که عشره مبشره را هر چند حکمی قطعی بود بخیریت خاتمت و دخول
بهشت و لکن ایشان ایمنی و بیغمی نداشتند و مقام خوف و هیبت
فرو نگذاشتند حضرت میر این مطلب را بشرح و بسط تمام نوشته اند
و داد کلمه حق داده و دران مقام ایهم برزبان قلم آورده اند که
سادات را نسبت فرزندی با مرتضی علی نسبتی است قوی که
فرزندان صلبی اند و ایشان را نسبت فرزندی با رسول ص نیز هست

اما نسبتی ضعیف که فرزندان دختری اند و ظاهر است که صدور این
کلمه از جناب سید محض از برای آنست که سادات تکیه بر نسبت نکنند
و از طاعت و عبادت باز نمانند و الا خود هم از خاندان نبوت اند
کیست که انحطاط رتبه خود را راضی باشد و حرف شکست خود را بر صفحه
روزگار باقی گذارد چنانچه خود در ان کتاب مینویسد که ای جان من
فدای نام مرتضی و ای دل و جان من نثار اقدام مرتضی کدام بدبخت از ال
که محبت مرتضی در دلش نباشد و کدام رانده درگاه مولی که اهانت
او روا دارد حاشا و کلا که در محبت اولاد رسول قاصر باشم بیت

حب اولاد نبی حب نبی است — هر کرا این حب نباشد اجنبی است
سربسر گر خاص و گر عام اند شان — مستحق حب و اکرام اند شان

و این فقیر هم از جمله سادات است سخنی که با خویش و خویشان گفته
شود جز بسبیل اخلاص و نکوخواهی نخواهد بود انتهی کلامه نعم قوتی که این نسبت
ضعیف دارد هیچ نسبت قوی ندارد چه از خصائص نبویست که اولاد
بنات حضرت منسوب میشوند بحضرت و در روایت صحیحه آمده از عمر بن
الخطاب انه خطب ام کلثوم من علی فاعتل بصغرها و بانه اعدها لابن اخیه جعفر
فقال له ما اردت الباه ولکن سمعت رسول الله یقول کل سبب و نسب
ینقطع یوم القیمة ما خلا سببی و نسبی و کل بنی انثی عصبتهم لابیهم ما خلا ولد

فاطمة فانی انا ابوهم و عصبتهم یعنی خطبه کرد عمر ام کلثوم را از علی پس عذر آورد به
صغر سن ام کلثوم و بانکه نگاهداشته است او را برای پسر برادر خود
جعفر طیار پس گفت عمر اراده ام من باه را ولکن شنیده ام رسول خدا را که
میفرمود هر سببی و نسبی که هست منقطع میشود در روز قیامت سوای
سبب و نسب من و همه فرزندان دختری عصبه ایشان پدران ایشان
باشند سوای فرزندان فاطمه پس بدرستیکه من پدر ایشان و عصبه ایشانم
صاحب صواعق محرقه گوید حاصل کلامش اینکه انتسابیکه از خصائص حضرت
در این حدیث و امثال آن مفهوم میشود این است که حضرت را پدر بنی
فاطمه توان گفت و بنی فاطمه را پسران حضرت و چون بنی فاطمه را با جناب
نبوت نسبت ابوت و بنوت بهم رسید این نسبت را در کفاءت اعتبار
خواهد بود پس هاشمی غیر شریف کفو نمیشود شریفه را و قول علما که بنی هاشم
و بنی عبد المطلب اکفاء اند محل آن در ما عدای این صورتست و اگر کسی
وصیت کرد که مال مرا پس از من بفرزندان حضرت بدهند وصی را میباید
که به بنی فاطمه بدهد و اگر همچنین کسی وقف کند بر فرزندان حضرت مصرف
آن بنی فاطمه خواهند بود و این حکم در اولاد دختری غیر حضرت جاری
نمیشود مثلا اگر کسی وصیت کند که مال مرا بر فرزندان زید تقسیم کنید
اولاد دختر زید را هیچ نمیرسد راقم الحروف گوید در اینمقام شبهه دارد

میشود که هرگاه از حدیث مفهوم شد که غیر شریف کفاءت ندارد با
شریف پس علی چرا خطبهٔ عمر را اجابت کرد و عمر چگونه این حدیث را که منافی
مقصود بود در معرض استدلال بر مقصود خود آورد جوابش اینکه
این یعنی بنا بر ضرورت بود چه در آنوقت عنفوان نشوونمای شجرهٔ رسالت
بود و شریفی که با شریفه نسبت کفاءت داشته باشد و هم شرعاً هم
مناکحت جایز بوده باشد اصلاً بعرصهٔ وجود نیامده دیگر از قوت
تأثیر این نسبت آنکه رب العزت جل شأنه در آیهٔ مباهله بنی فاطمه را یاد
کرده و ایشان را ارکان حجت ساخته صاحب صواعق محرقه نقل
میکند که هارون رشید حضرت امام موسی کاظم را گفت چگونه میگوئید
شما که ما ذریت رسول ایم حالانکه شما اولاد علی ابن ابیطالب اید امام
این آیه برخواند من ذریته داود و سلیمان الی قوله تعالی و عیسی و چون نام
عیسی رسید گفت عیسی را پدر نبود حالانکه حقتعالی ورا از ذریت ابراهیم
خوانده و ایضاً امام این آیه خواند فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک
من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم الآیه و گفت وقتی که حقتعالی
امر کرد آنحضرت را که مباهله کند با نصاری نجران نخواند حضرت (ص)
غیر علی و فاطمه و حسن و حسین را پس ابناء رسول (ص) همین حسن و حسین اند
انتهی دیگر از قوت تأثیر این نسبت آنکه صاحب صواعق محرقه گوید

بصحت رسید از حضرت که گفت بر منبر ما بال اقوام یقولون ان رحم
رسول الله لا ینفع قومه یوم القیمة بلی و الله رحمی موصولة فی الدنیا و الآخرة
یعنی چیست حال کسانیکه میگویند رحم و قرابت من سود ندهد مر قوم مرا روز
قیامت بلی سوگند بخدا رحم من صله کرده شده است در دنیا و آخرت
بیهقی روایت کرد از عمر بن الخطاب حاصل مضمون حدیث شریف
اینکه عمر بن الخطاب بر منبر بر آمد و گفت شنیدم رسول خدا را که فرمود
هر سببی و نسبی که هست منقطع میشود بعد از موت بحکم آیهٔ شریفه
فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم مگر سبب و نسب من و این هر دو
می آیند روز قیامت و شفاعت میکنند صاحبان خود را در مجمع
البحار گوید النسب بالولادة و السبب بالزواج دیگر از قوت تأثیر
این نسبت آنکه در معالم التنزیل و تفاسیر دیگر مسطور است که چون
طاهر پسر حضرت درگذشت عاص بن وائل حضرت را ابتر گفت
و ابتر در لغت دم بریده را گویند و عادت عرب آن بود که هر کرا
پسری نبودی او را ابتر میگفتند یعنی از و عقب نخواهد ماند حضرت
از این حرف اندوهناک شد حق سبحانه و تعالی برای تسلی آنحضرت
فرستاد انا اعطیناک الکوثر یعنی بتحقیق که من عطا کردم ترا فرزندیا
و فرمود ان شانئک هو الابتر بدرستی دشمن تو یعنی عاص است

دُم بریده بی نسل و ذریت دیگر از قوت تاثیر این نسبت آنکه شیخ عبد الحق دهلوی در تکمیل الایمان میفرماید که بعضی از فقهاء و محدثین در شرح قصیدهٔ امالی آورده که افضلیت خلفاء اربعه مخصوص است بما عدای اولاد پیغمبر دیگر از قوت تاثیر این نسبت آنکه شیخ جلال الدین سیوطی در خصائص کبری آورده اخرج ابن عساکر عن انس قال قال رسول الله صلعم لا یقومنّ احد من مجلسه الا للحسن والحسین او ذریتهما یعنی برنخیزد کسی از مجلس بتعظیم مجلس مگر برای حسن و حسین یا فرزندان ایشان و چرا نباشد که اینها اولاد فاطمه اند و اعزاز و اکرام آنحضرت صلعم دختر خود را آنچه مرتبه بود ترمذی و ابو داود و نسائی روایت کرده اند از عایشه که عادت شریفه آنحضرت این بود که بر وقتیکه فاطمه رض می آمد تمام قد برمیخواست و پیش میرفت و تقبیل میکرد و بجای خود می نشاند چنانچه عادت فاطمه زهرا این چنین بود وقت قدوم آنحضرت علمای حدیث گفته اند که آنحضرت تعظیم مجلس غیر از فاطمه برنمیخواست طرفه آنکه قیام دختر برای پدر بهر نوعی که باشد بجاست که واخفض لهما جناح الذل من الرحمة اما قیام پدر برای دختر و استقبال و اجلاس بجای خود این چه رتبت و کدام قدر و منزلت باشد خصوص این چنین پدر که خاتم المرسلین و سید الاولین والآخرین است و از

این جاست که در شرعة الاسلام گوید یقدم اولاد الرسول بالمشی والجلوس وفی التشریح لفخر الدین الرازی لایجوز للرجل العالم ان یجلس فوق العلوی الامی لانه اساءة فی الدین یعنی جایز نیست عالم را که بنشیند در مجالس فوق علوی امی زیرا که این بی ادبی و سستی در دین است دیگر از قوت تاثیر این نسبت آنکه فرزند علوی از جاریه غیر حر میباشد و این جزئی از مسئله مقرر مستثنی است قاضی شهاب الدین در مناقب السادات می آرد اگر کسی باشد عالم یا پادشاه او را فرزندی از کنیزک غیری باشد حر نگردد ولکن علوی اگرچه امی باشد فرزندی از کنیزک غیر آزاد حریت او اصلی باشد و در تبع مادر نباشد بشرف رسولنا کذا فی الخزانة الجلالیة وفی جامع الفتاوی ولد الامة من مولاه حر لانه مخلوق من ماءه وکذا ولد العلوی من جاریة الغیر حر لایدخل فی ملک مولاها ولا یجوز بیعه کرامة وشرفا لجده رسول الله ولا یشارک فی هذا الحکم احد من امته وفی فتاوی العتابیة ولد العلوی من جاریة الغیر حر خاص لایدخل فی ملک مولاها ولا یجوز بیعه فوجب جانب الاب باعتبار جده محمد رسول الله دیگر از قوت تاثیر این نسبت آنکه تاج الدین سبکی که از اعاظم علمای شافعیه است در طبقات کبری از بعضی متاخرین نقل کرده که ایشان تفضیل ختنین میکنند از جهة

جزئیت با بضعهٔ رسول ع سبحان الله هرگاه بواسطهٔ نسبت جزئیت و
قرابت با بضعه رسول الله بعضی علما بتفضیل ختنین بر شیخین قائل شده
باشند فکیف حال کسیکه بضعیت بعضیت داشته باشد و
لقد اجاد من افاد   شعر   ولو کان النساء کمثل هندی
لفضلت النساء علی الرجال   فما التانیث لاسم الشمس عیبا
ولا التانیث فخرا للهلال   شیخ جلال الدین سیوطی در خصائص از
علم الدین عراقی نقل میکند که فاطمه و برادر وی ابراهیم باتفاق افضل اند از
خلفای اربعه و از مالک آورده اند که گفت ما افضل علی البضعة النبی
احدا تفضیل نمی نهم بر جگرپارهٔ رسول هیچکس را و نیز شیخ جلال الدین سیوطی
در نقایه می آرد ونعتقد ان افضل النساء مریم و فاطمه و نیز سیوطی در کتاب
الدرایه بشرح النقایه در تفسیر قول مذکور آورده که احادیث فضل فاطمه
بر مریم خصوصاً وقتیکه اخذ کنیم روایت اصح را که مریم نبیه نبود تحقیق متقرر
شده است که این امت افضل است از غیر خود انتهی کلام السیوطی
و شیخ ابن حجر عسقلانی گفت فاطمة افضل من خدیجه و عایشه بالاجماع
ثم خدیجه ثم عائشه و قسطلانی شارح بخاری در بیان الحدیث که آنحضرت
با فاطمه سرگوشی کرده میگوید حاصل مضمونش اینکه در قول آنحضرت
سیدة نساء اهل الجنة داخل اند خواهران فاطمه و مادر او و عائشه و

سوال کرده شد از ابوبکر بن داود که کیست افضل   خدیجه یا فاطمه
جواب داد آنحضرت فرمود فاطمه بضعة منی است و برابر نمیکنم به بضعه رسول الله
با هیچکس و سهیلی این قول ابوبکر را تحسین کرده و استشهاد آورده برای
صحت این قول قصه ابولبابه را وقتیکه ربست خود را به ستون مسجد
و سوگند خورد نگشاید مرا رسول خدا فاطمه زهرا آمد تا او را بگشاید ابولبابه
ابا کرد از سوگندی که خورده بود آنحضرت فرمود نیست فاطمه مگر بضعه من
پس فاطمه او را گشاد و ابولبابه در سوگند خود حانث نشد و این تقریر
مستحسن است انتهی کلام القسطلانی و نیز سهیلی باین حدیث استدلال
کرده است براینکه دشنام کند فاطمه را کافر شود و این چنان در حدیث
فضل عائشه علی النساء کفضل الثرید علی الطعام میگوید که افضلیت عائشه
که از این حدیث و احادیث دیگر معلوم میشود مقید است بنساء نبی
تا آنکه داخل نشود در وی فاطمه برای تطابق احادیث راقم الحروف
میگوید مؤید قول این چنان سخنی بخاطر میرسد که تشبیه آنحضرت عائشه
بثرید قرینه قویست براینکه مراد نساء آنحضرت اند وجه تشبیه
اینجا وفور لذت و حظ است چه عائشه اجمل و اکمل نساء آنحضرت
بود چنانچه ثرید لذیذترین اطعمه است نزد عرب و آنرا بفارسی
اشکنه گویند و مؤید توجیه فقیر است آنچه ملا علی قاری در مرقاة نقل

قصه ابولبابه

میکنند که زده نشود مثل ثرید مگر برای آنکه ثرید افضل ترین اطعمهٔ عرب است و مرکب
از خبز و لحم و مرقه و نظیر خود ندارد در اغذیه و جامع است در غذا و لذة
و قوت و سهولت تناول و قلت مؤنت در خاییدن و سرعت
گذشتن از حلقوم و سر معده آنحضرت تشبیه داد عائشه را بثرید تا
معلوم شود که عائشه عطا کرده شده است با حسن صورت حسن سیرت
و حلاوت نطق و فصاحت لهجه و جودت طبع و رزانت رای و
رصانت عقل و دوستی شوهر فهی تصلح للبعل و التحدث و الا
ستیناس بها و الاصغاء الیها یعنی عائشه میسزد خدمت شوهر را و
سخن کردن و انس گرفتن و گوش حرف را انتهی شیخ عبد الحق دهلوی
میفرماید بعضی عائشه را افضل نهند بر فاطمه از جهت آنکه عائشه با پیغمبر
در بهشت باشد و فاطمه با علی و لابد مقام و مکان پیغمبر اعلی و اشرف
باشد از مقام علی و لکن در احادیث واقع شده که آنحضرت با فاطمه
خطاب کرد که من و تو و علی و حسن و حسین در یک مکان و یک مقام
خواهیم بود انتهی و بر تقدیر تسلیم تفاوت مکانین اتحاد مسکن عائشه
با آنحضرت دلیل افضلیت نخواهد شد چه شرکت او درین مقام شرکت
تابع با متبوع است این هردو هرچند در یک مکان باشند و از
یک خوان متنعم شوند در اصل و تبع فرق بسیار است اینجاست که خدمه

محل سلطان بمنزلهٔ وزراء و شاهزادهٔ بانوان نرسید که اینها بالاصالة
صاحب مرتبه اند بالفرض اگر اتحاد مسکن دلیل افضلیت شود لازم می آید
افضلیت عائشه بلکه سائر امهات المؤمنین بر جمیع بنی آدم بعد از پیغمبر
ما و هیچکس باین قائل نشده و نیز لازم می آید که هر که افضل باشد از
شخصی زوجه او نیز از ان شخص افضل باشد و این تقریر از بعضی مکتوبات
حضرت مجدد الف ثانی قدس سره استفاده نموده شد. علامهٔ مرحوم
میر عبد الجلیل بلگرامی قدس سره السامی میگوید   شعر

دی کسی در ثنای عائشه گفت   بهتر از بنت سید البشر است
مصرعی در جواب او خواندم   رشتهٔ دیگر رگ جگر دگر است

و این تضمین از بیت حسین ثنائی است که گفته

لذت سوختن ز شمع مپرس   رشتهٔ دیگر رگ جگر دگر است

و مناقب و مآثر که سادات را خاصه ازین نسبت والا رسیده قرآن
و حدیث بآن ناطق است و علمای امت تالیفات مستقل درین باب
پرداخته اند و سعی جمیل تقدیم رسانیده این اوراق محل گنجایش
ندارد آمدیم برسر اصل سخن بر تقدیریکه ضعیف نسبت تسلیم کرده شود
ضعف نسبت این در نزول مرتبه وقتی تاثیر میکرد که در جانب مقابل
نسبت قوی موجود میبود یعنی اولاد پسری آنحضرت و نسبت قوی از

از جانب مرتضی علی ضرر مقصد ندارد بلکه شان مرتضی علی را درین مقام
جلوه دیگر است بحکم حدیث نبوی که طبرانی از جابر و خطیب از ابن
عباس روایت میکند اِنَّ النبیَّ قالَ اِنَّ اللهَ جَعَلَ ذُرِّیَّةَ کُلِّ نَبِیٍّ فِی
صُلبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّیَّتِی فِی صُلبِ علی ابن ابیطالب واین حدیث اشعار میکند
بر اتحاد ذاتی جناب ولایتمآب با جناب نبوت ولله در القائل شعر

ای شیر خدا نفس نبی زوج بتول بمهر تو طاعت ملک نیست قبول
شاهد ز پی کمالت این باشد بس کز نسل تو پیدا شده اولاد رسول

الحاصل هرگونه نسبتی که فرض کنند خواه قوی و خواه ضعیف احدی درین
نسبت عالیه شریک بنی فاطمه نیست و ایزد سبحانه جل شانه سادات را
باین نسبت خاص از سایر خاندان هاشمی مستثنی ساخته و کوس تفاخر ایشان
بر بام آسمانها نواخته ذهبی در تذهیب التهذیب آورده که نوبتی هارون
رشید بحج رفت و بروضه نبوی آمد و گفت السلام علیک یا رسول الله
یا ابن عم یفتخر بذلک ابن عم گفت و اظهار قرابت خود با جناب رسالت
افتخار نمود پس امام موسی کاظم نزدیک روضه مقدسه رفت گفت
السلام علیک یا ابت فتغیر وجه الرشید وقال هذا الفخر یا ابا الحسن
حق امام موسی کاظم یا ابت گفت یعنی ای پدر من و اظهار جزئیت با
جناب رسالتمآب نمود پس روی هارون رشید متغیر شد گفت

که این

که این فخر ای ابو الحسن حق برای شما و دیگری درین فخر شریک شما نیست
در کتاب شریف صحیفة الرضا علیه السلام مرویست که رسول خدا صلی الله
علیه وآله فرمود چهار نفر اند که من شفیعم برای ایشان روز قیامت
هر چند بیایند با گناههای اهل زمین اکرام کننده ذریه من و برآرنده
حاجتهای ایشان و کوشش کننده در کارهای ایشان چون ناچار شوند
بانها و دوستدار ایشان بدل و زبان و نیز در انجا از امیر المومنین علیه السلام
روایت کرده که فرمود هر که کار نیکی کند بیکی از فرزندان عبد المطلب و او
آن شخص را مکافات نکند بآن کار در دنیا پس من مکافات میکنم او را
فردا چون ملاقات کند مرا روز قیامت و هم در تفسیر امام علیه السلام
مرویست که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود کسیکه رعایت حق خویشان پدری
و مادری خود را کند داده میشود باو در بهشت هزار درجه که دوری مابین
هر درجه بقدر دویدن اسب خوب لاغر میان یکی است که صد سال
بدود و یک درجه آن از نقره باشد و درجه دیگر از طلا و درجه دیگر از لولو و درجه
دیگر از زمرد و درجه دیگر از زبرجد و درجه دیگر از مشک و درجه دیگر از عنبر
و درجه دیگر از کافور بهشت و این درجات از این اضافند
و فرمود کسیکه رعایت حق قرابت خویشان محمد و علی صلوات الله
علیهما نماید داده میشود او را از فضل و مراتب درجات و زیادتی اجرها

بقدر زیادتی فضل محمد و علی علیهما السلام بر ابوین نسبی او و در نسخهٔ
امام حسین علیه السلام فرمود بر تو باد باحسان بر خویشان ابوین دینی خود
محمد و علی اگرچه ضایع نموده باشی رعایت خویشان پدر و مادر نسبی خودرا
و بپرهیز و اجتناب کن از ضایع نمودن خویشان دینی خود بتدارک کردن
خویشهای پدر و مادر نسب خودرا ازجهة آنکه شکر کردن اقارب آنحضرت
بسوی ابوین دینی تو محمد و علی علیهما السلام نفع بتو بیشتر دارد از شکر
کردن اقارب نسبی نزد پدر و مادر تو بجهة آنکه خویشان ابوین تو هرگاه
شکر کنند ترا نزد محمد و علی علیهما السلام باندکی از قلیل نظر تو بوجهی که
ظاهر کنند آن ابوین دینی برای تو برطرف میکنند از تو گناهان ترا اگر
چند پری مابین زمین باشد تا عرش و بدرستی اقارب ابوین نسبی
تو چون شکر کنند ترا نزد ایشان و حال آنکه تو ضایع نموده باشی
حق خویشان ابوین دینی خودرا نفع ندهند و دفع عذاب از تو نکنند
بقدر فتیلی که مثل است میان عرب در حقارت و آن پوست رقیقی
است که میان شکاف هسته خرماست و علی ابن الحسین علیه السلام
فرمود که حق قرابات ابوین دین ما محمد و علی علیهما السلام و حق محبین
ایشان احق است از حق خویشهای پدر و مادر نسبی ما زیرا که ابوین
دینی ما راضی میتوانند نمود از ما ابوین نسبی ما را و ابوین نسبی ما

نتوانند

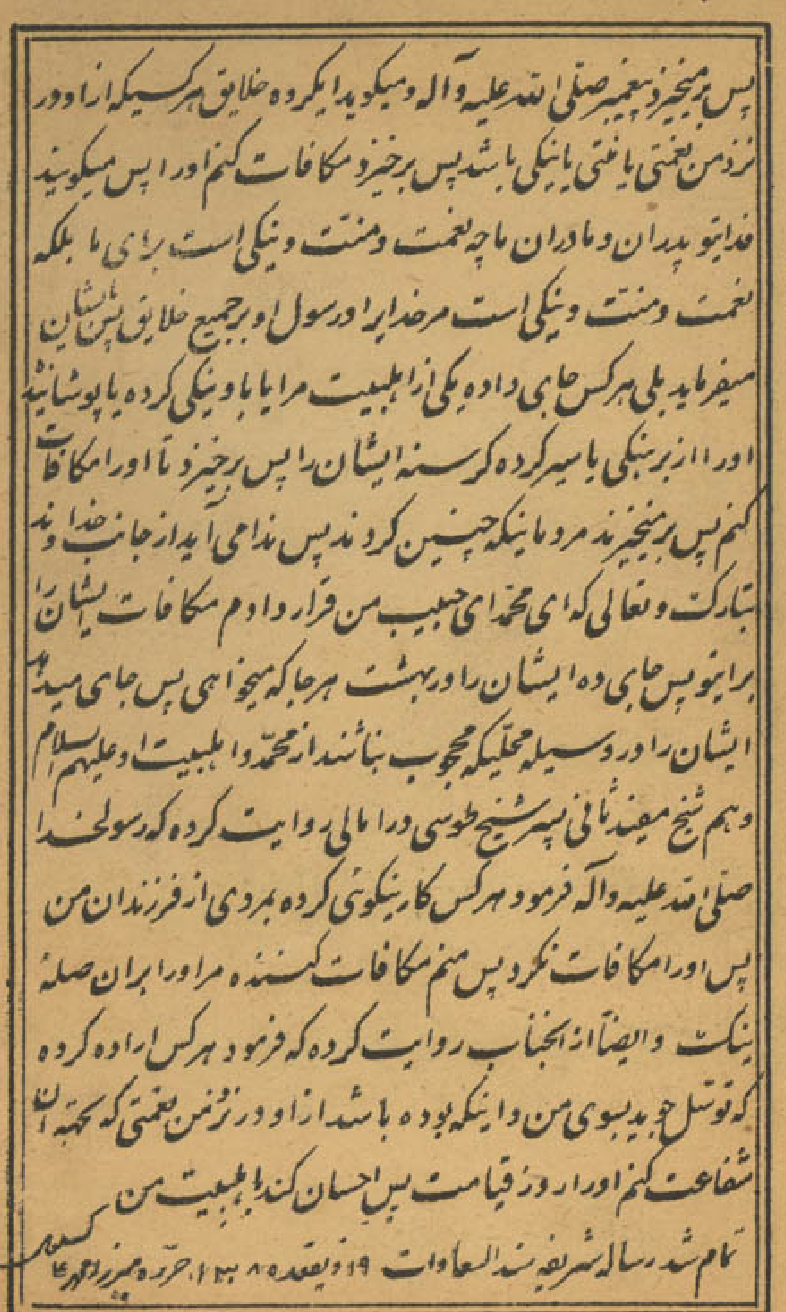
نتوانند ابوین دینی ما را که محمد و علی است خوشنود کنند از ما و محمد بن علی
علیه السلام فرمود که کسیکه بوده باشد ابوین دینی او که محمد و علی است
علیهما السلام بهتر نزد او و خویشان او اگر باشند نزد او از ابوین نسبی
او و خویشان ایشان گفته خدای تعالی در حق ایشان که تفضیل دادی بهتررا
بحق خودم قسم که میگردانم ترا افضل و اختیار نمودی تو آن چیزی را که اولی
بود بآن باختیار نمودن بحق خودم قسم که میگردانم ترا در دار قرار خود
و هم صحبتی اولیاء من اولی است و جعفر بن محمد علیه السلام فرمود که
هر کسیکه مقدورش نباشد که قضای حق قرابات ابوین دینی و ابوین نسبی
خود هر دو بکند بجهة آنکه قضای حق قرابت هر یک مانع باشد از قضای
حق دیگری پس مقدم دارد حق قرابت ابوین دینی خودرا خدای عز و جل
میفرماید در روز قیامت چنانچه مقدم داشت قرابات ابوین دینی
خودرا مقدم دارید او را بسوی جنات من پس زیاد میشود فوق آنچه آماده
شده بود برای او از درجات هزار هزار ضعف او و حضرت موسی ابن
جعفر علیه السلام فرمود در حالیکه بآنحضرت عرض نمودند که برای فلان کس
هزار درهم بود پس دو مال باو عرض شد که هر دورا میخواست و سرمایه او گنجایش
خریدن هر دورا نداشت پس گفت که کدام یک ازین دو متاع نفع آن
برای من بیشتر است گفتند مراورا که این متاع زیادتی دارد و رنجش بران متاع بهزار

چندان حضرت فرمود آیا چنین نیست که لازم است در اینصورت امر در ا
بنا بر تقضای عقل خود که اختیار نماید افضل را گفتند آری فرمود پس چنین
است برگزیدن قربت ابوین دینی تو یعنی محمد و علی علیه السلام افضل است
تو بیش باکثر از آن زیادی زیرا که فضل او باندازه فضل محمد است و علی علیه السلام
بر ابوین نسبی او و کسی بجناب امام رضا علیه السلام عرض کرد که آیا خبر
ندهم ترا از زیانکار که از نفع و سرمایه دور مانده فرمود آنکس کیست عرض
کردند فلانکس که فروخت دینارهای خود را بدراهم که بعوض آن گرفت
پس برگردانید مال خود را از ده هزار دینار بده هزار درهم حضرت فرمود
بمن بگوئید که این مرد ده هزار اشرفی خود را میفروخت بهزار درهم آیا
چنین بود که تخلف نمودن او از نفع و حسرت او اعظم بود گفتند آری
فرمود آیا خبر ندهم شما را بکسیکه تخلف از ربح و حسرت او اعظم از این باشد
گفتند آری فرمود بمن بگوئید اگر این مرد هزار کوه از طلا میداشت
بهزار حبه از درهم مغشوش میفروخت آیا نه چنین بود که تخلف نفع او عظیم تر
و حسرت او اعظم از این خواهد بود گفتند آری فرمود آیا خبر ندهم شما را
بسخت تر از این در تخلف و بزرگتر از این در حسرت گفتند آری فرمود
کسیکه مقدم دارد در نیکی و احسان قرابت ابوین نسب خود را بر قرابت
ابوین دینی خود محمد و علی علیهما السلام زیرا که فضل خویشان محمد و علی که

ابوین دینی او بند بر خویشهای پدر و مادر نسبی او افضل است از فضل هزار
کوه طلا بر هزار درهم مغشوش و محمد بن علی علیهما السلام فرمود کسیکه اختیار
کند قرابت ابوین دینی خود محمد و علی علیهما السلام را بر قرابات ابوین
نسبی خود خدا تعالی اختیار نماید او را در روز قیامت در حضور خلایق
و مشهور سازد او را بخلعتهای کرامات خود و شرف او را ظاهر سازد بر
بندگان جز کسیکه مساوی باشد با او در فضایل یا افضل او و علی ابن محمد
علیهما السلام فرمود بدرستیکه از جمله تعظیم جلال خداوندیست برگزیدن
قرابت ابوین دینی خود که محمد و علی علیهما السلام اند بر قرابات ابوین
نسبی خود و بدرستیکه از جمله استخفاف بجلال خداست برگزیدن قرابات
ابوین نسبی خود بر قرابات ابوین دینی خود که محمد و علی علیهما السلام اند
و حسن ابن علی علیهما السلام فرمود مردی عیالش گرسنه بودند پس از
خانه در آمد که چیزی بیابد و قوتی برایشان تواند خرید پس درهمی تحصیل
کرد و نان و خورشی خرید در اثنای راه گذشت بمردی و زنی از خویشان
محمد و علی علیهما السلام دریافت ایشان را که گرسنه بودند پس گفت
ایشان سزاوارترند باین درهم از خویشان من پس آن نان و خورش را
بایشان داد و ندانست که چه عذری برای اهلش آورد پس آهسته راه
میرفت و فکر میکرد که ناگاه قاصدی را دید که در تفحص اوست و او را

و او را میطلبد پس او را نشان دادند نزد او آمد و نامه باو داد که از مصر آورده
بود با پانصد اشرفی در کیسه و گفت این بقیه مال پسر عم تست که در مصر متوفی
شده و از او صد هزار اشرفی مانده که بر تجار مکه و مدینه است و عقار بسیار
و اضعاف این مال در مصر دارد پس آن پانصد اشرفی را از او گرفت و بر
عیال خود توسعه داد و در همان شب که بخواب رفت رسول خدا و امیر المؤمنین
علیهما السلام را در خواب دید که باو گفتند چگونه دیدی توانگر ساختن ما ترا
چون برگزیدی قرابت ما را بر قرابت خود بعد از آن نماند احدی در مکه و
نه در مدینه از آنها که پسر عم او از آنها طلب داشت از وجه صد هزار اشرفی
مگر آنکه محمد و علی علیهما السلام بخواب او آمدند و باو گفتند که اگر صبح
زود حق فلان را که از میراث پسر عم او مانده باو میرسانی فبها و الا ما
در همان وقت ترا هلاک میسازیم و مستاصل کنیم و ازاله نمائیم نعمتهای را
که خدا تعالی بتو داده و ترا از حشمت و بزرگیت می اندازیم پس آن قرضداران
علی الصباح آنچه بر ذمه ایشان بود برداشته نزد او آوردند تا آنکه جمع شد
در نزد او تمام آن صد هزار اشرفی و نماند در مصر احدی از آن جماعتی که در
نزد او مالی بود از آن شخص مگر آنکه حضرت محمد و علی علیه السلام در خواب
او آمدند و تهدید او را امر نمودند که بهر نحو تعجیل که او را مقدور باشد مال
او را ادا نماید آنگاه محمد و علی علیهما السلام باین مرد که ایثار قرابت رسول

کرد آمدند پس باو فرمودند چگونه دیدی احسان خداوند را نسبت بخود با
تحقیق که ما امر کردیم کسانی را که در مصر میباشند که بزودی مال ترا بتو برسانند
آیا میخواهی که بفرمائیم حاکم آن شهر را که عقار و املاک ترا بفروشد و قیمتهای
آنها را از مال خود حواله کند که در مدینه بگیری و بدل آن هر چه خواهی در همین ضیع
خریداری نمائی گفت بلی میخواهم پس محمد و علی علیهما السلام بخواب حاکم
مصر آمدند و امر نمودند که عقار او را بفروشد و قیمت آنرا بطریق سابق باو
برساند پس آوردند برای او از آن مال سیصد هزار اشرفی و چنان شد
آن مرد در تمول که متمول تری از او در مدینه نبود پس باز رسول خدا در خواب
او آمد و فرمود ای بنده خدا آنچه شد جزای تو بود در دنیا بر برگزیدن تو
قرابت من را بر قرابت خود و هر آینه عطا میکنیم تو در آخرت بعوض هر حبه
از آن مال هزار قصر در بهشت که کوچکترین آن قصر بزرگتر است از دنیا و
اما در فضل پس جای فرورفتن سوزن آن بهتر است از دنیا و آنچه در اوست
کلینی و شیخ طوسی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند
که فرمود کسیکه بیکی از اهل بیت من نیکی کند من جزا و پاداش او را میدهم
در روز قیامت صدوق از حضرت علیه السلام روایت کرده که
فرمود چون روز قیامت شود منادی ندا کند که ای خلایق ساکت شوید
زیرا که محمد صلی الله علیه و آله با شما سخن میگوید پس ساکت میشوند خلایق


پس برمیخیزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و میگوید ای گروه خلایق هر کسیکه از او در
نزد من نعمتی یا منتی یا نیکی باشد پس برخیزد مکافات کنم او را پس میگویند
فدایتو پدران و مادران ما چه نعمت و منت و نیکی است برای ما بلکه
نعمت و منت و نیکی است مر خدا را و رسول او بر جمیع خلایق پس ایشان
میفرمایند بلی هر کس جای داده یکی از اهلبیت مرا یا با او نیکی کرده یا پوشانیده
او را از برهنگی یا سیر کرده گرسنه ایشان را پس برخیزد تا او را مکافات
کنم پس برمیخیزند مردمانیکه چنین کردند پس ندا می آید از جانب خداوند
تبارک و تعالی که ای محمد ای حبیب من قرار دادم مکافات ایشان را
برای تو پس جای ده ایشان را در بهشت هر جا که میخواهی پس جای میدهد
ایشان را در وسیله محلیکه محجوب نباشند از محمد و اهلبیت او علیهم السلام
و هم شیخ مفید ثانی پسر شیخ طوسی در امالی روایت کرده که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود هر کس کار نیکوئی کرده بمردی از فرزندان من
پس او را مکافات نکرد پس منم مکافات کننده مر او را بر آن صله
نیک و ایضاً از آنجناب روایت کرده که فرمود هر کس اراده کرده
که توسل جوید بسوی من و اینکه بوده باشد از او در نزد من نعمتی که بجهة آن
شفاعت کنم او را در روز قیامت پس احسان کند باهلبیت من
تمام شد رساله شریفه سند السعادات ۱۹ ذیقعده ۱۳۰۸ حرره میرزا محمد کسمائی



ذوق جمعیت که بود و اتفاق
در میان جانشان بارید ...

حروف شمسی ۱۴
ت ث د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ل ن
حروف قمری ۱۴
ا ب ج ح خ ع غ ف ق ک م و هـ ی

اللهم عجل فی فرجهم بحق محمد و آله
یوم شنبه دهم شهر ربیع الثانی توپ
زده شد بایوان مبارکه و گنبد مطهر حضرت
امام رضا علیه الاف التحیة والسلام
فی شنبه ۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۵۴

یا قاهر العدو
۳۲۸

یا والی الولی
۱۳۵
۳۴۰۷

یا مظهر العجائب
۱۲۷۳

یا مرتضی علی
۱۵۷۱

عدد ان لو انزلنا تا یتفکرون
۸۳۲۶

عدد لقد جائکم یا رحیم
۲۸۹۸

قل ان الفضل و الفضل العظیم
۷۳۲۳

عدد ان ومن یتق الله
۳۱۱۱

عدد ان لو انفقت تا عزیز حکیم
۳۳۶۹

عدد آیه مبارکه آیة الکرسی العلی العظیم
۱۲۹۲۷

عدد ان وعنده مفاتح الغیب فی کتاب مبین
۷۴۵۸

عدد رب اشرح لی صدری و یسر لی امری
۱۶۲۲

عدد آیات محبت
۲۴۹۵۴

عدد ان نور السموات والارض
۱۶۹۷۱

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین
والصلوة والسلام علی محمد و آله اجمعین **اما بعد**
چنین گوید اذل الطلبین واذل اذلین محمد علی بن علی اکبر
که مدت پنجاه سال بزحمات بسیار و شقتهای
بی شمار تحصیل علوم ریاضی نمودم در سنه ۱۲۵۵
در دار الخلافه طهران مخدومی مطاعی میرزا بنی را
ملاقات اتفاق افتاد از احوال و اخلاق آن مخدوم
کرام بسیار شادمان گردیده خواستم که آنچه از تجربیات
که درین مدت مدید تحصیل نموده بودم بیادگاری
بآن مطاع معظم بسپارم که هر گاه بهر بلیات

عدد مظهر العجائب عجوة
۳۴۰۷

ازآنها

عدد بسم الله در مربع

۱۹۶	۱۹۹	۲۰۲	۱۸۹
۲۰۱	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰
۱۹۱	۲۰۴	۱۹۷	۱۹۴
۱۹۸	۱۹۳	۱۹۲	۲۰۳

د	حم	م	هـ	ل	ال
ل	هـ	ال	د	م	حم
هـ	ال	حم	ل	د	م
ال	ل	هـ	م	حم	د
م	د	ل	حم	ال	هـ
حم	م	د	ال	هـ	ل

۷/۶

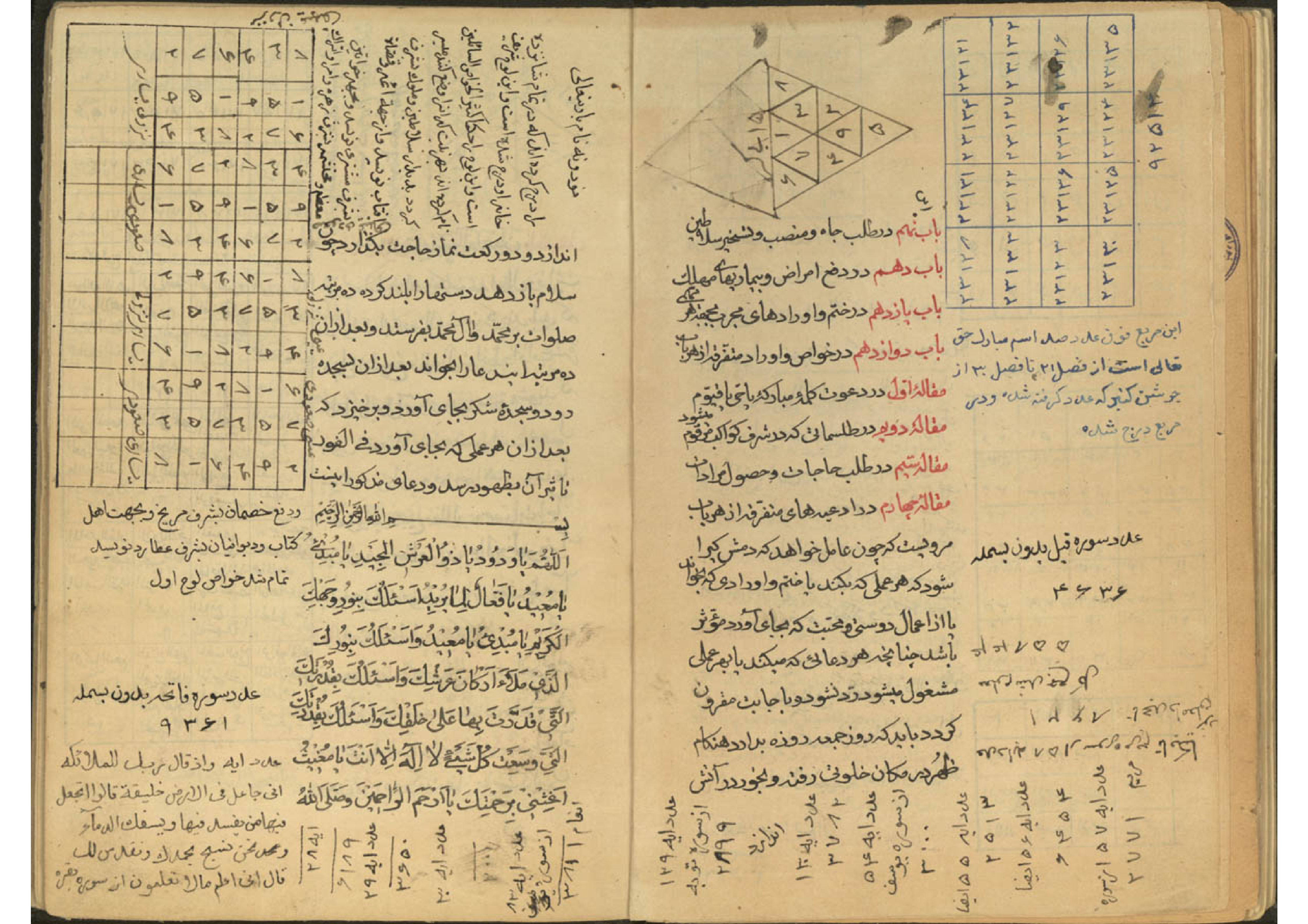
ازآنها احتیاج افتد بکار برده دعاء خیر در حق
این ضعیف نموده و دعاگوی خود را فراموش نفرمایند
غرض نقشی است که از ما باز ماند که هستی را نمی بینیم بقائی
مگر صاحب دلی روزی برحمت کند در حق درویشان دعائی
وهو حسبی ونعم الوکیل و این رساله مشتمل است
بر دوازده باب مسمی بمجربات ائمه اثنی عشر و چهار
مقاله اکنون شروع میرود در فهرست ابواب
باب اول در عمل محبت و دوستی میان طالب و مطلوب
باب دوم در عمل تسخیر نمودن مطلوب و اکسیر کبیر کند
باب سیم در فتح ابواب و گشایش کار و وسعت رزق
باب چهارم در دفع سحر و کوفتگی و بستگی که از سحر است
باب پنجم در دفع دشمنان و بدگویان و خصمان
باب ششم در تسخیر قلوب و الفت میان طالب و مطلوب
باب هفتم در ادا شدن قرض و افزونی مال
باب هشتم در اعمال تحبیب و احضار از زمان لاحق

نام محمد با دو اسم مبارک

۷ ۳۴	۱۳ ۳۸	۱۹ ۴۴	۲۵ ۵۱	۱ ۲۶
۳۰ ۴۵	۲۱ ۴۷	۲ ۲۷	۸ ۳۳	۱۴ ۳۹
۳ ۲۸	۳۳ ۹	۱۵ ۴۰	۱۶ ۴۱	۲۲ ۴۸
۱۱ ۳۶	۱۷ ۴۲	۲۳ ۴۹	۳ ۲۹	۱۹ ۳۵
۲۴ ۵۰	۵ ۳۰	۶ ۳۱	۱۲ ۳۷	۱۸ ۴۳

الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

عدد سوره والشمس با بسم الله
~~۲۰۳۹۳~~
۲۰۶۳۳



این مربع فوق عدد صد اسم مبارک حق تعالی است از فصل ۲۱ تا فصل ۳۰ از جوشن کبیر که عدد گرفته شده و در مربع درج شده

باب نهم در طلب جاه و منصب و تسخیر سلاطین

باب دهم در دفع امراض و بیماریهای مهلک

باب یازدهم در ختم و اورادهای مجرب مجیبه هو

باب دوازدهم در خواص و اوراد متفرقه از هر باب

مقاله اول در دعوت کلمه مبارکه یا حی یا قیوم

مقاله دویم در طلسماتی که در شرف کواکب مرقوم میشود

مقاله سیم در طلب حاجات و حصول مرادات

مقاله چهارم در اوراد عیدهای متفرقه از هر باب

مرویست که چون عامل خواهد که دعوتش کیرا شود که هر عملی که بکند یا ختم و اورادی که بخواند یا از اعمال دوستی و محبت که بجای آورد موثر باشد چنانچه هر دعائی که میکند یا بهر عملی مشغول میشود رد نشود و با جابت مقرون گردد باید که روز جمعه روزه بدارد هنگام ظهر در مکان خلوتی رفته و بخور در آتش

عدد سوره فیل بدون بسمله

۴۶۳۶

اندازد و دو رکعت نماز حاجت بگذارد چون سلام باز دهد دستها را بلند کرده ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و بعد از آن ده مرتبه این دعا را بخواند بعد از آن بسجده رود و سجده شکر بجای آورد و برخیزد که بعد از آن هر عملی که بجای آورد فی الفور تاثیر آن بظهور رسد و دعای مذکور اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّهُمَّ یا وَدُودُ یا ذُو العَرشِ المَجِیدِ یا مُبدِئُ یا مُعِیدُ یا فَعّالٌ لِما یُرِیدُ اَسئَلُکَ بِنُورِ وَجهِکَ الکَرِیمِ یا مُبدِئُ یا مُعِیدُ وَاَسئَلُکَ بِنُورِکَ الَّذِی مَلَأَ اَرکانَ عَرشِکَ وَاَسئَلُکَ بِقُدرَتِکَ الَّتِی قَدَّرتَ بِها عَلی خَلقِکَ وَاَسئَلُکَ بِرَحمَتِکَ الَّتِی وَسِعَت کُلَّ شَیءٍ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ یا مُغِیثُ اَغِثنِی بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمِینَ وَصَلَّی اللهُ

در دفع خصمان بشرف مریخ و بجهت اهل کتاب و دیوانیان بشرف عطارد نویسد

تمام شد خواص لوح اول

عدد سوره فاتحه بدون بسمله

۹۳۶۱

عدد آیه واذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفة قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها ویسفک الدماء ونحن نسبح بحمدک ونقدس لک قال انی اعلم ما لا تعلمون از سوره بقره

این لوح انقباض حصل اسم مبارکات
خانه بلند است در ترتیب شکل
از بند اسم تا بند جمیل

١٧١٤٤	١٧١٥٨	١٧١٥٥	١٧١٥١
١٧١٥٦	١٧١٥٠	١٧١٤٥	١٧١٥٧
١٧١٤٩	١٧١٥٣	١٧١٦٠	١٧١٤٦
١٧١٥٩	١٧١٤٧	١٧١٤٨	١٧١٥٤

این لوح اول است

١٥ ١٨ ٩ ١١ ١٢ ١٧ ١٦ ٨ ١٣

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الباری المتعال ١	التواب العفو المقدم المحی القیوم السلام ١٤	الحی القیوم الغنی الحکیم الواسع الباعث الرشید ١١	الودود الوالی الخبیر الولی المغنی ٨
النور الصمد الحی المبین مالک الملک ذو الجلال والاکرام ١٢	الباطن المحصی النافع المتکبر العلی العظیم ٧	الملک القدوس المجید الخافض الجامع الرقیب ٢٠	الواحد العدل الحفیظ الممیت الصبور القهار ١٣
الماجد القادر السمیع اللطیف الباعث القوی المجید ٦	الاول الآخر المجیب المذل التواب المجید ٩	المقتدر الباسط الحافظ الوارث المقسط المانع الشهید ١٦	القابض البصیر المصور الشکور الماجد الوهاب الجلیل ٣
الوکیل المنعم المؤخر المعطی ١٥	الفتاح المهیمن العزیز الغفار الحکیم الهادی المجید ٤	المقیت البدیع المؤمن المعز الطاهر الجبار ٥	الرافع الخالق القادر العلیم المبدی الرقیب الکریم ١٠

در بیان قولعد (صلی الله علی محمد و آله اجمعین) و آداب عمل

چون عامل خواهد که متوجه اعمال و قرائت
دعوات این رسالهٔ شریفه گردند باید که
قبل از شروع در اعمال شرایط و آداب عشره
کامله را بعمل آورند و بعد متوجه شوند که
بعون الله تعالی آنچه مقصود است بحصول
پیوند و کار برو فق خواهش و مدعا
بظهور آید و جمیع مطالب و مهمات با جابت
مقرون گردد و استجابت این اعمال و ظهور خواص
این دعوات موقوف باین ده شرط میباشد
اول اعتقاد کامل دویم کم گفتن سیم کم
خوردن چهارم کم خفتن پنجم از معاصی توبه
و پرهیز کردن ششم در خلوت خاص نشستن
هفتم بخورات مناسب سوختن هشتم با طهارت
بودن نهم دو رکعت نماز حاجت گذاردن

لوح دوم جهت جاه
در وقت ترتیب پادشاهان و رفع
دشمنان در مقابله نزاع بخوانند
الناس و رفع بی جا آن که مخزون
اندر و نفس بر سیل و در مسر بارانم
در ساعت شرف مشتری یا بفعل آن نفس
در وقتیکه شمس در ساعت تسلیث آفتاب
از نهم در قمر از پهن سان در باشد

قل هو الله احد ٢٢٠	الله الصمد ٢٢١	لم یلد و لم یولد ٢٣٤٠	و لم یکن له کفوا احد ٢١١
یا بادی یا جمیل ٣٠٨	یا کبیر ٢٤٣	یا مبدی یا قدیم ٢٣٢	یا حلیم یا حنان ٢١٩
یا مهیمن یا وکیل ٢٣٣	یا لطیف یا محیط ٢١٨	یا بدیع یا نافع ٣٠٩	یا منعم یا هادی ٢٤٢
یا حی یا متعال ٢٤١	یا رب یا مولی ٣١٠	یا سبحان یا حکیم ٢٢١	یا عزیز یا جامع ٢٣٠

دهم صلوات بر محمد و آل محمد فرستادن اما
باید که عامل از خدا بترسد و مرتکب امور
نا مشروع نگردد و بر بندگان خدا ظلم روا
ندارد و مکر اینکه در مقام قصاص باشد چون
این شرایط بعمل آورده شود بهتر از اکسیر اعظم
و کیمیای احمر است والله اعلم باب اول در عمل
محبت و دوستی در میان طالب و مطلوب و آن
مشتمل است بر سی نسخه اگر خواهی که محبت تو
در دل خلایق بهم رسد و محبوب القلوب گردی
و از شر ظالمان و حاسدان و بدگویان محفوظ
باشی و دولت و بخت تو روی نماید بگرد
عدد آیهٔ انا فتحنا لک فتحا مبینا و عدد یا فتاح
و عدد نام یا مجیب و عدد نام یا آدم و عدد
نام یا ایوب و عدد نام میططرون و عدد
یا ابا نوح و عدد اسم یا سید و لک و عدد

صورت لوح لعن چهار ضرب
١١٩٧

٢٩١	٣٠٥	٣٠٢	٢٩٩
٣٠٣	٢٩٨	٢٩٢	٣٠٤
٢٩٧	٣٠٠	٠٧	٢٩٣
٣٠٦	٢٩٤	٢٩٦	٣٠١

در خانهٔ پنجم یک عدد زیاد شده
١٢٣٣
انا فتحنا لک فتحا مبینا فتاح
٢٠١٩

لوح سیم جهت دفع غم

واندوه وکشادن کارها از جهت
خرید وفروخت وایمن بودن از دزدان
ودشمن روز دوشنبه بنویسد که
که قمر را بمشتری نظر دوستی بود
روز سه شنبه منظور بنظر عطارد
باشد واز منحوسات دور وبکاغذ
مهره زده یا ورق اهو نوشته با خود
معطر ساخته در تاج هذ خواص بسیار
ببیند واکر در میان نماش هذا از دزد
سالم ماند

الم الله ۱۳۷	لا اله الا هو ۱۱۰	هو الحی ۶۵	القیوم ۱۸۷
محمود مولی ۱۸۴	یا وهاب ازل ۶۳	طس ودود حبیب ۱۱۱	مومن ۱۳۶
یس طالب ۱۱۲	مسهل ۱۳۵	عالی سید ۱۸۵	حمید ۶۲
ماجد احد ۶۱	ن بدیع ۱۸۶	ص حم ۱۳۸	طسم ۱۰۹

۱۸۸۲
با دو بسم هم را جمع کرده باعدد نام خود
در مربع درج کرده دو مربع بنکارد یکی را
در بازوی راست بندد ویکی را در منزل
خود روی بقبله بیاویزد هنکامی که قمر
زاید النور ومسعود وناظر بزهره یا مشتری
باشد چون چنین کند محبوب دل خلایق
شود وفتح وکشایش در کار او پدید آید
ودولت ونعمت وجمعیت وامنیت وصحت
ووسعت بوی روی نماید ودفع کردد
از وی فقر وفاقه ومنافع عظیم ببیند بجربیت
ایضاً مجهة محبت آیه والله لحب الخیر لشدید
در ذا ویة اول لفظ وایة یحبونهم کحب الله
در زاویه دوم لفظ واسم طالب را در بیت
تاسع لفظ ونام مطلوب را در بیت سادس
عشر مربع را تمام کند مربع دیکی دفع

الزوج

الزوج رقم کرده بر روی یکدیکر لفظ که جفت باشد
وباخود دارد که در محبت بی مثل ومانند است
ایضاً مجهة محبت عدد آیه والقیت علیک محبة
منی ولتصنع علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل
ادلکم علی من یکفله فرجعناک الی امک کی تقر
عینها ولا تحزن وقتلت نفساً فنجیناک
من الغم وفتناک فتونا عدد آیه مذکوره که
ملاحظه شده اینست ۲۴۵۵ وعدد نام طالب
ومطلوب را کرفته بر او افزاید ودر مربع
درج کند دوستی بحد کمال رسد ولکن
چون مربع را رقم کرده روی بجانب مطلوب
کرده وصد مرتبه آیه مذکوره را در یک مجلس
بخواند ولوح مذکور را در بازوی راست بندد
وهر روزه بعد از نماز پنجکانه یک مرتبه بخواند
چون چنین کند مطلوب مطیع شود که

لوح چهارم

جهت ذهن وقوت حافظه ووسوسه
واندیشه وحذر از دزدان در سفر و
یافتن مرادهای کلی وجزوی روز جمعه
که قمر منفصل از نحس ومتصل بسعد
باشد تا روز دوشنبه بنویسد و با خود
دارد بمقاصد واصل کردد

رب اشرح ۷۱۱	لی صدری ۳۴۴	ویسر لی ۳۱۶	امری ۲۵۱
الرباد ا جد یا کل ۳۱۷	ق علیم ۲۵۰	منیع یا نافع ۷۱۲	لطیف منعم وهاب ۳۴۳
قاسم حم ۲۴۹	قدیر ۳۱۴	کبیر جامع ۳۴۶	فتاح معید ۷۱۳
قیوم سلام معید ازل ۳۴۵	وارث ابد ۷۱۴	والی معالی ۲۴۸	احد بصیر ۳۱۵

همگی حیران بمانند ایضاً عمل مجرب شده به که

چون بجای آورند شدیدترین اعمال است

این سورها که مذکور میشود بخواند بر هر یک

چهل و یک مرتبه بخواند و حلوا کرده بخورد

مطلوب دهد از عشق و دوستی او بیقرار

گردد سوره حمد بر قند بخواند سوره

انا اعطیناک الکوثر بر نبات بخواند سوره

اذا زلزله بر شکر بخواند سوره لایلاف قریش

بر ترنجبین بخواند سوره قل هو الله احد

بر گزنگبین بخواند سوره والتین والزیتون

بر خرما بخواند سوره الم نشرح بر کشمش بخواند

این عمل بسیار بسیار مجربست اما مدیون

هم باشد آنکسی که این نسخه را بکسی بدهد

که این نسخه بسیار مجربست بکرات و مرات

بتجربه رسیده است ایضاً مجرب مجرب و دوستی

لوح ششم جهت دفع بیماری

سخت و جراحتهای بد و بادهای مختلف

بنویسد در هر روز که خواهد اما باید

که مشتری و قمر خوشحال باشند و اگر

این دو کوکب را با هم نظر دوستی بود

نیکوتر باشد بر ورق آهو نویسد و اگر

میسر نشود بر کاغذ و باب باران یا آب

چشمه بشوید و بخورد از جمیع امراض

و علل نجات یابد و دیگر جرحی نگردد و باید

که بصدق تمام بخورد تا بمقصود رسد

ونتزل ۱۴۳	من القرآن ۴۷۲	ماهو شفاء ۴۳۴	ورحمة ۶۵۶
ملاوات صفدر ۴۳۵	موجد مُنشی ۶۵۳	مجید مطلوب ۱۴۴	احمد رفیق ۴۷۱
خواجلی ۶۵۲	منهادین مرسل ۴۳۲	جامع ربیع ۴۷۴	حی واصل
رافع امان ۴۷۱	مالک دایم ۱۳۶	شافع منعم ۶۵۱	الد معروق ۴۳۳ء.

هو که این کلمات را بر ناخن دست چپ خود

نویسد و با آب بشوید و آن آب را بر روی خود

مالد هر که او را ببیند دوست و مهربان

او شود کلمات مذکور اینست یا هو یا من

هو یا لا اله الا هو ایضاً مجرب مجرب و دوستی

سوره والسماء والطارق را بر هفت پاره

دارچینی بخواند بنام هر که خواهد و در میان

گردکان نهد و در دیزنا پنهان کند

چنانچه شود مطلوب از عشق و دوستی

بیقرار و بی آرام گردد مجرب مجرب و دوستی

اگر خواهد کسی را دوست و مهربان خود گرداند

قدری نبات بیاورد و در سه روز هر روز

چهل و یک مرتبه آیة الکرسی را تا و هو العلی

العظیم بخواند و بر آن نبات بدمد روز سیم

بخوردانکس دهد تا زنده باشد از وی منفعت

لوح هفتم

جهت دشمن و چشم زخم و ترس کودکان

و کیل دشمنان و مهر و محبت سلاطین

و مسخر شدن امرا و گشادن بختان بسته

و دفع عقد الرجل و مرادات کلی بنویسد

روز شنبه ساعتی که قمر را با مریخ یا آفتاب

نظر دوستی باشد یا با زهره و مشتری

منظور بود نوشته با خود دارد حاجات

مذکوره بر آمده دشمنان مقهور گردند

این لوح نفع بسیار است و لوح هفتم در فوق

حسبنا	الله	ونعم	الوکیل
۱۶۷	۹۶	۱۲۲	۶۵
۹۵	۱۲۴	۶۸	۱۲۳
۶۷	۱۲۲	۹۴	۱۲۵

لوح نهم از برای طلب
حقوق خود کردن و دعوی نزد قاضی
و دوستی در دل خلق و بازار و [illegible]
غایب از راه دور [illegible]
[illegible]
ثابت باشد و [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] است و از موده

وجدائی ممکن نباشد ایضاً هرکه سوره قل
هو الله احد را بر هفت دانه رطب بخواند و بخورد
هرکه دهد دوست و بی قراری کردد ایضاً
هرکه قدری آب در دهان کرده هفتاد مرتبه
بدوح بکوید و آن آب را در ظرفی کرده هرکه
از آن آب بخورد عاشق و بی قرار او کردد
ایضاً اکر خواهد کسی را دوست و مهربان
خود کرداند این آیه را بر پاره کاغذ نویسد
و در موم کیرد و در زیر زبان نکاه دارد
با هرکه سخن کوید محب و مهربان او کردد
آیه مذکور اینست الله لطیف بعباده
یرزق من یشاء وهو القوی العزیز یا عزیز
اعزنی بعزتک ایضاً جهة محبت و دوستی
میان دو نفر سوره مبارکه حمد را بخواند و
صد مرتبه بکوید یا مؤلف بین المباعد الطیب

الخ

لوح دهم جهه صلح

اکر کندم میان دو کس و دعوی با خصمان
و طلب حاجت و رو تاریکی ملوک و امرا و علما
و اهل قلم و طلب روزی حلال و کشایش
کسب و عزیز بودن نزد خلایق و سلامت
بودن از زبان بدکویان بنویسد اما باید که
آفتاب خوشحال باشد و با خود دارد تا مراد
یابد انشاء الله لوح

الله	لطیف	بعباده	یرزق
۸۵	۳۱۶	۶۷	۱۲۸
۳۱۵	۸۲	۱۳۱	۶۸
۱۳۰	۶۹	۳۱۴	۸۳

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]	رب العلمین [illegible]	[illegible]	فی [illegible] الاحسن
۳۲۳۱	۱۷۳۷	۱۶۹۴	۳۴۰۱
۱۷۳۶	۳۲۸۸	۳۴۰۳	۱۶۹۵
۳۴۰۲	۱۶۹۶	۱۷۳۵	۳۲۲۹

لوح یازدهم
اکر کسی نیت کند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
تعالی

الف بن فلان و فلانه که بسیار مجرب است
ایضاً اکر خواهی کسی را از عشق و دوستی
خود بی قرار کردانی بیاور هفت دانه
فلفل و سه دانه بلادر و هفت دانه
میخک و این عزیمه را بر آنها بخواند و در
کاغذ پیچیده در میان آتش اندازد انکاه از
عشق او بی قرار کردد عزمت علیکم
یا دوس الشیاطین یا ملکه یا هینه
یا ذو بعه اهیا اهیا اهیا شراهیا
ادونی اصباوت ال شدای هیجوا
قلب فلان بن فلان علی حب فلان بن
فلان ایضاً اکر خواهی کسی را از محبت
خود بی قرار کردانی بنویسد این کلمات را
بر کاغذ و قدری مغز پسته و شاه دانه
در میان آن کاغذ بنهد و در پیچیده در زیر

لوح دوازدهم

بنویسد جهت کشایش کارها و مسخر شدن
زنان و وقتیکه آفتاب و قمر هر دو در شرف باشد
بنویسد بمشک و زعفران و با خود دارد مقبول
القول کردد و جمیع اشیا را خلایق مسخر و
مطیع او کردانند و اکر انکس ابلیس را [illegible]
کند دهر خوز جهل و یکبار بخواند انواع
فتح در کارهای وی بظهور آید و فتوح
از عالم غیب او را روی نماید

۷۸۶	۲۲۵۵	۱۳۰۴	۱۵۶۵
بسم الله الرحمن الرحیم	اذا جاء نصر الله والفتح ورایت	الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح	بحمد ربک و استغفره انه کان توابا
۱۳۰۵	۱۵۶۴	۷۸۷	۲۲۵۴
۱۵۶۳	۱۳۰۲	۲۲۵۷	۷۸۸
۲۲۵۶	۷۸۹	۱۵۶۲	۱۳۰۳

[illegible] ۵۹۱۰

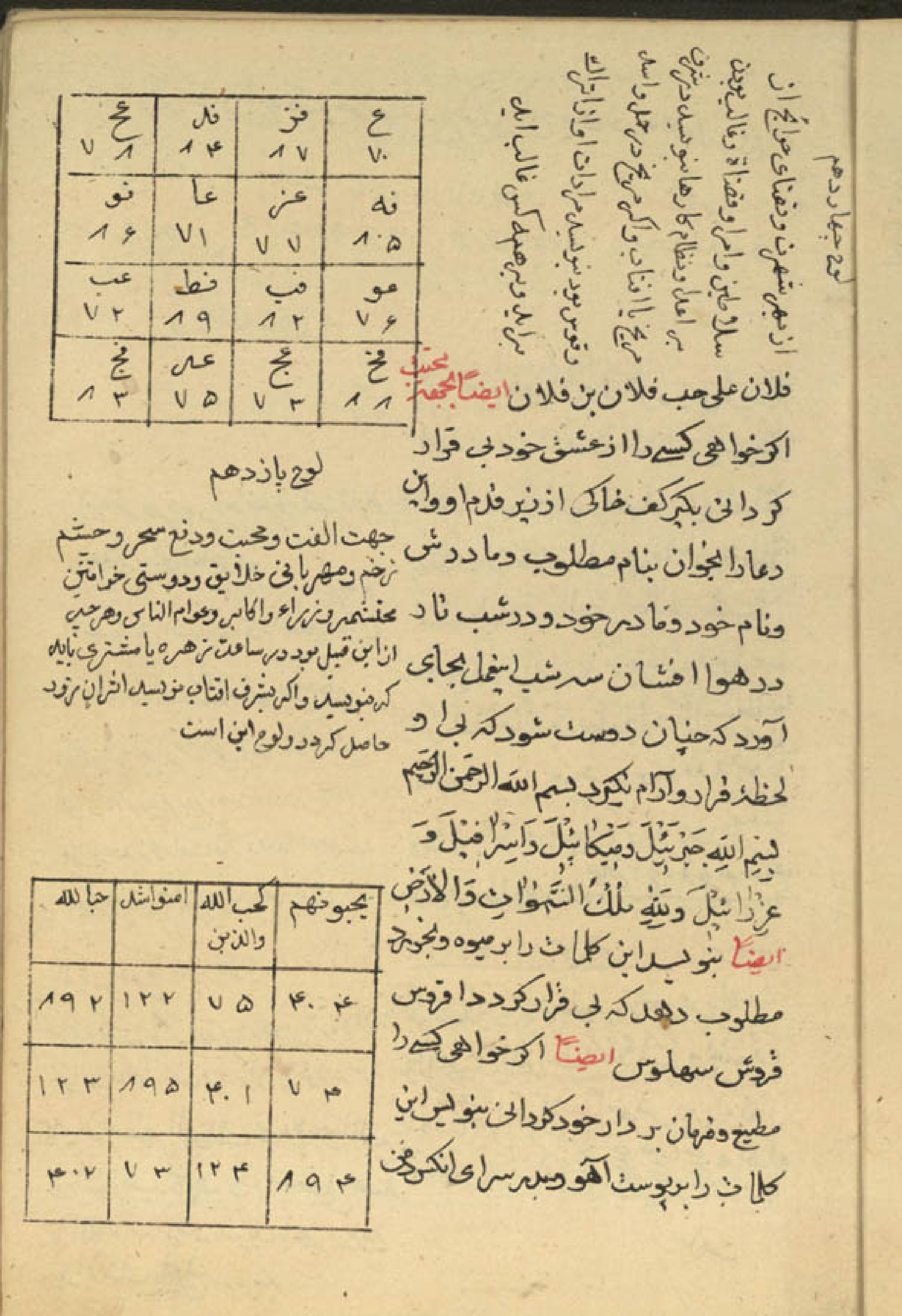
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

تا دفن کند بغایت محب **کلمات بجنت**
معجلت بعدلت امرا صلت الممت امدحون
ذاصلون م ٢ ١١ ١١ ٨ ه م ١٣٨٣ به
بحه ١٢١ ٨ ٢ ١١ ١٩ ص ٣ ١١١ ح ام
اطلاعیه باسم فلان بن فلان الوحا الوحا
الوحا الساعة الساعة النار النار
النار الحریق الحریق **ایضاً** بنویس این اشکال را
بر بادهٔ مس با بغل اسب بنام هر که خواهی و
در آتش دفن کند که عجایب مشاهده
خواهی کرد ماه ماه ع ع دد حا حا
سمهسلططعح ده محسا بکلون
با اصحاب الجن والشیاطین باطسوطسو
ح ١١٩ ١١١ ١١٩ ٨ ٩ ه ١١١١١ ح
عسطسا علی العجل العجل العجل الوحا الوحا
الوحا الساعة الساعة بنام فلان
بن فلان

لوح سیزدهم

این لوح در لوح را بمشک و زعفران بر پوست
آهو نویسد بوقت زهره اما قمر در سعد
و از نحوس دور بود از برای محبت اثر
تمام دارد و جهت گشایش کارها و زیادتی
فهم و قوت حافظه و تقرب سلاطین
مجرب است چون با خود دارد ببوی
خوش معطر سازد

عدد اسم الله الرحمن الرحیم ٧٨٦



واگر بطریق شیخ تکسیر خواهند کرد طریق طبایع چنین او رحمه الله

خاکی	آبی	بادی	آتشی
ب د خ ظ غ ض ق	هـ ز ش ث ذ ص ط	ج ر ک س ف ت ح	ا و ی ل م ن ع

کن مطیع و فرمان بردار کردد کلمات مذکور
ابجنت سرما او ث سملا س عس صوب

از جهت هر مهم و هر حاجت دو رکعت نماز بخواند احرما اصبا وث اصبا وث اصباو
فلان بن فلانه علی حب فلان بن فلانه
محمد لرادب العرش العظیم دبطست سعه
وبجمیع وَقَالَ آتُونِی اُفْرِغْ عَلَیْهِ قِطْراً فَمَا
اسْتَطَاعُوا اَنْ یَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا
لَهُ نَقْباً ایضاً بنویسد بر کاغذ و بسوزانند
و خاکستر آنرا در طعام کرده بخورد مطلوب
دمل لی فرار کردد ۳۱۴۴۳۴۸۰۶۱ سیر

ایضاً بر سبب ۱۱۱۱۵۱۱۱۱ مح حمی
بخواند و بخورد مطلوب دهد مجرب است
وَتَاْکُلُونَ التُّرَاثَ اَکْلاً لَمّاً وَتُحِبُّونَ
الْمَالَ حُبّاً جَمّاً ایضاً بنویسد بر راه گذار
مطلوب دفن کند ححح ححح ححح هاهله

صلعم

و بعد از آن این دعا بخواند
اللهم انی انشدک دم المظلوم حسین
ابن علی بن ابی طالب ان تقضی حاجتی
چنانچه از بعضی از مشایخ شنیده شد که کثیر
بسیار مهم شدید روی دهد بعدد اسم حسین
بخواند بعد از دو رکعت نماز و بعدد اسم مبارک
صد و بیست و هشت مرتبه الله

اگر کسی مهری داشته باشد یازده روز که ابتدا
از یوم یکشنبه باشد روزی یازده مرتبه نادعلیا
بخواند حاجت آنکس روا و برآورده خواهد شد
نادعلیا مظهر العجائب تجده عوناً لک
فی النوائب کل هم و غم سینجلی بعظمتک
یا الله سه مرتبه بنبوتک یا محمد سه مرتبه
بولایتک یا علی سه مرتبه

اگر در تکسیر با اعراب احتیاج شود چنین اعراب کند

حروف هوائی	حروف ناری
بَ و ی ن ص ت ض	اُ هـ ط م ف ش ظ

صلعم المحب اگر خواهی که مطلوب را
مطیع خود کردانی بیاور بیست و یک
دانه فلفل سیاه و بهر دانه یک مرتبه سوره
انا انزلناه را بخواند بی جمله بنام مطلوب
و یک یک آن فلفلها را در آتش اندازد
که عجایب ببیند ایضاً اگر خواهد که کسی را
از دوستی خود بی فرار کرداند این آیه را
بر پوست انار شیر بن بخواند و در آتش
اندازد چون سوخته کردد آنکس بی قرار
کردد چنانکه خود را باو برساند و آیه
مذکور اینست الله لطیف بعباده یرزق
من یشاء وهو القوی العزیز تمام شد فصل آیه
محبت اکنون شروع میشود در عمل تسخیرات
چون مطلوب سرکشی کند تسخیر باید کرد
او را که مسخر شود که از سخن طالب تجاوز نکند

حروف مائی
ج ز ک س ق ث ط

حروف ترابی
دُ خ ل ع ر خ غ

حروف شمسی ۱۴
ت ث د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ل ن

حروف قمری ۱۴
ا ب ج ح خ ع غ ف ق ک م و هـ ی

ب	۴۱۵۰	۷۸۳	۳۴۶۵ ۳
۷۸۵	۳۴۶۳	د	۴۱۴۸ ۴
۳۴۶۱	۷۷۹	۴۱۵۴	و
۴۱۵۲	ح	۳۴۵۹ ۲	۷۸۱

[illegible] العزیز

انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تاخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما

باب دویم در بیان تسخیر مطلوب هر کس چون نافرمانی کند باید که او را مسخر خود گرداند
اگر خواهی که مطلوب را مسخر خود گردانی
بگیر عدد نام او را مع نام مادرش را و جمع
کرده بنگر که چند است بعد از آن این آیات را
هر روز بهمان عدد بخواند و مطلوب را نام
برد که مسخر وی گردد و در هنگام قرائت
روی بطرف خانه مطلوب کند و بهمان
طرف بدمد بلکه اربعین این عمل را بجای
آورد که مطلوب مسخر وی گردد مجرب است
آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم قل اللهم
مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع
الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من
تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير
تولج الليل في النهار وتولج النهار في

الليل

تبارك الذي	مالك الملك	وهو على كل شيء قدير	ن والقلم	وما يسطرون
۱۳۶۴	۱۵۲	۷۰۱	۲۵۷	۳۸۲
۲۵۶	۳۸۱	۱۳۶۸	۱۶۱	۷۰۰
۱۶۵	۶۹۹	۲۵۵	۳۸۰	۱۳۶۷
۳۷۹	۱۳۶۶	۱۶۴	۷۰۳	۲۵۴
۷۰۲	۲۵۸	۳۷۸	۱۳۶۵	۱۶۳

في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت
من الحي وترزق من تشاء بغير حساب
قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله
ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم قل
اطيعوا الله واطيعوا الرسول يحبونهم كحب الله
والذين آمنوا اشد حبا لله بلى من اوفى
بعهده واتقى فان الله يحب المتقين الحمد
لله رب العالمين **یا رب دو چشم فلان را**
بمهر و دوستی من گردان بحق ايكم ياتيني
بعرشها قبل ان ياتوني مسلمين قال عفريت
من الجن انا آتيك به قبل ان يرتد اليك
طرفك فلما راه مستقرا عنده قال هذا
من فضل ربي ليبلوني ءاشكر ام اكفر ومن
شكر فانما يشكر لنفسه ومن كفر فان ربي
غني كريم الرحمن الرحيم یا رب دو گوش
فلان را شنوای من بمهر و دوستی

فسيكفيكهم الله

۹۰	۱۰۳	۱۰۰	۹۷
۱۰۶	۹۶	۹۱	۲۰۳
۹۵	۹۸	۱۰۵	۹۲
۱۰۴	۹۳	۹۴	۹۹

عدد ابه انا فتحنا تا نصرا عزیزا با بسم الله
۹۰۸۶

بدون بسم الله
۸۳۰۰

سیا	سیا	سیا
ه	ه	ه
سرخ	سرخ	سرخ
سیا	سیا	سیا
ه	ه	ه
سرخ	سرخ	سرخ
سیا	سیا	سیا
ه	ه	ه
سرخ	سرخ	سرخ
سیا	سیا	سیا
ه	ه	ه
سرخ	سرخ	سرخ

وَلَوْ اَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَ
اُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ
وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللّٰهَ وَيَتَّقْهِ فَاُولٰئِكَ هُمُ
الْفَائِزُونَ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللّٰهُ
غَفُورٌ رَحِيمٌ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ اِيَّاكَ
نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يا رب لب ودندان
وزبان فلان را کویا نبض من کن بحق
وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ
وَغَلَّقَتِ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ
مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهُ رَبِّي اَحْسَنَ مَثْوَايَ اِنَّهُ لَا
يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا اِنَّا لَنَرٰيهَا
فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ قَالُوا تَاللّٰهِ تَفْتَؤُ تَذْكُرُ يُوسُفَ
حَتّٰى تَكُونَ حَرَضًا اَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ
اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَاَنَّكُمْ اِلَيْنَا

لا ترجعون

لَا تُرْجَعُونَ اهدنا الصراط المستقیم
یا رب دو دست وسینه فلان را کرم
من کن بمهر ودوستی بحق فَبِمَا رَحْمَةٍ
مِنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ
الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْاَمْرِ فَاِذَا
عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ
فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ
الْعَرْشِ الْكَرِيمِ فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
بحق الم الم المص الر الر الر الر المر الر
کهیعص طه طسم طس طه وکیس وص و
القران ذی الذکر وحم وحم وحم وحمعسق
وبحق طه وبحق حم حم حم وق والقران المجید
صراط الذین کرفتم دل وجان وهمت ایشانرا
بمهر ودوستی بحق وَاَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي
وَلِتُصْنَعَ عَلٰى عَيْنِي اِذْ تَمْشِي اُخْتُكَ فَتَقُولُ
هَلْ اَدُلُّكُمْ عَلٰى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ اِلٰى اُمِّكَ

احکام دانستن دزد دیده که بیدا میشود
یا نه واین جدول مقابل را در حکم شناختن
ومطلع شدن بر دزدیده وکمشده وکریخته
وضع کرده اند وانچنان است که از چهاردهم
درجه حمل بکیرد تا آن روزی که دزد برده
بهمان طریق سی و شش سی شش طرح
غاید هرچه بماند اکر ان عدد از
لوح سرخی است پیدا شود واکر در لوح
سیاهی است پیدا نخواهد شد

انا فتحنا	لك	فتحا	مبينا
۵۹۱	۵۰	۴۸۹	۱۰۳

ليغفر	لك	الله	ما تقدم
۱۳۲۰	۵۰	۶۶	۵۸۵

من ذنبك	وما تاخر	ويتم
۸۶۲	۱۲۵۸	۴۵۶

نعمته	عليك	ويهديك	صراطا
۵۶۵	۱۳۰	۵۵	۳۰۱

مستقيما	وينصرك	الله	نصرا
۵۵۱	۳۷۶	۶۶	۳۴۱

عزیزا
۸۵

۸۳۰۰

بند اول

كى تقر عينها ولا تحزن وقتلت نفساً فنجيناك من الغم وفتناك فتوناً اللهم يا رب بحق جبرئيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل اللهم بحق توريت موسى وانجيل عيسى وزبور داود وصحف ابراهيم و فرقان محمد مصطفى صلى الله عليه وآله صراط الذين انعمت عليهم كرفتم دل وجان وهفت اندام فلان بن فلان را خواهان

١٧٩١ ٢٦٨٧	١٧٩٤ ٢٦٩٠	١٧٩٧ ٢٦٩٣	١٧٨٣ ٢٦٧٩
١٧٩٦ ٢٦٩٢	١٧٨٤ ٢٦٨٠	١٧٩٠ ٢٦٨٦	١٧٩٥ ٢٦٩١
١٧٨٥ ٢٦٨١	١٧٩٩ ٢٦٩٥	١٧٩٢ ٢٦٨٨	١٧٨٩ ٢٦٨٥
١٧٩٣ ٢٦٨٩	١٧٨٨ ٢٦٨٤	١٧٨٦ ٢٦٨٢	١٧٩١ ٢٦٩٤

٧١٦٥

دعای جوشن کبیر

بسم الله الرحمن الرحيم من كن بمهر و دوستی بحق آدم و حوا ٧٥٧
وهابيل وشيث وادريس ونوح وابراهيم
واسمعيل واسحق ويعقوب ويوشع
وهود وموسى وهرون وخضر والياس
وذى القرنين ويونس وادميا ودانيال
وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس و
محمد مصطفى صلى الله عليه وآله اجمعين
يا رب مهربان كردان دل فلان را بن
بحق يا معشر الجن والانس ان استطعتم

اللهم انى اسئلك باسمك ٣٧٢

يا الله	يا رحمن	يا رحيم
٦٦	٣٠٩	٢٦٩
يا كريم	يا مقيم	يا عليم
٢٨١	٢٠١	١٦١
يا قديم	يا عظيم	يا حليم
١٦٥	٩٣١	٩٩

يا حكيم ٨٩ جمع اسماء الله با بسم الله و اللهم تا آخر بدون سبحانك تا آخر ٣٣٤٠

سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب ان تقذرا

٥٠٢ ١٥٣٧ ٧٤٠٩ ١٣٥٦

بند ٢

جهه نصرت يافتن

يا سيد السادات	يا مجيب الدعوات
٥٨٢	١٨٣ ٥٧٨
يا رافع الدرجات	يا ولى الحسنات
٨٢١	٦٠٧
يا غافر الخطيئات	يا معطى المسئلات
٢٣٤٤	٧٠٣
يا قابل التوبات	يا سامع الاصوات
٩٨٤	٧٤١
يا عالم الخفيات	يا رافع البليات
١٢٧٤	٨٣٦

٩٤٣٩

ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فباى آلاء ربكما تكذبان اى فرشتگان واى پريان بشنويد گفتار مرا و مطيع باشيد و فرمان بردار باشيد مهر و دوستى مراد در دل فلان اندازيد بحرمت اين آيات كلام الله مجيد كه شما را شفيع آورده ام گرفتم دل وجان وهفت اندام فلان بن فلان را بمهر و دوستى بحق واصلحنا له زوجه انهم كانوا يسارعون فى الخيرات ويدعوننا رغباً ورهباً وكانوا لنا خاشعين والف بين قلوبهم لو انفقت ما فى الارض جميعاً ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم ومن الناس من يتخذ من دون الله انداداً

٢٣٥٧	٢٣[illegible] ٦٠	٢٣٦٣	٢٣٥٠
٢٣٦٢	٢٣٥١	٢٣٥٦	٢٣٦١
٢٣٥٢	٢٣٦٥	٢٣٥٨	٢٣٥٥
٢٣[illegible] ٥٩	٢٣٥٤	٢٣٥٣	٢٣٦٤

وسيط ٩٨ صغير ١٧

بند ۳

فتح کارهای بسته شده

یا خیر الغافرین ۲۱۹۳ — یا خیر الفاتحین ۱۴۰۱

یا خیر الناصرین ~~۲۰۶۳~~ ۱۲۵۳ — یا خیر ~~الحاکمین~~ الراحمین ~~۹..~~ ۸۱

یا خیر الرازقین ۱۲۲۰ — یا خیر الوارثین ۱۶۱۹

یا خیر ~~الحامدین~~ الحاکمین ۹۶۵ — یا خیر الذاکرین ۱۸۳۳

یا خیر المنزلین ۱۰۳۹ — یا خیر المحسنین ۱۰۷۰

۱۳۵۷۴

مربع در بدون صحو صفا بطرح عدد و فضل
الا تا فصل ۲۰ از دعای جوشن کبیر
استکال عدد کرفتم و در مربع رسم
شد که حاصل اسم مبارک حق
سبحانه و تعالی است تا فصل ۳۰ که
بازی فتح است عدد کرفته شود

یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد
حبا لله هو الذی ایدک بنصره وبالمؤمنین
والف بین قلوبهم ویحبون ان یحمدوا
بما لم یفعلوا کرفتم دل و جان و هفت
اندام فلان بن فلان را بمهر و دوستی خود
بحق همه پیغمبران که اول ایشان آدم بود
و آخر ایشان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
بود یا رب دو چشم فلان بن فلان را بر
مهر و محبت من بینا کن بحق و اذا برق
البصر وخسف القمر وجمع الشمس و
القمر وان تعفوا وتصفحوا وتغفروا
فان الله غفور رحیم زین للناس حب
الشهوات من النساء والبنین والقناطیر
المقنطرة من الذهب والفضة والخیل
المسومة والانعام والحرث ذلک

وسط ۲۱۵ — متاع — صغیر ۸

۳۳۹۳	۳۳۹۶	۳۳۹۹	۳۳۸۶
۳۳۹۸	۳۳۸۷	۳۳۹۲	۳۳۹۷
۳۳۸۸	۳۴۰۱	۳۳۹۴	۳۳۹۱
۳۳۹۵	۳۳۹۰	۳۳۸۹	۳۴۰۰

بند ۴

از جهه فتح و فیروزی

~~۳..~~ ۹۹
یا من له العزة والجمال

یا من له القدرة والکمال
~~...~~ ۶۰۴

یا من له الملک والجلال
۳۵۸

۹۴۷
یا من هو الکبیر المتعال

یا منشئ السحاب الثقال
۱۱۷۶

۵۴۰
یا من هو شدید المحال

۶۳۴
یا من هو شدید العقاب

۵۵۴
یا من هو سریع الحساب ۸۴۷ ع

۱۹۹
یا من هو عنده حسن الثواب

یا من هو عنده ام الکتاب ۷۴۴

۲۰۸۱۴	۲۰۸۱۸	۲۰۸۲۱	۲۰۸۰۷
۲۰۸۲۰	۲۰۸۰۸	۲۰۸۱۳	۲۰۸۱۹
۲۰۸۰۹	۲۰۸۲۳	۲۰۸۱۶	۲۰۸۱۲
۲۰۸۱۷	۲۰۸۱۱	۲۰۸۱۰	۲۰۸۲۲

۸۳۲۴۰

متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب
فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحا
والصلح خیر واحضرت الانفس الشح
وانه علی ذلک لشهید وانه لحب الخیر لشدید
غیر المغضوب علیهم ولا الضالین آمین کرفتم
دل و جان و هفت اندام فلان بن فلان را
بمهر و دوستی خود بنام خداوند رب
العالمین الی یوم القیمة الی یوم الدین
بحق لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز
علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف
رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو
رب العرش العظیم فقال انی احببت حب
الخیر عن ذکر ربی حتی توارت بالحجاب
کرفتم سیصد و شصت و شش رگ و چهل و صد
و چهل و چهار پاره استخوان فلان بن فلان را

وسط ۷۱ — صغیر ۸

۱۷۱۱	۱۷۱۴	۱۷۱۸	۱۷۰۴
۱۷۱۷	۱۷۰۵	۱۷۱۰	۱۷۱۵
۱۷۰۶	۱۷۲۰	۱۷۱۲	۱۷۰۹
۱۷۱۳	۱۷۰۸	۱۷۰۷	۱۷۱۹

بند ۵

از جهه قوة باه

اللهم انی اسئلك باسمك ۴۰۲

یا حنان ۱۲۰ یا منان ۱۵۲ یا دیان ۷۶

یا برهان ۲۶۹ یا سلطان ۱۶۱ یا رضوان ۱۱۶۱

یا غفران ۱۳۴۲ یا سبحان ۱۳۲ یا مستعان ۶۳۲

یا ذالمن والبیان ~~۹۳۴~~ ۹۳۲

~~۵۳۸۴~~ ۵۳۸

بمهر و دوستی خود بنام خداوند رب العالمین
و بنام محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و
بحرمت بیت الله الحرام والرکن والمقام
و بحرمت حظیرة القدس و کلا لبیه سول صلی الله
علیه و آله کرفتم از فرق سر تا ناخن پای
فلان بن فلان را بمهر و دوستی خود بحق
قال عفریت من الجن انا اتیك به قبل ان تقوم
من مقامك و انی علیه لقوی امین و لقد
فتنا سلیمن و القینا علی کرسیه جسدا
ثم اناب یا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات والارض
فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان و کفی
بالله حسیبا و کفی بالله نصیرا یا رب بحق
آن نام که بر ساق عرش نوشته است یا رب
حق بمجد عرش عظیم را که آفریدی مراد چشم

صغیر ۵۹ — وسط ۵۴۴ ۵ — فلان

۱۳۴۶	۱۳۴۹	۱۳۵۳	۱۳۳۹
۱۳۵۲	۱۳۴۰	۱۳۴۵	۱۳۵۰
۱۳۴۱	۱۳۵۵	۱۳۴۷	۱۳۴۴
۱۳۴۸	۱۳۴۳	۱۳۴۲	۱۳۵۴

بند ۶

از جهه دفع بلاها ~~۲۲۴۴~~ ۳۴۸۴

یا من تواضع کل شیٔ لعظمته ۱۷۹۳

یا من استسلم کل شیٔ لقدرته ۱۶۷۴ ۴

یا من ذل کل شیٔ لعزته ~~۲۱۴۴~~ ۱۷۰۴

یا من خضع کل شیٔ لهیبته ۲۴۸۴

یا من انقاد کل شیٔ من خشیته ~~۲۶۸۴~~ ۲۰۲۳

یا من تشققت الجبال من مخافته ~~۱۴۱۸~~ ۲۶۱۴

یا من قامت السموات بامره ~~۳۳۰۸~~

یا من استقرت الارضون باذنه ~~۱۹۵۳۹~~ ۲۰۵۷۶

یا من یسبح الرعد بحمده ۵۲۵

یا من لا یعتدی علی اهل ۱۲۷۵ مملکته

فلان بن فلان عزیز و شیرین کردان
یا الله یا رب بحرمت آن نامی که محمد
مصطفی را در چشم خلایق عزیز و گرامی
کردانیدی که مرا در چشم دل فلان عزیز
و گرامی و شیرین کردان یا الله یا رحمن بحرمت
آن نامی که بر چشمه آفتاب و ماهتاب
نوشته است یا حنان یا منان چنانکه
جهان را بنور آفتاب و ماه روشن کردانیدی
مرا در چشم فلان عزیز کردان یا الله یا رحمن
بحرمت آن نام بزرك که در قرآن نوشته است
یا شافی چنانکه دل حضرت محمد مصطفی را
بر امتان مشفق کردانیدی و مهربان
کردانیدی یا رب بحرمت آن نام بزرك
که در زبور داود نوشته است یا
قیوم چنانکه آهن را در دست داود

صغیر ۹ — وسط ۲۵۲

۵۱۴۳	۵۱۴۷	۵۱۵۰	۵۱۳۶
۵۱۴۹	۵۱۳۷	۵۱۴۲	۵۱۴۸
۵۱۳۸	۵۱۵۲	۵۱۴۵	۵۱۴۱
۵۱۴۶	۵۱۴۰	۵۱۳۹	۵۱۵۱

ذیل ۷

دفع اندوه

۱۹۴۴ ۴۸۷ ۷۶۲

یا غافر الخطایا یا کاشف البلایا یا منتهی الرجایا

۲۱۳ ۷۷

یا مجزل العطایا یا واهب الهدایا

۵۶۴ ۱۱۵۵

یا رازق البرایا یا قاضی المنایا

۵۴۵ ۶۲۹

یا سامع الشکایا یا باعث البرایا

۴۹۳

یا مطلق الاساری

۶۹ ۶۸

نرم کردانیدی یا رب دل فلان را نرم
ورؤف ومهربان کردان یا الله یا رب
بحرمت آن نام بزرك که بر نکین حضرت
سلیمن نوشته بود که بر همه عالم ملك
وپادشاه کردانیدی که دل فلان را برمن
رؤف ومشفق کردان یا الله یا رب بحرمت
آن نامی که در انجیل عیسی نوشته است
بحرمت آن نام که در قرآن کریم است بحرمت
محمد وآله که مرا بدین حاجت وجمیع حاجات
دنیوی واخروی برسان یا ذالجلال و
الاکرام برحمتك یا ارحم الراحمین وصلی الله
علی محمد واله اجمعین الطیبین الطاهرین
ایضاً بجهة تسخیر هرکه خواهد بعد از نماز
صبح بعد نام انکس بخواند وبطرف
خانه انکس بدمد که مطلوب مسخر کردد بخوبی

~~۱۶۹۲~~ ۱۷۱۷	~~۱۶۹۵~~ ۱۷۳۴	~~۱۷۹۱~~ ۱۷۲۳	~~[illegible]~~ ۱۷۰۹
~~۱۶۹۷~~ ۱۷۲۲	۱۶۸۵ ۱۷۱۰	۱۷۹۱ ۱۷۱۶	~~۱۶۹۶~~ ۱۷۲۱
~~۱۶۸۶~~ ۱۷۱۱	~~۱۷۰۰~~ ۱۷۲۵	~~۱۶۹۳~~ ۱۷۱۸	~~۱۶۹۰~~ ۱۷۱۵
~~۱۶۹۴~~ ۱۷۱۹	~~۱۶۸۹~~ ۱۷۱۴	~~۱۶۸۷~~ ۱۷۱۲	~~۱۶۹۹~~ ۱۷۲۴

صغیر ۷۴ کذا وسط ۶۹۵

ذیل ۸

از برای درجه یافتن

۱۶۶۹

یا ذالحمد والثناء یا ذالفخر والبهاء

یا ذالمجد والسناء ۱۳۱۴

۹۳۹

یا ذالعهد والوفاء یا ذالعفو والرضاء

۲۹۳۱ ~~۱۴۴۷~~ ۹۴۶

۹۵۱

یا ذالمن والعطاء

۹۶۱ ۲۷۹۲

یا ذالفضل والقضاء یا ذالعز والبقاء

۱۴۵۵

یا ذالجود والسخاء

۱۹۷۵

یا ذالالاء والنعماء

۱۴۵۱۱۰

کر از سخن وصلاح طالب بجاوز نکند
اللهم یا مسخر الفیل ویا مجری النیل و
یا فالق البحر لبنی اسرائیل رب سخره وذلله
لی فانك تفعل ما تشاء ایضاً بجهة تسخیر
کردن مطلوب چون خواهی کسی را مسخر
خود کردانی عدد ایه لو انفقت ما فی الارض
جمیعاً ما الفت بین قلوبهم ولکن الله
الف بینهم انه عزیز حکیم را عدد کرفته و
نام طالب ومطلوب را عدد کرفته بر عدد
آیه افزاید در مربع ثبت کند وهفت
روز بعد نام مطلوب این آیه را بخواند
واین مربع را باخود نکاه دارد مطلوب مسخر
او کردد ایضاً بجهة تسخیر عدد ایه یحبونهم
کحب الله الی آخر آیه وعدد ایه وانه لحب الخیر
لشدید را جمع عدد نام مطلوب عدد کرفته

۳۵۲۶ ۷	۳۵۳۹ ۳۰	۳۵۳۳	۳۵۲۰
۳۵۳۲	۳۵۲۱	۳۵۲۵	۳۵۳۱
۳۵۲۲	۳۵۳۶ ۵	۳۵۲۸	۳۵۲۴ ۵
۳۵۲۹	۳۵۱۶	۳۵۲۷	۳۵۳۴

صغیر ۱۹ وسط ۱۹۹

بند ۹

جهة برکت یافتن

این لوح که [illegible] مطالب است
عدد در دو مضروب شد اول آن
چون شش کبیر است که [illegible] مربع
دربع شد و او است که [illegible]
عدد اسم مبارک حضرت [illegible]
تعالی است تا اینکه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

اللهم انی اسئلك باسمك
۳۷۳

یامانع ۱۷۲ یادافع ۱۶۶ یارافع ۳۶۲ یاصانع ۲۳۲

یانافع ۲۱۲ یاسامع ۱۸۲ یاجامع ۱۲۵

یاشافع ۴۶۲ یاواسع ۱۴۸ یاموسع ۱۸۷

۲۶۴۰

زین للناس
الی اخر الآیة
۷۵۷۸

در مربع ثبت کند و عدد آیه مذکور را بعد
نام مطلوب بخواند مطلوب مسخر گردد
در هنگام عمل باید که قمر ناظر بزهره باشد
در ساعت زهره و مشتری ایضا بجهة
تسخیر نسوان بجهة مسخر کردن جماعت
نسوان عدد آیه مذکور را گرفته مع نام
خود و نام مطلوب خود را گرفته در
مربع ثبت کند و آیه مذکور را بعد نام
مطلوب بخواند و مربع مذکور را با خود
دارد مطلوب مسخر وی گردد و اگر خواهد
که جمیع زنان مسخر وی گردند بنا بخوا
عدد بکن دکلم اجمعین جمیع زنان مسخر
وی گردند و از جمله مجربات است بجهة
تسخیر زنان هیچ سکوتر و بهتر از این نیافتم
اگر عددش را در روی طلا نقش کند

۶۵۹	۶۶۳	۶۶۶	۶۵۲
۶۶۵	۶۵۳	۶۵۸	۶۶۴
۶۵۴	۶۶۸	۶۶۱	۶۵۷
۶۶۲	۶۵۶	۶۵۵	۶۶۷

وسیط ۲۰ بسیط صغیر ۲

بند ۱۰

ازجهة نگاه داشتن ایمان

۲۴۶۸۳	۲۴۶۸۶	۲۴۶۸۹	۲۴۶۷۶
۲۴۶۸۸	۲۴۶۷۷	۲۴۶۸۲	۲۴۶۸۷
۲۴۶۷۸	۲۴۶۹۱	۲۴۶۸۴	۲۴۶۸۱
۲۴۶۸۵	۲۴۶۸۰	۲۴۶۷۹	۲۴۶۹۰

۹ ۸ ۷ ۲ ۴

یاصانع کل مصنوع
۵۲۸

یاخالق کل مخلوق ۱۵۶۸ یارازق کل مرزوق ۷۲۲

یامالك کل مملوك ۳۸۸ یاکاشف کل مکروب ۷۳۰

یافارج کل مهموم ۴۷۶ یاراحم کل مرحوم ۳۰۴

یاناصر کل مخذول ۱۷۷۸ یاساتر کل معیوب ۸۵۰

یاملجا کل مطرود
۳۶۴
۷۹۳۸

ایضا بجهة تسخیر قلوب سلاطین
بسیار موثر است
و حکام منقول است از شیخ بهاء الدین که
دو قد جمعه وضو بسازد و دو رکعت نماز
بر نیت قربة الی الله بگذارد در هر رکعت
یکمرتبه سوره حمد و هفت مرتبه این آیه را
بخواند که عسی الله ان یجعل بینکم و
بین الذین عادیتم منهم مودة والله قدیر
والله غفور رحیم را بخواند و در قنوت
این دعا را بخواند که اللهم انی ادرء
بك فی نحره واعوذبك من شره واستعینك
علیه فاکفنیه بما شئت چون از نماز
فارغ شود بعد از سلام بدون تکلم
هفتاد مرتبه بگوید اللهم لین قلب
فلان بن فلان کما لینت الحدید لداود
علیه السلام بجاه محمد الاکرم و بجاه علی

۱۹۸۴	۱۹۸۷	۱۹۹۰	۱۹۷۷
۱۹۸۹	۱۹۷۸	۱۹۸۳	۱۹۸۸
۱۹۷۹	۱۹۹۲	۱۹۸۵	۱۹۸۲
۱۹۸۶	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۹۱

وسط ۶۷۰ صغیر ۱۳۰

بند ۱۱

کشادن بخت

یا عدتی عند شدتی
۱۳۲۴

یا رجائی عند مصیبتی
۹۰۲

یا مونسی عند وحشتی
۱۰۲۵

یا صاحبی عند غربتی
۱۸۵۸

یا ولیی عند نعمتی
۷۵۱

یا غیاثی عند کربتی
۲۲۸۸

یا دلیلی عند حیرتی
۸۴۷

یا غنائی عند افتقاری
۱۹۸۹

یا ملجائی عند اضطراری
۱۵۴۰

یا معینی عند مفزعی
۵۰۲

الافضل الاعلم و بجاه فاطمة ذات الفضل
والعصمة و بجاه الحسن والحسین سبطی
سید المرسلین سیدی شباب اهل
الجنة اجمعین و بجاه ذریتهم الطیبین
الطاهرین بحق حمعسق و بحق کهیعص و
صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین
ایضاً بجهة تسخیر در باب مجلس بدون تکلم
سورهٔ حمد را بعدد اسم مطلوب بخواند
مطلوب مسخر وی گردد از جملهٔ مجربات است
ایضاً بجهة تسخیر بعد نام مطلوب سورهٔ
قل هو الله احد را بخواند بدون تکلم مطلوب
مسخر وی گردد بفرمان خدا تعالی ایضاً
بجهة تسخیر صبح روز جمعه قبل از طلوع شمس
هفت مرتبه صلوات بفرستد و بعد از آن
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم ببندم سرش را

وسط ۱۴۰ — صغیر ۵

باسر خویش

۱۳۰۴۶

۳۲۵۴	۳۲۶۷	۳۲۶۴	۳۲۶۱
۳۲۶۵	۳۲۶۰	۳۲۵۵	۳۲۶۶
۳۲۵۹	۳۲۶۲	۳۲۶۹	۳۲۵۶
۳۲۶۸	۳۲۵۷	۳۲۵۸	۳۲۶۳

بند ۱۲

جهت بقاء دولت

یا علام الغیوب
۱۱۹۵

یا غفار الذنوب
۲۰۸۱

یا ستار العیوب
۵۹۱

یا کاشف الکروب
۶۷۱

یا مقلب القلوب
۳۵۲

یا طبیب القلوب
۲۰۳

یا منور القلوب
۴۷۶

یا انیس القلوب
۳۰۱

یا مفرج الهموم
۲۵۶

یا منفس الهموم
۱۳۵۸

باسر خویش الحمد لله رب العالمین ببندم باجزو را
ببای خویش الرحمن الرحیم ببندم دلش را
با دل خویش مالک یوم الدین ببندم نافش را
بناف خویش ایاک نعبد ببندم شکمش را
بشکم خویش و ایاک نستعین ببندم سینه شرا
با سینه خویش اهدنا الصراط المستقیم
ببندم چشمش را با چشم خویش صراط الذین
ببندم گوشش را با گوش خویش انعمت علیهم
ببندم دهنش را با دهن خویش غیر المغضوب
علیهم ببندم قفایش را بقفای خویش
ولا الضالین ببندم هفت اندامش را
بر هفت اندام خویش بحق لا اله الا الله
محمد رسول الله بند کردم حصر کردم سر
تا پایش را بسر تا پای خویش بحق علی ولی الله
بحق توریهٔ موسی و انجیل عیسی و زبور
داود و صحف ابراهیم و فرقان محمد مصطفی

وسط ۷۵۲ — صغیر ۱۴

۱۸۶۳	۱۸۷۷	۱۸۷۴	۱۸۷۰
۱۸۷۵	۱۸۶۹	۱۸۶۴	۱۸۷۶
۱۸۶۸	۱۸۷۲	۱۸۷۹	۱۸۶۵
۱۸۷۸	۱۸۶۶	۱۸۶۷	۱۸۷۳

۷۴۸۴

سد ۱۳

جهة سلطنت یا فتق

اللهم انی اسئلك باسمك یا جلیل ۳۱۲۳۳۵۳۰۲ ۸۴ وبحق حاملان عرش اعظم الی یوم الدین برحمتك

یا جمیل ۹۴ یا وکیل ۷۷

یا کفیل ۱۵۱ یا دلیل ۸۴ یا قبیل ۱۵۳

یا مدیل ۹۵ یا منیل ۱۴۱ یا مقیل ۱۹۱

یا محیل ۹۹

یا ارحم الراحمین ایضاً مجهة تسخیر مطلوب

دوازده شب هر شب هزار و یکبار اسم

بدوح را بخوانند و هر صد و یکبار که بخوانند

بکم شب این عزیمه را بخوانند که اللهم سخر لی

قلب فلان بن فلان یا الجبروت والاکرام

بحق جیم الله الرحمن الرحیم اقسمت علیکم

یا ملائکة الموکلین بهذا الاسم الاعظم

اللهم احب یا جمائیل یا دنذائیل و یا

دعفائیل یا تنکفیل سامع مطیع بحق

یا بدوح ایضاً مجهة تسخیر قلوب هر روز

بعد نماز مطلوب بخوانند که مجرب است

اللهم انی اسئلك باسمك العظیم الاعظم الاکرم

الاجل الاکرم ان تسخر لی قلب فلان

فلان وان تعطفه علی وتسلطنی

علیه وان تلینه لی کما لینت الحدید

وسط ۶۸ صغیر ۱۴

۱۵۷۱

۳۸۵	۳۹۹	۳۹۵	۳۹۲
۳۹۶	۳۹۱	۳۸۶	۳۹۸
۳۹۰	۳۹۳	۴۰۱	۳۸۷
۴۰۰	۳۸۸	۳۸۹	۳۹۴

بند ۱۴

جهه افزونی نعمت

لداود علیه السلام جبرئیل عن یمینه و میکائیل

عن یساره ومحمد صلی الله علیه وآله

امامه والله مطلع علیه یمنعك علی

فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم

ایضاً مجهة تسخیر مطلوب قدری آب

در دهان نگاه دارد و هفتاد مرتبه

اسم بدوح را بگوید وآن آبی که در دهان

دارد بریزد در میان کوزه آب یا کاسه

آب هر کس از آن آب بخورد مسخر وی گردد

که همگی در تعجب مانند باب بیستم در فتح ابواب

وگشایش کار و وسعت رزق مدت چهل

روز بدین دستور بخوانند روز اول یکمرتبه

روز دویم دو مرتبه و روز سیم سه مرتبه و

روز چهارم چهار مرتبه و همچنین تا روز چهلم

چهل مرتبه بعد از آن چهل مرتبه بگوید

یا رحمن الدنیا ورحیم الاخرة اقض عنی الدین

یا دلیل المتحیرین ۸۴۴

یا غیاث المستغیثین ۲۶۲۳

یا صریخ المستصرخین ۵۰۱۲

یا جار المستجیرین ۱۰۱۹

یا امان الخائفین ۸۷۶

یا عون المومنین ۳۶۴

یا راحم المساکین ۴۳۲

یا ملجا العاصین ۱۱۷۶

یا مجیب دعوة المضطرین ۱۳۹۱

یا غافر المذنبین ۲۱۷۵

وسیط ۱۶۲ صغیر ۹

۳۹۷۰	۳۹۸۴	۳۹۸۱	۳۹۷۷
۳۹۸۲	۳۹۷۶	۳۹۷۲	۳۹۸۳
۳۹۷۵	۳۹۷۹	۳۹۸۶	۳۹۷۳
۳۹۸۵	۳۹۷۴	۳۹۷۸	۳۹۸۰

۱۵۹۱۲

بند ۱۵

گشادن مهمات

یا ذا الجود والاحسان
۹۱۳
یا ذا الفضل والامتنان
۲۳۳۲
یا ذا المن والامان
۹۶۳
یا ذا القدس والسبحان
۱۰۶۵
یا ذا الحکمة والبیان
۹۱۶
یا ذا الرحمة والرضوان
۲۱۹۰
یا ذا الحجة والبرهان
۱۰۵۴
یا ذا العظمة والسلطان
۱۸۲۵
یا ذا الرأفة والمستعان
۱۶۸۷
یا ذا العفو والغفران
۲۲۶۷

ایضا تا هفت روز هر روز چهل مرتبه سورهٔ انا فتحنا را بخواند کشایش در کارش بهم رسد دیگر بجهة کشایش کار هفتاد ویك مرتبه سورهٔ مذکور را بخواند دیگر بجهة کشادن بخت چهل روز هر روز یکمرتبه بخواند دیگر بجهة کشادن کار چهل روز بدین دستور بخواند که روز اول یکمرتبه و روز دویم دو مرتبه و روز سیم سه مرتبه تا آنکه چهلم چهل مرتبه بخواند و هر روز بعد از خواندن بگوید اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِی اَبْوَابَ السَّعَادَةِ ایضا بجهة فتح و کشایش کارها ده روز هر روز ده مرتبه بخواند و ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد دعا اینست یا مُیَسِّرَ کُلِّ عَسِیرٍ یَسِّرْ لِی اَمْرِی ایضا اگر کسی دختری را بخت بسته باشد ظرفی را بر آب ...

۳۸۰۷	۳۸۱۱	۳۸۱۴	۳۸۰۰
۳۸۱۳	۳۸۰۱	۳۸۰۶	۳۸۱۲
۳۸۰۲	۳۸۱۶	۳۸۰۹	۳۸۰۵
۳۸۱۰	۳۸۰۴	۳۸۰۳	۳۸۱۵

۱۵۲۳۲

وسیط ۱۵۵ — کذ — صغیر ۲۰

بند ۱۶

بر آمدن حاجات

یا من هو رب کل شیء
۶۷۵
یا من هو اله کل شیء
۵۰۹
یا من هو خالق کل شیء
۱۲۰۴
یا من هو صانع کل شیء
۶۸۴
یا من هو قبل کل شیء
۶۰۵
یا من هو بعد کل شیء
۵۴۹
یا من هو فوق کل شیء
۶۵۹
یا من هو عالم بکل شیء
۶۱۶
یا من هو قادر علی کل شیء
۸۸۸

یا من هو یبقی و یفنی کل شیء
۷۵۱

کند و چهل مرتبه سورهٔ مبارکه کیش را بر آن آب خواند بعد از آن آب را بر سر خود ریزد بختش کشاده کردد ایضا اگر کسی در کار خود حیران و فرومانده باشد و سر انجام کار خود را نداند در شب که بجای خواب رود سه مرتبه بخواند و صلوات بفرستد تا بخواب رود در خواب وی را بگویند که سر انجام کار تو چیست سورهٔ مذکور سورهٔ تین است ایضا اگر کسی دست تنك باشد و کار او بسته باشد چنانچه هیچ طرف امیدی نداشته باشد چهل روز بدین آیه مداومت نماید که روز اول چهل مرتبه و روز دویم هشتاد مرتبه و روز سیم صد و بیست مرتبه بر آن مضاعف کند چنانچه چهل روز چهار هزار مرتبه میشود حق تعالی کره ...

۱۷۸۴	۱۷۸۸	۱۷۹۱	۱۷۷۷
۱۷۹۰	۱۷۷۸	۱۷۸۳	۱۷۸۹
۱۷۷۹	۱۷۹۳	۱۷۸۶	۱۷۸۲
۱۷۸۷	۱۷۸۱	۱۷۸۰	۱۷۹۲

۷۱۴۰

صغیر ۱۹ — وسیط ۷۹

بند ۱۷

جهه برکت یافتن

اللهم انی اسئلك باسمك یامؤمن
۱۴۷

یامهیمن ۵۵۶ | یامکون ۱۲۷ | یاملقن ۲۳۱

یاسبق ۱۰۳ | یامهون ۱۱۲ | یاممکن ۱۶۱

یامزین ۱۱۸ | یامعلن ۲۰۱ | یامقسم ۲۵۱

کبیر
۲۰۱۷

وسیط
۲۰۸

صغیر
۱۰

۵۰۴	۵۰۷	۵۱۰	۴۹۶
۵۰۹	۴۹۷	۵۰۳	۵۰۸
۴۹۸	۵۱۲	۵۰۵	۵۰۲
۵۰۶	۵۰۱	۴۹۹	۵۱۱

از کار او بکشاید وجمعیت بسیاری روی
بوی نهد که جمیع خلایق محتاج وی شوند
ایضاً هرکه را مهمی پیش آید که در آن عاجز
باشد وبدین آیة انا فتحنا بعد از نماز عصر روز
جمعه روی بقبله نشیند وبحضور دل این
دو اسم را بگوید تا هنگام غروب آفتاب
دو اسم اینست یا الله یا رحمن بعد از ان
بسجده رفته حاجت خود را بخواهد که البته
روا شود ایضاً بجهت فتح وگشایش کارها
روز چهارشنبه غسل کند ووضو سازد
ودو رکعت نماز حاجت بگذارد بعد صد مرتبه
صلوات بفرستد وهزار مرتبه بگوید لا اله
الا الله بگوید وبعد از ان صد مرتبه این دعا
بخواند اللهم یا مفتح الابواب ویا مسبب
الاسباب یا دلیل المتحیرین ویا غیاث المستغیثین

نمله

توکلت علیک یا ربی ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم تا جمعه ده روز باشد بدین قاعده
بخواند هر مراد ومقصود که داشته باشد
روا گردد ایضاً اگر کسی را بسته باشند خواه
زن وخواه مرد که بهیچ وجه گشاده نگردد باید
که این دعا را بمشك وزعفران وگلاب نبشته
دفعه یکی را بشوید وبخورد یکی را در آب بشوید
دو بسر کند ویکی را با خود دارد با مر الله
تعالی گشاده گردد اگر زبان کسی را بسته باشند
سه تعویذ بنویسد وبنوع مذکور عمل نماید که
زبانش گشاده گردد وبهتر نیست که این دعا را
مداومت نماید برای هر مهمی دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم یا حبیب الفقراء یا انیس الغرباء
یا معین الضعفاء یا دلیل المتحیرین ویا غیاث
المستغیثین ویا امان الخائفین یا حی
یا قیوم یا حنان یا منان یا بدیع السموات و
الارض یا ذا الجلال والاکرام افتح افتح
فتح عینی ولسانی والتوفیق لمطالب
هذا الدعاء الاعظم برحمتك یا ارحم الراحمین

بند ۱۸

جهه آسانی کارها

یامن هو نعمته مقیم ۴۸۷ | یامن هو فی سلطانه قدیم ۵۱۱

یامن هو فی جلاله عزیز ۱۱۳۱ | یامن هو علی عباده رحیم ۵۶۲

یامن هو بکل شیء علیم ۶۲۵ | یامن هو عمن عصاه حلیم ۴۵۸

یامن هو عن رجاه کریم ۶۸۳ | یامن هو فی صنعه حکیم ۴۹۵

یامن هو فی حکمته لطیف ۳۰۴ | یامن هو فی لطفه قدیم ۴۸۰

کبیر
۵۸۴۶

وسیط
۱۴۰

صغیر
۵

۱۴۶۱	۱۴۶۴	۱۴۶۷	۱۴۵۴
۱۴۶۶	۱۴۵۵	۱۴۶۰	۱۴۶۵
۱۴۵۶	۱۴۶۹	۱۴۶۲	۱۴۵۹
۱۴۶۳	۱۴۵۸	۱۴۵۷	۱۴۶۸

بند ۱۹

باب چهارم در دفع سحر و بستگی و کج فنکی

جهة دفع غمها

یامن لا یرجی الا فضله ۱۴۶۲ — یامن لا یسئل الا عفوه ۳۲۶

یامن لا ینظر الا بره ۱۴۳۱ — یامن لا یخاف الا عدله ۹۶۴

یامن لا یدوم الا ملکه ۳۱۹ — یامن لا سلطان الا سلطانه ۳۶۹

یامن وسعت کل شیء رحمته ۱۳۶۱ — یامن سبقت رحمته غضبه ۳۲۲۳

یامن احاط بکل شیء علمه ۶۲۸

یامن لیس احد مثله ۷۸۹

چون از سحر بترسے بگو قال لهم موسی القوا ما انتم ملقون فلما القوا قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین و یحق الله الحق بکلماته و لو کره المجرمون وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق و لکم الویل مما تصفون والق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا انما صنعوا کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث اتی والقی السحرة سجدا قالوا امنا برب هرون وموسی **ایضا** از حضرت امیر المؤمنین مرویست که مبتلا بود بعضی از اصحاب خود در حالی که شکایت نموده بود با و از سحر بنویس در پوست آهوئی بسم الله و بالله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح

صغیر	وسط	کبیر
۱۷	۱۸۶۹	۷۴۷۸

۱۸۶۹	۱۸۷۲	۱۸۷۵	۱۸۶۲
۱۸۷۴	۱۸۶۳	۱۸۶۸	۱۸۷۳
۱۸۶۴	۱۸۷۷	۱۸۷۰	۱۸۶۷
۱۸۷۱	۱۸۶۶	۱۸۶۵	۱۸۷۶

این لوح بند ۲۰ است

عمل المفسدین و یحق الله الحق بکلماته و لو کره المجرمون فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک وانقلبوا صاغرین که نوشته اور ضرر نمیکند و کید او در تو ضرر نمیکند **ایضا** از اصبغ بن نباته رضی الله عنه مرویست که گفت گرفتم این عوذه را از حضرت امیر المؤمنین و آنحضرت فرمود که یا اصبغ این عوذه سحر و خوف از سلطان است بگوئی تو آنرا هفت مرتبه بسم الله و بالله سنشد عضدک باخیک و نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بایاتنا انتما ومن اتبعکما الغالبون میگوئی این عوذه را در روی ساحر یعنی دو بخانه او و میگوئی وقتی که از نماز شب فارغ شوی قبل از انکه آغاز نماز صبح نمائی که ضرر بتو نخواهد رسید انشاء الله تعالی **ایضا**

بند ۲۰

جهة دشواری

یا فارج الهم ۳۷۱ — یا کاشف الغم ۱۳۸۳

یا غافر الذنب ۱۸۷۵ — یا قابل التوب ۵۹۳

یا خالق الخلق ۱۵۰۳ — یا صادق الوعد ۳۱۷

یا موفی العهد ۲۵۷ — یا عالم السر ۳۴۳

یا فالق الحب ۲۶۳ — یا رازق الانام ۳۷۳

۷۶۹۲

صغیر	وسط
۱۵	۷۷۱

۱۹۲۳	۱۹۲۶	۱۹۲۹	۱۹۱۵
۱۹۲۸	۱۹۱۶	۱۹۲۱	۱۹۲۷
۱۹۱۷	۱۹۳۱	۱۹۲۴	۱۹۲۰
۱۹۲۵	۱۹۱۹	۱۹۱۸	۱۹۳۰

این لوح بند ۱۹ است

۱۷۰

بند ۲۱

امرزش گناهان

اللهم انی اسئلك باسمك یا علی
۳ ۷ ۳ ۳۰۲ ۱۲۱
یا وفی یا غنی یا ملی یا خفی یا رضی
۱۰۷ ۱۰۷۱ ۹۱ ۱۰۹ ۱۱۲۱
یا زکی یا بدی یا قوی یا ولی
۴۸ ۲۷ ۱۲۷ ۵۷
عدد
۲۳۵۲

دعائی است از ادعیهٔ سرقل ستهٔ و مصون
ابجد دان وارد شده است که ای محمد
هرکه خواهد که باشد از اهل عافیت من
از سحر چون این دعا را بخواند ضرر نکند باو
سحر هیچ ساحری خواه ساحر انسی و خواه
جنی و آن اینست اللّٰهُمَّ رَبَّ مُوسٰی وَ
خَاصَّهُ بِکَلَامِهِ وَهَازِمَ مَنْ کَادَهُ بِسِحْرِهِ
بِعَصَاهُ وَمُعِیدَهَا تُعَبِّدُ الْعَوْدِ ثُعْبَانًا
وَمُلَقِّفُهَا اِفْکَ اَهْلِ الْاِفْکِ وَمُفْسِدَ
عَمَلِ السَّاحِرِینَ وَمُبْطِلَ کَیْدِ اَهْلِ الْفَسَادِ
وَمَنْ کَادَنِی بِسِحْرٍ اَوْ بِضُرٍّ عَامِدًا اَوْ غَیْرِ
عَامِدٍ اَعْلَمُهُ اَوْ لَا اَعْلَمُهُ اَخَافُهُ اَوْ لَا
اَخَافُهُ فَاقْطَعْ مِنْ اَسْبَابِ السَّمٰوَاتِ
عَمَلَهُ عَنِّی حَتّٰی تَرْجِعَهُ عَنِّی فَلَا یَنْفُذُ فِیَّ وَلَا
ضَارٌّ لِی وَلَا شَامِتٌ بِی اِنِّی اَدْرَءُ

وسط
۳۲

صغیر
۴

۶۶۲ ۵۸۰	۶۷۶ ۵۹۴	۶۷۳ ۵۹۱	۶۶۹ ۵۸۷
۶۷۳ ۵۹۲	۶۶۸ ۵۸۶	۶۶۳ ۵۸۱	۶۷۵ ۵۹۳
۶۶۷ ۵۸۵	۶۷۰ ۵۸۹	۶۷۸ ۵۹۶	۶۶۴ ۵۸۲
۶۷۷ ۵۹۵	۶۶۵ ۵۸۳	۶۶۶ ۵۸۴	۶۷۱ ۵۹۰

بعهنك

بند ۲۲

از برای دفع شر و در روشنائی چشم

بِعِصْمَتِكَ فِی نُحُورِ الْاَعْدَاءِ فَکُنْ لِی مِنْهُمْ
مُدَافِعًا اَحْسَنَ مُدَافَعَةٍ وَاَتَمَّهَا یَا کَرِیمُ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاکْفِنِی بِعَدْلِكَ مِمَّا
اَخَافُ اَجْمَعَ ایضًا محمد بن عیسی گوید که پرسیدم
از حضرت امام رضا ع از سحر فرمود که آن
حق است و ساحران ضرر میرسانند باذن
خدا تعالی پس هرگاه برسد ترا سحری پس
بلند کن دست خود را بروی خود و بخوان
بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِیمِ بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِیمِ رَبِّ
الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اِلَّا ذَهَبْتَ وَانْقَرَضْتَ ایضًا
منقولست که جبرئیل خبر داد بحضرت رسول ص
که لبید بن اعصم یهودی سحر برای آنحضرت
کرده است پس حضرت رسول ص حضرت امیر
المؤمنین را طلبید و فرمود که برو در فلان
چاه و سحر را بیرون آور حضرت امیر المؤمنین ع
بدان موضع رفت و بآن چاه داخل شد

یامن اظهر الجمیل ۱۳۳۱ — یامن ستر القبیح ۹۱۲

یامن لم یؤاخذ بالجریرة ۱۹۴ — یامن لم یهتک الستر ۱۳۹۷

یا عظیم العفو ۱۱۱۸ — یا حسن التجاوز ۵۷۷

یا واسع المغفرة ۱۵۰۶ — یا باسط الیدین بالرحمة ۴۷۴

یا صاحب کل نجوی ۲۳۱ — یا منتهی کل شکوی ۹۰۲

۱۰۱۷ ۶

وسیط ۲۰۱ — صغیر ۳

۲۵۳۳ ۶	۲۵۴۶ ۵۰	۲۵۳۷	۲۵۴۴
۲۵۳۸	۲۵۴۳	۲۵۳۷	۲۵۴۹
۲۵۴۱	۲۵۴۵	۲۵۴۸ ۵۲	۲۵۳۸
۲۵۴۵ ۵۱	۲۵۳۹	۲۵۴۰	۲۵۳۶

فراخی روزی

یاذا النعمة السابغة ٢٠٠٧
یاذا الوجه الواسعة ٩٦٩
یاذا المنة السابقة ١٣٧
یاذا الحکمة البالغة ١٨٨٥
یاذا القدرة الکاملة ١٥٧٩
یاذا الحجة القاطعة ٩٧٥
یاذا الکرامة الظاهرة ١٨٥١
یاذا العزة الدائمه ٩٠٧
یاذا القوة المتینه ١٣٩٠
یاذا العظمه المنیعه ١٨٤٤
٢٣٠٦٤

وازته آب حقذ بد را آورد و نزد حضرت رسول صلعم آورد و در انجازه کمانی بود که بانده گره بران زده بودند پس جبرئیل سوره معوذتین از آسمان آورد حضرت رسول صلعم فرمود که یا علی این دو سوره را بران گرهها بخوان پس هر آیه که حضرت میخواند یک گره گشوده میشد چون هر دو سوره تمام شد گرهها گشوده شد و سحر برطرف شد پس موافق این حدیث و احادیث معتبر دیگر این دو سوره در دفع سحر تاثیر عظیم دارد محمد بن مسلم روایت کرده که این عوذه است که ملا ... کرده است او را حضرت ابی عبدالله بوما در حالی که ذکر کرده حضرت بطریق وراثت از آبای کرام علیهم السلام با و دستیله و سحر را باطل میکنند میتوسید آنرا بر ورقی و بر عضود می آویزد عوذه اینست قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لایصلح عمل المفسدین ویحق الله الحق بکلماته ولو کره المجرمون ءانتم اشد خلقا ام السماء بنیها رفع سمکها فسویها واغطش لیلها واخرج ضحیها والارض بعد ذلک دحیها اخرج منها مائها ومرعیها والجبال ارسیها متاعا لکم ولانعامکم فاذا جائت الطامة الکبری یوم یتذکر الانسان ما سعی وبرزت الجحیم لمن یری فاما من طغی واثر الحیوة الدنیا فان الجحیم هی المأوی واما من خاف مقام ربه ونهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی یسئلونک عن الساعة ایان مرسیها فیم انت من ذکریها الی ربک منتهیها انما انت منذر من یخشیها کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة

٥٧٦٥	٥٧٦٩	٥٧٧٢	٥٧٥٨
٥٧٧١	٥٧٥٩	٥٧٦٤	٥٧٧٠
٥٧٦٠	٥٧٧٤	٥٧٦٧	٥٧٦٣
٥٧٦٨	٥٧٦٢	٥٧٦١	٥٧٧٣

جهة دفع بلاها

یا بدیع السموات ٦٣٥
یا جاعل الظلمات ١٤٢٧
یا راحم العبرات ٩٦٤
یا مقیل العثرات ١٣٩٣
یا ساتر العورات ١٣٨٠
یا محیی الاموات ٥٥٦
یا منزل الآیات ٥٩١
یا مضعف الحسنات ١٦٥١
یا ماحی السیئات ٥٧٣
یا شدید النقمات ٩٥١٠

٢٥٢٨	٢٥٣١	٢٥٣٤	٢٥٢٠
٢٥٣٣	٢٥٢١	٢٥٢٧	٢٥٣٢
٢٥٢٢	٢٥٣٦	٢٥٢٩	٢٥٢٦
٢٥٣٠	٢٥٢٥	٢٥٢٣	٢٥٣٥

١٠١١٣

فصل ۲۵

جهه خوشنودی

اللهم انی اسئلك باسمك ۳۷۳

یا مصور ۳۴۷	یا مقدر ۳۵۵
یا مدبر ۲۵۷	یا مطهر ۲۶۵
یا منور ۳۰۷	یا میسر ۳۲۱
یا مبشر ۵۵۳	یا منذر ۱۰۰۱
یا مقدم ۱۹۵	یا مؤخر ۸۵۱

۴۸۳۲

اوضعها فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون
فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرین والقی
السحرة ساجدین قالوا آمنا برب العالمین
رب موسی وهرون **ایضا** از حضرت رسول ص
مرویست که هر که از شیطان وجادو کران
ترسد هر روز این آیه را بخواند سحر وجادو
بروی کار نکند آیه شریفه اینست اِنَّ
رَبَّکُمُ اللهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ وَالاَرضَ فِی
سِتَّةِ اَیّامٍ ثُمَّ استَوٰی عَلَی العَرشِ یُغشِی
اللَّیلَ النَّهارَ یَطلُبُهُ حَثِیثًا وَالشَّمسَ وَالقَمَرَ
وَالنُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِاَمرِهِ اَلا لَهُ الخَلقُ وَالاَمرُ
تَبارَكَ اللهُ رَبُّ العالَمِینَ اُدعُوا رَبَّکُم تَضَرُّعًا
وَخُفیَةً اِنَّهُ لا یُحِبُّ المُعتَدِینَ وَلا تُفسِدُوا
فِی الاَرضِ بَعدَ اِصلاحِها وَادعُوهُ خَوفًا
وَطَمَعًا اِنَّ رَحمَتَ اللهِ قَرِیبٌ مِنَ المُحسِنِینَ

وسط ۱۲۷ صغیر ۱۰

۱۲۱۵	۱۲۱۸	۱۲۲۱	۱۲۰۷
۱۲۲۰	۱۲۰۸	۱۲۱۴	۱۲۰۹
۲۲۰۹	۱۲۲۳	۱۲۱۶	۱۲۱۳
۱۲۱۷	۱۲۱۲	۱۲۱۰	۱۲۲۲

رسید ... صحیح است

فصل ۲۶

جهه عزیز شدن نزد خلق

یا رب البیت الحرام ۹۳۶
یا رب الشهر الحرام ۱۰۲۹
یا رب البلد الحرام ۵۶۰
یا رب الرکن والمقام ۷۳۳
یا رب المشعر الحرام ۱۱۳۴
یا رب المسجد الحرام ۶۳۱
یا رب الحل والحرام ۵۶۸
یا رب النور والظلام ۱۴۰۸
یا رب التحیة والسلام ۸۳۵

یا رب القدرة فی الانام

ایضا بجهة دفع سحر بنویسد بر پوست آهو
و بربازو ببندد سحر وجادو باطل شود و
بعد از آن سحر وجادو بروی کار نکند
قالوا یا موسی اما ان تلقی واما ان نکون
نحن الملقین قال القوا فلما القوا سحروا
اعین الناس واسترهبوهم وجاؤا بسحر
عظیم واوحینا الی موسی ان الق عصاك
فاذا هی تلقف ما یافکون فوقع الحق
وبطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالك
وانقلبوا صاغرین **ایضا** دعائی که شیخ
بهاء الدین بجهة پادشاه جنت مکان
شاه عباس صفوی نوشته بود بجهة بطلان
سحر بر کف دست راست نویسد با زعفران
و آب باران نیسان یا گلاب و صبح ناشتا
کف دست خود را بلیسد تا سه روز اینعمل

وسط ۱۵۳ صغیر ۹

۲۱۴۹	۲۱۵۲	۲۱۵۶	۲۱۴۲
۲۱۵۵	۲۱۴۳	۲۱۴۸	۲۱۵۳
۲۱۴۴	۲۱۵۸	۲۱۵۰	۲۱۴۷
۲۱۵۱	۲۱۴۶	۲۱۴۵	۲۱۵۷

رسید کند صحیح است ۸۵۹۹

بجای آورد دعائی که در کف دست باید نوشت
اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا من اذل السحرة
باعجاز موسی کما القی عصاه فاذا هی ثعبان
مبین اذل عن من ضد به سحر السحرة و کید الفجرة
انک علی کل شیء قدیر باب پنجم در دفع دشمنان
و بدگویان و خصمان ادعیه دفع شر دشمنان
و نفرین کردن بر ایشان از حضرت امام جعفر
صادق ع روایت شده که بعلاء بن کامل تعلیم
کرده اللهم انک تکفی من کل شیء و لا یکفی
منک شیء فاکفنی امر فلان بم شئت و کیف
شئت و انی شئت ایضا این دعا را باید خواند
از شر دشمنان محفوظ باشد یا عدتی عند
شدتی و یا غوثی عند کربتی احرسنی
بعینک التی لا تنام و اکنفنی برکنک الذی
لا یرام یا ذا القوة القویة و یا ذا المحال

عدد آیه ومن یتق الله
٦٣٨٠

عدد آیه سحره تا قریب من المحسنین
٢١٥٣٣

عدد آیه بغض و تفریق
١٥٣٩

عدد آیه نور با بکل شیء علیم
١١٦١١

الشدید

الشدید و یا ذا العزة التی کل خلقک لها
ذلیل صل علی محمد و آل محمد و اکفنی ظالمی
و انتقم لی منه این دعا از حضرت امام موسی
کاظم ع مرویست ایضا کفعمی در خواص سور
ذکر کرده که چون بر کفی از خاک که آفتاب
ندیده باشد بخواند این آیات را و بر روی دشمن
بپاشد الله تعالی او را مقهور و مخذول گرداند
آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم طسم تلک آیات
الکتاب المبین لعلک باخع نفسک الا یکونوا مؤمنین
ان نشأ ننزل علیهم من السماء آیة فظلت اعناقهم
لها خاضعین چون این آیه را که مذکور میشود
بر خاکی که وصف شد بخوانی و آن خاک را
بر روی دشمن بپاشی بعون الهی که اوند اند
ایمن شوی از شر او آیه اینست و اذا رأیتهم
تعجبک اجسامهم و ان یقولوا تسمع لقولهم
کأنهم خشب مسندة یحسبون کل صیحة
علیهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله

نزد ملوک رفتن

یا احکم الحاکمین ٢٣٠ — یا اعدل العادلین ٣١٢
یا اصدق الصادقین ٤٩٢ — یا اطهر الطاهرین ٥٣٢
یا احسن الخالقین ٩٥٢ — یا اسرع الحاسبین ٥٠٤
یا اسمع السامعین ٤٥٤ — یا ابصر الناظرین ١٤٤٥
یا اشفع الشافعین ١٠٠٣ — یا اکرم الاکرمین ٦٣٤

٦٥٦٩

وسط ٦٦٥ — صغیر ٧١

١٦٤٢	١٦٤٥	١٦٤٨	١٦٣٤
١٦٤٧	١٦٣٥	١٦٤١	١٦٤٦
١٦٣٦	١٦٥٠	١٦٤٣	١٦٤٠
١٦٤٤	١٦٣٩	١٦٣٧	١٦٤٩

انی بخ فکون ایضاً از حضرت امیر المؤمنین ع
مرویست که هر که را ظالمی ظلم کند و دست
از او باز ندارد باید که غسل کند و وضو بسازد
و دو رکعت نماز بگذارد و چون فارغ شود
بگوید اللهم ان فلان بن فلان ظلمنی
واعتدی علی ونصب لی وامضنی و
اذلنی واخلقنی اللهم فکله الی نفسه
وهتک ستره وعجل جائحته واسلبه
نعمتک عنده واقطع رزقه وابتر عمره
وامح اثره وسلط علیه عدوه وخذه
فی مامنه کما ظلمنی واعتدی علی ونصب
لی وامض واذل واخلق اللهم انی
استعدیک علی فلان بن فلان فاعدنی
فانک اشد باساً واشد تنکیلاً چند بار
اینست که آن ظالم دیگر باره مهلت داده
نشود و باید که این دعا را سر برهنه بجای آورد
و از آنحضرت روایت شده که هر که بر او

وازجمله اسرار است که چون کسی
خواهد از مفر دزدان و قاطعان طریق
و ظالمان و موذیان مخفی گردد بگوید
فقح محمت پس بردارد سنگ
ریزه را بعدد حروف مجزومه
اینکلمه بدست چپ و آن سه حرف
است ح خ ت و بعدد حروف منصوبه
آن بدست راست و آن چهار حرف است
ف ق م م پس اولین از منصوبات
را که در دست راست دارد بجانب
راست انداز د و بگوید افحسبتم انما
خلقناکم عبثاً وانکم الینا لا
پس دومین از منصوبات دست
راست را بجانب چپ انداز د و بگوید
یا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات
والارض فانفذوا لا پس سیمین
را از عقب بیندازد و بگوید صم
بکم عمی فهم لا پس چهارمین
را در پیش رو انداز د و بگوید
وجعلنا من بین ایدیهم سداً فاغشیناهم فهم لا

ظ

بعد از آن سه سنگ مجزومه
را که در دست چپ دارد
بیندازد و در عقب سر اندازد و
باو باشد در نظر او

ظلمی واقع شود باید که وضو بسازد و دو رکعت
نماز بگذارد و بسیار طول دهد در رکوع
و سجود و چون سلام دهد هزار مرتبه
بگوید اللهم انی مغلوب فانتصر چند بار
اینست که الله تعالی بزودی یاری او کند
ایضاً از حضرت امام جعفر صادق ع
مرویست که بجهة دفع دشمن دو رکعت
نماز بگذارد و طول بده در رکوع و سجود
و چون از نماز فارغ شوی روی خود را
بر خاک نهاده و بگوید یا رباه تا آنقدر که
نفس منقطع شود و بعد از آن بگوید که
یا من اهلک عاداً الاولی وثمود فما ابقی
وقوم نوح من قبل انهم کانوا هم اظلم
واطغی والمؤتفکة اهوی فغشیها
ما غشی ان فلان بن فلان ظالم

بتجربه رسیده که لعن چهار ضرب
را بر یک صد ملد سنگ ریزه
بر هر یکی یکبار بخواند و در حفیره
و گودالی بیندازد اثر دارد
اللهم العن عمر ثم ابابکر وعمر
ثم عثمان وعمر ثم عمر

ایه ١٩ از سوره کهف

رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا

عدد این ایه دو هزار و صد و چهل و دو عدد است مطابق این عدد هر که بخواند از برای کارهای مهم مجرب است

٢١٤٢

٥٠٣٥	٥٠٣١	٥٠٤١	٥٠٢٨
٥٠٤٠	٥٠٢٩	٥٠٣٤	٥٠٣٩
٥٠٣٠	٥٠٤٣	٥٠٣٦	٥٠٣٣
٥٠٣٧	٥٠٣٢	٥٠٣١	٥٠٤٢

فبما ارتكبني به فاجعل علي منك وعدلا ولا تجعل له في خلقك نصيبا يا اقرب الاقربين ايضا از حضرت امام موسی کاظم ع روایت شده که باید گفت اللهم اطرقه ببلية لا اخت لها وابح حريمه ايضا هرگاه کسی خواهد که زبان دشمنان بروی بسته گردد این آیه را به نیت زبان بند دشمنان بخواند وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا ايضا چون خواهد که دفع عداوت کند از میان جمعی این آیات را از سوره لم یکن در چهار قدح بنویسد و آب در آن قدحها کند و آنرا بشوید و از آن آب خمیر کند و نان بپزد و بآن جمع دهد عداوت ایشان زایل شود و الفت در میان ایشان پیدا شود و آیات اینست ان الذين امنوا وعملوا

قبل ٢١

جهة کمان کشیدن

یا عماد من لا عماد له ٣٩٧

یا سند من لا سند له ٣٩٥

یا ذخر من لا ذخر له ١٧٨١

یا حرز من لا حرز له ٥٩٧

یا غیاث من لا غیاث له ٣١٨٩

یا فخر من لا فخر له ~~٢٢٣~~ ١٩٢٧

یا عز من لا عز له ~~٣١٩~~ ٣٣١

یا معین من لا معین له ٣٩٧

یا انیس من لا انیس له ٤٠٩

یا امان من لا امان له ١١٩٧ ٣٥١

٦٧٧٤ ~~٨٦١٨~~

٢١٥٤	٢١٥٧	٢١٦٠	~~٣١٤٧~~ ١٦٨٦
٢١٥٩	٢١٤٨ ١٦٨٧	٢١٥٣	٢١٥٨
٢١٤٩ ١٦٨٨	٢١٦٣	٢١٥٥	٢١٥٢
٢١٥٦	٢١٥١ ١٦٨٩	٢١٥٠ ١٦٨٨	٢١٦١

صحیح است خانه اول ١٦٨٦ بدون کسر

الصالحات اولئك هم خير البرية جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشي ربه ايضا این دعائی است که در انیس العابدین و سایر کتب معتبره ذکر شده و بجهة دفع شر دشمنان بسیار نافع و مجرب است واجعلنا دعبة [illegible] که حضرت صادق ع خواند در وقتی که منصور دوانیقی اراده قتل آنحضرت داشت در کوفه حکایت آن طولی دارد و دعاء مذکور اینست اللهم احرسنا بعينك التي لا تنام واكنفنا بركنك الذي لا يرام وارحمنا بقدرتك علينا ولا نهلكنا وانت الرجاء رب كم من نعمة انعمت بها علي قل لك عندها شكري وكم من بلية

فند ۲۹

جهه تیر انداختن

اللهم انی اسئلك باسمك
~~۳۰۲~~ ۳۷۳

یا دائم ۵۷	یا قائم ۱۵۳	یا عاصم ۱۰۲۲
یا حاکم ~~۷۱~~ ۸	یا سالم ۱۴۲	یا راحم ~~۲۵۲~~ ۲۶
یا قابض ۱۰۱۴	یا قاسم ۲۱۲	یا عالم ۱۵۲
	یا باسط ۸۳	

~~۳۴۸۵~~
۳۵۷۷
این عدد صحیح است

وسیط ۳۶۴ — صغیر ۳۱۰

اِبْتَلَیْتَنِی بِهَا قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِی فَیَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُکْرِی فَلَمْ یَحْرِمْنِی وَیَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلَائِهِ صَبْرِی فَلَمْ یَخْذُلْنِی یَا ذَا الْمَعْرُوفِ الدَّائِمِ الَّذِی لَا یَنْقَضِی اَبَدًا وَیَا ذَا النَّعْمَاءِ الَّتِی لَا تُحْصَی عَدَدًا اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ وَاَدْرَءُ بِكَ فِی نُحُورِ الْاَعْدَاءِ وَالْجَبَّارِینَ اَللّٰهُمَّ اَعِنِّی عَلَی دِینِی بِدُنْیَایَ وَعَلَی آخِرَتِی بِتَقْوَایَ وَاحْفَظْنِی فِیمَا غِبْتُ عَنْهُ وَلَا تَکِلْنِی اِلَی نَفْسِی فِیمَا حَضَرْتُهُ یَا مَنْ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ وَلَا تَضُرُّهُ الْمَعْصِیَةُ اَسْئَلُكَ فَرَجًا عَاجِلًا وَصَبْرًا جَمِیلًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَالْعَافِیَةَ مِنْ جَمِیعِ الْبَلَایَا وَالشُّکْرَ عَلَی الْعَافِیَةِ یَا وَلِیَّ الْعَافِیَةِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

ایضا جهه زبان بند دشمنان بنویسد

~~۱۷۷۱~~ ۱۹۴	~~۱۸۴~~ ۹۷	~~۹۰~~ ۱۰۰	~~۱۸۷~~ ۱۸۶
۱۷۶ ۹۹	۱۳۴ ۸۷	۱۰۰ ۹۳	۱۸۵ ۹۸
۱۶۵ ۱۸۱	۹۰ [illegible] ۱۰۰	~~۱۰۰~~ ۹۵	۱۸۰ ۹۲
۱۷۳ ۹۶	۱۶۱ ۱۹۱	۱۶۶ ۱۹۹	۹۰۱ ~~۱۹۰~~ ۱۰۹

صحیح است ۱۰۲

باخود

فند ۳۰

جهه جنگ کردن

یا عاصم من استعصمه
۹۶۸۱

یا راحم من استرحمه
۱۱۵۴

یا غافر من استغفره
~~۲۷۳۱~~ ۲۱۲۸

یا ناصر من استنصره
۱۵۴۸

یا حافظ من استحفظه
۲۳۳۴

یا مکرم من استکرمه
~~۳۲~~ ۱۰۸۷

یا مرشد من استرشده
۱۸۵۵

یا صریخ من استصرخه
۲۳ ~~۱~~۵۷

یا معاذ من استعاذه
۱۰۵۱

یا مغیث من استغاثه
۱۱۱۲

باخود دارد زبان جمیع دشمنان وبدگویان بروی بسته گردد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وحده وبالله استعین علیك واستغیث علیك یا فلان بن فلان خیرك بین عینیك وشرك تحت قدمیك عقدت لسان فلان بن فلان وعقدت قلبك علی محبة بخاتم سلیمن بن داود وعصای موسی ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وبحق قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد صم بکم عمی فهم لا یبصرون عقدت لسانهم وسددت افواههم بحق کهیعص وحمعسق وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة وبالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم

۳۳۴۱	۳۳۴۴	۳۳۴۸	~~۳۳۳۳~~ ۶۲۶۹
۳۳۴۷	~~۳۳۳۵~~ ۶۲۷۰	۳۳۴۰	۳۳۴۵
~~۳۳۳۶~~ ۶۲۷۱	۳۳۵۰	۳۳۴۲	۳۳۳۹
۳۳۴۳	~~۳۳۳۸~~ ۶۲۷۴	~~۳۳۳۷~~ ۶۲۷۳	۳۳۴۹

~~۲۲~~ ۲۵۱۰۷ مهمین کی شد صحیح الله

وسیط ۱۴۶ — صغیر ۲۰

جهه عزیز شدن

یا عزیزا لایضام ۱۰۸۸ · یا لطیفا لایرام ۴۲۳ · یا قیوما لاینام ۲۹۹

یا دائما لایفوت ۵۸۵ · یا حیا لایموت ۵۱۷ · یا ملکا لایزول ۱۸۵

یا باقیا لایفنی ۲۰۶ · یا عالما لایجهل ۲۳۱

یا صمدا لایطعم ۳۰۶ · یا قویا لایضعف ۱۳۱۹

الا الی الله تصیر الامور وعظمت عقد اشد بها ۴
الا ینفع الی یوم التناد کانهم حمر مستنفرة فرت
من قسورة الساعة ۳ التریح ۳ الوحا ۳ بنیا ۴

بجهة عقد اللسان چون خواهد که بنظر پادشاه
یا حاکم ظالمی رود واز او خوفناک باشد این
آیه را بحروف مقطعه بیک سطر بنویسد بر
کاغذ و در دست راست خود گرفته در
برابر پادشاه یا حاکم رفته و همین آیه را
قرائت کند که از شر او ایمن گردد ف س ی
ک ف ی ک هـ م ا ل ل هـ و هـ و ا ل س م ی
ع ا ل ع ل ی م آیه مذکوره اینست که فسیکفیکم ا
فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
حفظ الجد مجرب کرده ام برکات و مراد آیت
که ابجد و بنت کلمة دلت صد قا وعدلا لا مبدل
لکلماته وهو السمیع العلیم را بحروف مقطعه

۵۰۵۹

وسط ۶۴ · صغیر ۱۰

١٢٦٤	١٢٦٧	١٢٧١	١٢٥٧
١٢٧٠	١٢٥٨	١٢٦٣	١٢٦٨
١٢٥٩	١٢٧٣	١٢٦٥	١٢٦٢
١٢٦٦	١٢٦١	[illegible]	١٢٧٢

بنویسد

جهه ایمن شدن

اللهم انی اسئلک باسمک ۴۰۲

یا احد ۲۴ · یا واحد ۳۰ · یا شاهد ۳۲۱

یا حامد ۶۴ · یا ماجد ۵۹ · یا راشد ۵۱۶

یا باعث ۵۸۴ · یا وارث ۷۱۸ · یا ضار ۱۱۱۲

یا نافع ۲۱۲

۴۰۴۲

۳۹۹۰

بنویسد بر یک سطر طولانی و در آخر ش
بنویسد یا حی حین لا حی فی دیمومیة ملکه
وبقائه صم بکم عمی فهم لا ینطقون بعد
از آن کاغذ را بپیچد در موم گرفته در
زیر زبان نگاه دارد با هر که خواهد سخن
گوید زبان آنکس بسته گردد که نتواند
سخن گفتن از جمله مجربات حضرت است
بنویسد در موم کار نفرموده گرفته
با خود دارد زبان جمیع خلایق بروی بسته
گردد اما باید که پاک باشد در حال
جنابت از خود دور کند دعای مذکور
اینست بسم الله الرحمن الرحیم هذا براءة من
الله العزیز الحکیم لفلان بن فلان من
شر السن جمیع الناس وافوا ههم
عامة ومن شر لسان فلان خاصة کیلا

وسط ۴۰۱ · صغیر ۵

٩٩٧ ١٠١٠	١٠٠١ ١٠١٣	~~١٠٠٤~~ ١٠١٦	~~٩٩٠~~ ١٠٠٣
~~٣[illegible]~~ ١٠١٥	٩٩١ ١٠٠٤	٩٩٦ ١٠٠٩	١٠٠٢ ١٠١٤
٩٩٢ ١٠٠٥	١٠٠٦ ١٠١٨	٩٩٩ ١٠١١	٩٩٥ ١٠٠٨
١٠٠٠ ١٠١٢	٩٩٤ ١٠٠٧	٩٩٣ ١٠٠٦	١٠٠٥ ١٠١٧

تصحیح شد

بند ۳۳

ترسیدن از سایه خود

يا اعظم من كل عظيم ۱۹۸۱ — يا اكرم من كل كريم ۶۸۲ — يا ارحم من كل رحيم ۶۵۷

يا اعلم من كل عليم ۳۶۲

يا احكم من كل حكيم ۲۹۸

يا اقدم من كل قديم ۴۴۶

يا اكبر من كل كبير ۶۰۵

يا الطف من كل لطيف ۳۹۹

يا اجل من كل جليل ۲۵۵

يا اعز من كل عزيز ۲۲۳

۵۰۱۱

بذكره هو الابخير في كل وقت وجعلنا من
بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون حسبي الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم
النصير لصهمعلسكسكمسللعى
بجهة عقد اللسان وافزودن محبت بنویسد
ودر مقام انکس دفن کند واگر در انجا مقدور
نشود در مقام خود دفن کرده سنگ
کوالی بر سر آن بگذارد واین حقیر مکرر بجهة
عقد اللسان تجربه نموده خلاف نداده
بسم الله الرحمن الرحيم وقفوهم انهم مسئولون
ما لكم لا تناصرون بل هم اليوم مستسلمون
اليوم نختم على افواههم قال رب اجعل لي
آية قال آيتك الا تكلم الناس يوم
يوم يقوم الروح والملائكة صفا لا
يتكلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا.

۱۲۴۵	۱۲۵۹	۱۲۵۵	۱۲۵۲
۱۲۵۶	۱۲۵۱	۱۲۴۶	۱۲۵۸
۱۲۵۰	۱۲۵۳	۱۲۶۱	۱۲۴۷
۱۲۶۰	۱۲۴۸	۱۲۴۹	۱۲۵۴

وسط ۵۲ — صغير ۸

ضم بم

بند ۳۴

جهة شفاء دردها

يا كريم الصفح ۴۶۰ — يا عظيم المن ۱۰۵۲

يا كثير الخير ۱۵۸۲ — يا قديم الفضل ۱۲۰۶

يا دائم اللطف ۲۰۷ — يا لطيف الصنع ۳۷۱

يا منفس الكرب ۴۶۳ — يا كاشف الضر ۱۲۴۳

يا مالك الملك ۲۲۳ — يا قاضي الحق ۱۱۶۱

۸۰۲۹

صم بكم عمي فهم لا يرجعون ولا يعقلون
ولا يسمعون ولا يبصرون ولا يتكلمون
اخسئوا فيها ولا تكلمون كهيعص طه
طسم الم يس ص حمعسق ق ن وقد
عقدت لسان فلان بن فلان على فلان
بن فلان سبع سنين وسبعة اشهر
وسبع ليال وسبع ساعات وسبع
لحظات اللهم اعقد لسانه عليه
كيلا يذكره الا بخير وصواب وعافية
وسدادا اللهم باشمخيثا باشوخوثوا
باشعوثوا باموشيط باملكوثا يا
طفعاث باهيا شراهيا اذونى
اصباوث ال شداى فتماح شمعون
وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

۱۹۹۹	۲۰۱۳	۲۰۱۰	۲۰۰۷
۲۰۱۱	۲۰۰۶	۲۰۰۰	۲۰۱۲
۲۰۰۵	۲۰۰۸	۲۰۱۵	۲۰۰۱
۲۰۱۴	۲۰۰۲	۲۰۰۴	۲۰۰۹

وسط ۹۱ — صغير ۱۰

بند ۳۵
دفع دیو و پری

یامن هو فی عهده وفی ۳۸۷ یامن هو فی وفائه قوی ۴۱۱ یامن هو فی قوته علی ۸۲۳

یامن هو فی علوه قریب ۵۲۵
یامن هو فی قربه لطیف ۵۴۹
یامن هو فی لطفه شریف ۹۱۶
یامن هو فی شرفه عزیز ۸۸۱
یامن هو فی عزه عظیم ۱۲۰۴
یامن هو فی عظمته مجید ۱۵۷۴
یامن هو فی مجده حمید ۳۱۶

اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم وعلی
سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة قال
اخسئوا فیها ولا تکلمون اخذ لسانه
وقلبه وسمعه وبصره وجمیع جوارحه کیلا
یذکره الا بخیر وصواب وعافیة وسداد
اللهم اقفل واعقد لسانه علیه یذکره
الا بخیر وصواب وحبه فی قلبه بین
ساعة کیلا یسفر دون لحظة ولا
لحظة الا الی الله نصیر الامور

۷۵۸۵

بجهة عقد اللسان ومحبت صبح
بخصوص روز چهارشنبه هنگام طلوع
آفتاب بنویسد و با خود دارد بسیار
مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم یا ودود
یا ودود یا ودود یا فعالاً لما یرید یا ذ

۱۸۹۶	۱۸۹۹	۱۹۰۲	۱۸۸۸
۱۹۰۱	۱۸۸۹	۱۸۹۵	۱۹۰۰
۱۸۹۰	۱۹۰۴	۱۸۹۷	۱۸۹۴
۱۸۹۸	۱۸۹۳	۱۸۹۱	۱۹۰۳

وسط ۷۶۳ صغیر ۱۶

بند ۳۶
ایذاء دشمن

اللهم انی اسئلک باسمک ۴۰۳

یا کافی ۱۲۲ یا شافی ۴۰۲ یا وافی ۱۰۸
یا معافی ۷۱۲ یا هادی ۳۱
یا داعی ۹۶ یا قاضی ۱۰۲۲
یا راضی ۱۱۲۲ یا عالی ۱۲۲
یا باقی ۱۳۲

۳۷۷۱

یا ذا العرش المجید بنور وجهک الکریم واسمک
العظیم الاعظم ﻟﻠﻠﻠﻠ ﻟﻠﻠﻠ ﻟﻠﻠﻠ ﻟﻠﻠﻠﻪ
علسا سه اهیا شراهیا اذونی اصباوث
ایل شدای بحق توریة وانجیل وزبور
وفرقان وصحف انبیاء وملائکة کلهم
اجمعین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم هذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن
لهم فیعتذرون باب ششم در تسخیر قلوب
والفت میان طالب ومطلوب اگر کسی این
آیه را بر پوست آهو نویسد در روز پنجشنبه
یا دوشنبه و با خود دارد محبوب القلوب
خلایق گردد و اگر این آیه را در شرف شمس
وساعت آن نوشته در بازوی راست
خود بندد همین خاصیت دهد آیه این است
واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا

۹۴۲	۹۴۵	۹۴۹	۹۳۵
۹۴۸	۹۳۶	۹۴۱	۹۴۶
۹۳۷	۹۵۱	۹۴۳	۹۴۰
۹۴۴	۹۳۹	۹۳۸	۹۵۰

وسط ۴۵ صغیر ۹

دفع باد سرخ

یامن کل شیء خاضع له ۲۰۶۸ — یامن کل شیء خاشع له ۱۴۶۸ — یامن کل شیء کائن له ۵۶۹

یامن کل شیء موجود به ۴۸۸
یامن کل شیء منیب الیه ۶۱۰
یامن کل شیء خائف منه ۱۲۳۹
یامن کل شیء قائم به ۶۱۱
یامن کل شیء صائر الیه ۸۰۰
یامن کل شیء یسبح بحمده ۶۰۰
یامن کل شیء هالک الا وجهه ۵۶۹
۹۰۲۲

واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف
بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا وکنتم علی شفا
حفرة من النار فانقذکم منها کذلک یبین الله
لکم آیاته لعلکم تهتدون ولتکن منکم امة یدعون
الی الخیر ویامرون بالمعروف وینهون عن
المنکر واولئک هم المفلحون **ایضا** بجهت
تسخیر قلوب وعزیز بودن نزد خلایق بنویسد
این آیه را در روز جمعه بعد از نماز بر صفحه
از نقره نقش کند هنگامی که قمر در ساعت
طالع بود و مسعود باشد از زهره
هر که این صفحه را با خود دارد محبوب
تمام ذکور و اناث گردد عسی الله ان یجعل
بینکم وبین الذین عادیتم منهم مودة والله
قدیر والله غفور رحیم **ایضا** هر که این آیه را
بمشک و زعفران و گلاب بر نویسد

وسط ۹۴ — صغیر ۱۳

۲۲۵۵	۲۲ ۵۱	۲۲۶۱	۲۲۴۸
۲۲۴۶	۲۲۴۹	۲۲۲۹ ۵۴	۲۲ ۵۹
۲۲ ۵۰	۲۲ ۵۳	۲۲۳ ۵۶	۲۲ ۵۳
۲۲ ۵۷	۲۲۵۲	۲۲۵۱	۲۲۶۲

در شدید

دفع طپیدن دل

یامن لا مفر الا الیه ۵۳۰
یامن لا مفزع الا الیه ۴۴۷
یامن لا مقصد الا الیه ۴۴۴
یامن لا منجی منه الا الیه ۱۴۰۸
یامن لا یرغب الا الیه ۱۴۲۲
یامن لا حول ولا قوة الا به ۳۶۳
یامن لا یستعان الا به ۷۶۲
یامن لا یتوکل الا علیه ۶۷۶
یامن لا یرجی الا هو ۳۹۸
یامن لا یعبد الا ایاه ۲۶۷

۵۷۱۷

۵۱۰۸

در شدید بر مشتری و آزاد در پیراهن خود
پنهان کند در زیر هر جا که هر کس
او را ببیند دوست دارد و از وی مهابتی
در قلوب خلایق بهم رسد آیات مذکوره اینست
یریدون ان یطفؤا نور الله بافواههم
والله متم نوره ولو کره الکافرون هو الذی
ارسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره
علی الدین کله ولو کره الکافرون یا ایها
الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم
من عذاب الیم تؤمنون بالله ورسوله وتجاهدون
فی سبیل الله باموالکم وانفسکم ذلکم خیر
لکم ان کنتم تعلمون یغفر لکم ذنوبکم و
یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار
ومساکن طیبة فی جنات عدن ذلک
الفوز العظیم واخری تحبونها نصر
من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین

۱۴۲۹	۱۴۳۴ ۱۴۳۲	۱۴۳۵	۱۴۳۹ ۱۴۲۱
۱۴۳۶	۱۳۳۰ ۱۴۲۲	۱۴۲۸	۱۴۳۳
۱۴۲۳	۱۴۳۷	۱۴۳۰	۱۴۲۷
۱۴۰۹ ۳۱	۱۳۰۳ ۱۴۲۶	۱۴۲۴	۱۴۳۶

صغیر ۱۳۱۰ — وسط ۱۲۸

دفع امراض

یاخیر المرهوبین ١١٦٥ — یاخیر المرغوبین ٢١٦٠ — یاخیر المطلوبین ٩٩٩ — یاخیر المسئولین ١٠٣٤٩

یاخیر المقصودین ١٩٥٢

یاخیر المذکورین ١٨٧٨

یاخیر المشکورین ١٤٧٨

یاخیر المحبوبین ٩٧٠

یاخیر المدعوین ١٤٣٢

یاخیر المستانسین ١١٤٢٣

١٤٠٠٦

وسط ١٤٦ — صغیر ٢١

ایضاً هرکه این آیه را در شرف زهره بر صفحه
از طلا نقش کند و او را بعد حسن لبان
بخور نموده با خود دارد عزیز شناه او حاصل
گردد زین للناس حب الشهوات من النساء
والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب و
الفضة والخیل المسومة والانعام والحرث
ذلک متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب
ایضاً چون خواهد کسی را مطیع خود کرداند
بنویسد این آیه را بمشک و زعفران و گلاب
در ساعت اول روز جمعه و شب در زیر
سر گذارد و روز در بازوی راست بندد
مطلوب را طالب خود مشاهده کند آیه این است
ومن الناس من یتخذ من دون الله انداداً
یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حباً لله
ولو یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب
ان القوة لله جمیعاً وان الله شدید العقاب

٣٥٠١	٣٥٠٤	٣٥٠٧	٣٤٩٤
٣٥٠٦	٣٤٩٥	٣٥٠٠	٣٥٠٥
٣٤٩٦	٣٥٠٩	٣٥٠٢	٣٤٩٩
٣٥٠٣	٣٤٩٨	٣٤٩٧	٣٥٠٨

فسیکفیکهم الله

دفع درد چشم

اللهم انی اسئلک باسمک

٣١٤ — ٤٠٣ — ٣٧٣ یا قادر

یا غافر ١٢٩٣ — یا ساتر ٦٧٢ — یا قاهر ٣١٧

یا فاطر ٣٠١ — یا کاسر ٢٩٢ — یا جابر ٢١٧

یا ذاکر ٩٣٢ — یا ناظر ١٠٦٢ — یا ناصر ٢٩٦٢

فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم
ایاک نعبد وایاک نستعین اللهم الف
بین قلوب فلان بن فلان و فلان بنت
فلان کما الفت بین یوسف و زلیخا وقالت
امرأة العزیز تراود فتیها عن نفسه انه ربی
احسن مثوای انه لا یفلح الظالمون
قد شغفها حباً انا لنریها فی ضلال مبین

٨٧٦٥

ایضاً آیة الکرسی را بر نمک خوانند و بآب
حل کنند و بخورد مطلوب دهد چنان شود
که اگر یک ساعت او را نبیند دیوانه
شود اما در هنگام قرائت آیة الکرسی
بخور در آتش اندازد که زود تأثیر او بظهور
رسد ایضاً اگر خواهی کسی را از دوستی
خود بی قرار گردانی بیا و دمشت خاک

وسط ٨٨١ — صغیر ٨٩

٢١٩١	٢١٩٤	٢١٩٧	٣١٨٣
٢١٩٦	٢١٨٤	٣١٩٠	٢١٩٥
٢١٨٥	٢١٩٩	٢١٩٢	٢١٨٩
٢١٩٣	٢١٨٨	٢١٨٦	٢١٩٨

امراض طبیبان

یامن خلق فسوی ۹۸۷ یامن قدر فهدی ۵۰۴ یامن یکشف البلوی ۵۹۰

یامن یسمع النجوی ۲۱۹

یامن یُنقذ الغَرقی ۲۳۰۳

یامن ینجی الهلکی ۲۴۰

یامن یشفی المرضی ۱۶۸۲

یامن اضحک وابکی ۱۰۶۹

یامن امات واحیی ۵۷۸

یامن خلق الزوجین الذکر والانثی ۲۴۸۷

۱۶۴۸

از زیر قدم انکس وهفت مرتبه آیة الکرسی
وهفت مرتبه انا اعطیناک الکوثر را بخواند
وبدمد وآن خاک را کل کرده صورتی بسازد
وشکم صورت را از فلفل ورنیه پر سازد
ودر نزد آتش دفن کند مطلوب بحوی
بیقرار کردد که لحظهٔ آرام نکیرد اکر
خواهد کسی را از دوستی خود بیقرار کردانی
بیاور دقدری شیرینی وهفتاد مرتبه این آیه را
بران بخواند وبخورد مطلوب دهد مطلوب
بیقرار کردد واکر خواهد که دوستی را زیاده
کرداند بعد نام مطلوب بر شیرینی بخواند
وهمان شیرینی بالتمام بخورد مطلوب دهد
دوستی او بیفزاید هر روز زیاده شود
مجدهٔ که حیران بماند آیه مذکور اینست
وَالقیتُ علیکَ مَحبّةً منّی ولتصنع علی عینی

٢١٦١	٢١٦٥	٢١٦٨	٢١٥٤
٢١٦٧	٢١٥٥	٢١٦٠	٢١٦٦
٢١٥٦	٢١٧٠	٢١٦٣	٢١٥٩
٢١٦٤	٢١٥٨	٢١٥٧	٢١٦٩

اذنمش

دفع درد بازو

یامن فی البحر سبیله (البرّ) ۶۸۸

یامن فی الافاق ایاته ۸۲۱

یامن فی الایات برهانه ۸۹۷

یامن فی الممات قدرته ۱۴۱۲

یامن فی القبور عبرته ۱۲۰۷

یامن فی القیمة ملکه ۴۷۲

یامن فی الحساب هیبته ۵۱۵

یامن فی المیزان قضائه ۱۳۳۷

یامن فی الجنة ثوابه ۶۹۴

یامن فی النار عقابه ۶۵۱

۱۶۹۴ ۸۷۳ مو ۹۰ و

اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم علی من
یکفله فرجعناک الی امک کی تقر عینها ولا
تحزن وقتلت نفسا فنجیناک من الغم
وفتناک فتونا یحبونهم کحب الله والذین آمنوا
اشد حبا لله ایضا ودعمل محببه مجرب است
روز جمعه هنکامی که موذن اذان ظهر
میکوید بنویسد با زعفران وکلاب ولبان
وقرنفل سائیده داخل کلاب وزعفران
نماید وبعد از اتمام آن در زیر سر خود نهاده
بخوابد چون صبح شود برخیزد و بر داشته
در بازوی راست خود ببندد مطلوب
دوست ومهربان شود طسوم طیسوم
سیسوم سیسوم غلوم غلوم کلوم کلوم
حیوم حیوم قیوم قیوم دیوم سبحان من
بذکره تطمئن القلوب المومن یا قلب فلان

٢١٧٣	٢١٧٦	٢١٧٩	٢١٦٦
٢١٧٨	٢١٦٧	٢١٧٢	٢١٧٧
٢١٦٨	٢١٨١	٢١٧٤	٢١٧١
٢١٧٥	٢١٧٠	٢١٦٩	٢١٨٠

جهة درد کتف

اللهم انی اسئلك باسمك
۴۰۲

یا حبیب یا طبیب یا قریب
۳۳ ۳۴ ۳۲۳

یا رقیب یا حسیب یا منیب
۳۲۳ ۹۱ ۱۱۳

یا مثیب یا مجیب یا خبیر
۵۶۳ ۶۶ ۸۲۳

یا بصیر
۳۱۳

۲۰۸۴

ص ۳۱ ر ۲۹۲

باب هفتم در داشتن خرمن و افزونی مال

و دفع فقر و بی نوائی از حضرت امام محمد تقی ع
منقول است که برای دفع پریشانی و فقر
هر روز صد مرتبه سوره مبارکه انا انزلناه را
بخوانید ایضاً از حضرت امام موسی کاظم ع
مرویست که بجهة دفع پریشانی و فقر
هر روز بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید
سُبحان الله العَظیم وَبِحَمدِه استَغفِرُ الله
وَاَسئَلُهُ مِن فَضلِه ایضاً در کتاب کافی
روایت شده که ابو القمقام نام شخصی
بخدمت حضرت امام محمد تقی ع شکایت
کرد از فقر و بی نوائی و قرض خود یعنی
از پریشانی و فقر و محرومی خود بجائی
که گفت بعضی هیچ حاجتی بمن روم مگر آنکه
بر من آید وفا امید بر میکی دم حضرت فرمود

۷۲۰	۷۲۴	۷۲۷	۷۱۳
۷۲۶	۷۱۴	۷۱۹	۷۲۵
۷۱۵	۷۲۹	۷۲۲	۷۱۸
۷۲۳	۷۱۷	۷۱۶	۷۲۸

ایمن شدن

یا من الیه یهرب الخائفون
۱۱۳۳

یا من الیه یفزع المذنبون
۱۱۴۳

یا من الیه یقصد المنیبون
۵۴۰

یا من الیه یرغب الزاهدون
۱۴۷۳

یا من الیه یلجاء المتحیرون
۹۳۷

یا من الله به یستانس المریدون
۱۰۳۰

یا من به یفتخر المحبون
۱۵۲۵

یا من فی عفوه یطمع الخاطئون
۱۱۷۹

یا من الیه یسکن الموقنون
۴۴۴

یا من علیه یتوکل المتوکلون
۱۲۶۵

۱۰۶۵۹

وسط ۱۷۴ صغیر ۲۱

علی المحبة فلان بن فلان اللهم اصلح بین
فلان بن فلان کما اصلحت بین محمد و اصحابه
اللهم یا من ادخل محبة یوسف علی قلب زلیخا
یا من ادخل محبة موسی فی قلب آسیه بنت
مزاحم یا من ادخل محبة محمد ص فی قلب خدیجه
بنت خویلد و عائشه بنت مزاحم یا من ادخل
محبة محمد فی قلب خدیجه بنت خویلد و عائشه
بنت ابی بکر ادخل محبة فلان بن فلان
فی قلب فلان بن فلان کما ادخلت اللیل
فی النهار و النهار فی اللیل و الذکر فی الانثی
و الانثی فی الذکر لو انفقت ما فی الارض جمیعا
ما الفت بین قلوبهم و لکن الله الف بینهم
انه عزیز حکیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم و اگر در ساعت نیك بنویسید که قمر را
با زهره یا مشتری نظر دوستی بوده باشد
بجهة دوستی و محبت خلایق بی نظیر است

۲۶۶۴	۲۶۶۷	۲۶۷۱	۲۶۵۷
۲۶۷۰	۲۶۵۸	۲۶۶۳	۲۶۶۸
۲۶۵۹	۲۶۷۳	۲۶۶۵	۲۶۶۲
۲۶۶۶	۲۶۶۱	۲۶۶۰	۲۶۷۲

مثل ۴۵

بجهة گذشتن از دریا.

یا من اقرب من کل قریب
۷۵۶

یا من احب من کل حبیب
۲۷۴

یا من ابصر من کل بصیر
۱۳۵

یا اخبر من کل خبیر
۱۷۶۶

یا اشرف من کل شریف
۱۳۳۲

یا ارفع من کل رفیع
۱۶۲

یا اقوی من کل قوی
۳۱۴

یا اغنی من کل غنی
۲۲۷۲

یا اجود من کل جواد
۱۷۹

یا ارءف من کل رؤف
۷۲۰

۹۳۱۰

وسیط ۱۰۱ — صغیر ۲

که بعد از فریضهٔ صبح ده مرتبه بخوان این دعا را
سُبحانَ اللهِ العظیمِ وَبِحَمدِهِ أستغفِرُ اللهَ
وَأسئَلُهُ مِن فَضلِهِ راوی گفت که با این
مواظبت نمودم اندکی گذشت که صاحب
ثروت و مکنت گشتم ایضاً هر که بعد از نماز
صبح هفت مرتبه بگوید فَسَیَکفِیکَهُمُ اللهُ
وَهُوَ السَّمیعُ العَلیمُ در آن روز امورات او
کفایت شود ایضاً در حدیث صحیح از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که را
فقر و پریشانی و قرض بسیار باشد بسیار
بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت و در آن
شفای هفتاد درد است که کمتر از آنها
غم و اندوه است ایضاً از حضرت علی بن الحسین
در مصباح نقل کرده که هر که در وقت خواب

۲۳۴۴	۲۳۴۸	۲۳۵۱	۲۳۳۷
۲۳۵۰	۲۳۳۸	۲۳۴۳	۲۳۴۹
۲۳۳۹	۲۳۵۳	۲۳۴۶	۲۳۴۲
۲۳۴۷	۲۳۴۱	۲۳۴۰	۲۳۵۲

استدعا را

مثل ۴۶

دفع درد شانه

یا غالباً غیر مغلوب
۲۳۳۳

یا صانعاً غیر مصنوع
۱۶۸۲

یا خالقاً غیر مخلوق
۲۷۱۷

یا مالکاً غیر مملوک
۱۴۴۹

یا قاهراً غیر مقهور
۱۶۷۹

یا رافعاً غیر مرفوع
۱۷۶۹

یا حافظاً غیر محفوظ
۳۰۳۵

یا ناصراً غیر منصور
۱۹۴۹

یا شاهداً غیر غائب
۲۵۳۶

یا قریباً غیر بعید
۱۶۲۰

۲۰۷۷۹

وسیط ۲۸۶ — صغیر ۲۲۴

این دعا را بخوانند فقر و پریشانی از او دور
شود و از قرض خلاصی یابد دعا اینست
اللّهُمَّ أنتَ الأوَّلُ فَلا شَیءَ قَبلَکَ وَأنتَ
الظّاهِرُ فَلا شَیءَ فَوقَکَ وَأنتَ الباطِنُ
فَلا شَیءَ دُونَکَ وَأنتَ الآخِرُ فَلا شَیءَ
بَعدَکَ اللّهُمَّ رَبَّ السَّمٰواتِ السَّبعِ
وَرَبَّ الأرَضینَ السَّبعِ وَرَبَّ التَّورٰیةِ
وَالإنجیلِ وَالزَّبورِ وَالفُرقانِ الحَکیمِ أعوذُ
بِکَ مِن شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها
إنَّ رَبّی عَلیٰ صِراطٍ مُستَقیمٍ ایضاً از حضرت
صادق ع مرویست که حضرت پیغمبر ص فرمود
بمعاذ جبل که هرگاه خواهی که دعای تو
مستجاب شود و دین تو ادا گردد بگو بخوان
این آیه قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب
و بعد از آن بگو یا رحمن الدنیا و الاخرة و رحیمهما

۵۱۹۴	۵۱۹۷	۵۲۰۱	۵۱۸۷
۵۲۰۰	۵۱۸۸	۵۱۹۳	۵۱۹۸
۵۱۸۹	۵۲۰۳	۵۱۹۵	۵۱۹۲
۵۱۹۶	۵۱۹۱	۵۱۹۰	۵۲۰۲

دفع درد زنخ

یا نور النور ۵۵۴ — یا منور النور ۵۹۴ — یا خالق النور ۱۰۲۹ — یا مدبر النور ۳۵۴ — یا مقدر النور ۶۴۲

یا نور کل نور ۵۷۳ — یا نوراً قبل کل نور ۷۰۶

یا نوراً بعد کل نور ۶۵۰ — یا نوراً فوق کل نور ۷۶۰

یا نوراً لیس کمثله نور ۱۲۱۹

۷۰۸۱

وسط ۷۹ — صغیر ۱۶

تعطی منهما و تمنع منهما من تشاء صل علی محمد
و آل محمد و اقض عنی دینی پس اگر بوده باشد
قرض تو برابر کوه قاف خدای تعالی ادا کند دین
ترا در کتاب مجتبی مرویست که مفضل
گفت که بر من واقع شد قرض بسیار چنانچه
عاجز شدم از ادای آن پس بحضرت صادق جعفر بن
محمد الصادق مرا باین دعا امر فرمود مداومت
مینمودم شبی در خواب دیدم که شخصی آمد
و اجساد و گفت مفضل ادای دین تو در فلان
موضع است آن موضع را بشکاف و مقدار
دین خود را بردار چون روز شد بدان
موضع رفتم و یافتم و برداشتم و آنچه قرض
داشتم ادا نمودم دعا اینست یا ذا الجلال
و الاکرام بحرمة وجهک الکریم اقض عنی دینی
از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست

۱۷۶۲	۱۷۷۶	۱۷۷۳	۱۷۷۰
۱۷۷۴	۱۷۶۹	۱۷۶۳	۱۷۷۵
۱۷۶۸	۱۷۷۱	۱۷۷۸	۱۷۶۴
۱۷۷۷	۱۷۶۵	۱۷۶۷	۱۷۷۲

درد قبضه

که هر که هر روز دوازده مرتبه این دعا را
بخواند از دست تنگی و مفلسی خلاص
خلاص شود و دعا اینست یا مسبب سبب
یا مسهل سهل یا مفرج فرج یا مفتح
فتح بحق محمد و آله اجمعین الطیبین
الطاهرین المعصومین برحمتک یا ارحم
الراحمین **باب هشتم در اعمال محبت و
احضار غایبان و گریخته و ظهور دزد و
گمشده** بدانکه بعضی اسرار هست که بهر کس
نباید داد و بهر کس نباید آموخت این بی
بضاعت هجده سال با استاد کاملی خدمت
کردم بعد از مدت مدید بعضی اعمال مجربه
باین ضعیف مرحمت فرمودند بشرطیکه
آنکه با احدی ندهم و نااهل اسرار را چه دادم
بکسی نداده ام و نگفته ام هرگاه امری را
که میخواهی سیم صورت بدهم بعد از مقدمات

یا من عطاؤه شریف ۷۷۳

یا من فعله لطیف ۴۱۵

یا من لطفه مقیم ۴۱۵

یا من احسانه قدیم ۳۸۰

یا من قوله حق ۳۵۰

یا من وعده صدق ۳۸۰

یا من عفوه فضل ۱۲۷۲

یا من عذابه عدل ۹۸۳

یا من ذکره حلو ۱۰۷۰

یا من فضله عمیم ۱۲۷۶

۷۲۳۴

وسیط ۹۷ — صغیر ۱۶

۱۸۰۱	۱۸۱۴	۱۸۱۱	۱۸۰۸
۱۸۱۲	۱۸۰۷	۱۸۰۲	۱۸۱۳
۱۸۰۶	۱۸۰۹	۱۸۱۶	۱۸۰۳
۱۸۱۵	۱۸۰۴	۱۸۰۵	۱۸۱۰

درد نیت

اللهم انی اسئلک باسمک
۴۰۲

یامستهل ۱۴۶ یامفضل ۱۰۶۱ یامبدل ۸۷

یامذلل ۷۱۱ یامنزل ۱۳۸ یامنول ۱۳۷

یامفضل ۱۰۶۱ یامجزل ۹۱ یاممهل ۱۲۶

یامجمل ۱۲۴

۳۰۸۴

وسیط ۵۲ صغیر ۷

چند یکی از قواعد اسنا در ابکار میبردم
در همان یوم یا یوم بعد از آن خلاصه آن
یوم تجاوز نمیکرد که آن امر صورت میگرفت
چون زمان رحلت نزدیک شده و این ضعیف
اولادی نداشتم که کما هو ابقا بخیر باد
و شاد غایب عزیزی را ملاقات اتفاق
افتاد فی الحقیقه چندی با آن عزیز معاشرت
اوقات لیل و نهار او را بجمیع صفات نیک
آراسته دیدم او را قابل و اهلیت در بعضی
جهات دانستم بدون خواهش آن عزیز
بعضی مجربات که در مدت پنجاه سال زحمات
بسیار کوشش بی شمار تحصیل آنها را نموده
بودم بآن عزیز سعادتمند سپردم که در
هر وقت از اوقات اموری رخ نماید
هر گاه وجوبی بهم رساند از هر بابی یک
نسخه از مجربات بکار برده آن امر را

۱۰۲۰	۱۰۲۴	۱۰۲۷	۱۰۱۳
۱۰۲۶	۱۰۱۴	۱۰۱۹	۱۰۲۵
۱۰۱۵	۱۰۲۹	۱۰۲۲	۱۰۱۸
۱۰۲۳	۱۰۱۷	۱۰۱۶	۱۰۲۸

بانجام

محمه درد پهلو

انجام داده این ضعیف را بفاتحه یاد
و شاد خواهد نمود امید وار بدرگاه
خلاق عالم آنکه آن عزیز را قریب نه دهند
و این نسخجات که الحق هر یک از آن اکسیر
اعظم است از او بر تمهیدات و تدبیرات
چند بکیرند و بدست نا اهلان بیفتند
چون که مجموعه مجربات است بعضی فسادها
بوقوع رسانند که این ضعیف در نزد خلاق
عالم مؤاخذ و معاقب بوده باشد چون
آن عزیز را با اهلیت بجای آوردم امید
وارم که باحدی نشان ندهد و اگر
صحبت اتفاق بیفتد در باب این رساله
عذری بیاورد که کتاب در فلان جاست
در اینجا حاضر نیست بسبب اینکه اشخاص
خام طمع بسیارند که هر چه بشنوند

یامن یری ولا یری
۵۷۸
یامن یخلق ولا یخلق
۸۴۲
یامن یهدی ولا یهدی
۱۹۶
یامن یحیی ولا یحیی
۲۱۴
یامن یسئل ولا یسئل
۳۴۰
یامن یطعم ولا یطعم
۳۹۶
یامن یجیر ولا یجار علیه
۶۹۹
یامن یقضی ولا یقضی علیه
۲۲۵۷
یامن یحکم ولا یحکم علیه
۴۰۹
یامن لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
۶۵۱

۶۵۸۲

وسیط ۱۲۰ صغیر ۳

۱۶۴۵	۱۶۴۸	۱۶۵۱	۱۶۳۸
۱۶۵۰	۱۶۳۹	۱۶۴۴	۱۶۴۹
۱۶۴۰	۱۶۵۳	۱۶۴۶	۱۶۴۳
۱۶۴۷	۱۶۴۲	۱۶۴۱	۱۶۵۲

یا نعم الحبیب ۲۲۳ — یا نعم الطبیب ۲۲۵ — یا نعم القریب ۵۲۴ — یا نعم الرقیب ۵۱۴ — یا نعم المجیب ۲۵۷

یا نعم الحسیب ۲۱۲ — یا نعم الکفیل ۳۴۲

یا نعم الوکیل ۲۶۱ — یا نعم المولی ۲۱۸

یا نعم النصیر ۵۵۲

۳۴۶۶

وسیط ۸۲ — صغیر ۱۰

١٨٦٦	١٨٦٩	١٨٧٢	١٨٥٩
١٨٧١	١٨٦٠	١٨٦٥	١٨٧٠
١٨٦١	١٨٧٤	١٨٦٧	١٨٦٤
١٨٦٨	١٨٦٣	١٨٦٢	١٨٧٣

که قابل تعریف باشد از خام طمعی و بی معرفتی
خواهش اخذ آنرا بنمایند که بدون
زحمت و رنج صاحب عمل شوند چنانکه شقدمین
گفته اند نابرده رنج گنج میسر نمیشود از بسکه
در اوقات لیل و نهار بخواندن و نوشتن
مشغول شدم قوه باصره ام تمام شد بنوعی
که بزحمت و مشقت بسیار نوشتجات را
مطالعه مینمایم خلاصه آنکه بر سر عمل **خاصه**
جلیله از استاد کامل اینست که این هجده
حرفست که استادان جفر آنرا حروف
متواخی خوانند بنوعی که مرقوم شده است
ب ت ث ج ح خ د ذ ذ ز س ش ص ض
ط ظ غ و اما خواص این حروف اینست که
با مشک و زعفران و شیر زنی که اول
بار بچه زائیده باشد بر کاغذ نویسد

و در کلاه

یا سرور العارفین ۹۱۹ — یا منی المحبین ۲۵۲ — یا انیس المریدین ۴۷۷ — یا حبیب التوابین ۵۳۳

یا رازق المقلین ۵۸۰ — یا رجاء المذنبین ۸۴۹

یا قرة عیون العابدین ۶۲۰ — یا منفسا عن المکروبین ۷۲۱

یا مفرجا عن المغمومین ۱۶۷۲

یا اله الاولین و الاخرین ۸۷۳

۷۵۴۶

وسیط ۷۶۰ — صغیر ۱۳

و در کلاه خود نگاه دارد هر که او را ببیند
دوست دارد و محبوب القلوب جمیع
خلایق گردد [بین السطور: مطلب] **ایضا** در بیان اسرار استاد کامل
بدانکه این حروف برج اسد و قوس است که
مرقوم شده اعمه طبیعتش و خواص عجیبه
دارد و استادان آنرا اسرار الصالحین
خوانده اند از خواص این حروف اینست
که چون خواهد که عریضه بنویسد به پادشاه
یا حکام یا غیره مطلوبی یا مهمی عظیمی بوده
باشد حروف مذکور را بقلم لب مراد در
عنوان عریضه بنویسد در هنگامی که قمر
در برج حمل باشد یا در قوس و نگاه دارد تا
هنگام حاجت بدان موضع عرضه داشت
بنویسد هر مطلب و مدعائی و مراد مخصوصی
که دارد بزودی حاصل گردد و کرا اتفاقا

١٨٨٦	١٨٨٩	١٨٩٢	١٨٧٩
١٨٩١	١٨٨٠	١٨٨٥	١٨٩٠
١٨٨١	١٨٩٤	١٨٨٧	١٨٨٤
١٨٨٨	١٨٨٣	١٨٨٢	١٨٩٣

بند ۵۳

دفع درد شکم

اللهم انی اسئلك باسمك
۴۰۲

یا ربنا ۲۶۴ — یا الهنا ۹۸ — یا سیدنا ۱۳۶

یا مولانا ۱۳۹ — یا ناصرنا ۴۰۳ — یا حافظنا ۹۵۱

یا دلیلنا ۱۳۶ — یا معیننا ۲۳۲ — یا حبینا ۸۲

یا طبیبنا ۸۵

۲۹۲۸

وسیط ۳۰۰ — صغیر ۲

بوی کفته‌اند و بکرات و مرات بتجربه رسیده

ایضاً از اعمال مجربه از قول استاد کامل هر که
خواهد که بعملی از اعمال مشغول کردد باید که
سه روز روزه بکیرد و حیوانی نخورد و سیر
و پیاز نخورد و سبزی و چیزهای که بوی
ناخوش دارد نخورد و غیبت نکند و
دروغ و فحش نکوید و در این ایام با طهارت
باشد و دایم الذکر باشد و باستغفار
و صلوات مشغول باشد تا آنکه دوستی
در میان عامل و روحانیان بهم رسد و
ملائکه و ارواح از وی متنفر نکردند و سعی
وی عبث و بی فایده نباشد اما قبل از آنکه
بعمل مشغول کردد ساعت سعدی را
اختیار کند و نام خود و نام آن کار که منظور
دارد از محبت و عداوة و غیره بنویسد
در یک سطر و یکر شیء تکسیر کند تا ممزوج

صح است

۷۳۱	۷۳۵	۷۳۸	۷۲۴
۷۳۷	۷۲۵	۷۳۰	۷۳۶
۷۲۶	۷۴۰	۷۳۳	۷۲۹
۷۳۴	۷۲۸	۷۲۷	۷۳۹

بند ۵۴ مقدشده

دفع درد پیچیده

یارب النبیین والابرار ۸۰۷ — یارب الصدیقین والاخیار ۱۳۵۷ — یارب الجنة والنار ۵۹۲

یارب الصغار والکبار ۱۷۹۳ — یارب الحبوب والثمار ۱۱۴۲

یارب الانهار والاشجار ۱۰۴۳

یارب الصحاری والقفار ۹۷۱

یارب البراری والبحار ۹۰۵

یارب اللیل والنهار ۵۰۷

یارب الاعلان والاسرار ۸۹۵

۵۰۱۱

۵۲ — ۷

۱۲۵۲	۱۲۵۵	۱۲۵۹	۱۲۴۵
۱۲۵۸	۱۲۴۶	۱۲۵۱	۱۲۵۶
۱۲۴۷	۱۲۶۱	۱۲۵۳	۱۲۵۰
۱۲۵۴	۱۲۴۹	۱۲۴۸	۱۲۶۰

در شهری یا محله آتش افتد این حروف را بر
پاره چوب بنویسد در همان لحظه نام ملائکه
حمل و اسد و قوس را بکوید و آن چوب را
در آتش اندازد فی الحال آتش خاموش
شود
در بیان عمل از اعمال استاد کامل
چون خواهی از اطراف شهرها یا از کاری
اطلاع بهم رسانی و میان تو و آن موضع
مسافت بعیده باشد اصل حروف میزان
و جوزا که ان قیص نطکض است بر یک
ریحان بنویسد و بر کف دست راست
خود نهد و بر جای بلند رود و روی خود را
بسوی آن طرف کند و اسماء ملائکه آن سه
برج را بخواند و از ایشان طلب کند هر خبری
و هر امری و هر کاری که در آن متحیر باشد
که بوی رسانند و او را مطلع و آگاه سازند
و بسیار بوده که آن مطلب را در خواب

دید

بند ٥٥

آمرزش گناهان

یامن نفذ فی کل شیء امره
١٤٢٨

یامن لحق بکل شیء علمه
٧٤٧

یامن بلغت الی کل شیء قدرته
٢٦٤٤

شود ... نظر کند که اعداد آن حروف چند است
بر پشت آن کاغذ که سطور بران جا نوشته
بود یعنی ثبت کند و مثل تعویذ با خود دارد
آنگاه به تکسیر اسم طالب و مطلوب مشغول
گردد که مناسبت وفق سعادت و انجاح
و بر آمدن حاجت را سعد است و کاملان
این فن بدین عمل اعتقاد تمام کرده اند و چون
از تکسیر فارغ شود نظر کند بجمیع حروف
که از تکسیر حاصل شده است اگر در وی حروف
حاره ضعیفه غالب باشد کار بمراد گردد
و زود مقصود حاصل شود و اگر حروف
حاره مفرده مرکبه غالب باشد کار بر عکس
آن باشد و اگر حروف یابسه غالب باشد
برنج و زحمت بر آید و اگر حروف رطبه غالب
باشد آن مهم بگشادگی و طیب خاطر
بر آید و اگر همه حروف یابسه و حروف بادیه
و شرط .. صحبر
٩٦ .. ١٥
غالب باشد

یامن لا یحصی العباد نعمه
٦٢٣

یامن لا تبلغ الخلائق شکره
٢٦٥٢

یامن لا یدرک الافهام جلاله
٥٩٣

یامن لا تنال الاوهام کنهه
٧٧٧

یامن العظمة والکبریاء ردائه
١٦١٩

یامن لا یرد العباد قضائه
١٤٦١

یامن لا ملک الا ملکه
٣٤٩

یامن لا عطاء الا عطائه
٣٣١

١٠٨٢٤

٢٧٠٥	٢٧٠٩	٢٧١٢	٢٦٩٨
٢٧١١	٢٦٩٩	٢٧٠٤	٢٧١٠
٢٧٠٠	٢٧١٤	٢٧٠٧	٢٧٠٣
٢٧٠٨	٢٧٠٢	٢٧٠١	٢٧١٣

بند ٥٦

نزد ملوک رفتن

یامن له المثل الاعلی
٨٨٩

یامن له الصفات العلیا
٨٨٠

غالب باشد و بسیار جمع آمده باشد طمع از بر آمدن
آن کار بباید برید اما تاثیر کلی در مشیت
حق سبحانه و تعالی است و استادان گفته اند
که عامل باید رعایت وقت عمل بکند یعنی نظر
کند بر قمر که در برج ناری یا هوائی باشد
مشغول عمل گردد و اگر در حروف از جهة
حرارت و رطوبت تقصیری باشد آن را به
بروج توفیری تمام کرده شود و الا انکه
تعب عبث کشیده باشد و بذات واجب الوجود
جل جلاله که در بودن این عمل هیچ مخلی
و ظنی در دین اعمال نرفته جز از سر محبت و اسئه
کفتند ... و الا رعایت شرایط باید و نیت
جزم و یقین درست در عمل و خاطر جمع تا چون
عمل مشغول گردد موثر باشد و این عمل از
اسرار جفر میباشد و بغایت مجرب است

یامن له الاخرة والاولی
١٠٥٧

یامن له الجنة المأوی
٤١٣

یامن له الآیات الکبری
٨٤٢

یامن له الاسماء الحسنی
٤٢٩

یامن له الحکم والقضاء
١٢٧٤

یامن له الهواء والفضاء
١١٩٩

یامن له العرش والثری
١٤٨٤

یامن له السموات العلی
٨١٥

٩٢٨٢

٢٣٢٠	٢٣٢٣	٢٣٢٦	٢٣١٣
٢٣٢٥	٢٣١٤	٢٣١٩	٢٣٢٤
٢٣١٥	٢٣٢٨	٢٣٢١	٢٣١٨
٢٣٢٢	٢٣١٧	٢٣١٦	٢٣٢٧

جهة درد گوش و امرزش گناهان

اللهم انی اسئلك باسمك ۱۴۰۲ یا عفو ۱۶۱

یا غفور ۱۲۹۷ یا صبور ۳۰۹ یا شکور ۵۳۶

یا رئوف ۲۹۸ یا عطوف ۱۷۶ یا مسئول ۱۴۸

یا ودود ۳۱ یا سبوح ۸۷ یا قدوس ۱۸۱

۳۶۱۳

وسیط ۴۰ صغیر ۴

در بیان خواص سوره مبارکه انا فتحنا
اول بنیت نصرت براعدا چهل و یك مرتبه بخواند
و بعد از آن صلوات بفرستند دیگر بجهة
نصرت یافتن براعدا شش مرتبه بخواند
دیگر بجهة گشایش کار هفتاد و یك مرتبه
بخواند دیگر بجهة گشادن بخت چهل روز
هر روز یك مرتبه بخواند دیگر بجهة حصول
جمعیت و زوال پریشانی ده روز هر روزی
سه مرتبه بخواند دیگر بجهة برآمدن حاجت
مدت چهل روز هر روز یك مرتبه بخواند و
بعد از آن کسوره مذکور را تمام کند سوره
انا اعطیناك الكوثر را بخواند دیگر بجهة
برآمدن مهمات در بامداد دو رکعت
نماز بگذارد در هر رکعت بعد از حمد سوره
انا فتحنا بخواند و چون از نماز فارغ شود

۹۰۳	۹۰۶	۹۰۹	۸۹۵
۹۰۸	۸۹۶	۹۰۲	۹۰۷
۸۹۷	۹۱۱	۹۰۴	۹۰۱
۹۰۵	۹۰۰	۸۹۸	۹۱۰

بسجده

از جهة درد شکم و زبان بند دشمنان

یامن فی السماء عظمته ۱۶۳۹

بعد دفعه صد مرتبه بگوید یا فتاح یا صمد
اکفِ مهمّنا فی دیگر بجهة خلاص شدن
از قرض چهل روز هر روز بعد از نماز
ظهر دو مرتبه بخواند و از عقب آن سوره
صد مرتبه صلوات بفرستند بجهة
ادا شدن قرض در یك مجلس سوره
مذکور را چهل مرتبه بخواند و بعد از آن
چهل مرتبه بگوید یا رحمن الدنیا و رحیم
الآخرة اقض عنی الدین البتة آن
قرض ادا شود دیگر بجهة گشادن
کار و فتوحات کلی در جمیع امور روز
اول یك مرتبه روز دوم دو مرتبه روز سیم
سه مرتبه و همچنین تا روز چهلم چهل مرتبه
بخواند و هر روز بعد از خواندن این دعا را
بخواند اللهم افتح لی ابواب السعادة

یامن فی الارض آیاته ۱۷۳۹
یامن فی کل شیء دلائله ۳۲۳
یامن فی البحار عجائبه ۵۱۵
یامن فی الجبال خزائنه ۹۲۳
یامن یبدؤ الخلق ثم یعیده ۱۵۲۴
یامن الیه یرجع الامر کله ۷۵۷
یامن اظهر فی کل شیء لطفه ۱۴۸۲
یامن احسن کل شیء خلقه ۱۳۱۶
یامن تصرف فی الخلائق قدرته ۲۲۳۳

۱۲۴۵۰

۳۱۱۲	۳۱۱۵	۳۱۱۸	۳۱۰۵
۳۱۱۷	۳۱۰۶	۳۱۱۱	۳۱۱۶
۳۱۰۷	۳۱۲۰	۳۱۱۳	۳۱۱۰
۳۱۱۴	۳۱۰۹	۳۱۰۸	۳۱۱۹

ر ۳۹ ص ۱۲

درد کوش و پشت سر

یا طبیب من لا طبیب له ٢١٣ یا مجیب من لا مجیب له ٢٧٧

یا حبیب من لا حبیب له ٢١١

یا شفیق من لا شفیق له ١١٤٧

یا رفیق من لا رفیق له ٥٤٧

یا مغیث من لا مغیث له ٣٢٦٧

یا دلیل من لا دلیل له ٣٣٥

یا انیس من لا انیس له ٤٠٩

یا راحم من لا راحم له ٦٦٥

یا صاحب من لا صاحب له ٣٦٩

٨١٤٤

دیکر مجهة کشایش کارها ده روز هر روز
دوازده مرتبه بخواند و بعد ازان ده مرتبه
صلوات بفرستد و بعد ازان بکوید یا میسر
کل عسیر یسر لی امری دیکر مجهة عزت و دولت
هر بامداد یک مرتبه بخواند و هر شب یک مرتبه
بخواند دیکر مجهة سفر رفتن هنکام بیرون
رفتن از شهر یکمرتبه بخواند و پای از دروازه
شهر بیرون نهد دران سفر نفع بسیار
یابد دیکر اکر بخت دختری بسته باشد
با زنی هر یک که بوده باشد ظرفی را پر از آب
کند و چهل مرتبه بران آب خواند بعد
ازان آن آبرا بر سر خود ریزد بخت کشاده
کردد دیکر مجهة عزت و تقرب یافتن
درنزد ملوک و اکابر هر روز یک مرتبه
بران نجیته بخواند دیکر اکر کسی را مرض

١٦ ١٨

٢٠١٠	٢٠١٤	٢٠١٧	٢٠٠٣
٢٠١٦	٢٠٠٤	٢٠٠٩	٢٠١٥
٢٠٠٥	٢٠١٩	٢٠١٢	٢٠٠٨
٢٠١٣	٢٠٠٧	٢٠٠٦	٢٠١٨

صح

درد سینه درد کوش

یَا کَافِی مَن اِستَکفَاهُ ٧٧٩

یَا هَادِی مَن اِستَهدَاهُ ٥٩٧

یا کالی من استکلاه ٦٧٩

یا راعی من استرعاه ٧١٩

یا شافی من استشفاه ١٢٧٩

یا قاضی من استقضاه ٢٥٧٩

یا مغنی من استغناه ٢٨١٨

یَا مُوفِی مَن اِستَوفَاهُ ٧٩٠

یا مقوی من استقواه ٨٣٠

یا ولی من استولاه ٦٥٠

١٢٥٢٠

صرع یا باد لغوه باشد بمشک و زعفران
بر کاسهٔ چینی بنویسد و بشوید و بیاشامد
شفا یابد دیکر اکر کسی را مرض بهق و
برص باشد این سوره برا بر آب بخواند
و آن آبرا بران موضع مالد شفا یابد
دیکر اکر کسی کند ذهن باشد این سوره را
بنویسد و بشوید و چهل ناشتا با نبات
بخورد تیز ذهن کردد دیکر اکر کسی در کار
خود فرومانده و حیران باشد و سرانجام
کار خود نداند هر شب که بجامهٔ خواب
رود در خواب و برا بکویند که سرانجام
کار تو چیست هر کرا مهمی پیش آید
که دران عاجز باشد و تدبیر آن نداند
بعد ازان عصر روز جمعه روی بقبله
بنشیند و بحضور قلب این دو اسم را

٢٠ ١٩

٣١٢٩	٣١٣٣	٣١٣٦	٣١٢٢
٣١٣٥	٣١٢٣	٣١٢٨	٣١٣٤
٣١٢٤	٣١٣٨	٣١٣١	٣١٢٧
٣١٣٢	٣١٢٦	٣١٢٥	٣١٣٧

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاِسْمِكَ يَا خَالِقُ
٧٤٢ ٤٠٢١

يَا رَازِقُ	يَا نَاطِقُ	يَا صَادِقُ
٣١٩	١٧١	٢٠٦
يَا فَالِقُ	يَا فَارِقُ	يَا فَاتِقُ
٢٢٢	٣٩٢	٥٩٢
يَا رَاتِقُ	يَا سَابِقُ	يَا سَامِقُ
٧١٢	١٧٤	٢١٢

٤١٤٤

بگوید تا غروب آفتاب یا الله یا رحمن و بعد
ازان بجده رفته حاجت خود را بخواهد
که البته روا شود مرویست از حضرت
امیر المؤمنین ع که هر که صبح انگشتر خود را
دران نکشت کند و بگرداند و سورهٔ انا انزلناه را
بخواند و بعد از سوره این عا را بخواند آن روز
هیچ مکروه بوی نرسد و دعای مذکور اینست
آمنتُ بِاللهِ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ آمنتُ بِسِرِّ
آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلانِيَتِهِم وَظاهِرِهِم وَباطِنِهِم
وَقِيهِم اللهُ شَرَّ هٰذا اليَوم اگر این
دو آیه را که مذکور میشود بنویسد و در زیر
نگین انگشتر نهد و در نظر پادشاه در آید
هر حاجتی که داشته باشد روا گردد و هر
سخن که گوید قبول کند و اگر بر وی خشمناک
بود مشفق و مهربان گردد باذن الله تعالی

وسیط ٤١٨ صغیر ١٣

١٠٣٥	١٠٣٩	١٠٤٢	١٠٢٨
١٠٤١	١٠٢٩	١٠٣٤	١٠٤٠
١٠٣٠	١٠٤٤	١٠٣٧	١٠٣٣
١٠٣٨	١٠٣٢	١٠٣١	١٠٤٣

الاٰیات مذکور اینست

يَا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ٥٨٧
يَا مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالأَنْوَارَ ١٨٤١
يَا مَنْ جَعَلَ الظِّلَّ وَالحَرُورَ ١٥١٦
يَا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالقَمَرَ ١٧٦٩
يَا مَنْ قَدَّرَ الخَيْرَ وَالشَّرَّ ١٧٨٣
يَا مَنْ خَلَقَ المَوْتَ وَالحَيَاةَ ١٣٧٥
يَا مَنْ لَهُ الخَلْقُ وَالأَمْرُ ١١٧٥
يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ٢١٦٥
يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي المُلْكِ ٩٤٧
يَا مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ ١١٨٣

١٤٣٤١

الذين قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم
فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا حسبنا الله
ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل
لم يمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله
ذو فضل عظيم هر این آیات را بگلاب
و زعفران بر ظرف چینی بنویسد و نوشته را
بعسل صاف محو سازد و بخورد هر سحر
بان آمیخته صلاة پیر کند هر گاه که خواهد
بنزد پادشاه رود قدری ازان سر بر دو
چشم کشد محبوب و مقبول پادشاه
شود و محبت و سرور در دل وی بیفزاید و همه
دلها بوی مایل شود و سخن وی نزد همه کس
در جه قبول یابد و کسی را مجال مخالفت قول
وی نباشد در خواص ابن تیمیه
آورده که هر که آیه الذين ينفقون في

٣٥٨٥	٣٥٨٨	٣٥٩١	٣٥٧٧
٣٥٩٠	٣٥٧٨	٣٥٨٤	٣٥٨٩
٣٥٧٩	٣٥٩٣	٣٥٨٦	٣٥٨٣
٣٥٨٧	٣٥٨٢	٣٥٨٠	٣٥٩٢

وسیط ٨٥ صغیر ١٣

يامن يعلم مراد المريدين ١٤١ — يامن يعلم ضمير الصامتين ٢٠٢٣

يامن يسمع انين الواهنين ٥٤٥

يامن يرى بكاء الفاقدين ٦٦٧

يامن يملك حوائج السائلين ٤٠٣

يامن يقبل عذر التائبين ١٧٠٨

يامن لا يصلح اعمال المفسدين ٨٨٧

يامن لا يضيع اجر المحسنين ١٥٧٥

يامن لا يبعد عن قلوب العارفين ٩١٨

يا اجود الاجودين ١٣٠

٩٦٩٧

في السراء والضراء والكاظمين الغيظ و
العافين عن الناس والله يحب المحسنين و
الذين اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم
ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن
يغفر الذنوب الا الله ولم يصروا على
ما فعلوا وهم يعلمون اولئك جزاؤهم
مغفرة من ربهم وجنات تجري من تحتها
الانهار خالدين فيها ونعم اجر العاملين
از سورهٔ آل عمران در شب جمعه بعد از نماز
خفتن بر كاغذ نويسد وبا خود دارد ناصح
شود بعد از ان بر پادشاه غضبناك يا حاكم
قهار دراید چون چشم پادشاه یا حاکم بروی
افتد آتش غضب وی فرو نشیند ومشفق
ومهربان گردد وآثار محبت وعنایت اندوی
بظهور آید اگر پادشاه بر کسی مشغول شود

٨٣ ١٦٦

٢٤٢٤	٢٤٢٧	٢٤٣٠	٢٤١٦
٢٤٢٩	٢٤١٧	٢٤٢٣	٢٤٢٨
٢٤١٨	٢٤٣٢	٢٤٢٥	٢٤٢٢
٢٤٢٦	٢٤٢١	٢٤١٩	٢٤٣١

دعفام

يا دائم البقاء ١٨٢ — يا سامع الدعاء ٢١٩ — يا واسع العطاء ٢٦٠ — يا غافر الخطاء ١٩٣٤

يا بديع السماء ٢٣٠ — يا حسن البلاء ١٩٤

يا جميل الثناء ٦٧٧ — يا قديم السناء ٣٠٨

يا كثير الوفاء ٨٦٠ — يا شريف الجزاء ٦٤٤

٤٦٥٤٨

وبمقام قهر وغضب درآید یا نسبت
بر رعایا داعیهٔ ظلم وتعدی وقتل واسر
پیدا کند باید که آیهٔ ثم قست قلوبکم من بعد
ذلك فهي كالحجارة او اشد قسوة وان من الحجارة
لما يتفجر منه الانهار وان منها لما يشقق
فيخرج منه الماء وان منها لما يهبط
من خشية الله وما الله بغافل عما تعملون
از سورهٔ بقره بر کاغذی نویسد ونام
پادشاه ومادرش را بران کاغذ رقم زند
وبر قلهٔ کوهی که دران دیار از ان بلندتر
نباشد دفن کند آتش غضب آن پادشاه
فرو نشیند واز ان تغیر بتعدی بر خلق بر گردد
وترك ظلم وبیداد کند وحال وی بصلاح
رسد صاحب در النظیم آورده که هر که آیه
سبحان الله وتعالى عما يشركون وربك يعلم

٤٧٢ ١٣

١١٣٦	١١٤٠	١١٤٣	١١٢٩
١١٤٢	١١٣٠	١١٣٥	١١٤١
١١٣١	١١٤٥	١١٣٨	١١٣٤
١١٣٩	١١٣٣	١١٣٢	١١٤٤

اللهم انی اسئلك باسمك ۴۰۲ یا ستار ۶۷۲ یا غفار ۱۲۹۲ یا قهار ۳۱۷

یا جبار ۲۱۷ یا صبار ۳۰۴ یا بار ۲۱۴

یا مختار ۱۳۵۲ یا فتاح ۴۹۰ یا نفاح ۱۴۰

یا مرتاح ۶۵۰

۶۴۵۰

ما تکن صدورهم وما یعلنون وهو الله
لا اله الا هو له الحمد فی الاولی والاخرة
وله الحکم والیه ترجعون از سورهٔ قصص
هفت مرتبه برابر وی تلاوت کند
وی پادشاه یا حاکم در آید در حالتی که از
غضب وی ترسان وهراسان بوده باشد
پس سه مرتبه بگوید والله غالب علی امره
خدای تعالی عامل را از شر وی محفوظ
دارد واگر خوفی انحای دیگر داشته
باشد از دشمن وغیره یازده مرتبه بگوید
یا مالك یوم الدین ایاك نعبد وایاك
نستعین از آن پادشاه ظالم وحاکم
جابر هیچ آسیبی بوی نرسد واز آن
هر که ترس وهراس داشته باشد ایمن
ومطمئن گردد واگر در سفر قاطع طریق

۶۹ ۱۵

۱۶۱۲	۱۶۱۵	۱۶۱۸	۱۶۰۵
۱۶۱۷	۱۶۰۶	۱۶۱۱	۱۶۱۶
۱۶۰۷	۱۶۲۰	۱۶۱۳	۱۶۱۰
۱۶۱۴	۱۶۰۹	۱۶۰۸	۱۶۱۹

یا سمیع

یامن خلقنی فسوانی ۹۹۱ یامن رزقنی وربانی ۷۳۷ یامن اطعمنی وسقانی ۳۵۸

یامن قربنی وادنانی ۵۱۵

یامن عصمنی وکفانی ۴۷۸

یامن حفظنی وکلانی ۱۱۶۶

یامن اعزنی واغنانی ۱۳۵۷

یامن وفقنی وهدانی ۴۲۳

یامن آنسنی وآوانی ۳۴۶

یامن اماتنی واحیانی ۶۸۹

۷۱۳۷

یا سمیع بروی سر راه گیرد چون بعدد
منزل بخواند آن مانع از آن راه برخیزد و
وی بسلامت وفراغت بگذرد بکرات ومرات
بتجربه رسیده در کتاب سر الآیات
آورده که مردی نزد عبد الله بن عباس
آمد وگفت مرا چیزی در آموز که از غضب
وسیاست ظلمه ایمن وسالم باشم عبد الله
گفت مرا چیزی در آموز که از غضب وسیاست
ظلمه ایمن وسالم باشم عبد الله گفت که این
آیات قرآنی مداومت نمای بتخصیص وقتی
که متوجه ملازمت وخدمت وی باشی
وآیات اینست لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن
الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین
چون کسی مدت مدیدی در بند وزندان

۱۷۸۴	۱۷۸۷	۱۷۹۰	۱۷۷۶
۱۷۸۹	۱۷۷۷	۱۷۸۳	۱۷۸۸
۱۷۷۸	۱۷۹۲	۱۷۸۵	۱۷۸۲
۱۷۸۶	۱۷۸۱	۱۷۷۹	۱۷۹۱

يا من يحق الحق بكلماته
١٥٦

يا من يقبل التوبة عن عباده
٨١٩

يا من يحول بين المرء وقلبه
٥٩٦

يا من لا تنفع الشفاعة الا باذنه
١٦٢٨

يا من هو اعلم بمن ضل عن سبيله
٦٩٢

يا من لا معقب لحكمه
٤٤٧

يا من لا راد لقضائه
١٣٧٤

يا من انقاد كل شيء لامره
١٩٤

يا من السموات مطويات بيمينه
١٣٣٢

يا من يرسل الرياح بشرا بين يدى رحمته
١٧٩٣

١٠٥٠١

بماند واو مظلوم بود بايد كه اين آيات را بنويسد
وبر بازوى او بندد در همان هفته خلاص شود
فلما دخلوا على يوسف آوى اليه اخاه قال
انى انا اخوك فلا تبتئس بما كانوا يعملون
فلما جهزهم بجهازهم جعل السقاية فى رحل
اخيه ثم اذن مؤذن ايتها العير انكم
لسارقون قالوا واقبلوا عليهم ماذا تفقدون
قالوا نفقد صواع الملك ولمن جاء به حمل بعير
وانا به زعيم قالوا تالله لقد علمتم ما جئنا
لنفسد فى الارض وما كنا سارقين قالوا
فما جزاؤه ان كنتم كاذبين قالوا جزاؤه
من وجد فى رحله فهو جزاؤه كذلك نجزى
الظالمين فبدأ باوعيتهم قبل وعاء
اخيه ثم استخرجها من وعاء اخيه كذلك
كدنا ليوسف ما كان لياخذ اخاه فى

١٦ ٧

٢٦٢٥	٢٦٢٨	٢٦٢١	٢٦١٧
٢٦٣٠	٢٦١٨	٢٦٢٤	٢٦٢٩
٢٦١٩	٢٦٣٣	٢٦٢٦	٢٦٢٣
٢٦٢٧	٢٦٢٢	٢٦٢٠	٢٦٣٢

دين الملك

يا من جعل الارض مهادا
١١٨٧

يا من جعل الجبال اوتادا
٦١٤

يا من جعل الشمس سراجا
١٩٦

يا من جعل القمر نورا
١٣٢

يا من جعل الليل لباسا
٣٩٩

يا من جعل النهار معاشا
٧٠٣

يا من جعل النوم سباتا
٧٩٥

يا من جعل السماء بناء
٣٩١

يا من جعل الاشياء ازواجا
٥٦٧

يا من جعل النار مرصادا
١٣٢

٧٢٦٦

دين الملك الا ان يشاء الله نرفع درجات
من نشاء وفوق كل ذى علم عليم قالوا
ان يسرق فقد سرق اخ له من قبل فاسرها
يوسف فى نفسه ولم يبدها لهم قال انتم
شر مكانا والله اعلم بما تصفون قالوا يا ايها
العزيز ان له ابا شيخا كبيرا فخذ احدنا مكانه
انا نريك من المحسنين قال معاذ الله ان
ناخذ الا من وجدنا متاعنا عنده انا اذا
لظالمون فلما استيأسوا منه خلصوا نجيا
قال كبيرهم الم تعلموا ان اباكم قد اخذ عليكم
موثقا من الله ومن قبل ما فرطتم فى يوسف
فلن ابرح الارض حتى ياذن لى ابى او يحكم
الله لى وهو خير الحاكمين ارجعوا الى ابيكم
فقولوا يا ابانا ان ابنك سرق وما شهدنا
الا بما علمنا وما كنا للغيب حافظين

١٠٢ ٣

١٨١٦	١٨١٩	١٨٢٢	١٨٠٩
١٨٢١	١٨١٠	١٨١٥	١٨٢٠
١٨١١	١٨٢٤	١٨١٧	١٨١٤
١٨١٨	١٨١٣	١٨١٢	١٨٢٣

اللهم انی اسئلك باسمك ٤٠٢ · یا سمیع ١٩١ · یا شفیع ٤٧١ · یا رفیع ٣٧١

یا منیع ١٨١ · یا سریع ٣٥١ · یا بدیع ١٠٧

یا کبیر ٢٤٣ · یا قدیر ٣٢٥ · یا خبیر ٨٢٣

یا مجیر ٢٦٣

٣٧٢٩

واسئل القریة التی کنا فیها والعیر التی اقبلنا
فیها وانا لصادقون قال بل سولت لکم
انفسکم امرا فصبر جمیل عسی الله ان یاتینی
بهم جمیعا انه هو العلیم الحکیم
چون از کسی از منصب خود معزول شود
وخواهد که باز بسر عمل رود باید که
روز پنجشنبه وجمعه ا از اول ماه روزه
دارد پس در شب جمعه سورهٔ یوسف را
هنگامی که بفراش میرود بخواند وروز جمعه
نیز بین الصلوتین قرائت کند واین آیات را
بنویسد وچون افطار کند باید
دیگر سوره را بخواند وصد مرتبه استغفار
کند وصد مرتبه صلوات بفرستد پس آن
نوشته را در زیر بالین نهاده بخواب رود
به نیت صادق وعزم صحیح که هو کو بر گشته

٣ ١١١

٩٣٢	٩٣٥	٩٣٨	٩٢٤
٩٣٧	٩٢٥	٩٣١	٩٣٦
٩٢٦	٩٤٠	٩٣٣	٩٣٠
٩٣٤	٩٢٩	٩٢٧	٩٣٩

ظلم

طیبة فی جنات عدن ذلك الفوز المبین
واخری تحبونها نصر من الله وفتح قریب وبشر
المؤمنین چون این آیات را بنویسد بر حریر
سفید بمشك وزعفران خالص وآنرا
در درون پیرهن دوزد هرکه آن پیرهن
بپوشد مهابت وی در دلها پیدا شود
وهیبت وقبول واطاعت خلق ونصرت
براعدا حاصل گردد وبر دشمنان غالب
شود چون خواهد که مقبول و
مطاع باشد نزد اکابر وحکام وملوك
باید که این آیات را بر نگین انگشتر نقش
کند یا بر ورق آهو بنویسد ومجوز کند
وبا خود دارد همه دلها مایل ومتوجه او
شود وسخن وی همه جا مقبول ومسموع
بود وجمیع خلایق مطیع ومنقاد وی شوند

یاحیا قبل کل حی ٢٣٠ · یا حیا بعد کل حی ١٧٣

یا حی الذی لیس کمثله حی ١٤٨٣

یا حی الذی لا یشارکه حی ١١٣٥

یا حی الذی لا یحتاج الی حی ٨٨٢

یا حی الذی یمیت کل حی ١٢٩٨

یا حی الذی لم یرث الحیوة من حی ١٧١٨

یا حی الذی یرزق کل حی ١١٥٥

یا حی الذی یحی الموتی ١٢٨٥

یا حی یا قیوم لا تاخذه سنة ولا نوم ٢١٤١

٩٤٩٩

٢٣٧٤	٢٣٧٧	٢٣٨١	٢٣٦٧
٢٣٨٠	٢٣٦٨	٢٣٧٣	٢٣٧٨
٢٣٦٩	٢٣٨٣	٢٣٧٥	٢٣٧٢
٢٣٧٦	٢٣٧١	٢٣٧٠	٢٣٨٢

یامن له ذکر لاینسی ۱۲۱۷ یامن له نور لایطفی ۵۳۲ یامن له نعمٌ لا تعد ۷۰۱

یامن له ملك لایزول ۳۰۰ یامن له ثناء لایحصی ۹۳۶

یامن له جلال لایکیف ۳۵۱

یامن له کمال لایدرك ۴۹۲

یامن له قضاء لایردُّ ۱۳۱۳

یامن له صفات لاتبدل ۱۱۷۴

یامن له نعوتٌ لاتغیرُ ۲۳۰۳

۹۲۱۹

دوالفنا، محبت وموودت درقلوب سلاطین
هرکه این آیات رابرعقیق آهو بنویسد روز
دوشنبه هنگامی که قمر زاید النور باشد بمشك
وزعفران ونام خود ومادر خود دراول
وآخر آن رقم زند وبخور داده درهم ببچید
وباخود دارد قلوب جمیع خلائق مایل
اوگردد واورا دوست دارند وجمیع
دشمنان مطیع ومنقاد وی شوند دیگر
مرویست که شخصی ازابن عباس دعائی
طلبید که بواسطه آن جذب قلوب و
توجه نفوس باشد عبدالله بن عباس
گفت باین آیه والقیت علیك محبة منی ولتصنع
علی عینی اذ تمشی اختك فتقول هل ادلكم
علی من یکفله فرجعناك الی امك کی تقر عینها

۲۳۲۲	۲۳۲۵	۲۳۲۸	۲۳۱۴
۲۳۲۷	۲۳۱۵	۲۳۲۱	۲۳۲۶
۲۳۱۶	۲۳۳۰	۲۳۲۳	۲۳۲۰
۲۳۲۴	۲۳۱۹	۲۳۱۷	۲۳۲۹

ولاتحزن

ولاتحزن وقتلت نفساً فنجیناك من الغم
وفتناك فتوناً دامن ادوست نماید بنام مطلوب
ونیز این آیه رابنویسید ودراخر آن رقم کنند
یامقلب القلوب الف بینی وبین فلان
بن فلان اللهم یاودود الف بین قلوبهما
علی طاعتك پس آن نوشته رابا خود دارد
اگر دشمن غضبناك بود محب ومهربان
گردد واگر اعداء غضبان بود محبت وی
صد چندان شود چون کسی آیه
قال من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها
الذی انشأها اول مرة وهو بکل خلق علیم
الذی جعل لکم من الشجر الاخضر ناراً فاذا
انتم منه توقدون بر هفت قطعه نان
بخواند وهر مرتبه که میخواند نفس کند
وهر مرتبه بگوید بنام فلان بن فلان علی

یارب العالمین ۴۴۵ یامالك یوم الدین ۲۴۳

یاغایة الطالبین ۱۱۵۹ یاظهر اللاجین ۹۴۱

یامدرك الهاربین ۵۷۴

یامن یحب الصابرین ۵۰۵

یامن یحب التوابین ۶۲۱

یامن یحب المتطهرین ۱۶۶

یامن یحب المحسنین ۳۷۰

یامن هو اعلم بالمهتدین ۷۸۵

۶۵۰۹

۱۶۲۷	۱۶۳۰	۱۶۳۳	۱۶۱۹
۱۶۲۲	۱۶۲۰	۱۶۲۶	۱۶۳۱
۱۶۲۱	۱۶۳۵	۱۶۲۸	۱۶۲۵
۱۶۲۹	۱۶۲۴	۱۶۲۲	۱۶۳۴

اللهم انی اسئلك باسمك ۴۰۲ یا شفیق ۵۰۱ یا رفیق ۴۰۱ یا حفیظ ۹۰۹

یا محیط ۸۸ یا مقیت ۵۶۱ یا مغیث ۱۵۲۱

یا معز ۱۲۸ یا مذل ۷۸۱ یا مبدی ۵۶

یا معید ۱۲۵

۵۵۰۵

علی حب فلان بن فلان پس یکی از آن دو اثر
انداز معمول له در محبت عامل بی مراد
و بی آرام شود اگر کسی بنام کسی و
مادرش آیه لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز
علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم
بر مجمر مرخ تو بید و در ظرفی نهاده در زیر
آتشدان دفن کند چنانچه حرارت نار بوی
رسد آنکس در محبت بمثابه بی طاقت و بیقرار
گردد تا خود را بعامل برساند آرام نیابد و
درین اعمال ملاحظه ساعات و نظرات باید
کرد و رعایت شرایط کتابی کما ینبغی بجای
باید آورد تا نتیجه بر وجه اتم بظهور رسد
دیگر در تسخیر نفوس خلایق و تالیف
قلوب ایشان صاحب کتاب در التنظیم آورده
که هر که خاتمی بسازد از نقره هنگامی که آفتاب

۱۳۶۸	۱۳۸۲	۱۳۷۹	۱۳۷۶
۱۳۸۰	۱۳۷۵	۱۳۶۹	۱۳۸۱
۱۳۷۴	۱۳۷۷	۱۳۸۴	۱۳۷۰
۱۳۸۳	۱۳۷۱	۱۳۷۳	۱۳۷۸

دروج

۱ یا من هو احد بلا ضد
۱۰۶۲

در برج اسد باشد و آیه و الهکم اله واحد
لا اله الا هو الرحمن الرحیم بر انجا نقش کند و
بر مختم آن مداومت کند جمیع خلایق مسخر
و مطیع و منقاد وی شوند و هیچ کس بروی
غالب نیاید دیگر صاحب کتاب در
التنظیم فرموده که هر که آیه و ان یریدوا ان
یخدعوك فان حسبك الله هو الذی ایدك
بنصره و بالمؤمنین و الف بین قلوبهم لو انفقت
ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم
ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم در روز
جمعه که از اول ماه رمضان بوده باشد میان
ظهر و عصر با طهارت کامل کتابت کند
بر خرقه صوف یا حریری که سه رنگ داشته
باشد سبز و زرد و سرخ و از آن خرقه طلا
سازد و در همان روز در جای پاکیزه
محافظت نماید در وقت حاجت هر گاه
که خواهد که نزدیکی از اعاظم و اکابر

۵ یا من هو قاضی بلا حیف
۱۲۴۴
۶ یا من هو رب بلا وزیر
۵۷۰
۷ یا من هو عزیز بلا ذل
۹۶۹
۸ یا من هو غنی بلا فقر
۱۵۱۵
۹ یا من هو ملك بلا عزل
۳۴۲
۱۰ یا من هو موصوف بلا شبیه
۶۷۴
۲ یا من هو فرد بلا ند
۴۸۵
۳ یا من هو صمد بلا عیب
۳۶۱
۴ یا من هو وتر بلا کیف
۸۵۱

۸۱۴۳

۲۰۲۸	۲۰۴۲	۲۰۳۸	۲۰۳۵
۲۰۳۹	۲۰۳۴	۲۰۲۹	۲۰۴۱
۲۰۳۳	۲۰۳۶	۲۰۴۴	۲۰۳۰
۲۰۴۳	۲۰۳۱	۲۰۳۲	۲۰۳۷

یا من ذکره شرف للذاکرین ٢٦٣٧

یا من شکره فوز للشاکرین ١٥٢٣

یا من حمده عز للحامدین ٣٠٨

یا من طاعته نجاة للمطیعین ١٩٤

یا من بابه مفتوح للطالبین ٨٠٧

یا من سبیله واضح للمنیبین ١٣٤٥

یا من آیاته برهان للناظرین ١٩٤٧

یا من کتابه تذکرة للمتقین ٢٥١٤

یا من رزقه عموم للطائعین والعاصین ١٠٢٨

یا من رحمته قریب من المحسنین ١٤٠٥

١٤٥٠٨

در آید آن طایفه را بر سر نهد آن بزرگ مسخر
و مطیع و منقاد وی گردد و دوست و مهربان
وی گردد و هیبت و مهابت وی در دلها
غلبه کند و خاطرها بجانب وی منجذب گردد
دیگر اگر کسی را سحر کرده باشند این آیات را
بر ظرف چینی بنویسد و بیاورد آب هفت چاه
یا هفت چشمه و آن نوشته را در ان آب بشوید و
هفت برگ از هفت درخت بیاورد و در ان
آب اندازد و آن آب را بر سر کسی ریزد چنانچه تمام
اعضای وی از ان آب تر شود انچه سحر جادو
که در حق وی کرده باشند باطل شود بعون
خدا تعالی و آیات مذکور اینست فلما
جاء السحرة قال لهم موسی القوا ما انتم ملقون
فلما القوا قال موسی ما جئتم به السحر ان الله
سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین
دیگر هر که این آیات را بر پوست
آهو با مشک و زعفران و گلاب در شب
جمعه که شب چهاردهم ماه بوده باشد

٣٦٢٦	٣٦٢٧	٣٦٣٣	٣٦١٩
٣٦٣٢	٣٦٢٠	٣٦٢٥	٣٦٣١
٣٦٢١	٣٦٣٥	٣٦٢٨	٣٦٢٤
٣٦٢٩	٣٦٢٣	٣٦٢٢	٣٦٣٤

بعد

یا من تبارک اسمه ٨٣٠

یا من تعالی جده ٦٢٣

یا من لا اله غیره ١٣٩٣

یا من جل ثناؤه ٦٩٧

یا من تقدست اسمائه ١١٧٣

یا من یدوم بقاؤه ٣٠٦

یا من العظمة بهاؤه ١٠٦٧

یا من الکبریاء رداؤه ٥٧٧

یا من لا تحصی آلاؤه ٦١٤

یا من لا تعد نعماؤه ٧٧٩

٨١٢٠

بعد از نماز عشا بنویسد و آن نوشته را
در غلافی نهد از زر فارسی که یکطرف وی
بند باشد و طرف دیگر را بموم کافوری محکم
کند پس هرگاه آنرا بر بازوی راست ببندد با
طهارت عزت و مهابت و قبول وی در
دلها و نظرها بسیار شود و باطن وی قوت
گیرد و دل وی ثابت و مطمئن و دلیر باشد
و هیبت عظیم از وی در دلها سرایت کند
و اگر فقیر بود غنی گردد و اگر محزون
بود مسرور گردد آیات مذکور اینست بسم الله
الرحمن الرحیم الم ذلک الکتاب لا ریب فیه
هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب
و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون
و الذین یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل
من قبلک و بالآخرة هم یوقنون اولئک
علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون

٢٠٢٩	٢٠٢٣	٢٠٣٦	٢٠٢٢
٢٠٣٥	٢٠٢٣	٢٠٢٨	٢٠٣٤
٢٠٢٤	٢٠٣٨	٢٠٣١	٢٠٢٧
٢٠٣٢	٢٠٢٦	٢٠٢٥	٢٠٣٧

اللهم انی اسئلك باسمك
۴۰۲

یامعین ۱۸۱ یامین ۱۱۲ یامبین ۱۱۳

یامتین ۵۱۱ یامکین ۱۳۱ یارشید ۵۲۵

یاحمید ۷۳ یامجید ۶۱ یاشهید ۳۳۰

یاشدید
۳۲۹

۲۵۷۵

الله لا اله الا هو الحی القیوم المص کهیعص
طه طس یس ص حمعسق حم تنزیل الکتاب
من الله العزیز العلیم ق ن باسوده مبارکه
حمد بر ورق آهو بمشك و زعفران و
گلاب در شب جمعه چهاردهم هر ماه
که باشد خواص همان است که مذکور شد
دیگر صاحب در النظیم آورده
که هرکه این حروف را الم الم المص الر
کهیعص طه طسم طس طسم یس ص حم
حمعسق ق ن در خاتم نقره نقش کند در
روز پنجشنبه اول ماه رجب و آنرا در انگشت
کند اگر خایف بود از جبار عنید و ظالم
فاسق ایمن شود و حامل این خاتم اگر بر سلطانی
در آید بنظر وی بزرگ نماید و مهابت
وی در دل آن سلطان اثر کند و هر مراد
که از وی خواهد بی توقف بر آرد و اگر این

۶۴۳	۶۴۶	۶۵۰	۶۳۶
۶۴۹	۶۳۷	۶۴۲	۶۴۷
۶۳۸	۶۵۲	۶۴۴	۶۴۱
۶۴۵	۶۴۰	۶۳۹	۶۵۱

خاتم دا

طریق قرائت و ورد نمودن ایه مبارکه الله لطیف بعباده
یرزق من یشاء وهو القوی العزیز اینکه دو رکعت نماز حاجت
در ساعت سعد بهر قسمی که خواهد بکند و بعد از فراغ از
نماز صد مرتبه صلوات فرستد و هفتاد مرتبه استغفر الله
ربی و اتوب الیه گفته شروع در خواندن ایه مبارکه نماید ۱۲۵۰۰
باین طریق که یکصد و بیست و پنجهزار مرتبه که عدد زکواة
است باید خوانده شود باین شرط که عددی نزد خود باید
معین نمود که هر روز بهمان عدد معین باید تلاوت نمود
تا مجموع عدد زکوة خوانده شود و در بین قرائت سخن نباید گفت
تا ملك و رد مزبور تواند شد و در خواندن عدد مزبور هر روز باید
مثلث ایه را بطریق خو الکتابه رقم نموده و در برابر خود داشت
تا ملك واقعی شود و بعد از آنکه مالك ورد شد هر روز بعد از
صد مرتبه صلوات و هفتاد مرتبه استغفار ایه را بعدد ایام سال
که سیصد و شصت مرتبه یا بهر عدد دیگر مقدور شود و تواند نشود
باید خواند و وقت قرائت را تغییر ندهد اگر امری رو دهد که
در انوقت ترك شود وقت دیگر به نیت قضا باید قرائت گردد
که همه امور تادی دفعة مقتضواست خصوصا دفع و رفع دشمن
هرچند زیاد اند چه شخص است و مثلث انرا باید تا چهل یوم هر روزی

۲۵
در ظرف بیست و
پنج روز هر روزی
پنج هزار مرتبه
خوانده شود

شصت عدد در یک مجلس قامی و باب روان انداخت نهایت

شرط نیست که قرائت ورد و نوشتن مثلث هر دو در یک دفعه

کرده شود بعد از آنکه ما الله ورد و مثلث شدی یعنی چهل یوم

با تمام رسید جهر نیتی یک مثلث قلمی و مطلب را در پشت آن رقم

و باب جاری انداخت در همان روز انشاء الله تعالی مطلب حاصل

شود و تخلف ندارد آیه را باید تمام قرائت نمود و در مثلث همین

سه کلمه باید قلمی شود و مثلثی که در حین قرائت باید در نظر داشت

الی وقف ۳۷۹ باید نوشت

و نتار خالی ۹۹/۳۷۹ اضافه شود

این است و شروط را مراعات نموده مطلب میرسد

بعباده ۸۲ ۴	لطیف ۱۲۹ ۹	الله ۶۶ ۲	۱۹۴ ۶	۱۸۹ ۱	۱۹۶ ۸
۷۵ ۳	۹۳ ۵	۱۱۱ ۷	۱۹۵ ۷	۱۹۳ ۵	۱۹۱ ۳
۱۲۰ ۸	۵۷ ۱	۱۰۲ ۶	۱۹۰ ۲	۱۹۷ ۹	۱۹۲ ۴

این مثلث را باید باب روان انداخت

[illegible]

شرط دیگر آنکه تا بسیار ضرور نشود بکسی که نا اهل باشد تعلیم ننماید و بکسی

اگر بگوید دوازده مثقال طلا و نه راس گوسفند که بنیت صدقه بدهد و شرط

نماید که بعد از اثر کردن عشر آنچه بدست صاحب در رسانند اجازه بدهد

که مختار است در صرف کردن یا بفقرا دادن و مکرر بتجربه رسیده

ختم آیه شریفه اللهُ لطیفٌ بعباده یرزقُ مَن یشاء وهُوَ القویُ العزیز

را در روز اول ماه شروع کند و در ظرف مدت شانزده روز بعدد حروف

غیر مکرره که در آیه است به ترتیب در وقت معین بخواند و در بین قرائت

حرف نزند و در محل وقف که بین کلمه من یشاء و کلمه وهو القوی باشد مطلب

را بخاطر آورد که با جابت رسد انشاء الله و حروف غیر مکرره این است

ا	ل	ه	ط	ی	ف	ب	ع	د	ر	ق	م	ن	ش	و
۱	۳۰	۵	۹	۱۰	۸۰	۲	۷۰	۴	۲۰۰	۱۰۰	۴۰	۵۰	۳۰۰	۶

و از برای نجات از هر بلیه در یک مجلس ۱۰۰۰ هزار مرتبه صلوات

بفرستد و هر هزار مرتبه را بروح یکی از ائمه اثنی عشر بترتیب قربت

کند و هزار مرتبه دیگر را بکر و انکاهدارد تا وصول مطلب پس

او را قرائت کند و هدیه بدهد خدمت حضرت صاحب الزمان ع که مجرب

است نقل شد از کتاب مرحوم حاجی شیخ محمد تقی آقا نجفی طاب ثراه از صحه

۱۲۴ کتبه محمد علی ابن محمد رفیع الطالقانی التماس دعا دارم ۲۴۲ ۱۳۵۲

بند ۷۸

۲۶۸۳	۲۶۸۶	۲۶۸۹	۲۶۷۵
۲۶۸۸	۲۶۷۶	۲۶۸۱	۲۶۸۷
۲۶۷۷	۲۶۹۱	۲۶۸۴	۲۶۸۰
۲۶۸۵	۲۶۷۹	۲۶۷۸	۲۶۹۰

بند ۷۹

۳۴۸۴	۳۴۸۷	۳۴۹۰	۳۴۷۷
۳۴۸۹	۳۴۷۸	۳۴۸۳	۳۴۸۸
۳۴۷۹	۳۴۹۲	۳۴۸۵	۳۴۸۲
۳۴۸۶	۳۴۸۱	۳۴۸۰	۳۴۹۱

بند ۸۰

۲۷۴۹	۲۷۵۲	۲۷۵۶	۲۷۴۲
۲۷۵۵	۲۷۴۳	۲۷۴۸	۲۷۵۳
۲۷۴۴	۲۷۵۸	۲۷۵۰	۲۷۴۷
۲۷۵۱	۲۷۴۶	۲۷۴۵	۲۷۵۷

یا ذا العرش المجید ۱۴۰۱ — یا ذا القول السدید ۹۸۸

یا ذا الفعل الرشید ۱۲۶۸ — یا ذا البطش الشدید ۱۴۰۳

یا ذا الوعد والوعید ۹۵۰ — یا من هو الولی الحمید ۲۸۲

یا من هو فعال لما یرید ۵۸۸ — یا من هو قریب غیر بعید ۱۷۲۰

یا من هو علی کل شیء شهید ۹۰۱ — یا من هو لیس بظلام للعبید ۱۲۳۱

۱۰۷۳۲

یا من لا شریک له ولا وزیر ۹۵۷ — یا من لا شبیه له ولا نظیر ۱۵۸۱

یا خالق الشمس والقمر المنیر ۱۸۸۱ — یا مغنی البائس الفقیر ۱۶۲۷

یا رازق الطفل الصغیر ۱۶۰۰ — یا راحم الشیخ الکبیر ۱۴۶۴

یا جابر العظم الکسیر ۱۰۴۹ — یا عصمة الخائف المستجیر ۱۶۷۳

یا من هو بعباده خبیر بصیر ۱۳۱۰ — یا من هو علی کل شیء قدیر ۱۹۶

۱۳۹۳۸

یا ذا الجود والنعم ۹۷۳ — یا ذا الفضل والکرم ۱۸۵۰

یا خالق اللوح والقلم ۱۰۲۴ — یا بارئ الذر والنسم ۱۳۶۳

یا ذا البأس والنقم ۱۰۳۳ — یا ملهم العرب والعجم ۵۱۹

یا کاشف الضر والالم ۱۴۵۱ — یا عالم السر والهمم ۳۶۵

یا رب البیت والحرم ۹۴۱ — یا من خلق الاشیاء من العدم ۱۴۱۰

۱۰۹۹۹

۱۴۷

در صفحه ۳۵۳ از کتاب عقد الایمان ملا حبیب الله کاشانی کلام مولائی امیرالمومنین ؑ ثلاث کلمات فی المناجات

الهی کفانی عزاً ان یکون لک عبداً

در عزت بهمین قدر مرا بس که تورا بنده ام

وکفانی فخراً ان تکون لی ربا

در فخر همین قدر مرا بس که پروردگار منی

انت کما احب فاجعلنی کما تحب

تو در لطف و مهربانی چنانچه من میخواهم بوده مرا نیز در بندگی

اللهم انی اسئلك باسمك
۴۰۲

یا فاعل ۱۹۲ — یا جاعل ۱۱۵ — یا قابل ۱۴۴

یا کامل ۱۰۲ — یا فاضل ۴۲۳

یا فاصل ۲۱۲ — یا عادل ۱۱۶

یا غالب ۱۰۳۴ — یا طالب ۵۳

یا واهب
۲۵

۲۴۲۷
۵

۶۳۱	۶۳۴	۶۳۸	۶۲۴
۶۳۶	۶۲۵	۶۳۰	۶۳۵ ۸۸
۶۲۶	۶۴۰	۶۳۲	۶۲۹
۶۳۳	۶۲۸	۶۲۷	۶۳۹

۶۵۴	۶۵۷	۶۶۰	۶۴۶
۶۵۹	۶۴۵	۶۴۴	۶۵۸
۶۴۶	۶۶۲	۶۵۵	۶۴۹
۶۴۴	۶۵۱	۶۴۷	۶۶۱

۳۳ ۲۸ ۲۶ ۵۰

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش و سپاس بیقیاس حضرت قاضی الحاجاتی را و سزد
که اجابت کننده دعوات داعیانست و برآورنده مطالب
محتاجمندان رحیمی که هرکه بغیر معصیت خود را دید و
توبه بکند او بود و بالتوبه خالص سازد او را دیه شمنی عدن
بانواع نعمت بنوازد کریمی که هرکه دست سؤال بدرگاه
کبریا و جلال او برآورد نیازش مقبول و بر و مسلم دارد غفاری
که هر گنهکاری که روی نیاز بر زمین عبودیت نهد و طلب آمرزش
کند قلم عفو بر گناه او کشد جل جلاله و عم نواله و صلوة و صلوة
نامیات و تحف تحیات زاکیات بر صاحب دعوه جمله کاینات
و اشرف و اکمل کل موجودات داعی استجابة آیات شفیع روز
عرصات سید انبیا ابی القاسم محمد مصطفی و بر آن شاه اولیا

یا من انعم بطوله ۳۶۴ — یا من اکرم بجوده ۴۶۲ (۳۶۸) — یا من جاد بلطفه ۲۳۵

و سید اوصیا و سند اصفیا قایم بوظایف نیاز و دعا تاج الافتخار
مشرف بتشریف هل اتی و انما ابی الائمة الهدی ابی الحسن علی
المرتضی المعلی و بر آن سید نسا و دره بیضا الزهرة الزهرا و بر آن
دو برج اوج امامت و دو در درج ولایت و دو گوهر بحر علم و دو
نقد کان حلم و دو مظلوم معصوم و دو سر مکتوم دو سبط
رسول الثقلین ابی محمد الحسن و ابی عبد الله الحسین و بر آن سید
ساجدین و قبله عارفین ابی الحسن علی بن الحسین زین العابدین
و بر آن سید طاهر و عالم زاهر ابی جعفر محمد بن علی الباقر و بر آن
آفتاب مشارق و مغارب ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق و بر آن
نور انور و مقتدا و رهنمای ازهر ابی ابراهیم موسی بن جعفر و بر آن تحفه
نوباوه روضه مصطفی و مرتضی ابی الحسن علی بن موسی الرضا و بر آن
ثمره شجره نبوی ابی جعفر محمد بن علی التقی و بر آن کلید باغ مرتضوی
ابی الحسن علی بن محمد النقی و بر آن نور حدیقه پیغمبری ابی محمد الحسن بن
علی العسکری و بر آن خاتم ائمه اثنی عشر امام هادی منتظر
خلیفه رحمن ابی القاسم محمد بن الحسن المهدی صاحب الزمان
صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین صلوة
باقیة الی یوم الدین اما بعد چون کتاب عدة الداعی و نجاح

یا من تعزز بقدرته ۱۲۹۶
یا قادر بحکمته ۷۹۰
یا من حکم بتدبیره ۷۹۲
یا من دبر بعلمه ۴۵۴
یا من تجاوز بحلمه ۶۰۳
یا من دنی فی علوه ۳۶۶
یا من علا فی دنوه ۳۵۷

۵۶۳۹

۱۳۹۷	۱۴۰۰	۱۴۰۳	۱۳۸۹
۱۴۰۲	۱۳۹۰	۱۳۹۶	۱۴۰۱
۱۳۹۱	۱۴۰۵	۱۳۹۸	۱۳۹۵
۱۳۹۹	۱۳۹۴	۱۳۹۲	۱۴۰۴

۱۴۱۹	۱۴۳۲	۱۴۲۶	۱۴۱۳
۱۴۲۵	۱۴۱۳	۱۴۱۸	۱۴۲۳
۱۴۱۴	۱۴۲۸	۱۴۲۰	۱۴۱۷
۱۴۳۱	۱۴۱۶	۱۴۱۵	۱۴۲۷

یامن یخلق مایشاء ١١٩٤ — یامن یفعل مایشاء ٦٤٤ — یامن یهدی من یشاء ٥٣٢

یامن یضل من یشاء ١٤٤٣

یامن یعذب من یشاء ١٢١٥

یامن یغفر لمن یشاء ١٤٢٣

یامن یعز من یشاء ٥٩٠

یامن یذل من یشاء ١٢٤٣

یامن یصور فی الارحام مایشاء ١١٣١

یامن یختص برحمته من یشاء ٢٤٥٨

١٢٣٤٣

٤١٢ ٤٥٧

الثانی که از بدایع مؤلفات علم المتقدمین وفخر المتأخرین
واکمل الکاملین ابی العباس جمال الدین احمد بن فهد الحلی
نور الله مرقده وطیب مضجعه است مشتمل بر فضیلت دعوات
ماثوره ومحتوی بر نکات لطیفه منثوره لیکن بر لغات فصیحه
عربیه مسطور بود وارباب لهجه فرس از حظ العرفان محجور بجهت
عموم فایده بعضی از اخوان دینی وخلان یقینی استدعا
نمودند از فقیر حقیر کثیر التقصیر علی بن حسن الزواری احسن الله
احواله وجعل بالخیر ماله که از آن مترجم گرداند بلغت ایشان
اجابت لمسئولهم استعانت از حق سبحانه وتعالی جسته و
استمداد از ارواح طیبه سید المرسلین والائمه المعصومین
صلوات الله علیهم اجمعین نموده در آن شروع کرد بر ترتیب
اصل که بعد از اتمام انشاء الله تعالی الملک العلام مسمی خواهد
بود بمفتاح النجاح والله الموفق والمعین وهو خالق الارواح
وفالق الاصباح وبقدر احتیاج دعای مزوّدی چند که
در اینجا مسطور نیست ایراد خواهد نمود بعون الملک المعبود ابتدا
میکنم بنام خدای که مستجمع جمیع صفات کمالیست بخشاینده
وجود وروزی برندگان ومهربان بر ایشان سیما بر مؤمنان

٣٠٨٥	٣٠٨٨	٣٠٩٢	٣٠٧٨
٣٠٩١	٣٠٧٩	٣٠٨٤	٣٠٨٩
٣٠٨٠	٣٠٩٤	٣٠٨٦	٣٠٨٣
٣٠٨٧	٣٠٨٢	٣٠٨١	٣٠٩٣

یامن لم یتخذ صاحبةً ولا ولداً ٢٠٦٥ — یامن لا یشرک فی حکمه احداً ٨٣٩

یامن جعل لکل شیء قدراً ٩٠٠ — یامن جعل الملائکه رسلاً ٦٢٣

یامن جعل فی السماء بروجاً ٦٣٩

یامن جعل الارض قراراً ١٤٣٨

یامن خلق من الماء بشراً ١٢٩٧

یامن جعل لکل شیء امداً ٦٤١

یامن احاط بکل شیء علماً ٦٣٤

یامن احصی کل شیء عدداً ٦٥٠

١٠٣١٦

در دخول جنان ستایش مر خدای را که شنونده دعاهاست
ودفع کننده بلاهاست وپیدا سازنده روشناییهاست ومحو کننده
تاریکیهاست وگشاینده درهاست وتمام کننده نعمتهاست
وبسیار دهنده عطاها ودر پی در آورنده آلاء وبر دارنده آسمان
ونگاه دارنده زمین وزمان وصلوة وسلام بر خاتم پیغمبران
وبهترین برگزیدگان محمد که مخصوص است بعموم دعا
وخصوص اصطفا وحجت بر آنکه در زمین است وسما
وبر آل ستوده او که فایز بخلوص انتما ووجوب اقتدا مادام که
آسمانها برپا باشند وزمین پاینده باشد برپا تا روز بعث
وجزا وبعد از حمد وصلوة پس بدرستیکه خدای تعالی از وفور
وبسیاری کرم خود تعلیم فرمود دعا را وبسوی این راه نمود
ما را والهام کرد سؤال را وتحریص فرمود وترغیب بلیغ نمود ودر مقام
این وعده اقدام بر آن دید مبالغه افزود وگردانید هر مناجات
با دعا را سبب نجات وهر سؤال را مفاتیح عطایا وهبات
وپدید کرد بجهت اجابت دعا سببهای چند از خصوصیات
دعوات واضافات دعا کنندگان وحالات وامکنه واوقات
پس ترتیب دادیم این رساله را بر مذکورات ونام نهادیم

تصحیح شد خانه اول ٢٥١١ م — ودرخانه پنجم ٢٥٧٦ — ٢٥١١

٢٤٥٣	٢٤٥٧	٢٤٦٠	٢٤٤٦
٢٤٥٩	٢٤٤٧	٢٤٥٢	٢٤٥٨
٢٤٤٨	٢٤٦٢	٢٤٥٥	٢٤٥١
٢٤٥٦	٢٤٥٠	٢٤٤٩	٢٤٦١

٢٥٧٦

اللهم انی اسئلك باسمك ۴۰۲ — یا اول ۴۱ — یا اخر ۸۱۲ — یا ظاهر ۱۰۱۷ — یا باطن ۷۳

یا بَرّ ۲۱۳ — یا حق ۱۱۹ — یا فرد ۲۹۵

یا وتر ۶۱۷ — یا صمد ۱۴۵ — یا سرمد ۳۱۵

۴۰۵۶

۵۱ — ۵

از اغاثة الداعی و نجاح الساعی چه این سبب تهییج و سازواه
داعی است و موجب دواشتن و برآمدن حاجات ساعی و در دو
مقدمه است و شش باب **اما مقدمه** در تعریف دعا و ترغیب
در دو و این فصلان اول در تعریف است در دو مقصود بیمون ملك معبود
پیر میکوئیم که دعا در لغت نداست و ایستدعا میکوئی خواندم
فلان را هرگاه کرد ندا کرده او را و اوازداده باو و در اصطلاح
طلب کردن ادنی است مر فعل را از اعلی بر جهت خضوع
و فروتنی و چون مقصود از وضع این کتاب ترغیب در
دعاست و تحریص مردم و نیکوئی ظن بخدای تعالی و طلب
ثواب اوست از فعل این بدانکه وارد یافته در اخبار از ائمه
اطهار علیهم الصلوة والسلام انچه موکد و موکد این است
و دلالت بر وداردو ترغیب در دعا و اهتمام بسوی او انست که
روایت کرده صدوق رحمه الله از محمد بن یعقوب رضوان الله
علیهما بطرق او که منجر میشود بائمه انام علیهم السلام بدرستیکه
هر انکه بوی رسید نقلی بکردن عملی و ان عمل را بجای اورد
هست مر ورا از ثواب انچه ان نقل بوی رسیده از ان
واگرچه انچنان نباشد ان امر که از ان نقل بوی رسیده و نیز

۱۰۱۳	۱۰۱۷	۱۰۰۰ ۲۰	۱۰۰۵ ۶
۱۰۱۹	۱۰۰۷	۱۰۱۲	۱۰۱۸
۱۰۰۹	۱۰۲۴	۱۰۱۵	۱۰۱۹
۱۰۱۶	۱۰۱۰	۱۰۰۴	۱۰۲۱

باین اسناد

یا خیر معروف عرف ۱۵۶۷ — یا افضل معبود عبد ۱۲۲۰ — یا اجل مشکور شکر ۱۱۳۱

یا اعز مذکور ذکر ۱۹۷۵

یا اعلی محمود حمد ۲۷۲

یا اقدم موجود طلب ۲۵۶

یا ارفع موصوف وصف ۷۶۰

یا اکبر مقصود قصد ۶۶۸

یا اکرم مسئول سئل ۵۰۰

یا اشرف محبوب علم ۵۹۰ ۷

۲۱۳۹

باین اسناد صفوان رحمه الله روایت میکند از ابی عبدالله جعفر بن
محمد الصادق علیهما السلام که هر انکه بوی رسید نقلی در کار خیر
و انکس بموجب نقل ان کار بعمل اورد هست او را اجر و مزد ان
اگرچه رسول الله ان نفرموده باشد و روایت کرده محمد بن یعقوب
از علی بن ابراهیم و او از پدر خود و او از ابن ابی عمیر و او از هشام بن سالم
رضوان الله علیهم و او از ابی عبدالله علیه السلام که هر انکه بشنید
چیزی را از ثواب بر امری و او ان را بعمل اورد هست او را اجر ان و اگرچه
بر ان وجه نباشد که بوی رسیده و از طریق عامه روایت کرده عبدالرحمن
حلوانی مرفوع بجابر بن عبدالله انصاری رضوان الله علیه که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر که بوی رسید از خدای تعالی فضیلتی پس انرا
گرفت و بجای اورد بانچه بوی رسیده از ان فضیلت بسبب امید
بحق ان و امید بثواب او عطا فرماید حق سبحانه و تعالی ثواب ان را او اگرچه چنان
نبوده باشد و بمثل این بعضی [illegible] است که اجماع بر ان دارند هر دو طایفه
از خاصه و عامه **باب اول** در ترغیب بر دعا و باعث است
بر دعا عقل و نقل اما عقل بسبب انکه دفع ضرر از نفس با قدرت
بر ان و تمکن از ان واجب است و حاصل شدن ضرر و وقوع ان ضرر در دست
مرهاد می اید در دار دنیا چه هیچ ادمی منفک نیست از چیزی که

۲۲۷۷

۲۲۸۴	۸۷	۲۲۹۱	۲۲۸۱
۲۲۹۰	۲۲۷۸	۲۲۸۳	۷۷
۲۲۷۹	۲۲۹۲	۲۲۸۵	۲۲۸۲
۲۲۸۶	۲۲۸۹	۲۲۸۰	۲۲۹۳

یا مجیب الباکین ۱۴۷ | یا سید المتوکلین ۶۷۳ | یا هادی المضلین ۱۰۹۲ | یا ولی المؤمنین ۲۱۵

یا انیس الذاکرین ۱۱۴۳

یا مفزع الملهوفین ۴۶۰

یا منجی الصادقین ۴۰۰

یا اقدر القادرین ۷۱۲

یا اعلم العالمین ۳۱۴

یا اله الخلق اجمعین ۹۸۲

۶۲۷۸

۹۵ ۱۴

تشویش و تسلط بنفس او و بعض اوراز حفظ ان باز دارد و متضرر
کرداند او را و ازین قبیل بادها است همچو عارضه که روی نماید
و مزاج او را از صحت بیرون اورد یا خارج است مثل ایذا رسانیدن
ظالم بوی یا مکروهی که برساند از امیرش طایفه یا دشمن یا همسایه
و اکر احیانا خالی باشد از کل اینها پس عقل خود بجویبر و نوع اینها
میکند در دار دنیا و پابند شدن بان و چکونه چنین نباشد
و حال انکه او در خانه حوادث است که یک قرار نبست لیکن
از ضررهای او و مفسدات نتوانند بود امی یا بالفعل یا بالقوة پس ضرر او
یا حاصل و واقع است یا متوقع الحصول است و واجب است از الله
هر دو باقدرت بران و از دعا از الله ان ضرر بحصول میرسد و باین
مقصود و اسب مراد میرانیم واجب است باز کشتن بسوی او و نیز به
فرموده امیر المومنین و سید الوصیین صلوات الله علیه علی
الدیان معنی انجا که فرموده که هیچکس نیست که مبتلا باشد
ببلا و اکر چه ان بلا نسبت عظمت رسیده باشد سزاوار تر
از دعا از معافی که ایمن نباشد از بلا یعنی هر دو مساوی اند
از معافی و مبتلی در احتیاج بدعا پس ظاهر شد از این حدیث احتیاج
هر یک بدعا از معافی و مبتلی و فایده او دفع بلای حاصل کردن

۱۵۶۹	۱۵۷۲	۱۵۷۵	۱۵۶۲
۱۵۷۴	۱۵۶۳	۱۵۶۸	۱۵۷۳
۱۵۶۴	۱۵۷۷	۱۵۷۰	۱۵۶۷
۱۵۷۱	۱۵۶۶	۱۵۶۵	۱۵۷۶

بلو

یا من علا فقهر ۵۱۷ | یا من ملک فقدر ۵۷۵ | یا من بطن فخبر ۱۰۳۴ | یا من عبد فشکر ۷۷۷

یا من عصی فغفر ۱۶۳۱

یا من لا تحویه الفکر ۸۹۲

یا من لا یدرکه بصر ۶۶۳

یا من لا یخفی علیه اثر ۱۶۳۳

یا رازق البشر ۸۵۲

یا مقدر کل قدر ۷۰۹

۹۴۷۸

بدی نازل یا کشش نفع که مقصود است یا مقرر داشتن خیر
موجود و دوام او بر حال و منع او از زوال چه اهل بیت وصف
فرموده اند دعا را بسلاح و سلاح از ان قبیل است که نفع از
او میتوان کرد و لهذا تسمیه کرده اند دعا را به سپر و بسیر نگاه داشته
امور مکروهه و حضرت رسول صلی الله علیه و اله که ایا دلالت
نکنم شما را بر سلاحی که نجات دهد شما را از دشمنان شما و بسیار
کرداند روزیهای شما را کفتند بلی یا رسول الله فرمود که دعا
کنید و بسیار بخوانید پروردکار خود را شب و روز زیرا که
سلاح مومن دعا است و امیر المؤمنین علیه السلام فرموده
که دعا سپر مومن است و هر کاه که بسیار کرد ان کوفتن در را
کشاده کرداند برای تو و صادق علیه السلام فرموده که دعا
رد قضا میکند از پس ورود و کاظم علیه السلام فرموده که دعا
باز میکرداند انچه مقدر شده و انچه مقدر نشده پس کفت
انچه مقدر شده میدانم پس کدام است انچه مقدر نشده فرمود
انکه پیدا نشود و تعاقب که مکون نکردد و دیکر فرمود بر شما است
که التزام نمائید بدعا زیرا که دعا و خواهش بسوی خدای معبود
میکند بلا را و هر کاه که حکم شده بوقوع ان بمرتبه که باقی نماند

۱۰۷

۲۳۴۶	۲۳۴۷	۲۳۵۰	۲۳۳۷
۲۳۴۹	۲۳۳۸	۲۳۴۲	۲۳۴۸
۲۳۳۹	۲۳۵۲	۲۳۴۵	۲۳۴۲
۲۳۳۶	۲۳۴۱	۲۳۴۰	۲۳۵۱

اللهم انی اسئلک باسمک ۳۰۲ یا حافظ ۹۰۰ یا بارئ ۲۲۵ یا ذارئ ۹۲۳ یا باذخ ۱۳۱۴

یا فاتح ۲۹۵ یا فاتح ۵۰۰

یا کاشف ۴۱۲ یا ضامن ۱۰۰۲

یا امر ۲۵۲ یا ناهی ۷۷

~~۶۳۱۲~~
۶۳۰۲

مگر کہ ان بامضا رسید و وقوع یابد پس چون بدوی نیاز
بلا دکاہی نیاز او ورد و سوال کرد از کرو انبعدن الذی بالاحتفعلی
انو و مسکرد انہ وخدو باید کرده زیر انه و رحمه الله از ابی جعفر
کہ فرمود کہ بایادو لا لت نکم شما را بر چیزی کہ استثنا فرمود
رسول الله صلعم یعنی در رہہ او مجھه داند ایستہ کہ نم بلی
فرمود کہ ان دعاست کہ باز میکرد اند قضا را و در پیچ ابرام
و صبا القضه فرمود دو دو فرا هم او ورد انکشتان خود را یعنی اگرچہ
مبرم کرده باشد و از سید العابدین منقولست کہ
دعا و بلا همچنان تا روز قیامت یعنی بلا از دعا تخلف
نمیکنند از فرمان او و هرگاہ پس در عاء و نمیکند
هر ایسہ بلاها و قضا کرده و ابن صبا العمد عملو و هم او آنحضرت
روایت کہ دعا دفع بلا میکند بلا که فرود امید هوان
نیز کہ فرود نیامده و در سیب هیئت شد باین احادیث
انچه در معنی این احادیث سید و از ان جمله ایست کہ ابوادنمود
ایم بجهہ جنید کرده از طالبی و ورد از کشیدن کمان دفع ضرر
بلکہ از منطوق ان دانستن است مرقطع را کمان بجهہ صحت خبر
صادق علیہ السلام کہ از پیش گذشت و اما نقل پس ان کتاب و سنتست

۱۵۷۵	۱۵۷۰	۱۵۶۱	۱۵۶۸
۱۵۸۰	۱۵۶۹	۱۵۷۴	۱۵۷۳
۱۵۷۰	۱۵۶۳	۱۵۷۶	۱۵۷۰
۱۵۷۷	۱۵۷۲	۱۵۷۱	۱۵۶۴

اما کتاب

یا من لا یعلم الغیب الا هو ۱۳۶۱ یا من لا یصرف السوء الا هو ۶۵۳

یا من لا یخلق الخلق الا هو ۱۶۷۶
یا من لا یغفر الذنوب الا هو ۱۵۵۴
یا من لا یتم النعمة الا هو ۸۳۱
یا من لا یقلب القلوب الا هو ۴۸۶
یا من لا یدبر الامر الا هو ۶۶۳
یا من لا ینزل الغیث الا هو ۱۸۱۳
یا من لا یبسط الرزق الا هو ۵۹۶
یا من لا یحیی الموتی الا هو ۶۹۰

۱۰۳۲۱

۱۴ ۵

اما کتاب پس در بین ابان بسیار است منها قوله تعالی قل ما یعبؤ
بکم ربی لولا دعاؤکم یعنی بکوای محمد مر دمان اگرچه و زن نهد
خدای تعالی شما را یعنی چه قدر باشید شما را نزد خدای تعالی اگر نه انکه
دعا کردن شما باشد مراد این حصل این کریمه انیست کہ من شما را
نیافریدم کہ مرا بشما حاجتی بود و لیکن از برای آن بود تا از من حاجت
بخواهید و دعا کنید بسوی من تا حاجت شما را روا کنم و شما را
بیامرزم اگرچه چنین نکنید بر ایشان باشد و دیگر و قال ربکم ادعونی
استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون
جهنم داخرین یعنی فرمود پروردگار شما کہ بخوانید مرا تا
اجابت کنم شما را بدرستی انان کہ سرکشی نمایند از عبادت من زود
باشد کہ در ایند بدوزخ بیچارگان و خوار شدگان پس دعا
عبادت کو دانید تکبر از او بمنزله کافر داشت و دیگر
وادعوه خوفا وطمعا یعنی و بخوانید خدای را بیم عذاب
او و امید ثواب او و دیگر و اذا سألک عبادی عنی فانی
قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی
لعلهم یرشدون یعنی و هرگاہ سوال کنند ترا بندگان من از
من پس بدرستی کہ من نزدیکم اجابت میکنم دعا دعا کننده هرگاہ

۲۵۸۱	۲۵۸۴	۲۵۶۹	۲۵۷۴
۲۵۸۷	۲۵۷۵	۲۵۸۰	۲۵۶۵
۲۵۷۶	۲۵۹۱	۲۵۸۴	۲۵۷۹
۲۵۸۲	۲۵۷۸	۲۵۷۷	۲۵۹۰

یا معین الضعفاء ١١٦٤ | یا صاحب الغرباء ١٣٤٧ | یا ناصر الاولیاء ٤٣٢ | یا قاهر الاعداء ٤٢٥

یا رافع السماء ٢٦٥
یا انیس الاصفیاء ٣٤٦
یا حبیب الاتقیاء ٥٧٧
یا کنز الفقراء ٥٠١
یا اله الاغنیاء ١١٤١
یا اکرم الکرماء ٥٦٥

٦٧٦٣

٢٢   ١٣٩

که بخواند مراد این باید که دعا کنند مرا و حاجت خود را التزام بنجا هند
و باید که ثابت و راسخ باشند بما بر اکه بمن اورده اند تا شاید
راه یابند بطریق حق و بمطلوب رسند بدانکه این ایه دلالت میکند بر
چند امر اول انکه تعریض و تعلیمی است که حق تعالی فرموده مر بندگان تو
بسوال او که واذا سألك عبادي عني فاني قريب دوم غنا
عنایت الهی است بمسارعت و شتاب باجابت وی که جواب او موقوف
نفرمود بر تبلیغ رسول بلکه فرمود فاني قريب و نفرمود که قل
لهم فاني قريب سیم خروج این جواب بفا فرمود که مقتضی تعقیب است
بی فصل چهارم تشریف فرمودن خدا تعالی مر بندگان را
بر جواب بذات عالی خود تا تنبیه باشد باین بر کمال منزلت دعا
و شرف او نزد وی و مکان و قدر او از وی و ابو جعفر محمد بن علی
الباقر علیهما السلام فرموده که ملول مشو از دعا چه بدرستیکه
او را نزد حق تعالی قربی و منزلت تمام است و دیگر فرموده انحضرت در جواب
یزید بن معاویة بن وهب وقتی که او سوال کرده بود از انحضرت که
کثرة قراءة افضل است یا کثرة دعا فرمود که کثرة دعا افضل است و این
ایه تلاوت نمود که قل ما يعبؤا بكم ربي لولا دعاؤكم پنجم
دلالت میکند این ایه که خدا تعالی را امکانی نیست که اگر او را امکان

١٦٩٠	١٦٩٣	١٦٩٧	١٦٨٣
١٦٩٦	١٦٨٤	١٦٨٩	١٦٩٤
١٦٨٥	١٦٩٩	١٦٩١	١٦٨٨
١٦٩٢	١٦٨٧	١٦٨٦	١٦٩٨

مجیب

یا کافی من کل شیء ٥٧٣ | یا قائما علی کل شیء ٦٢٤ | یا من لا یشبهه شیء ٧٦٥ | یا من لا یزید فی ملکه شیء ٤٥٩

یا من لا یخفی علیه شیء ١٢٥٨
یا من لا ینقص من خزائنه شیء ١٣٩٧
یا من لیس کمثله شیء ١١٠٧
یا من لا یعزب عن علمه شیء ١٩٢٠
یا من هو خبیر بکل شیء ١٢٨٧
یا من وسعت رحمته کل شیء ١٦٥١

١١٢٤١

میبود نزدیک نمیبود از هر که او را خواند پس دور و نزدیک نزد
او مساویست ششم امر کرده خدا تعالی بندگان را بدعا چنانچه
فرموده فليستجيبوا لي هفتم وليؤمنوا بي که حضرت صادق ع
فرموده معنی این انکه باید که متحقق گردند و یقین بدانند که من
قادر و توانا ام بر اعطا کردن انچه از من طلب نموده اند پس امر فرموده
ایشان را اول باعتقاد ایشان قدرت او و ابر ایجاد دعا ایشان و درین
دو فایده هست یکی اعلام کردن باری تعالی ایشان را باثبات صفت
قدرت از برای خود دوم بر بسط و گسترانیدن رجا و امید بندگان در
رسیدن ایشان بسوالات ایشان و طلبی که کرده اند و بمرادهای خود
کشته اند و یافتن مدعا و مسولات خود زیرا که ادمی هرگاه که دانست
که معامله کنند و عوض دهنده مرو را قدرت بر دادن عوض
دارد و این امر داعی است مرو را بمعامله او و رغبت دهنده مرو را
در معاوضه او و هم چنانکه اگر داند که او عاجز است از دفع عوض
بر وضعی که خواهد بود امر او از انچه است که مینمی ایشان را که اجتناب
مینمایند از معامله مفلس هشتم بشارة دادن خدا تعالی است
بر شاد که طریق هدایت است که مودی میگردد بمطلوب یکونا
بشارة میدهد ایشان را باجابة دعا و مانند اینست قول حضرت

٣٨١٣	٣٨٠٦	٣٨١٥	٣٨١٠
٣٨٠٧	٣٨١٨	٣٨٠٤	٣٨٣
٣٨٠٥	٣٨١١	٣٨٠٩	٣٨١٤
٣٨١٧	٣٨٠٧	٣٨١٤	٣٨٠٢

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاِسْمِکَ (۱۴۰۲) یا مُکْرِمُ (۳۱۱) یا مُطْعِمُ (۱۷۰) یا مُنْعِمُ (۲۱۱)

یا مُعْطی (۱۴۰) یا مُغْنی (۱۱۱۱)
یا مُقْنی (۲۱۱) یا مُفْنی (۱۴۱)
یا مُحْیی (۷۹) یا مُرْضی (۱۱۶۱)
یا مُنْجی (۱۱۴)

۴۱۰۱

۱۰۲۵	۱۰۲۸	۱۰۳۱	۱۰۱۷
۱۰۳۰	۱۰۱۸	۱۰۲۴	۱۰۲۹
۱۰۱۹	۱۰۳۳	۱۰۲۶	۱۰۲۳
۱۰۲۷	۱۰۲۲	۱۰۲۰	۱۰۳۲

۱۰۲۴	۱۰۲۵	۱۰۲۹	[illegible]
۱۰۲۸	۱۰۱۷	۱۰۲۳	۱۰۲۶
۱۰۱۹	۱۰۳۲	۱۰۲۴	۱۰۲۲
۱۰۲۵	۱۰۲۴ ۱۰۲۱	۱۰۲۰	۱۰۳۰

صادق علیه السلام که هر که ارزو کند چنین برادران ایمانی برضای
خدا تعالی باشد و خدا ازو راضی باشد بیرون برود از دنیا
تا بدهد خدا تعالی تمنای او را این حدیث را از جعفر رسول ص
نیز روایت کرده اند و دیگر انحضرت فرموده که هر گاه دعا کنی پس بدانکه
حاجت تو بدر رسیده پس روا خواهد شد پس اگر گوئی که می‌بینیم بسیاری
از مردم که دعا میکنند و حاجت خود را میخواهند از خدا تعالی و اجابت
نمیفرماید دعای ایشان را و حاجت ایشان را روا نمیکند پس چه باشد
معنی قول حق جل و علا که اُجیبُ دَعْوَةَ الدّاعِ جواب انکه گفته اند که
سبب منع اجابت اخلال بشروط انست از طرف سائل که از خدا تعالی
سوال کرده باشد و عدم انتحال اداب و شرایط دعا و رعایت نکرده
باشد چه دعا را اداب و شروط است که ناچار است از ان کسی
ذکر خواهد یافت ان شاء الله تعالی روایت کرده عثمان بن عیسی از
شخصی که او روایت کرده از ابی عبد الله ع که من گفتم مر انحضرت را که
دو ایه است از کتاب الهی که طلب میکنم انرا و نمی یابم تاویل انرا فرمود
که کدام است ان دو ایه گفتم قول الهی که اُدْعُونی اَسْتَجِبْ لَکُمْ پس ما
که ما دعا میکنیم و نمی بینیم اثر اجابت را فرمود که هیچ میبینی و میدانی
که حق تعالی خلاف وعده خود کند گفتم نه فرمود که پس این چه

نواند بود

یا اَوَّلَ کُلِّشَیءٍ وَآخِرَهُ (۱۲۲۰) یا اِلٰهَ کُلِّ شَیءٍ وَمَلیکَهُ (۵۱۹) یا رَبَّ کُلِّ شَیءٍ وَصانِعَهُ (۷۹۶)
یا بارِئَ کُلِّشَیءٍ وَخالِقَهُ (۱۳۲۸)
یا قابِضَ کُلِّ شَیءٍ وَباسِطَهُ (۱۴۵۶)
یا مُبْدِئَ کُلِّشَیءٍ وَمُعیدَهُ (۵۶۴)
یا مُنْشِئَ کُلِّ شَیءٍ وَمُقَدِّرَهُ (۱۱۲۸)
یا مُکَوِّنَ کُلِّشَیءٍ وَمُحَوِّلَهُ (۵۸۳)
یا مُحْیِیَ کُلِّشَیءٍ وَمُمیتَهُ (۹۴۱)
یا خالِقَ کُلِّشَیءٍ وَوارِثَهُ (۱۸۲۱)

نواند بود گفتم نمیدانم فرمود که ولیکن من اخبار کنم ترا که کسی که اطاعت کرد
خدا را در انچه امر فرموده باو بعد از ان دعا کند او را از جهت دعا
تا دعای او را اجابت فرماید گفتم چه چیز است جهت دعا فرمود انست
که ابتدا کنی بحمد الهی و یاد اوری نعمتهای نامتناهی او را نزد خود پس شکر
او را بجا اری و باز صلوات بر محمد و آل او صلوات الله علیهم فرستی
پس یاد کنی گناهان خود را و اقرار بان بکنی و استغفار از ان نمائی پس اینست
جهت دعا بعد از ان فرمود که ایه دیگر کدام است گفتم قوله تعالی
وَما اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَیءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ یعنی و انچه نفقه میکنید از چیزی
که شما را است در راه خدا تعالی پس خدا تعالی عوض میدهد و من نفقه
میکنم و نمیبینم عوض را فرمود که هیچ دیدی که خدا تعالی خلف وعده خود
کند گفتم نه فرمود که پس سبب این چیست گفتم نمیدانم فرمود که اگر
یکی از شما حاصل کند مال را از ممر حلال و در نفقه نماید و صرف کند
در راه حق تعالی عوض ان بوی رساند و انکه دعا نماید با انکه سوال
کرده چنین بر اگر صلاح نیست مر او را دادن و در ضمن ان مفسده هست
مر او را یا غیر او را انچه ممکن نباشد که دعا کند و بخواهد از حق تعالی
چیزی که حکمة بالغه اش تقاضای انکند انچنین که صلاح داعی در ان
باشد مگر که انجا فرماید دعای او را و بر داعی نیست که این را شرط

۱۰۳۵۶

۱۵۸۸	۱۵۹۲	۱۵۹۵	۱۵۸۱
۱۵۹۴	۱۵۸۲	۱۵۸۷	۱۵۹۳
۱۵۸۳	۱۵۹۷	۱۵۹۰	۱۵۸۶
۱۵۹۱	۱۵۸۵	۱۵۸۴	۱۵۹۶

ياخبير ذاكر و مذكور ٢٧١٤ — ياخبير شاكر و مشكور ١٩١٤ — ياخبير حامد و محمود ٩٧٨

ياخبير شاهد و مشهود ١٤٩٢

ياخبير داع و مدعو ١٢٢٢

ياخبير مجيب و مجاب ١١٢٨

ياخبير مونس و انيس ١٠٩٤

ياخبير صاحب و جليس ١٠٣١

ياخبير مقصود و مطلوب ١١٥٤

ياخبير حبيب و محبوب ٩٠٧

١٣٦٣٤

كند بايشان با فضل نمايد بجهان كه البته اجابت ميفرمايد انرا اگر افضال كند
مصلحت ان اجابت دانا خبير فرمايد انرا از براى او اگر مصلحت نباشد اى
تاخير كند چنانچه حق سبحانه و تعالى فرموده كه و لو يعجل الله للناس الشر
استعجالهم بالخير لقضى اليهم اجلهم و اگر تعجيل كند خداى تعالى
براى مردمان با اجابت دعاى بد چنانچه شتابان ايشانست بسرعت
اجابت دعاى خير هر اينه گذارده شود بسوى ايشان اجل ايشان
و هلاك شوند يعنى اگر ما دعاى بد ايشان را بزودى اجابت كنيم چنانكه
دعاى خير ايشانرا مستجاب ميگردانيم ايشان زود هلاك شوند
و در دعاى اهل البيت عليهم السلام وورود يافته اى انكه تغيير ميكند
حكمت بالغه خود را بوسايل چون علم غيب از عبد مطلوب نيست
و هر بنده نميداند انرا و بسا معارضه ميكند عقل او را قوى شهوت
و عارض ميگردد او را خيالات نفسانيه پس در امرى كه از چيزى كه
در و فساد است صلاح توهم ميكند انرا بجهت پس طلب ميكند
از حق سبحانه و تعالى انرا از الحاح در سؤال برآن مينمايد پس اگر حق تعالى
تعجيل فرمايد اجابت او را و او خواهش او را بدهد البته هلاك شود و اين
امريست ظاهر العيان يعنى از بسا كه بسبب واقع ميشود و بسيارى از آنچه طلب
ميكنيم از چيزى بعد از ان استغفار بحق ميبريم از و و بخواهيم او را و بسا

٣٤٠٨	٣٤١١	٣٤١٤	٣٤٠١
٣٤١٣	٣٤٠٢	٣٤٠٧	٣٤١٢
٣٤٠٣	٣٤١٦	٣٤٠٩	٣٤٠٦
٣٤١٠	٣٤٠٥	٣٤٠٤	٣٤١٥

استعاذه

يامن هو لمن دعاه مجيب ٣٦٧ — يامن هو لمن اطاعه حبيب ٣٤٠ — يامن هو

الى من احبه قريب ٥٧١

يامن هو عن استحفظه رقيب ١٨٧٠

يامن هو عن رجاه كريم ٦٨٣

يامن هو عن عصاه حليم ٣٥٨

يامن هو فى عظمته رحيم ١٧٧٥

يامن هو فى حكمته عظيم ١٥٩٥

يامن هو فى احسانه قديم ٤٨١

يامن هو عن اراده عليم ٥٦٥

افضل عبادة دعاست و هرگاه كه دستورى داد خداى تعالى مر بنده خود را
در دعا ميگشايد از براى او درى از رحمت بدرستيكه هيچكس با دعا هلاك
نگشته   معاوية بن عمار گويد كه گفتم مر ابى عبدالله را در باب
دو مرد كه هر دو نماز كننده باشند در يكساعت پس يكى قرآن تلاوة
كند و تلاوة اين بيشتر باشد از دعا ان ديگر و دعا كند آن ديگر و دعا
او بيشتر باشد از تلاوة اين و بعد از ان هر دو از نماز منصرف شوند در
يكساعت كدام از اين هر دو افضل است فرمود كه هر دو را در و فضلست و هر دو
در آن نيكى است گفتم كه ميدانم كه كل اينها در آن نيكى است و كل اينها را
در آن فضل است ليكن كدام از اين هر دو افضل است فرمود كه دعا افضل
است آيا نشنيده قول حق سبحانه و تعالى وقال ربكم ادعونى استجب لكم ان الذين
يستكبرون عن عبادتى سيدخلون جهنم داخرين بدان والله عبادت است
والله ان افضل والله ان اشد عبادت است والله اين مكرر كرد تا سه نوبت
يعقوب بن شعيب گويد كه شنودم از ابا عبدالله عم كه ميفرمود كه خداى تعالى
فرستاد بادم عم كه جمع كنم از براى تو كلام خود را در چهار كلمه
اى پروردگار من انها كدامند فرمود كه يكى از براى تو و يكى از براى من
و نسبت يكى ميان من و ميان تو پس آدم گفت بيان فرما اى پروردگار من
فرمود اما آن كلمه كه از براى منست انكه پرستش كنى و شريك نگردانى

١٣ — ٩٤ — ١٩٠٥

٢٢٢٦	٢٢٢٩	٢٢٣٢	٢٢١٨
٢٢٣١	٢٢١٩	٢٢٢٥	٢٢٣٠
٢٢٢٠	٢٢٣٤	٢٢٢٧	٢٢٢٤
٢٢٢٨	٢٢٢٣	٢٢٢١	٢٢٣٣

اللهم انی اسئلك باسمك یامسبب یارغب یامقلب

٤٠٢ ١١٥ ١٢٥٣ ١٨٣

یامعقب ٢٢٣ یامرتب ٦٥٣

یامخوف ٧٣٧ یامحذر ٩٥٩

یامذکر ٩٧١ یامسخر ٩١١

یامغیر ١٢٦١

٧٦٦٨

بمن چیزی را و اما آن کلمه که از برای بهشت است که جزا میدهم ترا بعمل تو و نخم
احتیاج تو بیشتر باشد بسوی آن و اما آنکلمه که میان من و تست پس بر تست
دعا و بر من است اجابت و اما آن کلمه که میان تو و میان مردمانست پس آنستکه
راضی شوی از برای مردمان آنچیز را که راضی گشتی از برای خود
محمد بن حسن صفار آورده در کتاب بصایر مرفوع بحسین بن یوسف و او
از برادر خود علی و او از پدر خود و او از سلیمان بن عثمان بن الاسود
و او از کسی که بسوی رفع کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده
که داخل شوند در بهشت دو مرد که هر یک عمل کرده باشند پس یکی از آنها
ببیند صاحب خود را که مرتبه او بالای مرتبه اوست گوید که ای پروردگار من
بچه عمل این مرتبه را بوی ارزانی داشتی و حال آنکه ما هر دو یک عمل کرده‌ایم
حق سبحانه و تعالی فرماید که او از من سؤال کرده بود و تو نکرده بودی که
بعد از آن فرموده حضرت که سؤال کنید خدا را و بسیار بطلبید که
مانعی نیست او را از عطا باین اسناد وارد شده که حضرت
پیغمبر صلعم فرموده که هر بنده باید که سؤال کند از خدا تعالی تا بر او اندر شمار
ثواب بدهد بسبب آنکه خیال میکنند کاملکه عمل میکنند پس عطا فرماید بدیشان

١٩٠٩	١٩٢٣	١٩٢٠	١٩١٦
١٩٢١	١٩١٥	١٩١٠	١٩٢٢
١٩١٤	١٩١٨	١٩٢٥	١٩١١
١٩٢٤	١٩١٢	١٩١٣	١٩١٩

صحیح

یامن علمه سابق ٤٠٩ یامن وعده صادق ٣٨١ یامن لطفه ظاهر ١٢٣١

یامن امره غالب ١٣٨٠

یامن کتابه محکم ٦٣٦

یامن قضاؤه کائن ١١١٨ / ٧

یامن قرانه مجید ٥١٤ ~~٣١٣~~

یامن ملکه قدیم ٣٥٠

یامن فضله عمیم ١٢٧٦

یامن عرشه عظیم ١٥٩٦

~~٨٧٥٩~~

٨٩٦٠

صحیح

گفت من ندیدم و او را از بی بهره در موضع خود و قول حضرت علیه السلام
که دعا ملحون بجانب بالا بسوی خدا تعالی نمیرود یعنی ملحون نمیرسد
بسوی او چه حافظ بر حفظه بچیزی که موجب لحن است گاهی که
تغییر کنند معنی باشد آنکه پاداشت او ایشان دهند که اگر تغییر
معنی قصد او نباشد مجاز آن بر قدر قصد و مراد او از دعا او خواهند
داد و موید این انست که روایت کرده محمد بن یعقوب از علی بن ابرهیم
و او از پدر خود و او از نوفلی و او از سکونی رحمهم الله و او از ابی عبد الله
علیه السلام که او روایت میفرماید از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که مرد عجمی باشد از امت من که قرائت کند قرآن را با الفاظ عجمی پس ملائکه
بالا برند آن را بعربیت آن با آنکه ما میبینیم در دعا های اهل البیت علیهم السلام
بسیاری را از الفاظ که عبد آنیم معنی آن را و از این قبیل است بعضی از آن
اسماء و افسانست و دیگر اغراض و حاجات و فوائد و طلبات این از حق تعالی
در میخواهیم بآن اسما و طلب میکنیم از وان اشیا را و ما نمیدانیم همه آنرا و نگفته
کسی که مثل این دعا هر گاه که معرب نباشد مردود است با آنکه فهم عامی
از برای الفاظ ملحونه بیشتر است از فهم نحوی از برای معانی دعوات
غریبه که واقف نیست بر تفسیر آن و بر لغات آن بلکه مجرد اعراب آنرا
میداند و حق سبحانه و تعالی جزا میدهد او را بر قدر قصد و نیت او و ثواب

٢٢٣٩	[illegible]	[illegible]	٢٢٣٢
٢٢٤٤	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	٢٢٣٨	٢٢٤١	٢٢٣٥
٢٢٣٣	[illegible]	٢٢٣٧	[illegible]

یا من لا یشغله سمع عن سمع
۱۹۳۷

یا من لا یمنعه فعل عن فعل
۷۸۷

یا من لا یلهیه قول عن قول
۵۱۴

یا من لا یغلطه سؤال عن سؤال
۱۵۰۲

یا من لا یحجبه شیٔ عن شیٔ
۹۰۲

یا من لا یبرمه الحاح الملحین
۶۰۶

یا من هو غایة مراد المریدین
۱۷۱۸

یا من هو منتهی همم العارفین
۱۱۴۴

یا من هو منتهی طلب الطالبین
۷۹۱

یا من لا یخفی علیه ذره فی العالمین
۲۲۷۴

۱۲۳۴۵

عطا میفرماید بر نیت او چه حضرت رسول ص فرموده که
صحت اعمال به نیتها است و دیگر فرموده که نیت مؤمن بهتر
از عمل اوست و این بعضی است درین باب زیرا که جزا واقع میشود
بر نیت پس منتفع میشود بان داعی و اگر واقع کرده بر ظاهر هر اینه
هلاک کرده و آنحضرت فرموده که سین بلال نزد یک خدا بتعالی
شین است یعنی شین اشهد را سین میگفت بلال و امام مرتضی
بخدمت امیر المؤمنین صلوات الله علیه پس گفت با امیر المؤمنین
بلال امروز فلان لفظ گفت و شنیده بکرده و لحن بسیار مینمود در کلام خود
و او فصیح و معرب میگفت میخندید بگفتن بلال آنحضرت فرموده که
ای بنده خدای مراد از اعراب و راستی و درستی کلام تصحیح نیکوی پاکیزگی
اعمال است فایده نکند علانرا اعراب و خوبی کلام که هیچ افعال او
ملحون و ناپسند باشد بر زشت ترین وجهی و ضرر نکند بلال را لحن در کلام
هرگاه که افعال او ستوده و اعمالش پسندیده باشد بلحن سود نی
پس ثابت شد باین حدیث که لحن داخل میشود در عمل چنانچه داخل میگردد
در لفظ و اما خبر دوم که قول ابی عبدالله بود علیه السلام مراد باو
احکام در روایت چنان باید کرد که تغییر در آن واقع نشود و مستند ما
این است قول رسول الله ص که رحمت الهی بر کسی باد که بشنود مقال

۳۰۸۶	۳۰۸۹	۳۰۹۲	۳۰۷۸
۳۰۹۱	۳۰۷۹	۳۰۸۵	۳۰۹۰
۳۰۸۰	۳۰۹۴	۳۰۸۷	۳۰۸۴
۳۰۸۸	۳۰۸۳	۳۰۸۱	۳۰۹۳

م

یا حلیما لا یعجل
۲۴۴

یا جوادا لا یبخل
۶۹۹

یا صادقا لا یخلف
۹۵۱

یا وهابا لا یمل
۱۳۷

یا قاهرا لا یغلب
۱۳۹۱

یا عظیما لا یوصف
۱۱۴۹

یا عدلا لا یحیف
۲۵۵

یا غنیا لا یفتقر
۱۸۹۳

یا کبیرا لا یصغر
۱۵۷۵

یا حافظا لا یغفل
۲۰۵۲

سبحانک یا لا اله الا انت
۷۰۲

الغوث الغوث الغوث
۱۵۲۷ ۱۵۲۷ ۱۵۲۷

خلصنا من النار یا رب
۱۳۵۶

۱۸۰۲۲

از حضرت صادق علیه السلام وارد است که وحی فرمود خدای تعالی بسوی
موسی بن عمران ع که ای موسی من نیافریدم آفریده که دوست‌تر باشد
بسوی من از بنده من که مومن باشد و بدرستیکه من بلا میفرستم
او را و مبتلی میکردانم او را بچیزی که آن بهتر است مر او را و من با آنچه
صلاح بنده من در آنست بهتر میدانم پس باید که شکیبائی نماید
بر بلای من و باید که شکر گوید بر نعمای من که ثبت میکنم او را در
جریده صدیقان نزد یک خود هرگاه آن بنده عمل بر رضای من کند و اطاعت
امر من نماید و از امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که خدای سبحانه
و تعالی فرموده از بالای عرش خود که ای بندگان من عبادت کنید در آنچه
امر کرده‌ام شما را بان و تعلیم مکنید مرا بچیزی که صلاح شما در آنست
پس بدرستیکه من داناترم بان و بخل نمیورزم بر شما بمصالح شما و از
حضرت پیغمبر ص روایت کنند که فرموده که ای بندگان خدا شما مانند
بیمارانید و پروردگار عالمیان طبیب پس صلاح بیماران در چیزیست که
از طبیب میداند و تدبیر و علاج ایشان بان مینماید نه در چیزیست که
اشتهای بیمار او بحکم آن میخواهد پس آگاه باشید و تسلیم کنید امر خود
بخدای تعالی تا باشید از جمله رستگاران و از صادق ع مرویست که
شگفت دارم مرد مسلمانی را که رضا بحکم الهی ندهد آن حکمی

۴۵۰۵	۴۵۰۸	[illegible]	۴۴۹۸
۴۵۱۰	۴۴۹۹	[illegible]	۴۵۰۹
۴۵۰۰	[illegible]	[illegible]	۴۵۰۳
۴۵۰۷	۴۵۰۲	۴۵۰۱	۴۵۱۲

ابن دعا صد فصل است و هر فصلی مشتمل بوده اسم الهی است و در اخر هر
فصل باید کفت سبحانك یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار
یا رب

ودر بلد الامین است که در
اول هر فصل بسم الله بکوید
و در اخرش سبحانك یا لا
اله الا انت الغوث الغوث
صل علی محمد واله وخلصنا
من النار یا رب یا ذا الجلال
والاکرام یا ارحم الراحمین

کتبا باشد مکر خیر او در ان واکرچه او را بمعراض بیرند هست ان
خیر خواهد بود از برای او نیز از انحضرت منقول است که حق سبحانه
وتعالی فرموده که باید حذر کند بنده من انکه شك باشد در رزق
من بو که غضب کرده ام پس بکشایم بر و دری از دنیا یعنی تنکی
رزق از غضب نباید دانست و در انجیر وحی فرستاده حق سبحانه
وتعالی بر داود ع انستکه هر انکه منقطع کردد از دنیا و بمن التجا
ارد کفایت کنم خواهش او را و هر که از من سوال کند بدهم او را و هر که
دعا کند بدرکاه من اجابت کنم او را و من تاخیر میکنم در بعضی اوقات
دعوت او را و ان معلق میماند و باید دانست که مستجاب خواهد کردید
وقتی که تمام شود قضای من پس هر کاه که تمام شود قضای من
انعام خواهم کرد انچه سوال کرده بود و بکو مر مظلوم را که نیست
وجز این نیست که من تاخیر میکنم دعوت ترا و مستجاب میکنم ان
دعا را برای تو بر انکس که بر تو ظلم کرده از برای فواید بسیار که
پنهانست از تو و من احکم حکم کنندکانم یا انستکه کردی بر دیکر
وا و دعا باید کرد بر تو پس باشد این با ان برابر نه از برای تست و نه بر تو
و یا انستکه باشد از برای تو درجه در بهشت که نمیرسی بان درجه
نزد من مکر بسبب ان ظلمی که بر تو رفته هر اینه من امتحان میکنم بندکان

خودرا

بسم الله الرحمن الرحیم ٧٨٦

والشمس وضحیها ١٣٦٧

والقمر اذا تلیها ١٥٢٥

والنهار اذا جلیها ١٠٤٤

واللیل اذا یغشیها ٢١٣٥

والسماء وما بنیها ٢٥٤

والارض وما طحیها ١٢٥٨

ونفس وما سویها ٣٢٥

فالهمها فجورها وتقویها ٩١٥

قد افلح من زکیها ٣٥٦

وقد خاب من دسیها ١١٣

کذبت ثمود بطغویها ٢٧٠٥

فصل ادمی از دعائیکه میکند چنانچه شنوده میشود از بعضی که
میکویند نزد زیارة معصومی ع که اشهد انك قَتلتَ وظَلمتَ
وغَصبتَ بفتح اول کلمه که فعل مبنی از برای فاعل باشد و ظاهر
این بد است زیرا که قتل و ظلم و غضب بوی نسبت میکند بلکه امر
بعکس است که بضم اول این کلمات معنی درست است که این
افعال مبنی از برای مفعول باشند یعنی تو مقتول کشتی و مظلوم و مغصوب
شدی و این معلوم است بضرورة که این دعا که شنوده میشود
در حالتیکه جاری است بر لحن ان هر اینه حکم میکنیم بارتداد
او وجوب تعزیر او و کسی بر من نرفته که او مرتد و واجب التعزیر است
پس دلالة کرد این بر انکه دعا جاری نیست بر ظاهر لفظ او هر کاه
که مقصود او غیر ان باشد چه کفته اند ما بر وی نیز انستکه یم
قال را ما در وی نیز انستکه یم دحال را ودالست بر بن اجماع فقها
اعلی الله سبحانه در حکم بر انکه ادمی اکر قذف کند دیکری را بلفظیکه
مفید قذف نباشد در عرف قائل ان نه قذف هست و بر او عقوبة
متوجه نیست و اکرچه ان لفظ مفید قذف باشد در عرف غیر او
پس معلوم شد که اعراب الفاظ شرط نبوده در ایجاد دعا و ثواب
مترتب بر و بلکه شرطیست در تمامیت فضیلت و کمال منزلت

ولا یخاف عقبیها ٩١٦

فکذبوه فعقروها فدمدم علیهم ربهم بذنبهم فسویها ٢٩٠٦

فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقیها ١٣٤٧

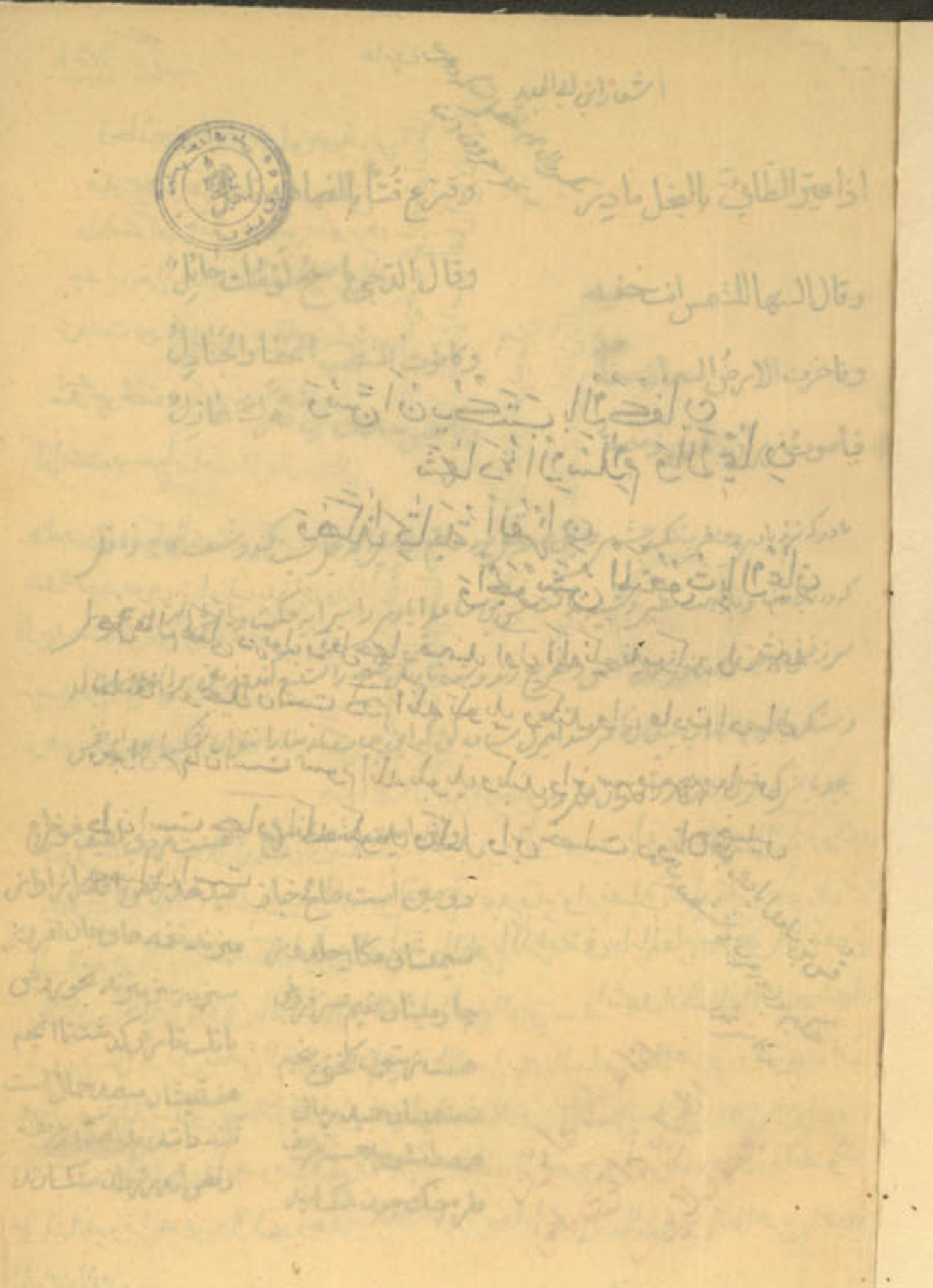
اذ انبعث اشقیها ١٢٦١

وعلو رتبتا و وانچه جواد علیه السلام فرموده که دعا ملحون نمیبالا
کرد این نازل منزلت مدح است واین بجهت آنست که هرگاه
ملحون نباشد دلالت الفاظ بر معانی بغایت ظاهر خواهد بود
والفاظ ظاهر الدلاله بر معانی افضل اند از الفاظ متناوله ولهذا
حقیقت افضلست از مجاز ومبین اولی است از مجمل ونیز این فصیح
است وفصاحت مطلوبست در دعا بخصوص که منقول از ائمه
علیهم الصلوة والسلام باشد تا دلالت کند بر فصاحت منقول عنه
ودر اظهار فضیلت معصوم است ونیز هرگاه که لفظ متغیر نیست
نفرت نمیکند طبع شنونده از وی وقتیکه او ملحون نیست وهرگاه که او را
ملحون شنید نفرت می نماید طبع از وی وبسا که متألم میگردد از وی گویند
اعمش شنید مردی را که تکلم میکرد ولحن در کلام خود مینمود گفت
کیست که تکلم میکند ودل من از وی متألم میگردد وروایت کنند که مردی گفت
بمردی دیگر که آیا میفروشی این جامه را گفت لا عافاک الله یعنی عافیت
دهد ترا خدا تعالی گفت چه بودی اگر میدانستی که چه میگویی بگو
لا وعافاک الله یعنی بعد از لا واو بیار تا کسی بر آن حمل نکند که عافیت
ندهد ترا خدا تعالی وآورده اند که یکی از بزرگان بیکی گفت که فلان
چیز داری گفت لا واطال الله بقاءک یعنی نه وخدا تعالی بسی بدارد ترا

اوکفت

مرا ودر گوش کر دارا واداکند همچنانکه شنید از این بسا از حامل علم
که او فقیه نباشد واینست قول صادق علیه السلام که چون روایت
کنید از ما پس اعراب دهید آنرا زیرا که احکام متغیر میشود بتغییر
اعراب در کلام ای نمیلنی ونمنکری بقول حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وقتی که پرسیدند که ما ذبح میکنیم شتر وگاو وگوسفند را
ودر شکم او بچه میباشد بیندازیم یا بخوریم فرمود که بخورید فان
فَاِنَّ ذَكَاةَ الْجَنِینِ ذَكَاةُ اُمِّهِ یعنی بخورید آنرا اگر خواهید که ذکات
بچه ذکات مادر اوست بعضی مردم روایت کرده اند برفع ذکات دوم
بر جنین باشد یعنی او که کشتن مادر او مباح میگرداند کشتن بچه را
یعنی کشتن مادر کافیست از کشتن او واحتیاج بکشتن بچه نیست وبعضی روایت





وسزاوار است مر ترا با ما نا خواستن بجا دعا تو آنکه رضا بقضا

وحکم الهی بدهی و انکه حمل کنی عدم اجابت را بر انچه به بود خود و انکه روی
نموده بتوان عین صلاح است مر ترا اگر چه بار بسیار غایب ... است
امور را بوی باز گذارند و اوصلاح تو از تو بهتر میداند و انچه لازم
مر او را بر تو بجا خواهد اورد چه مرویست از رسول الله صلعم که
خشم نگیرید بنعمتها خدا بر او بحکم چیزی از وی میخواهید
و هرگاه احتیاج پیدا کرد یکی از شما در رزق و معیشت خود پس
باید که حدیث نکند چیز برا که سوال کند او واشاید در ین سوال
چیزی باشد که سبب تلف و هلاک او بود و لیکن باید که بگوید
بار خدایا بحق محمد و ال پاک محمد صلعم اگر هست انکه مکروه میدارم
انرا از کار خود این بهتر است مرا و افضلست در دین من پس
صبر کرامت فرمای مرا بر ان و قوة ده مرا وامداد نما بر کشیدن
این بار گران و اگر خلاف این بهتر است مرا پس جد و سعی فرما بر من
بان و راضی گردان مرا بحکم و قضای خود بر هر حال پس مر تراست سپاس
و ستایش در کل امور و احوال و در ین معنی است انچه روایت کرده اند

د ۴	ج ۳	ب ۲	ا ۱
ح ۸	ز ۷	و ۶	ه ۵
ل ۳۰	ک ۲۰	ی ۱۰	ط ۹
ع ۷۰	س ۶۰	ن ۵۰	م ۴۰
ر ۲۰۰	ق ۱۰۰	ص ۹۰	ف ۸۰
خ ۶۰۰	ث ۵۰۰	ت ۴۰۰	ش ۳۰۰
غ ۱۰۰۰	ض ۹۰۰	ظ ۸۰۰	ذ ۷۰۰

احمد

وَیُسَنُّ اَنْ یُکْتَبَ بِالْاَکْفَانِ
شَهَادَةُ الْاِسْلَامِ وَالْاِیمَانِ
وَهٰکَذَا کِتَابَةُ الْقُرْاٰنِ
وَالْجَوْشَنُ الْمَنْعُوتُ بِالْاَعْیَانِ

اهل عالم همگی در قول و فعل چهار قسمند اول آنکه نگوید و نکند و آن شیمه منافقان و بخیلان است دوم آنکه نگوید و بکند و آن عادت آدمیان و جوانمردان است سوم آنکه بگوید و بکند و این سیرت خرم معاشان است چهارم آنکه بگوید و نکند و این خصلت دونان و خسیس همتان است

اشعار ابن ابی الحدید [illegible]

اذا عیّر الطائیَّ بالبخل مادرٌ
وعیّر قسّاً بالفهاهة باقلُ

وقال السها للشمس انت خفیة
وقال الدجی یا صبح لونک حائلُ

وطاولت الارض السماء سفاهة
وکاثرت الشهب الحصا والجنادلُ

فیا موت زر ان الحیوة ذمیمة
ویا نفس جدی ان دهرک هازلُ

مادر که نزد بادی و حاضر به تنگ چشمی و ضیق صدر مثل بود حاتم طائی را به بخل نسبت کند و شنعت نماید و باقل کرد بلادت و بلاهت نظیر و شبیه نداشت قس بن ساعده ایادی را بی‌مایه حکمت و دانش الکن به بی‌خردی سرزنش نماید و ستاره سها شمس را تعریض زند و شب تاریک صبح را تشنیع کند و زمین بر آسمان ببالد و سنگ پاره به شهاب بنماید فرستد ای مرگ شتاب کن که این حیات نازیبا را نتوان شکیبا بود ای نفس بجد باش که هزل روزگار را نتوان جد داد

قس بن ساعده ایادی [illegible]

اولین است اشعث سراج — هست مردی لطیف فرخ طرح
دومین است صالح خباز — میدهد رقص ناقه را ز آواز
سیمشان عکار جلدوز — میزند نغمه‌های جان‌افروز
چارمینشان نعیم سبزفروش — سبز در سبز میزند بخروش
هست زیتون کلوخ پنجم — بانک تارش کند شتا تا انجم
ششمینشان حمید رمال — هفتمینشان سعید جمال است
همه دانشور و بجستن ظریف — نکته دانند بذله‌گو و حریف
طره چنگ چون ملنگ آرند — رقص اندر روان سنگ آرند

عارف

زخانه‌ئین وطن جز به پای جوبه دار

میان جمع تو تفریق در حساب مکن

دل است کعبه آمال و مجلس شوری

چه این خراب شد آن کعبه را خراب مکن

ز دست برد وکیل و وزیر قارت کرد

شدیم چو مخت دیگر در انتخاب مکن

گذاشت بو سر یا صاحب الزمان دجال

عمامه وای دیگر پای در رکاب مکن

شدی چه موی ز باریک بینی ای عارف

اگر بدست تو موا دفتد طناب مکن

رسید هر که ز در دی بمقصدی عارف

تو هم بمقصد خود می‌رسی شتاب مکن

بسم الله الرحمن الرحیم

احمد الله جل جلاله الذی ابتدئنی بالوجود والوجود ربانی فی ظهور الآباء والجد

وبطون الامهات والجدات والهمنی التشریف بمعرفته وارتضانی لعبادته ودلنی علی طر

السلامة من الندا والاستظهار لیوم القیامة والظفر بالکرامة فی دار المقام وعرفنی ان معی

ملائکة حافظین وامرنی بالمحاسبة والاحتیاط لیوم الدین — واشهد ان لا اله الا الله شهاد

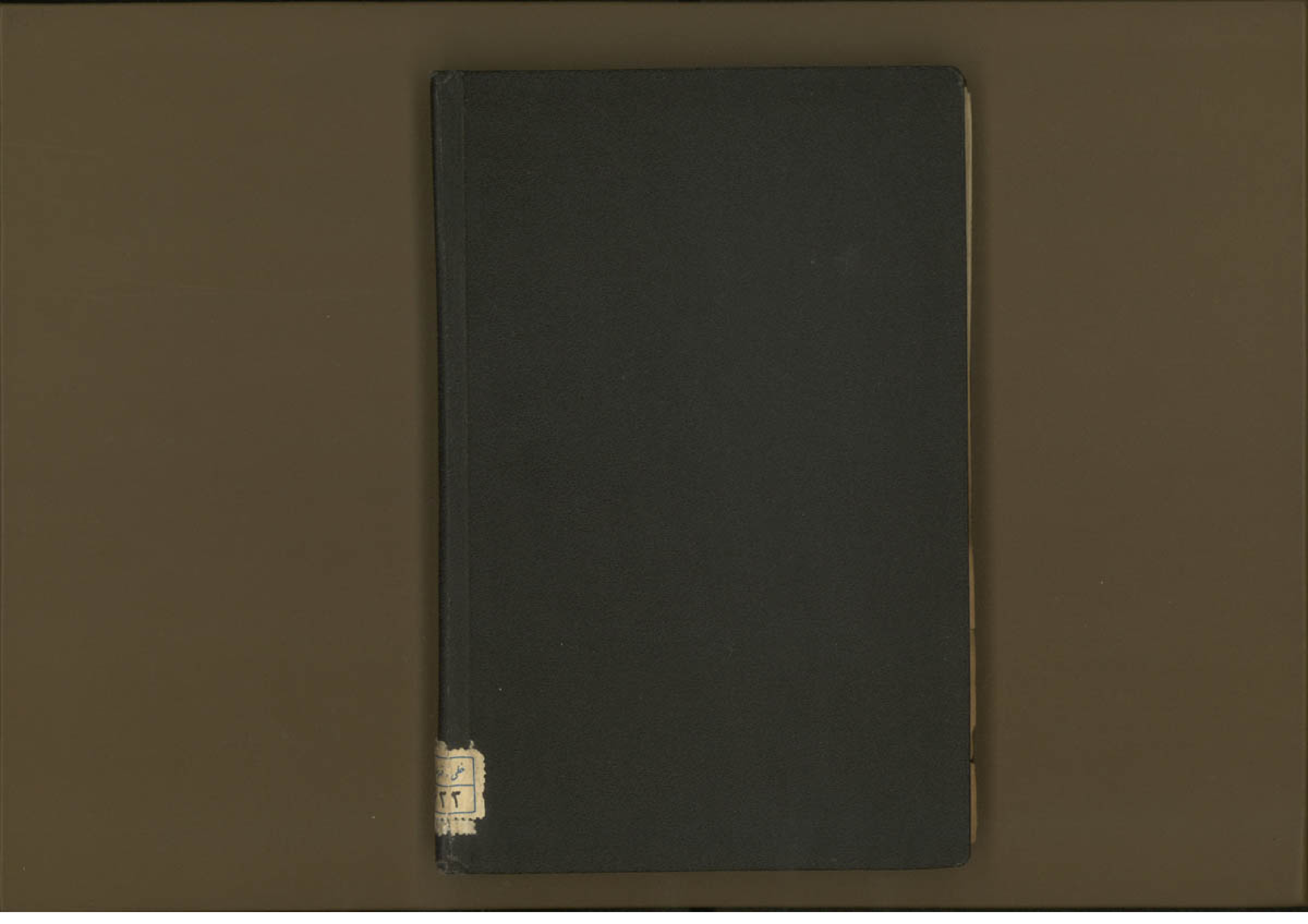
صدرت عما شرفنی به من الیقین وعرفنی من الاسرار عن السلف الطاهرین واشهد ان

محمدا سید المرسلین وخاتم النبیین شهد له بذلک رسالة جل جلاله ما لک الاولین

والآخرین عما کمل فی ذاته وصفاته ومعجزاته وآیاته الباهرة فی حیوته وبعد وفاته وکشف

علی لسانه وقرانه من دلالته وهدایته واسراره وغایاته واله الطیبین الطاهرین اجمعین

الی یوم الدین


خطی